



۴ پیام  
تقدیر مقام معظم رهبری  
از حضور ملت در بهمن

۱۶ سینما  
مد مکس در تدمر  
نقد به وقت شام اثر ابراهیم حاتمی کیا

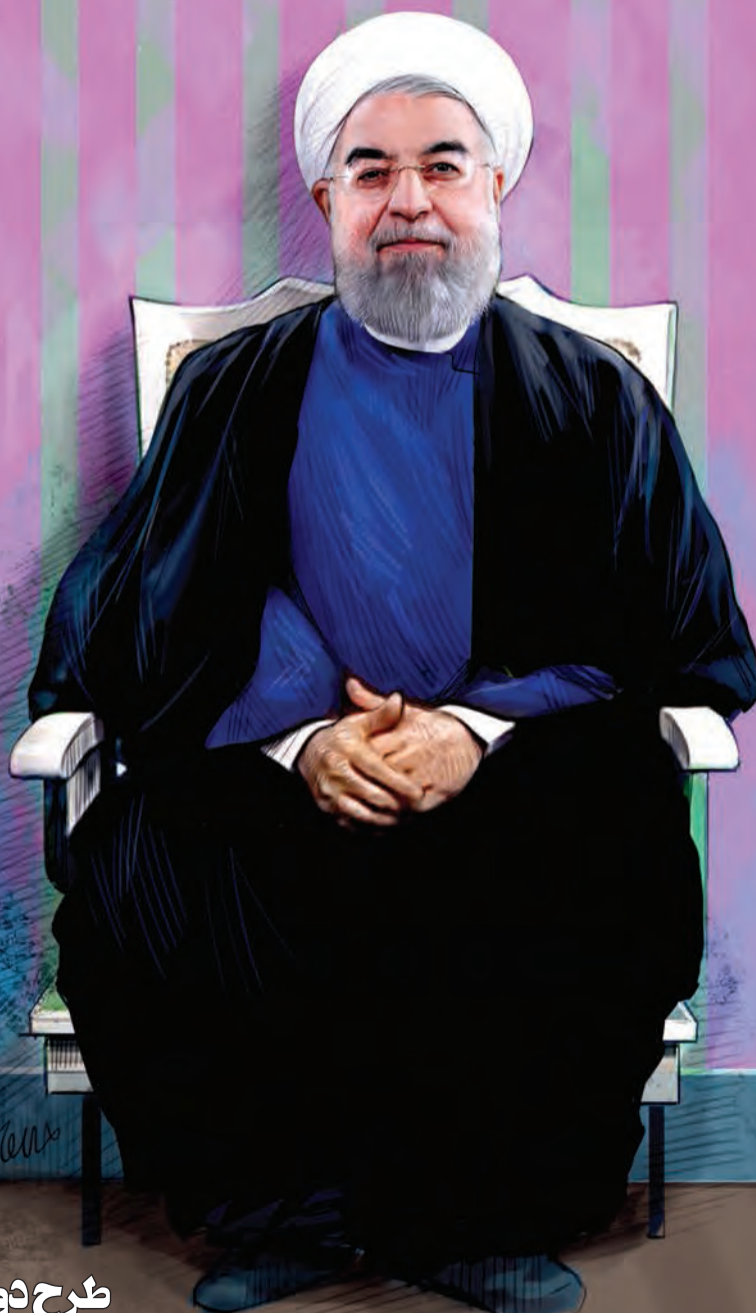


۳۲ پاورقی  
مرد بحران  
خاطرات سال ۱۳۷۴ آیت الله هاشمی

۱۴ موسیقی  
نوشداروی پس از مرگ حبیب  
صدای حبیب از رسانه ملی بخش شد

# روحانی: پیاده‌شدگان قطار انقلاب سوار شوند

برخی خودخواسته پیاده شدند اما بعضی را از قطار انقلاب پیاده کردیم که می‌توانستیم این کار را نکنیم • هر کس به قانون اساسی معتقد باشد انقلابی است  
چهل سال پس است کینه‌ها را رها کنیم • اصل ۵۹ قانون اساسی درباره رفتارندوم است یعنی هر چه مردم گفتند عمل کنیم



۲ سرمقاله

بازگشت  
به کدام انقلاب؟

۳ راهبرد

بیانیه کارگزاران سازندگی ایران:  
تنها راه تداوم مشروعیت  
جمهوری اسلامی  
کارآمدی است

۳۲ خبرآتر

سازندگی خبر می‌دهد:  
تشدید فشار بر مسجد جامع

۶ دیپلماسی

طرح دولت ترامپ برای حفظ برجام  
گفت‌وگوی اختصاصی با معمار تحریم‌های هسته‌ای در دولت اوباما

۸ مجلس

سازندگی خبر می‌دهد:  
رد پیشنهادهای بودجه‌ای لاریجانی از سوی روحانی

## سخن سازندگی

## روزنامه‌های برای نسل شبکه‌وندان

چگونه از همشهری به سازندگی رسیدیم؟



◀ غلامحسین کرباسچی دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی ایران

جمعی که از امروز این نشریه را ارائه می‌کنند رسالوده‌ای در بیش از ۲۰ سال قبل دارد که بر مبنای پیشبرد امر توسعه احساس نیاز کرد با افکار عمومی ارتباط داشته باشد و شهروندان را به مشارکت در اقتصاد، سیاست و فرهنگ فرا بخواند. کار از همشهری و روز هفتم و آفتابگردان شروع شد، بعدها به هم‌میهن و کارگزاران و شهروند و ایراندخت و بالاخره مهرنامه و تجربه و سیاستنامه و آسمان و صدا کشید. در همین سال‌ها و علی‌رغم همه فراز و فرودها و تحمل سختی‌ها و ناسازها از چپ و راست دوست و دشمن و پذیرش توقیف و تعطیل و جریمه و زندانهای حق و ناحق بر این امر پای فشرده شده که «گفتن» و «نوشتن» و «تحلیل» را در داخل این سرزمین رها نکنیم و با نگاه به این الگوی الهی که همواره «کتاب» و «رسول» حتی با پیام خدایی هم از بین همان مردم وهمان سرزمین برگزیده، اینجا بمانیم و اینجا جمع‌مان را حفظ کنیم و اینجا حرفمان را بزیم و اینجا تلاش کنیم...

ما فکر می‌کنیم در مقاطع مختلف در این بیست و چند سال این حرکت و حضور نتایج مستقیم و غیرمستقیمی داشته است. در کنارمان بسیاری از دوستان هم دست به قلم بردند و حتی خیلی از رقیبان که گاهی قلم می‌شکستند خنجر وانهادند و قلم به‌دست گرفتند؛ گویی اینکه گاهی قلم را همچون خنجر به خشونت آوردند، ولی هرچه بود بهتر از گذشته بود...

اما امروز می‌دانیم که دیگر زمین و زمان و انسان تغییر کرده‌است؛ تا آنجا که گفته‌بعضی به‌جای «شهروند» (که همشهری می‌خوانند) که «شبکه‌وند» روبرو هستیم و به‌جای روزنامه صبح یا عصر، هر لحظه با رسانه‌هایی درلحظه مواجهم و از هر کسی و در هر جای این جهان رسانه‌های دیجیتال زمان و مکان و جغرافیا را درنوردیده و خیر و تحلیل و عکس و فیلم و... را منتشر می‌کنند. از سوی جوانانی عزیز داریم که نمی‌از مخاطبان مانند و نه انقلاب را دیده‌اند و نه جنگ را و حتی نه اصلاحات را. بسیاری از آنها با چهره‌هایی که هر روز صداسویمی آنان را مشاهده می‌کنند غریبه‌اند و اعتنایی به آنها ندارند. کسانی که برای مادر این سرزمین روزگاری هیجان‌آفرین و نوستالژیک بودند برای آنها جاذبه‌ای ندارند. از حرف‌های سیاسی خسته‌کننده و تکراری و شعارهای رسمی گریزانند. جوان‌هایی که همه جا- در خیابان، مترو، پارک عمومی و حتی جمع خانوادگی- می‌بینیم که بی‌توجه به دیگران، فروخته در فردیت خود به هدفون و موبایل قفل شده‌اند و بسیاری از فرایندهای اجرایی و اجتماعی جاری راناشی از عقده‌های انباشته در بیرمیران و سیاسیونی می‌دانند

### برادر گرامی جناب آقای مرتضی میلع

مصیبت وارده را به شما و خانواده گرامی تان تسلیت می گویم

و برایتان آرزوی صبر دارم.

غلامحسین کرباسچی، سیدحسین مرعشی، محمدعظایرفر، محمدقوچانی، سعیدلیلاز و عمادالدین باقی

### هوالباقی

به‌مناسبت بزرگداشت یاد و خاطره فقیده سعیده حاجیه خانم سروری مادر گرامی شهید سیدحسین میلع و برادران ارجمند آقایان سیدمهدی میلع و سیدمرتضی میلع، مراسم یادبودی روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن‌ماه ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور- واقع در میدان فاطمی تهران- برقرار می‌گردد. حضور دوستان مایه تسلاخی خاطر باز ماندگان خواهد بود.

# View | راهبرد

باشگاه‌نویسندگان

سخنان رئیس‌جمهور در ۲۲بهمن ۹۶ یک روایت راهبردی از نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است

# بازگشت به کدام انقلاب؟



◀ محمد قوچانی سردبیر

روزی که محمدرضا پهلوی خطاب به ملت ایران اعلام کرد که صدای انقلاب شما را شنیدم، خیلی دیر بود. دیکتاتور ایران سی‌هفت سال فرصت داشت که صدای ملت خود را بشنود؛ آن روز که امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران به او می‌گفت که «ای آقای شاه من تو را نصیحت می‌کنم من دوست ندارم روزی که توفتی مردم خوشحال باشند همان‌طور که روزی که پدرت رفت مردم خوشحالی کردند...» آن روز که دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران در دادگاه نظامی غیرقانونی محاکمه‌ی نخست‌وزیر قانونی کشور گفته بود «شاه باید سلطنت کند نه حکومت...» آن روز که مهندس مهدی بازرگان بنیان‌گذار نهضت آزادی ایرانی در دیگر دادگاه سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی را در افکار عمومی جوامع کم‌اثر کرده است، دیگر بزرگترین و مسلط‌ترین مفسران هم در فضای عمومی قدرت انگیزش چندانی ندارند. گاهی یک موج خبری حتی غیرواقعی و تفسیری ضعیف از یک واقعه چنان توفانی برپا می‌کند که مقابله با آن راحت نیست. آیا این واقعا خطر است؟ فاجعه‌ای تهدیدکننده است؟ باید رسید و به خشونت و بستن و فیلتر کردن (که اثری هم ندارد) روی آورد یا آن را هم مثل خود دموکراسی به فال نیک گرفت؟ همانطور که اقتدار سیاسی از حضور مردم سرچشمه می‌گیرد و امروز همه به آن اذعان داریم، این حاکمیت مردمی و بسط قدرت در شکل‌دهی افکار عمومی و هدایت اندیشه را نیز باید سازنده و مبارک دانست. ما فکر می‌کنیم باید متواضعانه حاکمیت همگانی را در فضای رسانه‌ای و افکار عمومی پذیرفت و آن را مغتن شمرد. این اقتدار منطق و حرف تازه و استحکام تحلیل‌های سیاسی و عقل و اعتدال است که درنهایت اثرگذار است و پیروز نهایی هر رودررویی خواهد بود. باید همه بتوانیم همه حرف‌ها را با هر گستره و منطقی بشنوم و در مقابل آن نوآوری داشته باشیم. اگر حرف حقی باشد باید بتوانیم چیزی را بگویم و استدلال کنیم که جاذبه داشته باشد و نواخواهی نسل جوان خسته از بیانات تکراری را منظور کند.

حاکمیت و پیروزی نهایی از آن منطق حق و نفع مردم و مصالح ملی است. اینها پایدار است بشرط آنکه بتوانیم «حق مدار» و «مردمدار» بمانیم. نوآوری داشته باشیم، یا شجاعت و منطق مقتدر تحلیل‌کنیم و باشهامت و پایداری آن تحلیل را ارائه کنیم. امید آنکه این بار هم این نشریه چنین رویکردی را داشته باشد.

اول، در دهه‌ی ۲۰ علیه انحراف موضع گرفت و بر اسلام تأکید کرد. آن زمان که علیه ترویج عقاید باطل و سبک زندگی فاسد موضع می‌گرفت و علیه الحاد و انکار شریعت و فرهنگ اسلامی کتاب و رساله (مانند کشف‌الاسرار) می‌نوشت. دوم، در دهه‌ی ۴۰ علیه استعمار موضع گرفت و بر استقلال تأکید کرد. گاه می‌گفت که می‌خواهد حتی شاه ایران در برابر استیلا بیگانگان عزت داشته باشد تا محمدرضا پهلوی بفهمد که امام خیر خواهد ملک و ملت است. سوم، در دهه‌ی ۵۰ علیه استبداد موضع گرفت و بر آزادی تأکید کرد. چه آن زمان که در باب اختیار رساله‌ی فلسفی می‌نوشت و چه زمانی که پس از مبارزه بسیار به این نتیجه رسید که سلطنت یعنی حکومت ابدی و موروثی یک خانواده و یک فرد

خلاف حقوق بشر است.

این‌گونه بود که یک پدر، یک پیر، یک امام از میان خیل روحانیان سنتی و روشنفکران انقلابی از گوشه‌ی حوزة و مسجد و مدرسه الهام‌بخش نسل جوان عصر خویش شد و از روزی که از ایران به ناچار رفت تا روزی که با استقبال ملت بگیرد و بر سپاه ستم با سلاح سرد سخن بتازد و مسالمت‌آمیزترین انقلاب را رهبری کند و بدون مبارزه مسلحانه و تأیید تروریسم با اهدافی انقلابی یک نهضت اصلاحی را به قدرت برساند.

انقلاب امام انقلاب جوانان بود. نه انقلاب پیران، کهن‌سال یا میان‌سالان میانه‌حال و نه انقلابیون حرفه‌ای... امام نه هرگز از خانه‌نشینی مبارزان قدیمی افسرده‌شد و نه هرگز حرکت‌های تروریستی انقلابیون چپ‌زده او را به هیجان آورد. رژیم سلطنتی فکری کرد با تبعید امام «از دل پرود هر آن که از دیده رود». آنان فکری می‌کردند نسلی که نهضت ملی را ندیده است، نسلی که امام را از یاد برده است و شاید اصلا نمی‌شناسد انقلاب را هم فراموش می‌کند. اما همواره تا استبداد هست انقلاب هم هست ولو آنکه چاه من در سایه و چون خورشید در حجاب شب باشد. امام پیر بود اما دلی جوان داشت و دل نسل جوان را با خود به تبعید برده بود و از تبعید بر ایران حکومت می‌کرد و هر چه حلقه‌ی محاصره‌ی حکومت بر او تنگتر می‌شد و مسافت او از ملت دورتر می‌شد گویی امام به امت نزدیکتر می‌شد. امام در دهه‌ی پایانی عمر خویش جوان‌تر از همیشه شده بود و به تدریج نسلی شکل گرفت که دقیقاً در نقطه تقابل آموزش‌هایی بود که حکومت پهلوی ۵۰ سال عمر برای تربیت آن وقت صرف کرده بود:

● نسلی که ابتدا با اجبار نظامی و سپس با اجبار تبلیغاتی حجاب را از سرش برداشته بودند با اختیار و بدون ذره‌ای اصرار و بودجه و ریال خود به خود حجاب را انتخاب کرد.

● نسلی که برایش کاخ‌های جوانان را ساخته بودند تا به غفلت روزگار را بگذرانند دو کوجه از آن کاخ‌ها بالاتر رفت و به حسینیه‌ی ارشاد رفت.

● نسلی که هیجان‌انگیزترین موسیقی‌های روز را برایش تندرک دیده بودند به مدد انقلاب ارتباطات با هسان نوارهای کاست و ضبط صوت‌های کوچک صدای امام را از پاریس شنید و انقلاب کاست و نوار را راه انداخت.

● نسلی که غرب را مدینه‌ی فاضله‌ای نامیده و ساخته بودند به شرق بازگشت؛ به نهضت «بازگشت به خویشستن» پیوست و از غریزگی همچون ویزادگی دور شد.

این نهضت بازگشت به اسلام درحالی شکل گرفت که هیچ چشم‌اندازی از استقرار حکومت اسلامی نبود. حتی انقلاب را هم هنوز اسلامی نمی‌نامیدند و حکومت وقت، دولتی بود که برخلاف ارزش‌ها و روش‌های اسلامی عمل می‌کرد و اپوزیسیون وقت نیز آن قدر اسیر تئوری‌های انقلابی جدید بود که از ظرفیت انقلابی اسلام غافل بود. آن روزها هیچ جوان مسلمانی به علت دینداری خود با اقبال و استقبال حکومت یا حتی مخالفان حکومت مواجه نمی‌شد. دوراه وجود داشت: یا سلطنت‌طلبی یا مارکسیسم اما امام راه سوم را برگزید و آن انقلاب اسلامی بود که هم علیه سلطنت‌طلبی بود و هم شورشی‌گری و انقلابیگری حرفه‌ای را قبول نداشت.

انقلاب اسلامی ایران نه تنها قیام علیه حکومت وقت بود بلکه حرکتی علیه نسل قبل بود. چهل سال قبل امام به‌درستی در همین روزها در بهشت زهرا گفت «هر نسلی حق دارد شیوه و نوع حکومت خود را انتخاب کند.» به فرض

آنکه سلطنت پهلوی با کودتا مستقر نشد و با کودتا بر سر کار نماند و آن پدر و پسر یا زور سرنیزه حکومت نمی‌کردند (که می‌کردند) به چه علت پسران و دختران ما باید چوب انتخاب (؟) پدران و مادران خود را بخورند؟ این جوان‌پسندترین سخن پیرترین سیاستمدار عصر ما بود که همه محافظه‌کاران قبل و بعد از انقلاب را خلع‌سلاح کرد و دل‌های جوانان را شیفته و شیدای امام کرد تا جایی که نه فقط انقلاب که هشت سال جنگ تحمیلی روی کاکل این جوانان گشت که خود داوطلبانه آن را در حجب و حجاب و حیای نسل انقلاب‌پوشانند.

امروز نیز همه‌ی ما باید به ارزش‌های آن انقلاب بازگردیم و صدای نسل جوان انقلاب خود را بشنوم. هر جوانی، پیر می‌شود و هر انقلابی، محافظه‌کار می‌شود. امام اما در اوج پیری، جوان شد و در اوج اعتدال، انقلابی شد. عشق پیری گر بجنبد سر به «راهی» می‌زند. و امام نسل انقلاب را رها کرد. نسل اول انقلاب که در آن زمان در جوانی بودند و اکنون چهل سال بعد به پیری رسیده‌اند. اسوه و الگوی نسل اول انقلاب باید امام باشند که در کهن‌سالی، برنادلی بود که یک ملت را، یک نسل را آزاد کرد تا انتخاب کند. نسل اول انقلاب اکنون باید راه را بر نسل جدید بگشاید و حکومت را به آنان منتقل کند.

مسئولیت‌ها را به نسل جوان منتقل کند و در پایان دفتر عمر نسل بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی این نهضت را چون امانتی تاریخی به نسل بعدی بسپارد تا ماندگار شود.

هیچ نسلی، هیچ دولتی، هیچ قدرتی، هیچ حاکمیتی ابدی نیست، اما حکومت‌ها می‌توانند چاودانه باشند. حکومتی ابدی است که قدرت در آن دست به دست شود و خود را به یک طبقه، یک طایفه، یک سلیقه و یک نسل محدود نکند. حکومتی که از حکومت کردن فقط ارزش‌ها را به ارث بگذارد زه آدم‌ها و روش‌ها را... جوانان باید احساس کنند که مدیران کشور حداقل به‌اندازه‌ی امام در چهل سال قبل به آنها بها می‌دهند و راه را برای آنان باز می‌کنند و مسئولیت و دولت و قدرت خود را دامنی و ابدی نمی‌پندارند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان نهضتی تاریخی و انسانی بر پایه ارزش‌هایی بناشده که هنوز زنده است و مردان و زنانی پای این ارزش‌ها ایستاده‌اند که هنوز در خور احترام‌اند.

انقلاب اسلامی رانفی می‌کنند و رویای بازگشت به سلطنت را در سر می‌پروراند، گروهی دیگر از انقلاب اسلامی عبور کرده‌اند و به نام جمهوری سخن می‌گویند غافل از آنکه مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی تثبیت گفتمان جمهوری در این کشور بوده است. اما رفتار گروه سوم از همه عجیب‌تر است و آنان پاره‌ای از بنیادگرایان هستند که گفتمان انقلاب اسلامی را در برابر گفتمان جمهوری اسلامی قرار می‌دهند. آنان از انقلاب اسلامی گفتمانی می‌سازند که همچون اندیشه‌های مارکسیستی تئوری «تضاد» اساس و بنیان انقلاب را تشکیل می‌دهد و در هر زمانی و به هر بهانه‌ای میان جناح‌ها، نسل‌ها، صفوف و اقشار اجتماعی شکاف «انقلاب و ضدانقلاب» را بازتولید می‌کند و به قول رئیس‌جمهور در هر زمانی گروهی را از قطار انقلاب پیاده می‌کند.

آنچه مسلم این است که در اندیشه اسلامی ذات انقلاب به خودی خود ارزش ندارد مگر آنکه در جهت اندیشه‌های اسلامی و دینی باشد، اندیشه اسلامی در اساس فلسفی خود نه بر «تضاد» که بر «آشتی» بنا شده است. از

این رو ما جز انقلاب اسلامی و سلف صالح آن نهضت مشروطیت حرکتی انقلابی که کلیت آن قابل دفاع باشد نمی‌شناسیم و اگر بخواهیم برای این انقلاب گفتمانی تعریف کنیم به نام طیف متکثر و متنوعی از متفکران و انقلابیون صدر انقلاب مانند آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله بهشتی، دکتر علی‌شریعتی، آیت‌الله مطهری، مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، شهید محمدعلی رجایی، مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر ابراهیم یزدی و دیگر درگذشتگان و مرحومان و شهدان انقلاب اسلامی بر می‌خوریم که منظومه گوناگونی از آرا و افکار انقلابی و اسلامی را تشکیل می‌دهند که همه در سال ۱۳۵۷ رهبری امام خمینی را پذیرفته بودند و این قدرت گفتمان انقلاب اسلامی بود.

گفتمان انقلاب اسلامی یک ایدئولوژی حزبی و فرقه‌ای و بشلوشیکی نبود که فقط یک جریان خاص را در بر بگیرد. وحدت ما در کثرت و کثرت ما در وحدت بود و این نقطه تمایز انقلاب اسلامی با انقلاب‌های مارکسیستی بود. برای احیای ارزش‌های انقلاب اسلامی باید جمهوری اسلامی را بر اساس همین ارزش‌ها بازآفرینی کرد و به جای «انقلاب کردن علیه انقلاب» یا «انقلاب در انقلاب» (که روش‌های دو جریان به کل متضاد است) باید به «احیای انقلاب اسلامی» به عنوان یک «نهضت یگانه» و غیرقابل تکرار فکر کرد و دست‌کم آن کثرت و وحدت اول انقلاب را احیا کرد و به نسل جدید نشان داد که در ۲۲ بهمن ۴۰ سال قبل چه طیف گسترده‌ای از روشنفکران مسلمان و مجتهدان مبارز و نیز روشنفکران دگر اندیش با سلطنت و سلطنت‌طلبی و هر نوع دیکتاتوری راست و چپ مخالف بودند.

انقلاب اسلامی ایران هنوز جوان است و نسل بنیان‌گذاران آن باید صدای نسل جوان را بشنوند و مطمئن باشند که این نسل، راه این انقلاب را با همان ارزش‌هایی که رهبرانش آن را بنیان نهادند و به پیروزی رساندند ادامه می‌دهند، یعنی بدون هیچ‌گونه اجباری با اختیار کامل از استقلال در برابر استعمار و از آزادی در برابر استبداد و از اسلام در برابر انحراف حمایت خواهد کرد به شرط آن که فقط درست و بهنگام صدای نسل جوان را بشنوم...

جمهوری اسلامی ایران (نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد) ثمره و میوه‌ی انقلاب اسلامی است و اگر گروهی از انقلابیون فکر می‌کنند با رودرو قرار دادن انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی می‌توانند به انقلاب خدمت کنند و نهاد دولت را به عنوان نماد جمهوریت و نهاد جمهوریت تضعیف کنند و انقلابی دیگر برپا کنند، اشتباه می‌کنند. مسا می‌خواهیم به انقلاب بازگردیم اما کدام انقلاب؟ انقلاب اسلامی ایران انقلابی یگانه، منحصره‌فرد و غیرقابل تکرار بود که تنها راه تداومش بازگشت به ارزش‌های اصیل آن است و نه انقلابی دیگر که امروز هر انقلابی یک اقدام ضدانقلابی است چه انقلابیون تازه‌به‌دوران‌رسیده انجام دهند چه ضدانقلاب. سخن رئیس‌جمهور روحانی روشن بود: امروز هر کسی که به قانون باور داشته باشد انقلابی است و انقلابیگری نه در تضاد با حکومت قانون که در التزام به آن است. بازگشت به انقلاب اسلامی ایران تنها یک کارآمدی و کارایی جمهوری اسلامی است. همان‌کاری که حکومت سلطنتی از آن سر باز زد، اما سرانجام تقدیر تاریخ‌گذار از سلطنت به جمهوریت را بر دیکتاتوری پهلوی تحمیل کرد که حرکتی مترقی بود. درست برعکس بازگشت از جمهوریت به سلطنت که حرکتی ارتجاعی است. تاریخ‌آما هرگز به عقب بازمی‌گردد.

آیت‌الله مطهری، مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، شهید محمدعلی رجایی، مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر ابراهیم یزدی و دیگر درگذشتگان و مرحومان و شهیدان انقلاب اسلامی بر می‌خوریم که منظومه‌گوناگونی از آرا و افکار انقلابی و اسلامی را تشکیل می‌دهند که همه در سال ۱۳۵۷ رهبری امام خمینی را پذیرفته بودند و این قدرت‌گفتمان انقلاب اسلامی بود.

دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۶

محمد عطرانفر

عضو شورای سیاست‌گذاری سازندگی



پوست‌اندازی رسانه‌ای معمولاً تابعی از تحولات سیاسی اجتماعی جامعه است. ایران، ۱۵۰ سال پیش در بستر تحولات و فراز و نشیب‌های سیاسی اجتماعی فراوانی قرار داشته و شاهد اتفاقات بسیاری در عرصه زندگی فردی و جمعی شهروندان خویش بوده است. در نگاهی گذرا حداقل ۴ نقطه عطف مهم و تعیین‌کننده را می‌توان از نظر گذراند. انقلاب مشروطه- نهضت ملی نفت- انقلاب اسلامی و دوران پس از جنگ که کشور وارد عصر سازندگی و توسعه همه‌جانبه می‌شود. هر کدام از تحولات دوران‌ساز مورد اشاره، اقتضانات خود را به همراه آورده و تأثیرات فردی و جمعی روی زندگی مردم به جا گذارده است. قصد پرداختن به آثار ماندگار این ادوار چهارگانه نیست. تنها نکته‌ای که مورد نظر قرار گرفته است، تأکید روی برخی تحولات رسانه‌ای و تغییر ذائقه‌های است که فی‌مابین مردم، رسانه‌ها، حاکمیت و تکالیف ملی آنها رخ داده است. و این تنوع و تغییر، خود منشا آثار روانی اجتماعی فراوانی بوده که جامعه را وارد فاز جدیدی از حیات اجتماعی و دلبستگی‌های سیاسی، ضرورت‌ها و الزامات کرده است، که سهم‌آحاد مردم را در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی بالا برده و موقعیت و منزلت دموکراسی «مردم‌سالاری» را تحکیم بخشید است.

روزنامه همشهری مولود عصر چهارم یعنی دوران پس از جنگ و آغاز سازندگی در ایران است. جنگ با همه صعوبت‌ها و آثار مخربش به پایان رسید و با تدبیر بزرگان و دلسوزان نظام و در رأس آنها امام خمینی (ره) به فرجام خویش نزدیک شد. فقید سعید آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که خود از چهره‌های برجسته عصر نهضت و دوران عسرت انقلاب بود و چون سرداری فداکار، در رکاب امام صادقانه و خالصانه و جان برکف، مأموریت‌های مهمی را بر دوش گرفت، از قضا نه تنها در فصل

خصوصت و ایجاد آتش‌پس و توقف اربابه جنگ نقش‌آفرین اول بود، که در پذیرش مسئولیت خطیر اداره کشور پس از جنگ و آغاز بازسازی، گامی بزرگ و مطمئن به پیش نهاد و بار سنگین سازندگی و رفع بحران‌ها و بدبختی‌ها و فقر و فلاکت را به عهده گرفت. «شهرها»، «مخروبه‌هایی پیش‌بینوند»، «اقتصاد» که نام میان‌تهی و جز فقر و مسکنت، شأن دیگری نداشت، «جامعه» که آحادش چشم‌انتظار تحول بزرگی در الگوی زندگی خویش بودند و برای آینده فرزندان خود امنیت و آرامش و آسایش را رقم می‌زدند همه و همه چشم امیدشان به اراده نیرومند و گام‌های مطمئن‌های رفسنجانی به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب دوخته شده بود. روزنامه همشهری در این عصر با به عرصه حضور نهاد و از دل اندیشه جدیدی برای ساخت و نوسازی -نه تنها شهر- که برای همه ایران و در همه ابعاد سربرآورد. این رسانه نو پیش از اندازه‌های متعارف از درون نوعی تحول اجتماعی برخاست و برای پاسخگویی به ضرورت تغییر در روابط آحاد شهروندان فی‌مابین خود و نظام حاکم، مأموریت قابل‌ اعتنایی را به دوش گرفت. «همشهری» شد «سخنگوی» جامعه‌ای که قصد دارد در اداره شهر و کشور گامی به پیش‌نهد و مسئولیت‌هایی را عهده‌دار شود و در حضور بدون واسطه سیاسی و اجتماعی میراث‌خواران، مستقیماً در تعیین سرنوشت خود‌حالات پیدا کند. این رسانه هم‌اکنون ربع قرن است علی‌رغم دست به دست شدن نظام حقوقی حاکم بر آن، خوش‌بالیده و به هر حال رسالت خود را حداقل در عصر تحولات سیاسی اصلاحی و در دوره سازندگی و توسعه ملی به ثمر نشانده است. این رسانه طلایدار راهی شد که دیگر رسانه‌های مدرن با اقتباس از آن پا به عرصه وجود نهادند و نه تنها مبدأ مؤثری در تکثیر و تولید این نوع رسانه‌ها شد، که نقش‌ترمیمی و تأثیر اصلاحی خود را نیز به‌رغم مقاومت رقیبان بر نشریات مقابل و مخالف به‌طور مثبت تحمیل نمود. این مسیر ۲۵ ساله به آرامی طی نشد، که سنگلاخ‌های بسیاری را در نورید و اگر چه به‌دلیل برخی بی‌کفایتی‌ها و نمانداری‌ها در ۱۴ سال گذشته، امروز فاقد اثر بخشی پیشین است، اما اثر ماندگار خود را تا سالیان بسیار و در عمق تحولات رسانه‌ای به جای گذارد و به واقع آنگونه شد که رسانه‌های مدرن امروز فرزندان خلف آن تحول رسانه‌ای و مشخصاً آن رسانه ابتکاری محسوب می‌شوند.

منطق عصر سازندگی و تحول و توسعه پیش‌رو، محدود به «پوست‌اندازی» تنها در رسانه‌ها نشد، که در دیگر عرصه‌های سیاسی اجتماعی رد پای خود را نشان داد. تشکیل نهادهای

مدنی، ضرورت تأسیس احزاب کارآمد و مؤثر که بتوانند در آینده سرنوشت ملی مشارکت نمایند، از دیگر تبعات مثبت تحولات پس از جنگ بود. حزب کارگزاران اگرچه در بدو انسجام سیاسی خود، هدفی جز نمایندگی جنبش اجتماعی آن دوران نداشت، اما بنا به خواست و مطالبه اقتدار جوان و از جمله حوزه‌نخبگانی جامعه و با توجه به ضرورت پایسرداری و ماندگاری از حد یک حرکت مقطعی و تأثیر فراتر رفت و تبدیل به نهاد سیاسی مؤثر و مانایی شد که امروز بیش از ۲ دهه است دستاوردهای سیاسی، اجتماعی تعیین‌کننده‌ای را در کارنامه خویش به ثبت رسانده است.

کارگزاران سازندگی، با درنگی ۲۰ ساله و با احساس مسئولیتی که از سر اعتقاد خدمت به مردم بود، حضور خود را مرهون پایدیری بزرگان قدرشناس و در رأس آن آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی می‌داند و به بین الطاف الهی امروز در قامت و هویت حزبی تمام‌عیار با همه نقصان‌ها و کاستی‌ها ایستاده است و از جمله مؤلفه‌های مهمی که به هویت آن معنا می‌بخشد، انتشار رسانه مکتوبی است که به صورت روزانه نشر یابد و حلقه اتصالی بین خود و اعضا، اعضا و جامعه مخاطب، اعضا و حاکمیت خواهد بود. روزنامه سازندگی در این فرصت تاریخی اگرچه با چالش‌های سنگینی هم به لحاظ شرایط سیاسی کشور و هم به لحاظ جنبه‌های حرفه‌ای و هم به لحاظ صعوبت حضور در مدار مؤثری که باید در فضای جدید دیجیتال و مجازی داشته باشد، مواجه است. اما به یمن اراده و ایمانی که محصول ۲۰ سال رنج و مرارت و سخت‌کوشی است قصد آن دارد که بماند و مؤثر باشد و به رسالت اجتماعی خود بپردازد و از این جایگاه به تکلیف ملی خویش صمیمانه و با صداقت عمل کند. این روزنامه قصد آن دارد که پل ارتباطی نیرومند و صالحی باشد که به جامعه، حاکمیت و ارزش‌های ملی و اعتقادی وفادار باشد.

روزنامه سازندگی و حزب متبوعش که هم نام اوست باور دارد که تنها راه موفق اداره امور عمومی در کشور، پذیرش جامع و مانع و تمام‌عیار قانون اساسی و ارکان‌های منبث از آن و التزام به اقتدار و انفاذ میناق ملی است. ما پذیرفته‌ایم که در میانه میدان توخ‌ها و چندگانگی در دیدگاه‌ها، فقط و فقط قانون است که فصل‌الخطاب قرار می‌گیرد. معتقدیم احزاب و رسانه‌ها، مؤلفه‌های متین و ماندگاری هستند که به‌صورت کارآمد می‌توانند در حوزه امنیت ملی مؤثر واقع شوند و البته فراموش نباید کرد که هیچ حکومت فریخته، عاقل و حتی فرهمندی را از پذیرش

این نقش‌گزیزی نیست. ظرفیت‌های بارور رسانه‌ها و احزاب در پایداری نظام سیاسی در هر جامعه‌ای نقشی شگرف دارند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسانه‌ها و احزاب، مطابق با منطق دوسویه و متعامل با حاکمیت و هوشمندانه به رسمیت شناخته شده‌اند. صیانت و حفاظت حقوق ذاتی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی ایران، در ساختار قدرت از جمله از چنین رهگذری معنا یافته است، اگرچه فعالیت رسانه‌ها در گذشته عمدتاً در منطقه الفراغ عدم حضور مدبّرانه حاکمیت بوده، اما به نظر می‌رسد دولت به معنای فراگیر آن، امروز تأثیر این نهاد اجتماعی میان‌بخشی (جامعه- حکومت) را باور کرده است و همزاد آن را که نهاد سیاسی حزب است در مقدرات آینده و دست به دست شدن قدرت به رسمیت شناخته است. حقوق متقابلی که مورد انتظار است، علی‌الصول باید در یک منظومه فکری و حقوقی مشترک، مطمح‌نظر قرار گیرد. حاکمیت از رسانه‌ها مطالباتی دارد، کم‌اینکه رسانه‌ها به‌عنوان نمایندگان صادق جامعه، حقوقی را بر گردن حاکمیت دارند که باید محترم شمرده شود.

روزنامه سازندگی به تبعیت از موازین حرفه‌ای خود و به تأسی از حزب متبوعش اعلام می‌دارد که حاکمیت- فراتر از دولت- برای صیانت از ارزش‌های نظام و مراقبت عادلانه و فراگیر از حقوق ملت، شئونی دارد که باید بی‌هیچ امتناعی و البته با شوق و استقبال، از سوی رسانه‌ها مراعات شود و هیچ‌گاه نباید مغفول واقع شود، کم‌اینکه همین مطالبه از منظر ذاتی نقش رسانه‌ها در دفاع از ظرفیت‌ها، منافع ملی و حقوق برابر شهروندان در بهره‌گیری از فرصت‌ها، منزلت و حقوق انسانی آنها، از حاکمیت مورد انتظار است. حل مسائل و مشکلات جامعه تنها در سایه جلب مشارکت همگانی میسر است. ایرانیان دلسوز و قانون‌پذیر باید به اظهار نظر در غالب مسائل کشور دعوت شوند و رسانه‌ها، مردم را به زیست توأم با مدارا با یکدیگر سوق دهند.

متولیان در عرصه قدرت نباید خودرای خطا و عاری از اشکال بدانند. صاحبان قدرت زمانی از سوی شهروندان مورد ستایش و احترام و تکریم واقع می‌شوند که از تکالیف نظام سر برتافته و به فریب و نرننگ و منفعت‌طلبی روی نیاورند و رسانه‌ها را چون چشم‌ناظر به رسمیت بشناسند. فعالان رسانه‌ای نیز چون استمداد در غلغیتهن و به وادی خطا و فریب و سوء استفاده‌های فرهنگی را دارند، باید مراقب باشند و بدانند که افسوس قلم، چون افسوس قدرت حاکمان، در عقبه انحراف و سقوط اریاب رسانه‌ها در کمین

یادداشت سردبیر: اگر بخواهیم برای این انقلاب گفتمانی تعریف کنیم به نام طیف متکثر و متنوعی از متفکران و انقلابیون صدر انقلاب مانند آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله بهشتی، دکتر علی شریعتی، آیت‌الله مطهری، مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، شهید محمدعلی رجایی، مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر ابراهیم یزدی و دیگر درگذشتگان و مرحومان و شهیدان انقلاب اسلامی بر می‌خوریم که منظومه‌گوناگونی از آرا و افکار انقلابی و اسلامی را تشکیل می‌دهند که همه در سال ۱۳۵۷ رهبری امام خمینی را پذیرفته بودند و این قدرت‌گفتمان انقلاب اسلامی بود.

## حزب کارگزاران سازندگی ایران در بیانیه‌ای در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی مطرح کرد:

## تداوم مشروعیت نظام جمهوری اسلامی در گرو کارآمدی آن است

حزب کارگزاران سازندگی ایران، به مناسبت آغاز چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه‌ای صادر کرد که در پیی می‌آید:

به‌نام خدا

بر آستانه‌ی چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران - که منشا و مبدا مشروعیت نظام جمهوری اسلامی شد - آنچه امروزه بیش از هر چیز دیگر باید در دستور کار نسل اول و بازماندگان نسل بنیان گذاران انقلاب قرار گیرد، کارآمدی و توانمندی حکومت و دولت است. انقلاب اسلامی ایران بازنتاب و واکنش به فساد، تبعیض، استبداد، وابستگی و دین‌گریزی سلطنت پهلوی بود که با وجود تلاش رژیم گذشته برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی به علل متعدد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روزیبه‌روز شکاف آن حاکمیت با ملت بیشتر و بیشتر شد و به سقوط حکومت و سلطنت انجامید. پیام انقلاب ایران در واقع این بود که «توسعه‌ی تنها کافی نیست» به خصوص که برای توسعه‌ی یک‌الگو وابسته و بدون هویت ملی و دینی و بی‌توجه به حقوق و آزادی‌های سیاسی و ارزش‌های فرهنگی یک ملت پیروی شود.

اکنون اما باید تأکید کرد که یویش و انرژی نهفته در ذات اندیشه انقلاب اسلامی نیازمند بازآفرینی است. برای نسل‌های جدید و جوان کشور که با گذشت چهل سال کمتر از تاریخ دیکتاتوری پهلوی خبر دارند و به تکرار دریافت‌های رسمی از آن رژیم علاقه‌ای ندارند، اکتفا به یادآوری تاریخی کافی نیست. بی‌تردید ضعف اطلاع‌رسانی مستقل و مستندسازی اشتباهات سلطنت پهلوی یک عامل مهم در برقراری ارتباط میان نسل اول انقلاب و نسل‌های بعدی است. تا جایی که اکنون بازار مستندا و روایت‌های سلطنت‌طلبانه از تاریخ معاصر گرم شده است و گروهی از مورخان و مبلغان بازگشت به گذشته با ادبیاتی نوستالژیک تاریخ‌مورد علاقه‌ی خود را بازسازی می‌کنند و متأسفانه صدا و سیما و نظام تبلیغاتی رسمی کشور با آن بودجه عظیم خود به تاژگی از خواب‌گران برخاسته‌اند و در موضعی انفعالی به این شبهات تاریخی پاسخ‌های ناکافی می‌دهند. غافل از آنکه این پاسخ‌های دیرهنگام به علت انتساب نهادهای تبلیغاتی به حاکمیت در نسل جدید اثر چندانی نمی‌گذارد و حتی ممکن است به ضدتبلیغ تبدیل شود و به عنوان دفاع

حاکمیت وقت در برابر حمله بقایای حاکمیت قبل قلمداد شود و اصلاً شنیده نشود. حذف روایان مستقل مانند اپوزیسیون قانونی (اما وفادار به انقلاب اسلامی) و انقلابیون محذوف هم اگر چه به تحلیل تاریخی درست از علل سقوط دیکتاتوری پهلوی کمک می‌کند اما به همان علت دیرهنگام بودن رجوع به ایشان از سوی حاکمیت، اثر گذاری کمتری نسبت به گذشته دارد. چاره کار به نظر مسا «کارگزاران سازندگی ایران» تقویت کارآمدی و کارایی نظام جمهوری اسلامی به عنوان فرزند انقلاب اسلامی در عمل است. این فرزند انقلاب اکنون به چهل سالگی رسیده و دوران شباب را طی کرده و به پختگی و بلوغ رسیده است. تا کی می‌توان طفل را در دامن مادر نگه داشت و با میکیدن شیره جان او زنده نگه داشت؟! جمهوری اسلامی امروز موجود باغی است که باید خود بتواند گلیم خود را از آب بیرون کشند و صلاحیت و حقانیت و اهلیت اجرایی و اداری خود را به ملت ثابت کند. آنچه انقلاب و اسلام را اسرافراز می‌کند اثبات اقتدار و ابتکار و توان این نظام در سازندگی و اداره زندگی ملت و دولت و کشور است. بدون شک پیروزی انقلاب، فصل مهمی در تاریخ ایران بوده است و حفظ انقلاب در برابر جنگ و تجاوز دشمن یعنی، برگ درخشان دیگری در این حیات تاریخی قلمداد می‌شود. ما همچنان معتقدیم دولت جمهوری اسلامی در مجموع توانسته است با جلب و جذب و سامان‌دهی مشارکت سیاسی مردم در انتخابات مختلف و ایجاد رقابت سیاسی مرزروشنی با نظام سیاسی گذشته داشته باشد و در عمران و آبادانی اقتصادی کشور نیز گام‌های خوبی بردارد و با وجود تبلیغات افراطی دشمنان و دوستان ناآگاه -که گاه در انتقاد از دولت‌ها گوی سبقت را از اپوزیسیون برانداز می‌ریزند - با همه موانع از عهده اداره کشور برآید. اما این کافی نیست. اکنون زمان اثبات توانمندی مدیران کشور در اداره ایران برای نسل جدید و به خصوص آیندگان است. هراس جوانان از آینده خود غیرقابل کتمان است. نسل اول انقلاب باید در پایان دفتر عمر نسل خویش میراث خوبی برای فرزندان‌ش برجای بگذارد و این جز با توسعه‌ی همه‌جانبه ایران بدست نمی‌آید:

از یاد نمی‌بریم که مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با

رهبری امام خمینی و نفوذ کلام روشنفکرانی مانند دکتر علی شریعتی و سبک زندگی مسلمانان متجددی مانند مهندس مهدی بازرگان و اجتهادات مجتهدان روش‌بینی مانند آیت‌الله مرتضی مطهری داوطلبانه و با اختیار کامل حجاب اسلامی را انتخاب کردند تا به اسوای مانند فاطمه زهرا(س) نزدیک شوند، بی‌آنکه انقلابیون‌ریالی خرج تبلیغ حجاب کنند و جالب اینجاست که حکومت وقت میلیون‌ها ریال خرج ترویج بی‌حجابی در رادیو و تلویزیون و مدارس و دانشگاه‌ها می‌کرد و هر سال سالگرد کشف اجباری حجاب را به عنوان یک روز مترقی جشن می‌گرفت!

به باور ما انقلاب اسلامی ایران هنوز یک واقعبت و تجربه زنده است که نسل اول انقلاب می‌تواند آن را به نسل‌های بعد به امانت بگذارد به شرط آنکه به جز تبلیغات (آن‌هم درست و مستقل و عاری از اغراق و آمیخته با انصاف حتی در شناخت دیکتاتوری پهلوی) به فکر ارائه تصویری تازه و کارآمد از اداره ایران به نسل جدید انقلاب هم باشد. نزاع‌های درون حاکمیتی را کنار بگذارد، صدای اعتراض مردم را بشنود و نه فقط بشنود که به ایرادات درست ملت توجه کند و آنها را رفع کند و مانند اپوزیسیون هر اعتراض را به معنای ششورش و انقلاب بنسداد و به جای برخورد کوتاهمدت با این اعتراضات در میان‌مدت مشکلات را حل کند. اعتراضات کنونی مردم یک «کل یک‌پارچه» نیست و هنوز جزیره‌هایی از انتقادات پراکنده و انباشته شده و متنوع اجتماعی است که به نظر ما آلت‌رناتیوی سیاسی را در برابر نظام جمهوری اسلامی قرار نمی‌دهد و شاید به همین دلیل است که هنوز اکثریت مطلق ملت به قانون اساسی التزام عملی دارند و با وجود برخی نقدها بر ساخت سیاسی و حقوقی کشور، امید دارند که دولت و مجلس و قوای قضایی و نظامی امور کشور را بهتر اداره کنند. این نقطه امید و روزنه‌ی روشن را باید بزرگتر و بزرگتر کرد و با برنامه‌های کاربردی اجتماعی و اقتصادی پیوند ملت و دولت و به خصوص نسل جوان با نسل انقلاب را تقویت کرد.

باید از حاشیه‌ها چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه اجتماعی پرهیز کرد و با دختران و پسران جوان این سرزمین سخن گفت و نه فقط سخن، که در عمل فرصت مشارکت و



دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۶

محمد عطرانفر

عضو شورای سیاست‌گذاری سازندگی

نشسته است. صاحبان قلم در بساط عریض رسانه و نشر، بدون نظارت صادقانه، عالمانه و کنترل شرافتمندانه نباید سلاح خود را یله و رها سازند. رسانه‌ها به میزانی که بسط یط و اختیار دارند در همان تراز و موقعیت خطیر، پاسخگو و معاقب هستند.

«توازن اراده و تکلیف» و «تلازم مسئولیت و اختیار»، موضوعی عقلی، حقوقی و پذیرفته شده است که آن را باور داریم و به آن متعهدیم.

روزنامه سازندگی مرزهای سیاسی و اعتقادی جامعه و نظام را مراعات و مرزبانی می‌کند. روزنامه سازندگی بی‌تردید حافظ و منادی ارزش‌های اصیل انقلاب، نظام، امام و رهبری خواهد بود. روزنامه‌سازندگی حرمت و اعتبار ارزش‌های اخلاق و هنجارهای جامعه را پاس می‌دارد. روزنامه سازندگی حرم قانون اساسی را نگاهبانی می‌کند و حرمت مقررات و موازینی که وجاهت عرفی و قانونی دارد را به شایستگی پاس می‌دارد. روزنامه سازندگی حقوق مردم را به‌طور مستوفارعايت می‌نماید. روزنامه سازندگی به جد می‌کوشد تا از تحریک احساسات مردم، نفرت‌پرانی، دشمنی قومی و نژادی، تهمت و افترا پیر هیزد. روزنامه سازندگی به ترویج همبستگی اجتماعی و وحدت ملی اهتمام خواهد ورزید. روزنامه سازندگی امید بسته است که از درجه خویش، فرهنگ و اندیشه حزبی را تقویت سازد و مدرسه‌ای باشد برای سیاست‌ورزی غیر خیابانی و ظرفیت‌ها را به سوی خلاقیت و اثربخشی قانونی هدایت نماید.

روزنامه سازندگی به مدد فرهیختگان و روشنفکران و همه شخصیت‌های فرهنگی عزیزی که دلبسته نظام و ایران و اسلام هستند تلاش خواهد کرد تا به رشد آگاهی‌های عمومی و مقابله با فساد سیاسی و سوء استفاده از قدرت و ثروت و اعمال نفوذ در حوزه منافع عمومی کمک مؤثری نماید.

این روزنامه با تکیه بر خداوند بزرگ و استمداد از الطاف و نظارت مشفقانه دلسوزان عرصه فرهنگ و ادب و با بهره‌گیری از توان همه همفکران، انشء‌الله راه صلاح و سداد و اصلاح را نصب‌العین خویش قرار خواهد داد.

این منظومه محدود که مأموریت یافته است تا روزنامه را در تراز معنادارش منتشر نماید، در حد بضاعت اندک خویش خواهد کوشید، اما چشم امید و انتظارمان به همدلی، همفکری، و حمایت یارانی است که به این راه ایمان دارند و فارغ از هرگونه سهم‌خواهی ناپجا، محبت‌ها و یاری‌شان را از ما دریغ نخواهند داشت.

کارگزاران سازندگی ایران

۲۰ بهمن ۱۳۹۶

پیام

پیام رهبر انقلاب به مناسبت حضور حماسی ملت

بسم الله الرحمن الرحيم  
ملت عزیز و سربلند ایران! امروز عزم و بصیرت شما حادثه‌ی بزرگ و خیره‌کننده‌ای آفرید. عظمت راهپیمایی امروز شما که به نظر محاسبه‌گران دقیق، از سال‌های پیش پرجمعیت‌تر و پرشورتر بود، پاسخ قاطع و دندان‌شکنی به بیگانگان و دشمنان و سست عهدان داد. دشمن با تکیه بر تصور ناقص و باطل خود از ایران و ایرانی، همه‌ی توان و تلاش تبلیغی خود را بر این متمرکز کرده بود که ۲۲ بهمن امسال را بی‌رونی و احياناً به ضد خود تبدیل کند. شما عملاً زنده و پویا بودن انقلاب را به رخ آنان کشیدید و پایبندی به آرمان‌های امام را حل را با شعارهای خود و با حضور گرم خود، با صدای بلند فریاد کردید. تهنیت ملت ایران دشمن را به عقب می‌راند و عزم راسخ او معادلات غلط آنان را به هم می‌ریزد. مسئولان کشور قدر این پدیده‌ی بی‌نظیر را بدانند و با استقامت کامل و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی به ملت عزیز خدمت و از آرمان‌های انقلاب دفاع کنند. آینده متعلق به ملت بیدار و بصیر ماست، ما مسئولان باید بکوشیم از ملت عقب نمانیم. ولا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

حرف‌های امروز



**آیت‌الله موسوی خوسروشی‌ها:** حوادثی که از روز هفتم دی‌ماه آغاز شد همه را عمیقاً نگران کرد، ولی این فایده را نیز داشت که مسئولان بلندپایه کشور و، از آن جمله، آیت‌الله جنتی برخلاف شیوه معمول، که همیشه دیگران را به انجام وظایفشان توصیه می‌کنند، این‌بار، حداقل در سخن، به وظیفه خود نیز اشاره کرده‌اند. از دبیر شورای نگهبان می‌پرسم که آیا جنبه‌های و سایر اعضای محترم شورای نگهبان در رابطه با وظایفی که برعهده دارند - به‌ویژه درباره تأیید یا رد صلاحیت افراد برای نامزدی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری - صدای اعتراض مردم را شنیده‌اید؟ و این سؤال تنها درباره رد صلاحیت‌ها نیست بلکه در مورد تأییدشدگان ویژه نیز هست.



**علی مطهری:** در دوره اصلاحات از آزادی بیان قابل قبولی برخوردار بودیم و از مسئولان، انتقاد می‌شد. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز آزادی بیان در حد مقبولی وجود دارد، البته لازم است برخی موانع رفع شود.



رئیس‌جمهور در سی و نهمین سالروز پیروزی انقلاب از همگان دعوت کرد:

# کینه‌ها را رها کنید

اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان و به همه ملتی که اعتقاد به قانون اساسی دارند، نیاز داریم.» « به باور رئیس‌شورای فرهنگی انقلاب صرف‌نظر از قوم و مذهب، هر شخصی که به قانون اساسی اعتقاد دارد، انقلابی است؛ همان قانونی که ثمره انقلاب است و میراث امام (ره). اگرچه حسن روحانی این قانون را معیار وحدت و اتحاد می‌داند اما با نگاهی به گذشته انقلاب اسلامی از زمانی که قانون اساسی تنها یک پیش‌نویس بود تا امروز که از سوی رئیس‌دولت به عنوان مهم‌ترین معیار انقلابی بودن از آن نام برده می‌شود، شاهد هستیم که قانون اساسی در کشور به خوبی اجرایی نشده و عدم توجه به آن، مشکلات عدیده بسیاری را به همراه داشته است.

شدند که از قطار انقلاب پیاده شوند. با این حال اکنون روحانی تأکید دارد افرادی را که از قطار انقلاب پیاده کرده‌ایم دوباره به این قطار برگردانیم. پیشنهاد عملی او البته گفت‌وگوی ملی برای برطرف شدن مشکلات موجود است.

**اعتقاد به قانون اساسی شرط انقلابی‌گری**

روحانی در مراسم سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در راستای رسیدن به وحدت و اتحاد ملی گفت: «امروز در سرزمین‌مان به تمامی اصولگرایان،

آرا نخستین رئیس‌جمهور ایران شد اما روند ریاست جمهوری او به گونه‌ای بود که نهایتاً از انقلاب فاصله گرفت و خودخواسته از قطار انقلاب پیاده شد. میرحسین موسوی، آیت‌الله منتظری، سیدمحمد خاتمی، هاشمی‌رفسنجانی، مهدی کروبی، ابراهیم یزدی و حتی محمود احمدی‌نژاد نیز از دیگر چهره‌هایی بودند که به نوعی آنها را از قطار انقلاب پیاده کردند. درباره هر یک از آنها می‌توان به تفصیل نوشت اما روند و شرایط سیاسی به گونه‌ای پیش رفت که با شورای نگهبان به آنها اجازه ورود در برخی از انتخابات‌ها را نداد یا آنها ناگزیر

ریاست او بر دولت موقت ۹ ماه بیشتر طول نکشید و نهایتاً نیز مجبور به کناره‌گیری شد. بازرگان علت کناره‌گیری خود را مانع‌تراشی و دخالت در کار دولت عنوان کرده بود. با این حال او در دوره اول مجلس نماینده تهران شد. پس از آن تا پایان عمرش در همه انتخابات‌ها به عنوان داوطلب ثبت‌نام کرد اما صلاحیتش تأیید نشد.

ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور ایران نیز از جمله کسانی بود که خود از قطار انقلاب پیاده شد. او پس از چند ماه وزارت در کابینه بازرگان، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و با کسب ۷۶ درصد «زمانی که انقلاب پیروز شد افراد بسیاری در قطار انقلاب حضور داشتند. برخی خود خواستند که از این قطار پیاده شوند و برخی را هم ما پیاده کردیم که می‌توانستیم پیاده نکنیم.» این بخشی از سخنان حسن روحانی، رئیس‌جمهوری کشور در مراسم سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است، آن زمان که از قانون اساسی سخن به میان آورده و هرکسی را که به آن اعتقاد داشته باشد، انقلابی می‌خواند. نزدیک به چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد؛ چهارده حرکت در راه رسیدن به پیشرفت و تعالی که با فرازونشیب‌های بسیار همراه بوده است و رئیس‌جمهوری کشورمان آن را به قطاری تشبیه می‌کند که برخی از مسافرانش یا به میل خود راهشان را از کاروان جدا کرده‌اند یا ناچار به ترک کابین‌ها شده‌اند. احزاب و چهره‌های سیاسی که هر کدام شاید زمانی با سودای رسیدن به مدینه فاضله در این مسیر قرار گرفته‌اند اما به دلایلی از ادامه راه محروم مانده‌اند و اکنون در آستانه‌ی چهل‌سالگی انقلاب رئیس‌جمهوری از دعوت مجددشان به قطار انقلاب سخن می‌گوید.

## جملات کلیدی

- انقلاب ما زمانی به پیروزی رسید که همه با هم بودیم؛ در قطار انقلاب مسافران زیادی بودند که برخی خودخواسته پیاده شدند اما بعضی را نیز از قطار انقلاب پیاده کردیم که می‌توانستیم این کار را نکنیم.
- هرکسی که به قانون اساسی معتقد باشد، انقلابی است و ما اکنون در سرزمین‌مان به تمامی اصلاح‌طلبان، اصولگرایان، اعتدال‌گرایان و همه ملتی که به قانون اساسی عقیده دارند، نیاز داریم.
- آن زمان که آنفلوآنزای مرغی می‌آید و ما ۲۵ میلیون قطعه مرغ را برای سلامت مردم نابود کردیم، نگویند تخم مرغ طلایی شده. به مردم دروغ نگویند. واقعیت‌ها را به مردم بگویید. سلامت مردم برای ما مهم بود.
- چهل سال پس است؛ کینه‌ها را رها کنیم
- برادریم، ایرانی هستیم و منافع مشترک داریم، بیایید در کنار هم قرار بگیریم.
- قانون اساسی بن‌بست‌ها را برداشته است اما اگر جایی بحثی دارد به اصل ۵۹ قانون اساسی مراجعه کنیم.
- اصل ۵۹ قانونی درباره رفتارند است یعنی صندوق بیاوریم و هر چه مردم گفتند عمل کنیم.
- مردم را راحت بگذاریم.
- در حرم خصوصی مردم دخالت نکنیم
- باید در روزشگاه، دانشگاه و خیابان نشاط حاکم باشد؛ سال آینده باید امید و نشاط برای ملت باشد و دشمن را مأیوس کنیم.

**مسافران قطار انقلاب**

اشاره حسن روحانی درباره حذف‌شدگان به کیست؟ اولین کسانی که از قطار انقلاب ایران پیاده شدند شاید برخی از اعضای نهضت آزادی بودند. مهدی بازرگان، از پایه‌گذاران نهضت آزادی، نخستین نخست‌وزیر انقلاب ایران بود اما دوران

**دروغ ممنوع!**

گرانی تخم‌مرغ و حاشیه‌های پس از آن هم از دیگر محورهای سخنرانی روحانی بود تا آنجا که رئیس‌دولت تدبیر و امید با انتقاد از برخی بداخلاقی‌ها در جامعه و فضای رسانه‌ای، خواستار انعکاس واقعیت‌ها برای مردم شد. به گفته او، آنجایی که آنفلوآنزای مرغی می‌آید و ما ۲۵ میلیون قطعه مرغ را برای سلامت مردم نابود کردیم، نگویند تخم‌مرغ طلایی شده و به مردم دروغ نگویند. واقعیت‌ها را به مردم بگویید. سلامت مردم برای ما مهم بود. حسن روحانی همچنین با اعلام اینکه سال آینده، سال امید و نشاط خواهد بود از تمامی رسانه‌ها خواست تا این دو ویژگی را در جامعه گسترش داده و از دامن زدن به حاشیه‌های پرهیزند.

**کیوسک: روزنامه‌های ایران**

تأکید می‌کند که تنها یک گزینه روی میز ندارد، یا استفاده از یک گزینه، به معنای نفی گزینه‌های دیگر نخواهد بود. بر این اساس، در شرایطی که بحث بندر چابهار در اولویت اول سیاست منطقه‌ای افغانستان قرار دارد، طرح‌های یک کمربند یک جاده چپین، راه لاچورد و حتی مسیرهای پاکستان را مورد توجه دارد.



**تحسین فیلم حاتمی کیا توسط ظریف**

روزنامه ایران واکنش وزیر امور خارجه را به فیلم «به وقت شام» مورد توجه قرار داده و آن را از فیلم‌هایی برشمرده که به واسطه دیده شدن توسط چهره‌های سیاسی سر زبان‌ها افتاده است. محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان روز پنجشنبه به همراه همسرش در یک نمایش خصوصی به تماشای «به وقت شام» نشست و با انتشار یادداشتی در صفحه اینستاگرامش آخرین ساخته ابراهیم حاتمی کیا را بی‌نظیر عنوان کرد. او همچنین در کلیپی که در کانال تلگرام فیلم «به وقت شام» منتشر شد در پاسخ به این سؤال که چه صحنه‌ای از فیلم در خاطرتان باقی مانده، با بغض و گریه پاسخ داد: «تقریباً همه آن. برای کسانی که احساس می‌کنند منطقه مادچار بلای بزرگ شده است و افراد پاک این کشور و منطقه برای اینکه این بلا به بقیه سرایت نکند از همه چیزشان گذشتند، لحظه به لحظه این فیلم یادآور یک مجاهدت بی‌نظیر است.»



**ملت باید هوشیار شود**

روزنامه آرمان در یادداشت روز خود به بحث اقدام غیراخلاقی شرکت سامسونگ پرداخته و بهمن فرتون در مطلبی نوشته است «اگر سیاست داخلی جامعه را به نفع سیاست خارجی رها کنیم بی‌تردید جامعه از این مساله آسیب خواهد دید. نباید جامعه‌ای درست کنیم که هرکسی بتواند با یک خبر آن را برهم بزند. جامعه باید استحکام داشته باشد. اما آن دوران گذشته و باید کمی چشم‌هایمان را باز کنیم و به جامعه‌مان برسیم تا یکباره یک سامسونگ پیروزی نتواند جامعه ما را بهم ببرد. چرا باید اجازه دهیم که به نوعی ما را تحریک کنند؟ ملت باید کمی هوشیار شود اما مسأله فکری کنیم که هوشیاری به ضرر ماست در حالی که هوشیاری ملت به نفع خودمان است. در این میان باید «خودمان» را تعریف کنیم تا ببینیم چه کسانی در «خودمان» جای می‌گیرند و دوست دارند که در این «خودمان» باشند؟



**غیرممکن بودن امکان همکاری‌های سیاسی امنیتی کابل و تهران**

روزنامه جوان تنش بین افغانستان و پاکستان را، مورد توجه قرار داده و سید عباس حسینی در بخشی از مصاحبه با این روزنامه گفته است «نظریه پردازان و سیاست‌گذاران عرصه خارجی در افغانستان بر این باورند که افغانستان به دلیل سیاست بی‌طرفی در ۱۰۰ سال گذشته، متحمل خسارت‌های بزرگی بوده است، این نظریه پردازان می‌گویند که افغانستان در سیاست خارجی خود، اکنون به دنبال انتخاب‌های عقلانی است و بر اساس ظرفیت کشورها، نوع رابطه خود را انتخاب می‌کند. بر این اساس، اگر ظرفیت یک کشور در عرصه مناسبات اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای بیشتر است، محور روابط اقتصادی و اگر ظرفیت کشور یا کشورهایی چون آمریکا و ناتو در عرصه‌های سیاسی و امنیتی زیاد است، محور سیاست و روابط با این کشورها، سیاسی و امنیتی خواهد بود. بر این اساس، در بعد همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، افغانستان از همپیمانی با چین، هند، ایران یا هر کشور دیگری استقبال می‌کند و از تمام توان خود در راستای گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای استفاده می‌کند، اما در حوزه سیاسی و امنیتی، وابستگی و همپیمانی خود را با سیستم امنیتی ناتو در منطقه پذیرفته است. امکان همکاری‌های سیاسی و امنیتی میان کابل و پکن، کابل و مسکو و حتی کابل و تهران غیرممکن است یا اینکه دیگر مورد توجه نیست. البته افغانستان در حوزه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای

به معنای رشد ایران است و ما همچنین توانسته‌ایم پنج میلیارد یورو سرمایه‌گذاری دیگر را جذب کنیم که این البته به معنای توانمندی اقتصادی ایران است.» به گفته رئیس دولت، جمهوری اسلامی ایران در تولید و استخراج گاز از ظرفیتی گرفته است و تولید گاز در ابتدای دولت یازدهم به ۲۸۵ میلیون مترمکعب از منطقه پارس جنوبی رسیده بود اما حالا به ۵۵۳ میلیون مترمکعب رسیده است که به معنای دو برابر شدن آن است و البته به معنای پیشی گرفتن از قطر در استخراج گاز است. وی در ادامه با بیان اینکه در میدان مشترک غرب کشور شاهد افزایش برداشت بوده‌ایم گفت: اگر ما زمانی از میدان مشترکی که با عراق داریم روزانه ۷۰ هزار بشکه نفت استخراج می‌کردیم امروز میزان آن به ۳۰۵ هزار بشکه رسیده است. عزت ایرانی در این مقولات اثبات می‌شود.

راهپیمایی سسی‌ونهمین سالگرد انقلاب با حضور چهره‌هایی از تمامی طیف‌های سیاسی و اجتماعی همراه بود که از آن میان می‌توان به آیت‌الله موسوی خوینی‌ها، علی لاریجانی، اسحاق جهانگیری، شهیندخت مولاوردی، محمدباقر قالیباف و دیگر اشخاص برجسته و انقلابی اشاره کرد.

آن عمل کنیم و آستانه تحمل‌مان را بالا ببریم.» عضو مجلس خبرگان رهبری ثمره انقلاب و میراث امام راحل را قانون اساسی کشور عنوان کرد و گفت: «باید قانون اساسی را پاس بداریم و از ظرفیت آن استفاده کنیم. آنچه که امروز از آن به عنوان مشکل در روابط اجتماعی، بحث آزادی و سرمایه‌گذاری‌ها یاد می‌شود، به‌خاطر عمل نکردن به قانون اساسی است. هر که قانون اساسی را قبول دارد، انقلابی است. همه نهادها و دستگاه‌ها باید به قانون اساسی عمل کنند. این قانون بن‌بست‌ها را برداشته و ظرفیت‌های بسیاری دارد.» وی ادامه داد: اگر در جایی ما با هم بحث داریم باید به اصل ۵۹ قانون اساسی مراجعه کنیم. طبق این اصل برای رفع مشکلات و اختلافات باید به آرای مستقیم مردم مراجعه کرد. طبق اصل ۵۹ هر چه مردم گفتند باید به آن عمل کنیم. این ظرفیت قانون اساسی ما است و باید به آن عمل کنیم.

**جذب ۳۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی پس از برجام**

رئیس جمهوری با بیان اینکه ایران توانسته است ۳۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی پس از انعقاد برجام جذب کند، گفت: «این

کرده و راه قانونی را سهل کنیم. باید راه احراز شایستگی‌ها را سهل کنیم و مردم را در این احرازها مشارکت دهیم. اگر کمیود قانون داریم قانون را اصلاح و یا مردم مدارا کنیم و بگذاریم همه سلیقه‌ها در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و خبرگان شرکت کنند. این اصلی برای حراست از نظام و انقلاب است.»

**حریم خصوصی مردم از آن مردم است**

رئیس شورای انقلاب فرهنگی در بخش دیگری از سخنانش یادآور شد که نباید قواعد بازی و تعامل را از یاد ببریم؛ در زمان انتخابات تقد کنیم و هر چه می‌خواهیم بگوییم، اما انتخابات که تمام شد رقابت تمام شده است. خواهش می‌کنم از تمام جناح‌ها و همه افراد و فرهیختگان، به کسی که انتخاب شد چون منتخب مردم است، احترام بگذاریم. رئیس جمهوری با بیان اینکه رای مردم است که منتخب مردم را می‌سازد، گفت: «بعد انتخابات باید رقابت را کنار گذاشته و قواعد سیاسی جهانی را مراعات کنیم و همه در کنار هم باشیم. مردم را راحت بگذاریم و در حریم خصوصی آنها دخالت نکنیم. حریم خصوصی مردم از آن مردم است. برای یک بار هم که شده فرمان هشت ماده‌ای امام در سال ۶۱ را بخوانیم و طبق

**هزار دوست کم است و یک دشمن زیاد**

رئیس جمهوری کشورمان در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر گسترش نشاط در ورزشگاه، دانشگاه و خیابان از تمامی سیاسیون از اصلاح‌طلب گرفته تا اصول‌گرا و اعتدالیون خواست تا کینه‌ها را رها کرده و در مقابل با برادری دشمن را مایوس کنیم؛ چرا که همه برادر، مسلمان و ایرانی هستیم. وی خاطر نشان کرد: «چندسال کینه و سخن ناروا گفتن؟ رها کنید مسائل کوچک را.»

**مشارکت مردم؛ تنها راه حفظ انقلاب**

رئیس دولت تدبیر و امید بر این باور است که برای حفظ انقلاب راهی جز مشارکت مردم وجود ندارد و اگر امروز انقلاب بعد از ۳۹ سال باقی مانده به دلیل برگزاری انتخابات‌هاست و اگر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نبود، بدانید انقلاب نبود. انتخابات‌هاست که این انقلاب را پایدار نگه می‌دارند. او در بخش دیگری از سخنانش بر لزوم سهل کردن راه انتخاب مردم تأکید کرد و گفت: «از شورای نگهبان و سایر دست‌اندرکاران و نهادهای می‌خواهم راه انتخابات را سهل کنند. باید به مردم اعتماد

**دیدگاه**

**انقلابیون شرایط پیش از انقلاب را به یاد آورند**



**علی تاجرنیا**  
عضو حزب اتحاد ملت

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بسیاری خودخواسته یا به ناچار از قطار انقلاب پیاده شده‌اند اما باید به این نکته توجه کرد که تنها تعداد قلیلی از این افراد با میل و خواست خودشان از ادامه مسیر سرباز زده و از این قطار پیاده شده‌اند و قریب به اتفاق آنها را از کاروان پیاده کردند و علت شاید آن بود که به مرور زمان و با حرکت قطار، مقصدی که در ابتدا مشخص شده بود در میان راه تغییر کرد. از سویی دیگر باید به این مسئله بپردازیم که آیا رفتار کنونی ما مطابق با آن چیزی است که پیش از انقلاب اسلامی تبیین شده بود؟ مسلمانا اینگونه نیست و تمامی اصولی که از ابتدا ترسیم شد، مجالی برای ظهور پیدا نکرد؛ تغییر شرایط به نحوی که به رفتارهای تند و خشن منجر می‌شد بسیاری را از قطار انقلاب پیاده کرد که تعدادشان به مراتب بیشتر از آنهاست است که خودخواسته کاروان را ترک کرده‌اند. در چنین شرایطی، دست‌اندرکاران انقلاب باید به گذشته برگشته، به خودنهییبی بزنند و شرایط پیش از انقلاب را به یاد آورند؛ زمانی که تمامی اقشار جامعه از فقیر و غنی گرفته با هر اعتقاد و پوششی در کنار یکدیگر به شرایط اعتراض کرده و به دنبال آزادی بودند. اکنون اگر بنا باشد سخن از گفت‌وگوی ملی به میان آوریم باید متناسب با همان نگرش‌ها باشد در غیر این صورت تداوم روند فعلی بدون دیدگاه منتقدانه به سی و نه سال گذشته فریبی بیش نیست. برای رسیدن به این مهم اما نیازمند عزمی جدی هستیم؛ عزمی که از زمان پیش‌نویس قانون اساسی تاکنون نتوانسته وجود نداشته بلکه عدم وجود آن منجر به برخی تنگ‌نظری‌ها و محدود کردن اختیارات مردم از سوی بعضی نهادها شده است. رسیدن به این اراده و پشتکار نیازمند هم‌صواری است و هم‌مدلی میان افراد مؤثر در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور.

از سویی دیگر، عدم توجه به قانون اساسی پس از پیروزی انقلاب منجر به ایجاد نهادهایی با اختیارات خاص شد که در طولانی مدت تأثیرگذاری مردم در سرنوشت‌شان را محدود کرد. در طول چهل سال گذشته تنها یک رفتارندوم برگزار شد. با این حال هرگز برای اصلاح و تغییر دیر نیست و نباید ناامید شد. از قوای سه‌گانه گرفته تا دیگر نهادهای دولتی و مردمی و افراد جامعه اگر در موقعیت خود به درستی ایفای نقش کنند به یقین این مسیر اصلاح خواهد شد و به آرمان‌های نخستین باز خواهد گشت اما تاکنون تلاش دولت کافی نبوده است.

**دیدگاه**

**تحقق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی**



**هاشم صباغیان**  
فعال سیاسی

حسن روحانی، رئیس جمهوری کشور باید تلاش کند تا شرایط آزادی‌های مصرح قانون اساسی در کشور فراهم شود. آزادی گفتار، نوشتار و انتشار اگر تامين نشود یعنی خواست اصلی مردم تامين نشده و آنگاه هیچ راهپیمایی افاقه نخواهد کرد. راه بازگشت مردم، سیاسیون و احزاب به قطار انقلاب از وحدت ملی و همدلی و همفکری میان قوای می‌گذرد که نه تنها طی سال‌های گذشته شاهد آن نبوده‌ایم، بلکه آنها مدام علیه یکدیگر جریان سازی می‌کنند. اگر اجرای قانون اساسی در محور کارها قرار گیرد قطعاً مفید بوده، به نفع جامعه و مردم ایران خواهد بود.

**دیدگاه**

**قطار انقلاب ظرفیت بالایی دارد**



**غلامحسین کرباسچی**  
دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون اشخاص و احزاب بسیاری راهشان را جدا کردند یا از قطار انقلاب پیاده شده‌اند و در آن شکی نیست اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که قوه مجریه در بازگرداندن نیروهای انقلابی به کاروان نقش بسزایی بر عهده دارد و به تعبیری دیگر باید در این زمینه پیش قدم باشد که نمونه آن را می‌توان در انتخاب وزرا و آرایش کابینه دولت شاهد بود. بازگرداندن نیروهای انقلابی به قطار انقلاب اگر چه امری شایسته است اما زمینه‌هایی نیز دارد که برخی از آنها به دیگر نهادها یا احزاب باز می‌گردد. به طورمثال درصلاحت گسترده نیروهای سیاسی از سوی شورای نگهبان یا آن زمان که قوه قضاییه به هر بهانه اقدام به پرونده‌سازی علیه افراد می‌کند نشان از آن دارد که اصل سخن بیجاست اما زمینه‌هایش فراهم نیست و دولت هم در این میان تمامی تلاشش را به کار نگرفته است. از دیگر سو، سیاسیون و مردم باید به خوبی آگاه باشند که قطار انقلاب ظرفیت بالایی دارد و سوار شدن عده‌ای لزوماً به معنای پیاده‌شدن دیگران نیست؛ قطار انقلاب برای تمامی افراد با هر دیدگاهی جا دارد و کسی قادر نیست جای دیگری را تنگ کند. آقای رئیس‌جمهور با بیان این نکته کام مثبتی برداشته اما در راستای اجرایی شدن آن تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. حسن روحانی در بخش دیگری از سخنانش اعلام کرد که نباید در حریم خصوصی افراد دخالت کرد که همچون مورد پیشین صحیح بوده اما تاکنون گامی در راستای تحقق آن برداشته نشده است. حال آنکه دولت نخستین نهادی است که باید پایبندی‌اش به فرمان‌های امام (ره) را اثبات کند. براساس این فرمان، نه تنها کنکاش و استعمال از زندگی مردم خطایی بزرگ است بلکه هیچ ارباب رجوع یا نیروی کاری نباید به بهانه استعمال ماهه‌ها پشت در حراست بماند که دولت نیز از این امر بی‌نیست. از همین رو، بهتر آن است که آقای روحانی فرمان‌های امام (ره) را به صورت بخشنامه در دولت خود اجرایی و بازرسی را برای نظارت بر کار و وزارتخانه‌ها استخدام کند تا اجازه ندهند هر نهادی به بهانه دستاویزی در حریم خصوصی افراد دخالت کند.

**دیدگاه**

**مگر قطار انقلاب کسی را هم پیاده کرده؟!**



**حمیدرضا ترقی**  
عضو حزب مؤتلفه اسلامی

قطار انقلاب تاکنون هیچ شخص یا جناحی را پیاده نکرده است و این حرف کاملاً اشتباه و نادرست است و واقعیت ندارد، اما جریان‌ها و افراد خودشان پیاده شده‌اند که علت آن عدم پایبندی آنها به آرمان‌ها و اصول انقلاب و اعتقادات ضعیف آن‌ها بوده است. تعدادی نیز فریب دشمنان انقلاب را خوردند. راه بازگشت به این قطار اما پذیرفتن اصول و آرمان‌های امام است و کسانی که این اصول را بپذیرند به راحتی قادرند بار دیگر به قطار انقلاب بازگردند و هیچکس مانع آنها نیست. مگر اینکه بخواهند با عدم صداقت و نفاق از آرمان‌های انقلاب عبور کنند. آنهاست که به دنبال سکولاریزه و لیبرالیزه کردن دولت هستند باید بدانند که به طور طبیعی با قطار انقلاب دچار اصطکاک خواهند شد. حرکت قطار به سمت دولت‌سازی اسلامی است و همه در این جهت باید اصول و فرایندی که رهبری تبیین کردند را باید بپذیرند. اینگونه نیست که اگر کسی ادعا کرد قانون اساسی را قبول دارد انقلابی است؛ چرا که پیش از قانون اساسی، انقلاب و تفکر انقلابی وجود داشته است. آنها که انقلابی هستند به تمامی اصول پایبندند و انقلاب را تمام شده نمی‌دانند. اعتقاد به قانون اساسی تنها به حرف نیست بلکه فرد انقلابی قانون را اجرایی می‌کند. اما تاکنون کدام رئیس‌جمهوری یا جناح و حزب سیاسی اصل ۸ قانون اساسی را اجرا و یا لایحه‌ای در این خصوص به مجلس ارائه کرده است؟ تنها پذیرفتن قانون اساسی مبنای انقلابی بودن و انقلابی‌گری نیست؛ روحیه، تفکر، روش و مشی افراد و احزاب باید انقلابی باشد.



**استعفای کریمی از تیم‌های باشگاه‌ها**

روزنامه شرق استعفای علی کریمی را از سمت سرمربی سپیدرود رشت مورد توجه قرار داده و نوشته است «آن‌طور که از باشگاه سپیدرود خبر رسیده، مسئولان این باشگاه علاقه‌ای به پذیرش استعفای کریمی ندارند و همچنان می‌خواهند با این مربی جوان به کار ادامه دهند، البته او حرفی از استعفای قطعی زده و این مورد را بر عهده مدیریت باشگاه گذاشته تا در صورت لازم دانستن این شوک، با جدایی او موافقت کرده و کار را با مربی دیگری ادامه دهند. سپیدرودی‌ها با وجود تغییر در کادرفنی همچنان یکی از تیم‌های انتهایی جدول هستند که خطر سقوط تهدیدشان می‌کند. سخنگوی این باشگاه گفته بود چه شفاهتی و چه کتبی، قطعاً سپیدرود با استعفای کریمی مخالفت خواهد کرد. البته این موارد باعث نشده که کریمی از مواضع تند و آتشینی که دارد کوتاه بیاید؛ او بعد از بازی مقابل استقلال در ورزشگاه آزادی، به کنفرانس خبری نرفت و با حضور در میکسدزون صحبت‌هایش را در جمع خبرنگاران مطرح کرد؛ صحبت‌هایی که درست مثل روزهای گذشته تند بود.

## حرف‌های امروز



**فلورانس پارلی، وزیر دفاع فرانسه:** «ما نشانه‌هایی از احتمال استفاده از گاز کلر در سوریه در اختیار داریم اما هنوز در این خصوص اطمینان کامل حاصل نشده است، ما در کنار دیگر گروه‌ها تلاش می‌کنیم از وقوع چنین مسئله‌ای اطمینان یابیم.»



**چاوش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه:** «عملیات ما در ترکیه و سوریه علیه برادران و خواهران ما که ساکن این منطقه هستند، نیست. عملیات‌های ضد پ‌ک‌ک ما در عراق علیه محلی‌ها نیست. امروز ترکیه میزبان ۳۵۰ هزار کرد سوریه است. در حالی که هیچکدام از این کردها در ترکیه نمی‌خواهند به آنجا بازگردند.»



**نانسی پلوسی، رهبر اقلیت‌های مجلس نمایندگان آمریکا:** امتناع ترامپ، از انتشار گزارش دموکرات‌های کمیته اطلاعاتی، تقلایی بی‌شرمانه برای کتمان حقیقت درباره رسوایی ترامپ - روسیه از مردم آمریکاست. واضح است که ترامپ چیزی برای پنهان کردن دارد.



**شینزو آبه نخست وزیر ژاپن:** «ژاپن، کره جنوبی و آمریکا در مسئله کره شمالی روابط و همکاری‌های نزدیکی با یکدیگر دارند و من می‌خواهم مذاکرات صریح و روشنی در جهت ساخت آینده جدید برای روابط میان دو کره داشته باشیم.»



**دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا:** «امروز ائتلاف ضد داش صد در صد قلمروها را از دست این گروه تروریستی گرفته است البته کارهای زیادی همیشه برای انجام دادن وجود دارد تا زمانی که کارمان به صورت کامل انجام نشده است دست از تلاش برنمی‌داریم.»



**باب مندز سناتور ارشد کنگره:** «قصدمندارم از جایگاهم برای کمک به لغو توافق هسته‌ای برجام استفاده کنم. به نظر من بهتر است رئیس‌جمهور، متحدان اروپایی‌مان را برای اعمال تحریم‌های چندجانبه با ما همراه کنند.»



آیا مک‌مستر و سناتورهای می‌توانند ترامپ را به ماندن در برجام قانع کنند؟

# طرح استراتژیست دولت ترامپ برای حفظ برجام

واحد از آنچه قرار است از طریق توافق هسته‌ای به عنوان تعهدات طرف ایرانی اخذ شود و آنچه در قبال آن به عنوان تعهدات طرف‌های غربی به ایران داده شود، باعث بروز سردرگمی و اختلاف نظر درباره موضوع مذاکره با ایران می‌شود.

بدین ترتیب در فقدان برداشتی واحد میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها مذاکرات پس از ۲۰ ماه در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به «توافق وین» منجر شد. در این مدت بیشتر تلاش دولت آمریکا برای توجیه توافق، به مذاکره با نمایندگان حزب دموکرات در مجلس نمایندگان و کنگره آمریکا گذشت. دولت اوپاما با اتخاذ یک استراتژی حداقلی عمدتاً برای گذشتن از سد کنگره به نمایندگان هم حزبی خود تکیه داشت و درصدد توجیه اکثریت جمهوری خواهان برنیامد.

همچنین جمهوری خواهان دوبار کوشیدند از طریق روش فیلی باستر توافق هسته‌ای را رد کنند اما هر دو بار این گروه نتوانستند ۶۰ رأی لازم برای تصویب طرح خود را به دست بیاورند و فیلی باستر با ۵۸ رأی موافق در برابر ۴۲ مخالف «رد توافق هسته‌ای» از دور خارج شد. در جریان این دو تلاش نیز ۴ سناتور دموکرات نیز علیه توافق هسته‌ای رأی دادند که خود این واقعیت نیز نشان از فقدان آمادگی لازم میان

نیروهای آمریکایی درباره توافق داشت.

### برجام در گروگان تیم ترامپ

وقتی دونالد ترامپ در هشتم نوامبر ۲۰۱۶ توانست با شکست «هیلاری کلینتون»، لقب چهل و پنجمین رئیس‌جمهور این کشور را به دست آورد، مصائب توافق هسته‌ای در آمریکا صد چندان شد. ترامپ در مراحل اولیه انتخابات درون حزبی وعده داده بود لغو توافق هسته‌ای با ایران را در نخستین ساعت ورودش به کاخ سفید انجام دهد.

اما از یکسو سابقه غیرحزبی و غیرحرفه‌ای او و از سوی دیگر وجود افرادی با رویکردهایی متفاوت در دولتش باعث شد از همان ابتدا رفتار و گفتار ترامپ در قبال توافق ایران، دچار تناقضی شدید شود. رئیس‌جمهور آمریکا نه تنها پس از ورودش به کاخ سفید برجام را پاره نکرد، بلکه در مواردی نیز به جای لغو توافق از لزوم تغییر و اصلاح آن سخن به میان آورد. با این حال ۶ ماه نخست عمر دولت ترامپ را باید دوران حملات شدید لفظی ترامپ به توافق و «مخالفت صریح» با آن بدانیم. به بیان دیگر «ترامپ علیه برجام» استراتژی اصلی رئیس‌جمهور آمریکا در قبال توافق را در ۶ ماه نخست عمر کابینه تشکیل می‌دهد.

اما در ۶ ماه دوم رویه دولت ترامپ در قبال توافق هسته‌ای تا حدی تعدیل شد و نسبت به قبل استراتژی منسجم‌تری با محوریت «گروگان گرفتن برجام از طریق مفاد آن» در پیش گرفته شد. معمای تغییر رویه نسبی دولت ترامپ درباره برجام را شاید بتوان مبتنی بر تغییراتی دانست که در اعضای تیم همکاری او به وجود آمده است: اطرافیانسی نیز که در ۶ ماه اول دولت ترامپ تأثیر زیادی بر وی داشتند، عمدتاً به مشی ضد ایرانی شناخته می‌شدند و صراحتاً مخالف توافق بودند. به جز «مایک پنس»، معاون رئیس‌جمهور، «مایکل فلین»، مشاور پیشین امنیت ملی ترامپ و نیز «استیو بن»، استراتژیست سابق کاخ سفید و «مایک پومپئو»، رئیس سازمان سیا و نیز «ریک پری»، وزیر انرژی از جمله مخالفان توافق هسته‌ای با شکل و شمایل فعلی‌اش به حساب می‌آیند.

اما در ۶ ماه دوم افرادی به دولت ترامپ اضافه شدند که ایده جدیدی برای استفاده از ظرفیت‌های خود برجام برای افزایش محدودیت‌های ایران را در سر می‌پروراندند. از جمله این افراد می‌توان به ژنرال هربرت مک‌مستر و جان کلی اشاره کرد. این دو نفر در کنار «رکس تیلرسون»، وزیر خارجه و «جیمز ماتیس»، وزیر دفاع آمریکا سعی

کردند ترامپ را به حفظ توافق و گروگان گرفتن آن مجاب نمایند.

### حرکت به سوی بلن بی ترامپ؟

در حالی که برخی منتقدان معتقد بودند کابینه ترامپ در ماه‌های نخست شروع به کار خود استراتژی منسجمی در قبال توافق هسته‌ای (و حتی دیگر موضوعات سیاست خارجی) را دنبال نمی‌کند، به نظر می‌رسد در پی موج نخست تغییرات کابینه، رفته رفته دولت ترامپ به استراتژی منسجم‌تری در ارتباط با ایران و توافق هسته‌ای دست یافت.

ورود «هربرت مک‌مستر» به کابینه به عنوان مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور باعث شد، گزینه‌های بدیلی در ارتباط با برجام فراروی دولت ترامپ قرار بگیرد. مک‌مستر از ابتدا معتقد بود که بهتر است آمریکا از ظرفیت‌های خود توافق برای افزایش فشار بر ایران استفاده کند و خروج از توافق را به عنوان اقدامی که همیشه می‌توان انجامش داد، تا بنگاه آن به تعویق بیندازد.

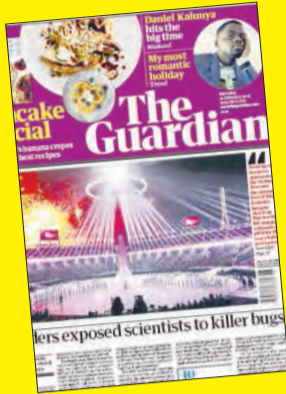
در واقع مک‌مستر جزو افرادی است که گفته می‌شود می‌خواهند ترامپ را به ماندن در برجام راضی کنند. به گزارش دیلی بیست، مک‌مستر درصدد است



به گزارش دیلی بیست، مک مستر درصدد است طرحی به رئیس جمهور آمریکا دهد که او را به نسبت به تمدید زمان محدودیت‌های برجام از یکسو و نیز امکان مذاکره بر سر دیگر موضوعات منطقه‌ای و نظامی با ایران امیدوار می‌کند. همچنین وب‌سایت پولیتیکو نیز از طرح مشترک مک‌مستر، تیلرسون و دو سناتور آمریکایی برای تصویب لایحه جدیدی در سنای آمریکا خبر می‌دهد که اجازه بازگرداندن بخشی از تحریم‌های هسته‌ای را به رئیس جمهور می‌دهد.



## کیوسک: روزنامه‌های جهان



گاردین: بریتانیا فقیر می‌شود

«هیچ دسیسه مخفی وجود ندارد، دیلی میسل نمی‌تواند جلوی تلاش ما برای لغو برگزیت را بگیرد» به بررسی این موضوع نشسته است. پس از آنکه دیلی تلگراف و دیلی میل خبر کمک مالی جورج سوروس را در جهت لغو برگزیت عنوان کردند، الیوس تاد به بررسی این موضوع پرداخته است. در این باره ایان دونکن، مدیرعامل کمپین بهترین برای بریتانیا، عنوان می‌کند که برای من دموکراسی در روز بعد از رفتاردوم تمام نشده است: پروسه ترک اتحادیه اروپا دموکراتیک است. او ادامه می‌دهد که دولت اختیار شروع مذاکرات را دارد اما نمی‌تواند به آن خاتمه دهد. در مرکز این تلاش‌ها، کمپین‌هایی نظیر کمپین بهترین برای بریتانیا، در جهت توانمندسازی شهروندان برای تأثیرگذاری و مشارکت بیشتر در امور کشور و دموکراسی است تا صدای همگان شنیده شود و این کمپین‌ها را به شهرها و روستاهای مختلف سراسر کشور خواهیم برد. بنابراین اگر کمک به شنیده شدن صدای افراد جامعه و همچنین تلاش برای کمک به مردم برای اعمال نقش بیشتر، دسیسه مخفی محسوب می‌شود، با کمال میل این پرسش را خواهیم پذیرفت. برگزیت باعث خواهد شد که بریتانیا فقیرتر و کمتر امن شود و این آن چیزی است که مردم به فروش گذاشتند.

مقاله دوم نیز به بررسی اثرات برگزیت پرداخته است. نماینده حزب کارگر بریتانیا از نیوکاسل به نام چی اونورا در مقاله‌ای با عنوان «امروز می‌دانیم برگزیت چه معنی‌ای می‌دهد و این همان نیست که شمال شرقی بریتانیا و از آنجایی که به مخالفت با طرح برگزیت پرداخته است. او معتقد است که استراتژی برگزیت ترزا می، شدیدترین ضربه را به منطقه وارد می‌کند و نرخ توسعه منطقه شمال شرقی را ۱۱ درصد کاهش خواهد داد و اگر هم دولت بدون توافق بیرون بیاید، تولید ناخالص داخلی را با کاهش ۱۶ درصدی روبه‌رو خواهد کرد. بنابراین این منطقه سریع‌تر فقیر خواهد شد تا مناطق دیگر بریتانیا و از آنجایی که منطقه شمال شرقی، تنها منطقه در بریتانیا است که بیش از واردات، صادرات دارد، با این طرح، سریع‌تر فقیر خواهد شد. او معتقد است که برگزیت را یک مدل تئوریک‌تری هدایت می‌کند که اصلاً مناسب منطقه شمال شرقی نیست.

منطقه شمال شرقی بریتانیا با اکثریت ۵۸ درصد به برگزیت رأی مثبت داده است و حزب من نیز برای نتیجه این رفتاردوم احترام قائل است اما هیچ‌کس در این منطقه به این رأی نداده است که کودکان ما فقیرتر شوند. به مانند اکثریت همکاران، من نیز وارد سیاست نشده‌ام تا شهروندانی را که نمایندگی می‌کنم به سمت یکاری بیشتر سوق دهم. من به دنبال بسط سیاست‌هایی هستم که بتوانند رشد پایدار و هوشمندانه را هر چه بیشتر برای کشور مهیا کند و تنها از این طریق است که می‌توان مهارت‌ها، سرمایه‌گذاری و فرصت‌ها را به نحوی افزایش داد که قابلیت رقابت در بازار را در سطح جهانی کسب کنیم. با برگزیت تنها راه‌های دسترسی به بازار آزاد جهانی برای ما محدود می‌شود و این اصلاً منطقی نیست. به نظر می‌رسد که برای ترزا می، وقت آن رسیده تا شغل شهروندان را نسبت به ایده‌ها و جدل‌های بی حاصل، در اولویت قرار دهد. ما اخیراً شاهد این هستیم که فعالان اقتصادی بریتانیا در نامه‌ای به دولت محافظه کار خواهان شفافیت بیشتر شده‌اند، همانگونه که سفیر زاین نیز تأکید کرده است، تنها دلیل حضور آنها در اینجا دسترسی به بازار اتحادیه اروپا است و با برگزیت تنها فقیرها، فقیرتر شده و باعث افزایش اختلافات اقتصادی در منطقه می‌شود.

نسخه بین‌المللی روزنامه گاردین در ۹ فوریه در سرمقاله خود به بررسی سفر خواهر کیم جونگ اون به کره جنوبی و اثر آن در ایجاد کورسوی امیدی در روابط میان دو کشور پرداخته است. دیدار میان خواهر کیم جونگ اون و رئیس جمهور کره جنوبی، بلندپایه‌ترین دیدار مقامات دو کشور در یک دهه اخیر بوده است. چندی قبل نیز رئیس‌جمهور کره جنوبی علاقه‌مندی خود را برای سفر به پایتخت کره شمالی ابراز کرده بود ولی آمریکا در راستای به‌کارگیری استراتژی فشار حداکثری بر کره شمالی، از این سفر جلوگیری کرده بود. رهبر کره شمالی اما نشان داده است که مایل به برچیدن برنامه هسته‌ای خود نیست چنانکه یک روز قبل از شروع مراسم المپیک در کره جنوبی نیز، در زره‌بزرگ نظامی، موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای خود را که خطر بالقوه‌ای برای خاک آمریکا محسوب می‌شوند، به نمایش گذاشت. به رغم به‌وجود آمدن کورسوی امید و تنش‌زدایی در روابط میان دو کره، مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا، نه بر سر میز شام با خواهر کیم جونگ اون نشست و نه در مراسم رژه ورزشکاران دو کره در مراسم افتتاحیه از جای خود بلند شد. وی در مصاحبه با شبکه ان‌بی‌سی اعلام کرد که برای محافظت از خاک آمریکا، هر کاری انجام خواهیم داد و به فشارهای دیپلماتیک و نظامی خود ادامه می‌دهیم.

در ادامه روزنامه گاردین در ستون تحلیل خود با عنوان «رنج‌دیدگان افزایش می‌یابند و جهان روی برگردانده است» به بررسی وضعیت جنگ داخلی در سوریه پرداخته است. پس از هفت سال جنگ در خاک سوریه خشونت در این کشور نه تنها کم نشده بلکه چندین برابر نیز شده و درخواست سازمان ملل مبنی بر آتش‌بس نیز نادیده گرفته شده است. راه‌حل سیاسی این بحران نیز در زمان کنونی، ناممکن‌ترین راه‌حل است. روسیه متوجه شده که بمباران یک کشور بسیار سهل‌تر از به ارمغان آوردن صلح برای آن است و نیروهای مسلح کرد نیز امیدوارند که همکاری آنها در جهت مقابله با داعش، پشتیبانی غرب از آنان را افزایش دهد. از طرف دیگر آمریکا نیز به مانند داعش در منطقه است و در پی ثبات‌سازی در منطقه و برقراری تعادل میان قدرت رو به افزایش روسیه در منطقه و مقابله با اقدامات ایران و همچنین اطمینان خاطر دادن به متحدان منطقه‌ای خود یعنی عربستان سعودی و اسرائیل است. این مقاله در آخر نیز بررسی می‌نماید که همسایگان سوریه میزبانان به مراتب بهتری برای پناهجویان این کشور بوده‌اند تا کشورهای ثروتمند که تنها کمتر از سه درصد پناهجویان را به‌طور داوطلبانه مورد قبول قرار داده‌اند و با ادامه این روند باید یک اقدام قاطع و سریع بین‌المللی در این خصوص اتخاذ شود. قسمت بین‌المللی این روزنامه اما به بررسی برگزیت و اسرات و جوانب آن پرداخته است. مقاله اول تحت عنوان

## گفت‌وگو

### ترامپ تصمیم بسیار قاطعی در مورد خروج از برجام دارد

گفت‌وگوی سازنده‌ای با ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های هسته‌ای در دولت اواما

**پوریا فیروززاده:** او را طراح و معمار تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران در دوره اواما می‌دانند. ریچارد نفیو از اعضای سابق تیم مذاکرات هسته‌ای آمریکا، قبل از ورود ترامپ به کاخ سفید، معاون ارشد هماهنگ‌کننده‌ی سیاست‌های تحریمی وزارت خارجه بود. وی پیش از آن نیز در اداره‌ی امنیت بین‌الملل و عدم اشاعه‌ی وزارت خارجه فعالیت داشت. نفیو همچنین رییس بخش امور ایران در شورای امنیت ملی آمریکا (NSC) بوده است. او کتابی به نام هنر تحریم‌ها دارد. معمار تحریم‌های هسته‌ای هم‌اکنون تحلیلگر سیاست خارجی و عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای در موسسه بروکینگز و پژوهشگر سیاست انرژی در دانشگاه کلمبیا است. روزنامه سازندگی در گفت‌وگوی اختصاصی با نفیو این پرسش را به بحث گذاشت که در واشنگتن در مورد برجام چه می‌گذرد؟

همه‌ی مشکلات را حل و روابط دوستانه ایجاد کند.

بسیاری از کارشناسان در رابطه با ماندن واشنگتن در برجام از عبارات «تصمیم ترامپ» استفاده می‌کنند آیا اکنون تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی آمریکا به خصوص در مورد برجام شخصی شده است؟

بله، من معتقدم که این تصمیم هم از نظر قانونی و هم از نظر عملی برعهده ترامپ است. او همه اختیارات لازم برای خاتمه دادن به برجام را در اختیار دارد. برخی معتقدند که این یک روش غلط در روند تصمیم‌گیری آمریکا است اما با توجه به مخالفت‌های سیاسی در سال ۲۰۱۵ با توافق هسته‌ای ایران باید توجه داشت که خود اواما نیز از همین طریق قادر بود تا برجام را به تأیید برساند، البته این ایده‌آل نیست ولی جای تعجب نیز ندارد.

در صورت خروج ترامپ از برجام سناریوی احتمالی وی چه خواهد بود؟ آیا برنامه‌های برای مقابله با ایران خواهد داشت؟

اگر ترامپ از برجام خارج شود فکر نمی‌کنم که راهی به جز بازگرداندن فشار روی ایران باشد آن هم به این امید که ایران وارد مذاکره‌ی جدید برای رسیدن به یک توافق بهتر شود. معتقدم این برنامه نتیجه‌بخش نخواهد بود نه به دلیل آنکه او در بازگرداندن دوباره فشار روی ایران مشکل داشته باشد؛ البته ما نیز مذاکره‌کنندگان ضعیفی نبودیم.

به نظر شما کارگروه تشکیل شده برای بهبود برجام میان اروپا و آمریکا به چه معنی است. آیا این اقدام به معنی نزدیک شدن مواضع اروپا و آمریکا در مورد برجام است؟

من فکر می‌کنم که کارگروه تشکیل شده جهت تسهیل گفت‌وگوها و اقدامات برای پاسخ به نگرانی‌های آمریکا و اروپا در مورد سیاست‌های ایران است در مورد برجام نیز معتقدم این اقدام نشان‌دهنده تمایل اروپایی‌ها برای حفظ برجام از طریق تأکید به آمادگی به همکاری با ترامپ در این بخش است.

آیا فکر می‌کنید که ترامپ در حال استفاده از استراتژی برجام علیه برجام است. به نظر می‌رسد او از قانون تمدید ۴ ماهه تعلیق تحریم‌های هسته‌ای خارجی را در حالت صبر و انتظار استفاده می‌کند تا ایران و سرمایه‌گذاران نگاه‌دارد تا جایی که منافع برجام برای ایران به حداقل ممکن کاهش یابد. با این برداشت موافق هستید؟

خیر؛ فکر نمی‌کنم که ترامپ در حال بازی چنین تاکتیکی باشد من فکر می‌کنم او در توافق مانده است. به این دلیل که تیم‌اش او را به ماندن قانع کرده‌اند، نه به دلیل یک برنامه‌زیرکانه و پنهان.

برای از بین بردن برجام را به دست بیاورد او قادر نیست به این سوال پاسخ دهد که در صورت نبود برجام چه اتفاقی می‌افتد و از طرفی نمی‌تواند حمایت لازم برای مقابله با دیگر مشکلات موجود با ایران را به دست آورد چراکه به تهدید و سیاست خروج از برجام ادامه می‌دهد.

آیا معتقدید که برجام استراتژی مناسبی برای حل موضوع هسته‌ای ایران است؟

بله قطعاً همینطور است برجام توافقی بسیار موفق بود چراکه در راستای منافع همه طرف‌ها بود، حتی اگر گزینه‌های بهتری نیز برای طرف‌های مذاکره‌کننده وجود داشت. در این توافق طرف‌ها با یکدیگر مصالحه کردند که به دست آمدن آن بسیار دشوار اما راضی‌کننده بود. اگرچه در طول زمان برجام همچنان نیاز به کار بیشتر دارد. اگر در زمان مشخص شده توافق هسته‌ای با ایران پایان یابد می‌تواند باعث ایجاد یک بحران شود چراکه نگرانی‌های زیادی در مورد برنامه هسته‌ای ایران ایجاد خواهد شد و همچنین پاسخ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به آن بسیار گسترده خواهد بود. بنابراین برجام آغاز بسیاری مناسب‌تر برای روابط بهتر و راه‌حل‌های مناسب‌تر برای رفع این مشکلات است.

برجام به منظور رفع نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران امضاء شد و طرفین توافق کردند تا مشکلات دیگر را وارد آن نکنند اما ترامپ صریحاً اعلام کرده است که این توافق منعی برای اقدامات منطقه‌ای ایران ایجاد نمی‌کند. به نظر شما علت اتخاذ این موضوع از سوی ترامپ چیست؟

این موضوع همواره در مورد برجام بحث برانگیز بوده است. بسیاری معتقدند توافقی که همه مشکلات را حل نکند و به طور کلی جامع نباشد ارزش نگه داشتن ندارد. البته افرادی نیز در ایران همین نظر را دارند. در نهایت باید بگویم که این برداشتی اشتباه است. دیپلماسی در نقطه ایده‌آل می‌تواند برای موضوعات و مشکلات بسیار بزرگ، راه‌حل‌های بزرگ ارائه کند اما اغلب تغییرات و پیشرفت‌ها گام به گام و تدریجی هستند.

برجام یک قدم بزرگ رو به جلو بود و این احتماقانه است که تصور کنیم به یکباره باید به تهدیدهای ترامپ برای خروج از برجام چپیسست، آیا اروپا در کنار آمریکا برای اصلاح برجام تلاش خواهد کرد و آیا به دنبال گنجاندن برخی از موضوعات در برجام مثل برنامه موشکی ایران است؟

نظر شما در مورد نقش افرادی مثل تیلرسون و مک مستر در تصمیم نهایی واشنگتن در مورد برجام چیست، آیا آنها قادر خواهند بود تا دوباره ترامپ را به ماندن در برجام قانع کنند؟

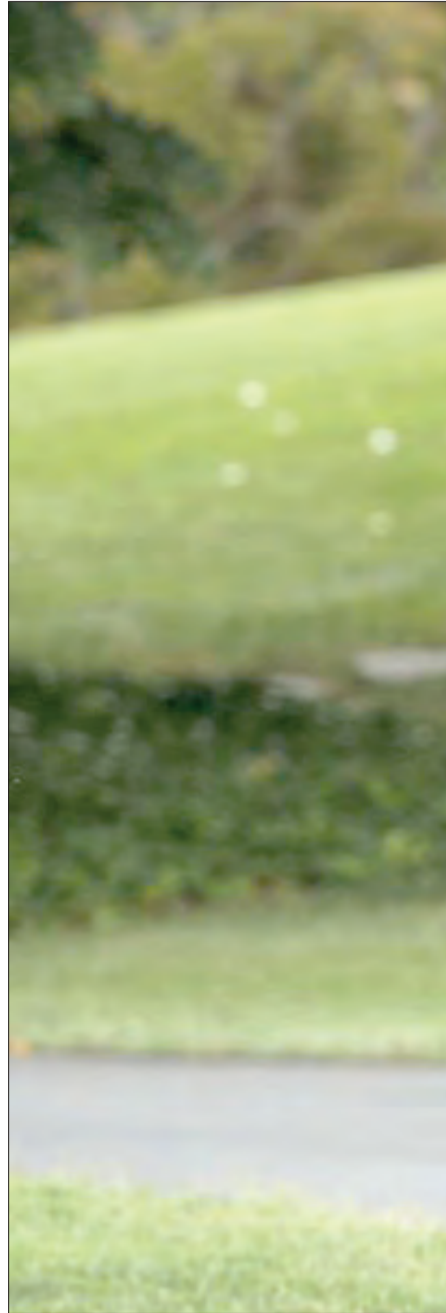
من در این باره زیاد مطمئن نیستم مگر آن که ترامپ یا اروپا و رهبران کنگره بتوانند امتیازات غیر قابل‌انتظاری از طرف مقابل بگیرند. با توجه به شرایطی که ترامپ مشخص کرده است فکر می‌کنم که او تصمیم بسیار قاطعی را در مورد عدم تمدید دوباره‌ی تعلیق تحریم‌های ایران در صورت انجام نشدن شروط اش اتخاذ کرده است. البته انجام این شروط بسیار دشوار است. با توجه به این موضوع فکر نمی‌کنم که تیلرسون و مک‌مستر بتوانند ترامپ را به ماندن در برجام قانع کنند.

با توجه به اینکه باراک اواما نتوانست در مورد برجام در آمریکا اجماع ملی ایجاد کند فکر می‌کنید که این موضوع تا چه حد در وضعیت شکننده امروز برجام در داخل ایالات متحده تأثیرگذار بوده است؟

این موضوع کاملاً درست است که عدم وجود یک حمایت فراهزی در آمریکا از برجام باعث شده است که حفظ برجام دشوارتر شود. البته در آن زمان باراک اواما نمی‌توانست در مورد برجام چنین حمایتی ایجاد کند چراکه در داخل آمریکا و از سوی جمهوریخواهان بسیار تحت فشار بود. از سوی دیگر برخی از سناتورها مثل جف فلیک اگر به خاطر زمان‌بندی انتخابات نبود، ممکن بود از این توافق حمایت کنند. البته بر اساس یکی از نظرسنجی‌هایی که من مشاهده کرده‌ام حمایت قابل توجهی از برجام در آمریکا وجود دارد بنابراین بیشتر از این که این مسئله‌ای مربوط به اجماع داخلی باشد موضوع مربوط به آن است که چه کسی در رأس قدرت قرار دارد. بنابراین دولت ترامپ به دنبال راه‌حلی ساده یعنی بازگشت تحریم‌ها علیه ایران است و مهم نیست که چقدر این تحریم‌ها می‌تواند بی‌تأثیر باشد.

تحلیل شما از مواضع برخی کشورها مثل فرانسه نسبت به تهدیدهای ترامپ برای خروج از برجام چیست، آیا اروپا در کنار آمریکا برای اصلاح برجام تلاش خواهد کرد و آیا به دنبال گنجاندن برخی از موضوعات در برجام مثل برنامه موشکی ایران است؟

معتقدم که نگرانی‌های زیادی در مورد برخی از مشکلات غیر هسته‌ای با ایران میان شرکای اروپایی واشنگتن و دیگر کشورها وجود دارد که باید به آنها پاسخ داده شود. اروپا و دیگر کشورها معتقد نیستند که برای حل این مشکلات باید از برجام عبور کرد و مشکل اصلی ترامپ نیز همین است. او نمی‌تواند حمایت لازم



طرحی به رئیس جمهور آمریکا دهد که او را به نسبت به تمدید زمان محدودیت‌های برجام از یکسو و نیز امکان مذاکره بر سر دیگر موضوعات منطقه‌ای و نظامی با ایران امیدوار می‌کند. همچنین وب‌سایت پولیتیکو نیز از طرح مشترک مک‌مستر، تیلرسون و دو سناتور آمریکایی برای تصویب لایحه جدیدی در سنای آمریکا خبر می‌دهد که اجازه بازگرداندن بخشی از تحریم‌های هسته‌ای را به رئیس جمهور می‌دهد به این ترتیب ایران ناچار خواهد شد برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها، مذاکره بر سر مسئله موشکی را بپذیرد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد لفاظی‌های ترامپ علیه توافقی با اضافه شدن مک‌مستر و ارائه پیشنهاد‌های جدید او پیش از پیش به عمل نزدیک شده است. پس از رونمایی از استراتژی مک مستر بود که ترامپ از رد پایبندی ایران به توافق خبر داد و شرکای اروپایی را برای اصلاح برجام تحت فشار گذاشت. به بیان دیگر دولت ترامپ از استراتژی مخالفت مستقیم با توافق به استفاده از ظرفیت‌های درون توافق گذار کرده است. در استراتژی جدید آمریکا بجای اینکه گناه خروج از توافق را به نام خود ثبت کند، سعی می‌کند به دلیل آنچه «نقض روح توافق» می‌خواند از رسیدن منافع برجام به ایران جلوگیری کند. آمریکا تصمیم دارد همزمان با افزایش فشارهای اقتصادی به ایران، شرکای اروپایی را نیز وادار کند تا نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای این کشور حساس‌تر شوند. از این رو ایرادات توافق نسبت به قبل کمتر خواهد شد و لذا دستکم تا زمانی که آمریکا احساس کند، از طریق خروج از توافق در لحظه موعود می‌تواند اقتصاد ایران را دچار ضربه نهایی کند، سرکشیدن این جام را به تعویق خواهد انداخت. در نتیجه ممکن است در ماه مه نیز آمریکا از توافق خارج نشود.



### حرف‌های امروز



**علیرضا رحیمی نماینده مردم تهران و عضو فراکسیون امید:** اختصاص ردیف بودجه برای پادشاهی‌های اتفاقی بیشتر شامل شرکت‌ها است، به این ترتیب اگر درآمد و سود شفاف و مشروع غیرمترقبه‌ای در شرکت ایجاد شود که به دنبال آن تراز مالی شرکت ذی‌ربط مثبت شود؛ باید به مردم درخصوص علت و دلیل پرداخت پادشاهی‌های اتفاقی و اینکه به چه افرادی پرداخت شده توضیح داده شود. در سیستم مدیریت و منابع انسانی تشویق و تنبیه یکی از ابزارهای انگیزبخشی به نیروی انسانی و مدیران است؛ موضوعی جاری میان سازمان‌ها است؛ اما برای شهرداری که درحال حاضر دچار کمبود منابع و اعتبارات بوده به طور حتم این پادشاهی‌های اتفاقی نباید محملی برای هدررفت منابع باشد.



**بیانیه فراکسیون زنان مجلس:** ۲۲ بهمن در تاریخ جمهوری اسلامی ایران نقطه‌عطفی است که هر ساله مشارکت حداکثری ملت شریف ایران در راهپیمایی این روز تأکیدی دوباره بر باور و اعتقاد خدشه‌ناپذیر ملت ایران به استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی که ثمره این حرکت انقلابی بود می‌گذارد تا به جهانیان نشان دهد که این نظام برخاسته از خواست و اراده و رأی ملت است. موج نامالیماتی که در ماه گذشته در کشور پدیدار گردید این کج‌خیالی را در اذهان بدخواهان نظام در انسجام‌بخش نظام که همان مردم هستند از این جمل متین فاصله گرفته‌اند، اما حضور میلیونی مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال نشان خواهد داد فضای جامعه ایرانی فضای گفتگویی است که با تدبیر و درایت امور تا سر منزل مقصود که همان اعتلای جامعه ایرانی و اسلامی است، ثابت قدم و استوارتر از پیش حرکت خواهد کرد.



**محمدجواد ابیطی نماینده مردم مینوی شهر و عضو فراکسیون ولایی:** به نظر می‌رسد مردم در شعارهایشان دیگر به اصولگرها و اصلاحات اعتقاد ندارند مگر اینکه تغییرات کلسی و ماهوی رخ دهد. هم‌اکنون باید اذعان کرد که در دولت آقای روحانی فاصله بین مردم، دولت و حاکمیت کمی عمیق‌تر شده یا به عبارتی بی‌تفاوتی‌ها و بی‌انگیزگی‌ها بیشتر شده است. بر این اساس نمی‌توان نتیجه گرفت که اگر عملکرد دولت اصلاحات سبب شد اصولگرایان روی کار بیایند، دولت سیزدهم نیز به همین ترتیب شکل می‌گیرد لذا قیاس مذکور صحیح نیست؛ مگر اینکه گروه یا افرادی بیایند که دارای هژمونی بوده و غیر از این دو جریان سنتی باشند. اعتقاد دارم اگر کسانی بیایند که همچنان شعارهای اول انقلاب را مطرح و بر عزت استقلال کشور، عدالت و برابری تأکید کنند و البته سابقه نیز نشان دهد که در عمل موضوعات مذکور صحیح بوده، می‌توانند رأی بیاورند.

### روحانی پیشنهاد بودجه‌ای لاریجانی را رد کرد

# چالش بودجه‌ای دورئیس



از آن استفاده کند یا درباره تاجگردون و نمایندگان فعلی مجلس چندان پاس‌خوگ نیست. هرچه هست نوبخت حالا در ریزنی هایش با نمایندگان از تک‌و تا افتاده است.

**چشم‌انداز انتخابات ۹۸ و تصمیمات پوپولیستی نمایندگان:** اما این تنها دلیل ناکامی بودجه ۹۷ نیست. اعتراضات دی‌ماه و نزدیک بودن ایام انتخابات مجلس هم بر نحوه تصویب بودجه اثر گذاشته است. به زبان ساده اینکه نمایندگان نگران از دست دادن آرا خود در انتخابات مجلس یازدهم در سال ۹۸ هستند. به ویژه بعد از اعتراضات یک‌ماهه پیش‌آنها می‌دانند که به عنوان مثال افزایش قیمت حامل‌های انرژی نارضایتی‌ها را افزایش خواهد داد. هرچند این راه هم می‌دانند که دولت قرار است از محل این افزایش برای اشتغالزایی هزینه کند که اگر این طرح درست اجرا شود خودش می‌تواند رونق اقتصادی و رضایتمندی مردم را هم به همراه داشته باشد. البته این اثر دوم‌دیرتر خودش را نشان خواهد داد و همین دلیل آنها نمی‌خواهند شریک تصمیمات دولت در بروز موج اول نارضایتی‌ها باشند.

همین‌هم‌باعث‌شد تا با وجود توافق اولیه دولت با مجلس برای انجام اصلاحات اقتصادی، مجلس یکبار پشت‌دولت را خالی کند و کلیات لایحه بودجه در صحن علنی رد شود. آن‌هم در شرایطی

برنامه ششم در جلسات مشترک با نوبخت اعلام کرد که تغییرات اساسی در برنامه خواهد داد و نوبخت بعد از بحث با آنها به حالت قهر جلسه را ترک کرده و در آن شرکت نکرده بود تا برنامه ششم هم با فاصله زیاد از آنچه دولت نوشته بود به تصویب برسد. نوبخت خودش روزگاری در مجلس پنجم نماینده رشت و رئیس کمیسیون تلفیق بودجه بود. آن‌هم زمانی که غلامرضا تاجگردون رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور بود. کسی که حالا نماینده گجساران و رئیس کمیسیون تلفیق بودجه در مجلس است. یعنی گذر ایام باز هم این دو چهره را مقابل هم قرار داده اما جای این دو چهره را عوض کرده است. اگر در مجلس پنجم نوبخت رئیس کمیسیون تلفیق و تاجگردون رئیس سازمان برنامه و بودجه بود حالا برعکس شده و نوبخت در مقام ریاست سازمان برنامه و بودجه به کمیسیون تلفیق رفت‌وآمد می‌کند. اتفاقی که باعث شده تاجگردون در مقام ریاست کمیسیون تلفیق دست بالا را در تصویب یا عدم تصویب لایحه بودجه داشته باشد. تاجگردون که رمز تعامل با نمایندگان را از همان ایام ریاست سازمان برنامه و بودجه آموخته بود، در مقام ریاست سازمان برنامه سعی می‌کرد تا با تخصیص اعتباراتی برای انجام طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی حوزه‌های انتخابیه نمایندگان همانند رشت نظر مثبت آنها را در تعامل با مجلس جلب کند. شگردی که یا نوبخت حالا در مقام ریاست سازمان برنامه و بودجه نمی‌تواند

گفت‌وشنودهای این جلسه رئیس‌جمهور را از تحقق اصلاحات اقتصادی مورد نظرش ناامید کرد. اصلاحاتی که مهم‌ترین هدف آن افزایش اشتغالزایی و رونق اقتصادی بود. اینکه چرا مهم‌ترین لایحه دولت در ۵ سال گذشته با این حجم از تغییرات اساسی مواجه شد را باید در دو علت جست‌وجو کرد.

**ضعف نوبخت در دفاع از لایحه بودجه:** آن‌طور که برخی نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق می‌گویند محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، در جلب نظر نمایندگان نسبت به تصمیمات بودجه‌ای دولت چندان موفق عمل نمی‌کند و ناکامی دولت در به تصویب رساندن لایحه بودجه به نزدیک‌ترین صورت مورد نظر دولت هم بی‌ارتباط به این عدم توانایی نیست. حتی یکی از نمایندگان عضو تلفیق به «سازندگی» می‌گوید نوبخت در دفاع از تصمیمات بودجه‌ای دولت چندان مسلط نیست و بار این کار اغلب بر دوش معاون او یعنی پورمحمدی است. به گفته او وقتی نمایندگان می‌بینند معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در دفاع از لایحه بودجه به اصطلاح کم‌تکلیف می‌زند نمی‌توانند به این تصمیمات اعتماد کنند. عدم توانایی نوبخت برای جلب نظر نمایندگان نسبت به تصمیمات اقتصادی دولت قبلاً در جریان تصویب برنامه ششم بیشتر خود را نشان داده بود. زمانی که کمیسیون تلفیق

اختلافات بر سر لایحه بودجه رابطه دولت و مجلس را وارد فاز پرچالشی کرده است. کار به آنجا رسید که هفته گذشته علی لاریجانی با چند پیشنهاد برای تغییر لایحه بودجه‌راهی پاستور شد تا شاید نظر رئیس‌جمهور را نسبت به رویه‌ای که مجلس درباره بودجه سال ۹۷ در پیش گرفته است جلب کند؛ دیداری که البته نتیجه‌بخش نبود و روحانی همه پیشنهادهای او را رد کرد. پیش از این در توافقی ضمنی میان مجلس و دولت قرار بود هزینه اصلاحات اقتصادی در لایحه بودجه ۹۷ میان دولت و مجلس تقسیم شود؛ اما با آمدن لایحه بودجه به صحن مجلس، نمایندگان با رد کلیات لایحه و تغییرات اساسی در آن در واقع دست دولت را برای این اصلاحات اقتصادی بستند. موضوعی که نارضایتی دولت و رئیس‌جمهور را به دنبال داشت. در واقع دیدار لاریجانی و روحانی در هفته گذشته در راستای همین اختلافات برگزار شد. این دومین دیدار سران دو قوه درباره بودجه سال ۹۷ و تغییر آن بود. یک ماه پیش از این هم در قالب نشست هیأت‌رئیس کمیسیون تلفیق با تیم اقتصادی دولت رئیس‌جمهور و علی لاریجانی باز هم با یکدیگر دیدار کرده بودند. اما نتایج آن دیدار هم چندان رضایت‌بخش نبود. در واقع مجموعه

### گفت‌وگو با نماینده

## گله‌های لاریجانی از کمیسیون تلفیق

گفت‌وگو با جعفرزاده‌ابن‌آبادی نماینده رشت و عضو کمیسیون تلفیق

برنامه‌های دولت دچار خدشه شود و باید به نحوی عمل کنیم که برنامه‌های دولت آسیب‌نبیند مخصوصاً بخش اشتغالزایی آن.

**البته با توجه به تصمیمات کمیسیون تلفیق مجلس این موضوع عملاً محقق نشده، درست است؟**

تا الان این اتفاق نیفتاده اما من فکر می‌کنم در هفته جاری شاهد تغییر رویکرد جدی در این حوزه باشیم.

**اثر این تغییر رویکرد مشخصاً در چه مواردی خود را نشان خواهد داد؟**

انتظار داریم در مباحث اقتصادی و اشتغال خودش را نشان دهد.

**با این شرایط میزان پیش‌بینی دولت برای ایجاد اشتغال محقق خواهد شد؟**

من پیش‌بینی می‌کنم هدف دولت در این بخش محقق خواهد شد.

**شرایطی که تاکنون در روند بررسی بودجه ایجاد شده ناشی از ضعف ریزنی‌های دولت با کمیسیون تلفیق است یا به نگرانی نمایندگان**

نجات مرداب‌ها و تالاب‌ها گله داشت و می‌گفت شما برای این‌ها چه کرده‌اید؟ اگر سال ۹۷ تمام شود با این روندی که وجود دارد چطور پاس‌خوگی مردم خواهیم بود. وی از اعضای تلفیق خواست تجدید نظر جدی در این‌باره داشته باشند.

**با توجه به حساسیت دولت در بحث اشتغالزایی، این موضوع چقدر محقق خواهد شد؟**

به هر حال ما نباید کاری کنیم که

کنند. یعنی این میزان از تأکید بر مردم و نگاه پوپولیستی به بودجه آسیب‌زا خواهد بود. حتماً باید منافع و خواست مردم لحاظ شود، اما منافع ملی کشور هم باید دیده شود. به‌طورمثال در بحث حذف هدفمندی یارانه‌ها، باید همه کسانی را که نیاز ندارند حذف کنیم و منابع را برای کشور تأمین کنیم. واقعیت این است که در این بخش منابع ما در حال هرزرفتن است. در حالی که این منابع باید به جایی برود که نیاز است. فکر می‌کنم با تغییر رویکرد بسیاری از این مسائل حل شود.

**فکر می‌کنید در این فرصت باقی مانده رویکرد تغییر می‌کند؟**

من فکر می‌کنم با صحبت‌هایی که آقای لاریجانی با نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق داشت این رویکرد تغییر خواهد کرد. ایشان گله‌مندی‌هایی درباره نحوه هدفمندی یارانه‌ها، قیمت حامل‌های انرژی، اشتغال، بحران آب، گردوغبار و

**گویا شما اظهار نظری داشتید مبنی بر اینکه احتمال دارد مجلس لایحه دولت را کنار بگذارد. درست است؟**

من این‌گونه نگفتم و همان‌روز با آن خبرنگار تماس گرفتم و برداشت اشتباه او را تصحیح کردم. چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و مغایر با آیین‌نامه است.

**بسیاری معتقدند بودجه‌ای که اکنون در مجلس در حال تصویب است رویکردی پوپولیستی دارد و اصلاحات اقتصادی مدنظر دولت محقق نمی‌شود. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟**

ما باید در این مدت باقی مانده از این رویکرد پوپولیستی خارج شویم و باید آنچه صلاح و مصلحت ملی و مردم است لحاظ کنیم. فکر می‌کنم با واقعیت‌های امروز جامعه باید انتقاقات خاصی بیفتد و گرنه اگر ما همچنان به این شکل موجود بخواهیم بودجه را ببندیم قطعاً در سال ۹۷ به مشکل برخوردیم خورد. نمایندگان باید رویکردهای خود را عوض







علی لاریجانی اعضای کمیسیون تلفیق را فراخوانده و از آنها خواسته تا به خصوص در بخش های مربوط به اشتغالزایی و اجرای سیاست های زیست محیطی و مقابله با بحران آب و ریزگردها تغییراتی در تصمیمات خود در لایحه بودجه اعمال کنند تا دست دولت در اصلاحات اقتصادی اش بازتر باشد.



## خانه ملت: در کمیسیون ها

**مدیریت بانک مرکزی بر بازار ارز جنگی به دل نمی زند**



هادی قوامی، نایب رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در خصوص تحولات بازار ارز گفت: عرضه کننده و خریدار اصلی ارز دولت است. باید توجه داشت در بودجه سالانه حدود ۵۳ میلیارد دلار فروش نفت پیش بینی شده، که حدود ۲۷ میلیارد دلار از درآمدهای مذکور با تقاضای دولت با تبدیل به ریال در قالب بودجه در اختیار دولت قرار می گیرد. او خاطر نشان کرد: افزایش قیمت ارز، به نفع دولت است چراکه نرخ محاسباتی دلار براساس بودجه در سال جاری ۳ هزار و ۳۰۰ تومان در نظر گرفته شده بود اما قیمت دلار در مدت اخیر به بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده، که به طور طبیعی اتفاقات مذکور باعث کسب درآمد برای دولت می شود. قوامی تصریح کرد: هرچند دولت اعلام می کند مایل به کسب درآمد از راهکار افزایش قیمت ارز نیست اما واقعیت اقتصادی این است که دولت از این موضوع بهره مند می شود. براساس قانون نرخ ارز باید به صورت شناور مدیریت شده تعیین شود و دولت باید در این راستا بازار را مدیریت کند.

**لژوم تدوین راهکاری برای محصلان تیزهوش**



کارن خانلری، نماینده مردم اراسته شمال کشور و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با اشاره به حذف هر نوع آزمون تستی در مدارس ابتدایی کشور، حذف مدارس خاص و ممنوع شدن توزیع کتاب های تستی کمک درسی، گفت: این آزمون ها برای دانش آموزان استرس زیادی ایجاد می کند و فرزندان ما از سنین پایین برای ورود به مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان دغدغه دارند. در حالی که دانش آموزان در این سنین باید زمان خود را برای یادگیری، کنجکاری و بازی صرف کنند این در حالی است که بچه ها ناچارند برای موفقیت در آزمون مدارس فقط به تست زنی بپردازند.

او تاکید کرد: در صورتی که آموزش و پرورش سوابق آموزشی دانش آموزان را کامل در اختیار داشته باشد می تواند آزمون های ورودی مدارس را به راحتی و بدون دغدغه حذف کند چراکه می توان از همین سوابق برای شناسایی دانش آموزان تیزهوش استفاده کرد. پس از شناسایی این دانش آموزان نخبه باید آنها را به سمت آموزش های خاص هدایت کرد تا استعداد این افراد هرز نرود.

**پارلمان انگلیس سفر ولیعهد عربستان را آغاز توطئه های دیگر می داند**



مسعود گودرزی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در واکنش به اقدام عده ای از نمایندگان پارلمان انگلیس برای درخواست لغو سفر محمد بن سلمان به لندن از نخست وزیر این کشور، گفت: امروز جنایات عربستان در کشور یمن و بروز فاجعه انسانی بر همگان مشهود است. فعالان حقوق بشر انگلیس نیز نسبت به سفر ولیعهد عربستان به این کشور اعتراض دارند و تعویق سفر ولیعهد عربستان به انگلیس در پی اعتراضات گام مثبتی بوده و حاکی از آگاهی افکار عمومی نسبت به سیاست های آمریکایی عربستان است. او تاکید کرد: کشتار عربستان در یمن به حدی زیاد شده که حتی صدای حامیان آنها یعنی ملت انگلیس را نیز درآورده است و آنها معتقدند این سفر می تواند شروع یک توطئه دیگر باشد که در نهایت خسارات آن برای تمام دنیا خواهد بود. گودرزی با بیان اینکه انگلیس خود جزء مهم ترین فروشندگان تسلیحات به یمن است، اظهار کرد: این حمایت تسلیحاتی از عربستان و مخالفت آشکار با عدم فروش سلاح به این کشور، منجر به جنایات فجیعی در یمن شده که امروز باعث تخریب و جبهه انگلیس در افکار عمومی بین المللی نیز شده است.

**و کلا باید مانند قضات رتبه بندی شوند**



شکور پورحسین، نماینده مردم پارس آباد و بیله سوار و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در مورد طرح جامع پذیرش و آموزش وکالت با بیان اینکه فرآیند اعطای پروانه وکالت باید تخصصی تر شود، گفت: نباید سقفی برای جذب وکیل تعیین و افرادی که صلاحیت و سواد کافی دارند به دلیل محدودیت در سهمیه جذب، از دریافت پروانه محروم شوند، از این رو افراد دارای تخصص های لازم باید بتوانند در زمینه وکالت مشغول شوند. او با اشاره به اجرای نظام رتبه بندی وکلا در طرح جامع پذیرش و آموزش وکالت، تاکید کرد: وکلا باید مانند قضات براساس سابقه کاری، تخصص و تجارب رتبه بندی شده و همچنین پرونده های قضایی نیز براساس بار مالی و توجه به رتبه بندی در اختیار آنها قرار گیرد. متاسفانه دیده شده برخی پرونده های مهم و وکلای تازه کار واگذار می شود و مشخص است که حتی شش تا یک سال و قبلاً در کمیسیون تلفیق و صحن مجلس با اهتمامی مضاعف این بندها مورد بازنگری و چکش کاری لازم قرار می گیرد تا آنچه که صرفه و صلاح کشور و ملت شریف ایران است، حاصل شود.

## نگاه نماینده

### قرار نیست لایحه بودجه تغییر اساسی کند



مجلس، ۹۹ هزار میلیارد تومان تعیین شده که رقم قبلی آن ۸۷ هزار میلیارد تومان بوده است. پرداخت نقدی یارانه ها نیز که بیش از این ۲۳ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. علی اصغر یوسفزاده، سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه درباره تغییرات یارانه ای بودجه در کمیسیون تلفیق و در پاسخ به این پرسش که با توجه به این که سهم پرداخت نقدی یارانه ها در لایحه بودجه سال آینده از ۲۳ به ۲۹ هزار میلیارد تومان افزایش خواهد یافت، شد به «خبر آنلاین» گفت: «هدفمندی یارانه ها منابع درآمدی دارد که ما از محل این منابع درآمدی حدود ۷ هزار میلیارد تومان شناسایی کردیم که در اختیار دولت قرار گیرد. در عین حال، دولت این اختیار را دارد که تا ۴۱ هزار میلیارد تومان هم این رقم را افزایش دهد، بنابراین به نظر می رسد جهت گیری کمیسیون تلفیق بودجه این بوده که عده کمتری از دریافت یارانه حذف شوند و پیشنهاد دولت برای حذف تعداد یارانه بگیران را کاهش دادیم. در عین حال، ما این اختیار را به دولت داده ایم و سقف درآمد مربوط به خانوار را هم اضافه کردیم که مشکلی پیش نیاید. به علاوه، او گفته «افزایش درآمد یارانه ها، از محل افزایش قیمت حامل های انرژی نیست، افزایش درآمد از محل های دیگری شناسایی شده است. حامل های انرژی گران نمی شود، ولی از فروش حامل های انرژی، منابعی را شناسایی کردیم.»

## نگاه نماینده

### کاهش ریخت و پاشی های بودجه ای



لایحه بودجه یک برنامه سالانه است که حسب شرایط اقتصادی موجود در جامعه و شاخص های اقتصادی بر خاسته از آن به نحوی که در چارچوب برنامه های پنج ساله توسعه قرار گیرد وضع می گردد. اصلاحاتی که در لایحه بودجه ۹۷ به پیشنهاد نمایندگان مردم ارائه شده نیز بر خاسته از شرایط اقتصادی جامعه و در سایه توجه به خواست های اقشار ضعیف و پایین دست جامعه صورت گرفت؛ اقل سازی که به واسطه برنامه های غیر کارشناسی در دهه گذشته آسیب های بسیاری دیده اند و امروز باید ساماندهی وضعیت معیشت و اقتصاد این خانواده ها در قالب برنامه های کوتاه مدت به سرعت مورد توجه قرار گیرد. از این رو بودجه گذاری لازم برای افزایش اشتغالزایی به عنوان یک زیر ساخت کلیدی صورت گرفته است. در عین حال بسیاری از پروژه های نیمه تمامی که در سطح کشور وجود دارند خود بالذاته دارای پتانسیل برای اشتغالزایی هستند. آنچه به نام هزینه گذاری کوتاه مدت مطرح می شود در واقع سرمایه گذاری است که در بلندمدت منجر به بازده اقتصادی مطلوب خواهد شد. موضوع اشتغالزایی هم از اهداف دولت و هم از برنامه های اساسی خانه ملت است؛ لذا محدودیت های بودجه ای نمی تواند باعث عقب نشینی دولت و خانه ملت در موضوع ایجاد اشتغال شود و از آنجایی که سیاست اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری مذبذله عالی در دستور کار قوه مجریه و مقننه قرار دارد؛ لذا منابعی برای اشتغال از محل صندوق توسعه ملی در نظر گرفته شده که نیازمند اذن رهبری برای برداشت از آن است. استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای اشتغالزایی نیز به این معناست که بازگشت سرمایه همراه با ارزش افزوده را در بر خواهد داشت؛ اما قرار نیست خرج های جاری خواهد شد؛ باید منتظر ماند و دید.

هرچه بود این لایحه رأی نیاورد تا کمیسیون تلفیق مجدد آن را بررسی کند. تلفیقی ها البته زودتر از موعد ۷۲ ساعته گزارش خودشان درباره لایحه را با بازنگری هایی آماده کردند. تغییراتی که این بار آنها در لایحه بودجه داده بودند مردم پسندتر یا به عبارتی پوپولیستی تر بود. خیری از افزایش قیمت حامل های انرژی نبود و مصوبه اولیه کمیسیون تلفیق درباره حذف یارانه ۳۰ میلیون یارانه بگیر هم حذف شده بود. در سایر بخش های مربوط به بحران آب و مسائل زیست محیطی هم مصوبات جنگی به دل نمی زد.

به هر حال در جلسه چهارشنبه گذشته (ده روز پیش) مجلس دوباره وارد رأی گیری برای کلیات لایحه بودجه شد. البته پیش از برگزاری جلسه علنی، دقایقی به صورت غیر علنی، علی لاریجانی توضیحاتی را درباره تصمیمات کمیسیون تلفیق با نمایندگان در میان گذاشت. بهروز نعمتی به «خانه ملت»، گفته بود سخنان غیر علنی لاریجانی با نمایندگان در خصوص جمع بندی مصوبه کمیسیون تلفیق درباره لایحه بودجه ۹۷ و نشست مشترک چندی پیش هیأت رئیسه مجلس با هیأت رئیسه کمیسیون تلفیق بود.

در آن جلسه کلیات بودجه ۹۷ رأی آورد و مجلس وارد بررسی جزئیات آن شد. اما بررسی جزئیات تازه ابعاد پوپولیستی تغییرات در لایحه بودجه را به نمایش گذاشت. بودجه ای که به گفته عبدالله رمضانزاده سخنگوی اسبق دولت «به دلیل افزایش هزینه های عمومی و کاهش درآمدهای عمومی کشور را غیر قابل اداره خواهد کرد و این شیوه پوپولیستی ترین روش اداره کشور است.» کار به جایی رسید که محمدرضا باهنر هم گفته بود دلم برای مجلس و دولتی که می خواهد بودجه را ببینند می سوزد.

پیش از این هم در مجلس هفتم بودجه ای مشابه آنچه درباره بودجه ۹۷ رخ داده به تصویب نمایندگان رسیده بود. بودجه ای که با سیاست های تثبیت قیمتی و کاهش درآمدهای عمومی و تکیه بر درآمدهای نفتی رسمایه مدد تحقق سیاست های پوپولیستی دولت احمدی نژاد آمده بود و حداد عادل آن را هدیه اصولگرایان به مردم نامیده بود. که البته همان زمان اقتصاددانان زیادی تبعات منفی چنین بودجه ای را یادآوری کرده بودند، هر چند صدای آنها شنیده نشد.

**تغییرات تازه بودجه ای چه بود؟**

در مدت ۷۲ ساعت زمانی که کمیسیون تلفیق برای اصلاح بودجه فرصت داشت، دست به تغییراتی در اقلام بودجه زد که کاهش اوراق مشارکت و افزایش سقف پرداخت نقدی یارانه ها از مهم ترین آنها بود. با تغییراتی که در بودجه داده شد سیاست تثبیت قیمت ها کنار شده است. قیمت حامل های انرژی که دولت ۱۵۰۰ تومان در نظر گرفته بود افزایش خواهد یافت و ۲۳ میلیونی که دولت در نظر داشت یارانه شان را قطع کند با تصمیم کمیسیون تلفیق منتهی شده است. در کنار این ها با تصمیم کمیسیون تلفیق آب و برق مدارس هم مجانی شده و در همین حال برخی بودجه هایی که دولت تلاش کرده بود کاهش دهد با تصمیم کمیسیون تلفیق با افزایش مواجه شد. از جمله بودجه قرآنی که در لایحه دولت در سال ۹۷ با ۶۹ درصد کاهش ۴۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود اما با لایحه نمایندگان همچون پیمانفر از نمایندگان عضو جبهه پایداری به ۱۰۰ میلیارد تومان رسید.

در تغییرات تازه کمیسیون تلفیق در بودجه ۹۷ اختصاص ۵ هزار میلیارد تومان برای پاداش همسان سازی حقوق بازنشستگان آموزش و پرورش و موافقت با تغییر نحوه افزایش حقوق و تاکید بر مصوبه قبلی کمیسیون مبنی بر افزایش پلکانی نزولی حقوق، ملی کردن اعتبارات بنیاد شهید و وزارت آموزش و پرورش که از بعد هزینه ای به صورت استثنائی تبدیل شده بود و کاهش حدود ۲۰ هزار میلیارد تومانی سقف انتشار اوراق مشارکت در سال آینده، تعیین ترتیب نحوه پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی و مخالفت با انجام مطالعه برای انتقال آب درای خزیر به فلات مرکزی دیده می شود. همچنین درآمد ناشی از هدفمندی یارانه ها در مصوبه تازه کمیسیون تلفیق بودجه

در تغییرات تازه کمیسیون تلفیق در بودجه ۹۷ اختصاص ۵ هزار میلیارد تومان برای پاداش همسان سازی حقوق بازنشستگان آموزش و پرورش و موافقت با تغییر نحوه افزایش حقوق و تاکید بر مصوبه قبلی کمیسیون مبنی بر افزایش پلکانی نزولی حقوق، ملی کردن اعتبارات بنیاد شهید و وزارت آموزش و پرورش که از بعد هزینه ای به صورت استثنائی تبدیل شده بود و کاهش حدود ۲۰ هزار میلیارد تومانی سقف انتشار اوراق مشارکت در سال آینده، تعیین ترتیب نحوه پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی و مخالفت با انجام مطالعه برای انتقال آب درای خزیر به فلات مرکزی دیده می شود. همچنین درآمد ناشی از هدفمندی یارانه ها در مصوبه تازه کمیسیون تلفیق بودجه

در تغییرات تازه کمیسیون تلفیق در بودجه ۹۷ اختصاص ۵ هزار میلیارد تومان برای پاداش همسان سازی حقوق بازنشستگان آموزش و پرورش و موافقت با تغییر نحوه افزایش حقوق و تاکید بر مصوبه قبلی کمیسیون مبنی بر افزایش پلکانی نزولی حقوق، ملی کردن اعتبارات بنیاد شهید و وزارت آموزش و پرورش که از بعد هزینه ای به صورت استثنائی تبدیل شده بود و کاهش حدود ۲۰ هزار میلیارد تومانی سقف انتشار اوراق مشارکت در سال آینده، تعیین ترتیب نحوه پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی و مخالفت با انجام مطالعه برای انتقال آب درای خزیر به فلات مرکزی دیده می شود. همچنین درآمد ناشی از هدفمندی یارانه ها در مصوبه تازه کمیسیون تلفیق بودجه

## حرف‌های امروز



**«آیت‌الله جوادی آملی»:** اگر فلسفه در حوزه رواج پیدا کند تجرد روح، ملکات راسخه روح، ابدیت و ازلیت روح و اوصاف نفسانی روح ثابت شود، معلوم می‌شود این عذاب، عذاب نقد است، این طاغی خدا را قبول ندارد نه در دنیا نه در برزخ و نه در جهنم، لذا باید به عذاب ابدی گرفتار باشد، اگر فلسفه از زندان آزاد بشود و فکر رسمی و درس رسمی حوزه بشود و معلوم بشود عذاب روح و تجرد روح یعنی چه، این سؤال‌ها جواب خود را می‌یابند. این روح به حدی مستکبر است که وقتی وجود مبارک حضرت رسول عبور می‌کند این طاغی می‌گوید او فطرت خود را زیر اغراض و غرایز دفن و زنده‌گور کرده «قد خاب من دسها» و روی قبر فطرت خود نشسته است، یک چنین روح ابدی، عذاب ابدی می‌طلبد، چون این حرف‌ها در حوزه‌ها رواج ندارد انسان خیال می‌کند قصاص قبل از جنایت است. وظیفه حوزه و دانشگاه تولید علم است، ملک تقال بودن، نبش قبر کردن و حرف‌ها را از کتابی به کتاب دیگر آوردن، چاپی را خطی کردن، تولید علم نیست، مصرف علم است.



**«شهبان اعوانی»:** بعد از کانت فیلسوفی نداریم که به کانت نپرداخته باشد. با ظهور کانت همه چیز اعم از دین، اخلاق، قانون، علم و هنر توجیه فلسفی پیدا کرد. بررسی زمینه‌های فکری کانت بسیار مهم است. او در شرایطی می‌زیسته که صحبت از قدرت مطلق بوده و نگاه مطلق به قدرت، مطلوب تلقی می‌شده است. به این معنا که قدرت بین قوا تقسیم نشود. به همین دلیل کانت نگاهش به اخلاق نیز مطلق‌گراست و نسبی‌گرایی را قبول ندارد. کانت به مدت ۸ سال نه تدریس می‌کند و نه اثری تألیف می‌کند. بعد از این ۸ سال کتاب نقد عقل محض را می‌نویسد. در این کتاب کانت از حدود عقل صحبت کرده است. در حالی که تا قبل از کانت عقل به خود اجازه می‌داد تا در هر چیزی دخالت کند. او معتقد بود اگر عقل بخواد حقیقت جهان را بشناسد کار بیهوده‌ای انجام داده و موفق نخواهد شد. جهان را همان اندازه که خود را به ما می‌نماید می‌توانیم بشناسیم. یعنی فقط فنون را می‌توانیم بشناسیم. او ۳ نومن را نام می‌برد: خدا، جهان و روح. کانت معتقد بود از آن جایی که ما بنده و مخلوق خدا هستیم هر چه تلاش کنیم نمی‌توانیم فراتر از خدا برویم. نباید کانت را فیلسوفی سکولار بدانیم. او در تمامی اندیشه‌هایش به دین پایبند است اما خیلی ظاهر به دین‌داری نمی‌کند. کانت در تمام مراحل زندگی‌اش مسیحی می‌ماند.

به مناسبت انتشار ویراست جدید زوال اندیشه چاپ‌های متعدد کتب جواد طباطبایی را بررسی کرده ایم

# احیای زوال



چند روزی است که ویراست جدید کتاب «زوال اندیشه سیاسی در ایران» منتشر شده است. کتابی که در بیست سال اخیر دستمایه مخالفان ایدئولوژیک جواد طباطبایی برای حمله به این فیلسوف سیاسی معاصر بوده است. در ویراست اولیه کتاب که ظاهراً از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۷ هشت بار توسط انتشارات کویر منتشر شده، یازده فصل با عنوان‌های «زایش اندیشه سیاسی»، «افلاطون و بنیادگذاری فلسفه سیاسی»، «ارسطو و پایان فلسفه سیاسی یونانی»، «بسط فلسفه سیاسی در دوره اسلامی»، «اندیشه سیاسی فارابی»، «اخلاق مدنی مسکویه رازی»، «از ابوالحسن عامری تا ابوعلی سینا»، «خواجہ نصیر طوسی و تدوین حکمت عملی»، «دانشنامه فلسفی قطب‌الدین شیرازی»، «جدال‌الدین دوانی و پایان حکمت عملی»، «از صدرالدین شیرازی تا ملا هادی سبزواری» در کتاب آورده شده است. در نسخه جدید کتاب که توسط انتشارات مینوی خرد به عنوان ناشر اختصاصی آثار طباطبایی منتشر شده، علاوه بر بازنویسی و بازده فصل پیشین، نه تنها دو فصل با عناوین «فیلسوفان ایرانی و فهم اغراض حکمت عملی» و «بحثی درباره اندیشیدن سیاسی» به کتاب افزوده شده، بلکه

در فصل خاتمه نیز بخش‌هایی با عنوان «تاملی در برخی نتایج» آورده شده که در آن درباره جوهری از اندیشیدن ایرانی و تبدیل حافظه به خاطره در آگاهی ایرانیان بحث شده است. مدعای جواد طباطبایی در نسخه جدید زوال نه تنها تفاوتی با نسخه قدیمی ندارد، بلکه از صورتبندی مستحکم‌تری برخوردار شده است. امری که مدیون پژوهش‌های تازه طباطبایی و همچنین نقد منتقدان ریز و درشت کتاب می‌تواند باشد. منتقدانی که در میان آنها هم اصولگرایان تندرو قرار دارند و هم سکولارهای تجدیدنظرطلب! در دهه اخیر گاهی حمله به نظریه زوال اندیشه تبدیل به کار سازمانی و حتی روزمره برخی پژوهشگران حکومتی شده و گاهی دیگر دفاع از آن بر عهده دانش‌آموختگان علم سیاست قرار داشته است. اما هیجانی‌ترین و سریع‌ترین واکنش به انتشار نسخه اولیه زوال اندیشه در دهه هفتاد از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و با انتشار کتابی با عنوان «دوام اندیشه سیاسی در ایران» صورت گرفت. این کتاب نوشته محمد ناصر تقوی بود که با نگاهی ایدئولوژیک به پاسخ‌گویی قسمتی از مباحث طباطبایی با عنوان زوال اندیشه سیاسی در ایران، پرداخته بود. در سال ۱۳۷۴ نیز مقاله‌ای از محمد رضا نیکفرد با عنوان «در ضرورت تهاوت دیگر» در مجله نگاه نو منتشر شد که حاوی همان نگره ایدئولوژیک این بار از سوی پژوهشگری لائیک بود. اما مگر طباطبایی در کتاب زوال اندیشه سیاسی در ایران چه گفته

بود که از هر دو جناح به اصطلاح اصول‌گرا و تجدیدنظرطلب بر او حمله شد. او در این دفتر می‌کوشد تا نشان دهد تجدد و انحطاط، دو مفهوم به‌هم‌پیوسته‌اند و در شرایط تصلب سنت و امتناع اندیشه، طرح یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. در مغرب‌زمین نیز تجدد و اندیشه، از مجرای طرح نظریه انحطاط امکان‌پذیر شده است و بحران تجدد و شکست آن در ایران، بایستی با توجه به امتناع طرح نظریه انحطاط در درون نظامی از مفاهیم فلسفی فهمیده شود. البته همینجا باید متذکر شد که «زوال اندیشه سیاسی در ایران» را باید با کتاب دیگری که پیش از آن با عنوان «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران» منتشر شده بود به بحث و بررسی گرفت. چه اینکه طباطبایی در این دو کتاب به دنبال برجسته کردن مبانی عقلی تمدن دوره اسلامی ایران زمین و اهمیت این مبانی عقلی و در نهایت نشان دادن زوال این مبانی بوده است. در این دوره طباطبایی بحثی فلسفی را برای پیگیری پروژه خود دنبال می‌کند و با روشی مبتنی بر محوریت امکان و امتناع اندیشه سیاسی می‌کوشد تا سنت فکری ما را پررنگ‌تر و پررنگ‌تر کند. پرسش‌هایی که بسیار پیشتر باید مطرح می‌شدند اما به دلیل زوال اندیشه، طرح آنها به تاخیر افتاده است. جواد طباطبایی در سرآغاز بحث خود در نسخه جدید زوال با طعنه به عنوان رساله ای که بر علیه نظریه زوال در قم منتشر شده می‌نویسد: «بحث من ناظر بر دوام اندیشه

سیاسی در ایران در زوال است، یعنی اینکه پیوندهای اندیشه سیاسی - بویژه فلسفه سیاسی - در تداوم زوال اندیشیدن، از فارابی تا صدرالدین شیرازی و تا نویسندگان خرده پای نیمه دوم فرمانروایی صفویان و دوره قاجاری، با «فلسفه امور انسانی» - به گفته ارسطو در اخلاق نیکوماخسی - گسیخت و رشته‌های مؤسس فلسفه در دوره اسلامی در «علم مدنی» در سیاستنامه نویسی‌های صاحبان‌روحه‌الانوار عباسی و تحفه‌الملوک پخته شد. ... وارد شدن در این مباحث نیازمند طرح پرسش از مقام سنت در تاریخ اندیشه در ایران بود که با پیشرفت پژوهش‌های اولیه به زوایای ناشناخته آن پی بردم و، نخست در این‌خلدون و علوم اجتماعی: گفتار در شرایط امتناع، به برخی از وجوه آن اشاره کردم و آنگاه در جدال قدیم و جدید در الهیات و سیاست تا جایی که ممکن بود آن بحث را باز کردم.» از نظر طباطبایی رابطه عقل و شرع در دوره‌ای از تاریخ فکری ما به هم خورده است. طباطبایی در این کتاب سعی می‌کند تا نشان دهد که به چه ترتیب تا قرن چهارم، پنجم و ششم هجری عقل، معیار و ضابطه همه امور در ایران و در این گوشه از جهان اسلام، بوده و حتی گرایش عمده آن بود که شرع رانیز عقلی بفهمند. اما بعد از یورش مغولان این ترکیب و نظم میان عقل و شرع به هم خورد. هرچه مسا در تاریخ‌مان تا آغاز دوران قاجار جلوتر می‌آیم، این نسبت، بیشتر و بیشتر به نفع نظام شرعی به هم می‌خورد.



از اینجاست که سید جواد طباطبایی بحث انحطاط را مطرح می‌کند. از سوی دیگر طباطبایی همواره بر این امر تأکید دارد که با توجه به وضعیت «زوال اندیشه» و نیز تصلب سنت در ایران، با امکانات خود سنت، نمی‌توان با سنت مواجه شد؛ در نتیجه باید از تجدد به‌مثابه تکیه‌گاهی در بیرون از سنت بهره برده و از این معبر به بازشناسایی و بازاندیشی سنت پرداخت. جواد طباطبایی معتقد است: «در شرایطی که ما قرار داریم، یعنی آنچه من آن را «تصلب سنت» خوانده‌ام و در زوال اندیشه، نوشتن تاریخ پایه ای اندیشه در ایران، بی آنکه در یافتن تاریخ اندیشه در اروپا داشته باشیم، ممکن نیست. به عبارت دیگر، بحث در «شرایط امتناع» تجدد در ایران جز بر پایه نتایج بحثی در «شرایط امکان» آن در اروپا ممکن نخواهد شد.» ۳ مجلداتی که طباطبایی در مورد تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا در دست پژوهش دارد، وجه مكملی بر نوشتن تاریخی برای ایران زمین به شمار می‌رود. کوششی که مورد تقدیر حسن روحانی در نهمین جشنواره بین‌المللی فارابی نیز قرار گرفت.

بی‌نوشته‌ها:  
۱- جواد طباطبایی، این‌خلدون و علوم اجتماعی، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۴، ص ۸  
۲- جواد طباطبایی، زوال اندیشه سیاسی در ایران، انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۶، ص ۱۱  
۳- جواد طباطبایی، پروژه فکری من؛ گفتگو با روزنامه ایران، بخش اول، شماره ۷، ۲۵۴، مهر ۱۳۸۲، ص ۸

## کارنامه

### دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران

خرد منتشر شد. «درآمد: ملاحظات مقدماتی در مفهوم ایران»، «فصل نخست: از جالدران تا ترکمانچای»، «فصل دوم: طرحی از نظریه‌ی دولت در ایران»، «فصل سوم: ایران زمین در سفرنامه‌های بیگانگان»، «فصل چهارم: سفارت و سفرنامه‌های ایرانیان»، «فصل پنجم: اندیشه‌ی سیاسی تاریخ‌نویسان»، «فصل ششم: اندیشه‌ی سیاسی دوره‌ی گذار»، «خاتمه: طرحی از نظریه‌ی انحطاط ایران: ملاحظات مقدماتی»، «خاتمه: طرحی از نظریه‌ی انحطاط ایران: برخی نتایج» فصل‌های کتاب است.

کتاب «دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران» نخستین جلد از پژوهش‌های جواد طباطبایی درباره‌ی جوهری از تاریخ دوران «جدید» ایران است. در این تاریخ، «ایران» موضوع تاملی است که به طور اساسی نظری است تا بتوان وجوه متنوع ناحیه‌های اندیشیدن آن را در وحدت ناحیه‌های مستقل، اما به هم پیوسته، توضیح داد. کتاب نخستین بار توسط انتشارات نگاه معاصر منتشر شد و تا سال ۱۳۹۰ به چاپ نهم رسید. پس از آن در سال ۱۳۹۵ و با افزودن مانیفست مهمی درباره ایران به کتاب، توسط مینوی

### حکومت قانون

کتاب «تاملی درباره ایران: نظریه حکومت قانون در ایران (بخش دوم: مبانی نظریه مشروطه‌خواهی)» بخش دوم از جلد دوم مجموعه «تاملی درباره ایران» است که بخش نخست آن بیشتر با عنوان فرعی «مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی» منتشر شده بود. در این بخش نیز، نویسنده توجه ویژه‌ای به آشکار شدن نشانه‌های بحران در نظام خودکامه، تکوین نقطه‌آگاهی ملی و تاریخ‌پدیدار شدن مفاهیم نوآیین و تحول آن‌ها کرده است. کتاب شامل ۹ فصل با عناوین «بحران خودکامگی و بسط آگاهی نوآیین»، «بحران آگاهی و پدیدار شدن مفاهیم نوآیین»،

نظریه اصلاح دینی»، «نخستین رساله در اصلاح نظام حقوقی»، «دیدگاه‌های نو در اندیشه سیاسی»، «دیدگاه‌های نو در اندیشه اقتصادی»، «نظریه مشروطه‌خواهی اهل دیانت»، «نظریه مشروطه‌خواهی اهل دیانت»، «میرزای نائینی و نظریه مشروطیت ایران» است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۸۶ به همت انتشارات ستوده در تبریز منتشر شد و به چاپ‌های متعدد رسید. سپس در سال ۱۳۹۲ به همت انتشارات مینوی خرد و بدون هیچگونه تغییر یا ویرایشی منتشر شد.

### زوال اندیشه سیاسی در ایران

کتاب «تاملی درباره ایران: نظریه حکومت قانون در ایران (بخش دوم: مبانی نظریه مشروطه‌خواهی)» بخش دوم از جلد دوم مجموعه «تاملی درباره ایران» است که بخش نخست آن بیشتر با عنوان فرعی «مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی» منتشر شده بود. در این بخش نیز، نویسنده توجه ویژه‌ای به آشکار شدن نشانه‌های بحران در نظام خودکامه، تکوین نقطه‌آگاهی ملی و تاریخ‌پدیدار شدن مفاهیم نوآیین و تحول آن‌ها کرده است. کتاب شامل ۹ فصل با عناوین «بحران خودکامگی و بسط آگاهی نوآیین»، «بحران آگاهی و پدیدار شدن مفاهیم نوآیین»،

نیز از سوی مؤلف افزوده شده است. از جمله بحث‌های جدید کتاب می‌توان به «توضیحی درباره فهم «اغراض» فیلسوفان یونانی، به عنوان بحثی در مبانی» و همچنین «بحثی در معنای اندیشیدن سیاسی» اشاره کرد. این بحث‌های بنیادی با پیروی که بر مبانی انتقال دانش یونانی به دوره اسلامی می‌افکنند، معنای نخستین فصل‌های این دفتر را از بنیاد دگرگون می‌کنند. بنابراین نسخه دوم «زوال اندیشه سیاسی در ایران» را می‌توان کتابی نوپدید از سوی طباطبایی دانست.

### مکتب تبریز

مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی عنوان بخش نخست از جلد دوم تاملی درباره ایران، و یکی از مهم‌ترین آثار جواد طباطبایی است. او در این کتاب به پدیدار شدن آگاهی نوآیین در میان برخی از کارگزاران دارالسلطنه تبریز در زمان عباس میرزای قاجار، از جمله میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، و تأثیر آن در تحولات آتی ایران اشاره می‌کند. «سنت قدماهی و نظریه سنت»، «بسط کهنه» و «طرح نو» در اندیشه سیاسی»، «آگاهی‌های نو در سفرنامه‌های ایرانی»،

تجدید مطالعه در مبانی نظری تاریخ ایران»، «تجربه‌های نو در زبان فارسی»، «نخستین آگاهی‌ها از ضرورت اصلاحات»، «خطرات حاج سیاح و آن «جنبش معنوی»»، «جدال شیخ و شسوخ در بیان سنت و تجدد» فصل‌های کتاب حاضر است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۸۴ به همت انتشارات ستوده در تبریز منتشر شد و به چاپ‌های متعدد رسید. سپس در سال ۱۳۹۲ به همت انتشارات مینوی خرد و بدون هیچگونه تغییر یا ویرایشی منتشر شد.



امروزه همه متفق القول هستند که اندیشه فلسفی یونانی همچون دیانت اسلامی، مورد استفاده فلاسفه مسلمان در عصر زین فرهنگ ایرانی قرار گرفته است. به همین دلیل نیز می توان از اندیشه فلسفی یونانی به عنوان یکی از نصوص سنت در تاریخ اندیشه سیاسی ایران زمین یاد کرد. سید جواد طباطبایی این حضور زاینده اندیشه فلسفی یونان را در تاریخ اندیشه ایران زمین پیگیری می کند و از همین پیگیری است که نظریه «زوال اندیشه سیاسی در ایران» متولد می شود. ۶۶



## ویتترین: راه‌نمای اندیشه

فوکو یا زیست قدرت فوکویی چیست؟ منظور از زیست سیاست در نظام فکری فوکو، سیطره قدرت بر زندگی است. مقصود از زیست قدرت، دستیابی قدرت به انسان به منزله‌ی موجودی زنده است. لکن در این کتاب نه تنها مفهوم زیست سیاست فوکویی را بررسی می‌کند، بلکه با مسروری تاریخی بر این مفهوم، آراء طیفی از مهمترین پژوهشگران را نیز مورد بازشناسی و بازکاوی قرار می‌دهد.



### زیست سیاست

توماس لمکه  
بهراد رحمانی  
۱۸۵۰۰ تومان  
نشر مرکز

زیست سیاست عنوان مجموعه کتاب‌هایی است که در دانشگاه نیویورک و زیر نظر مونیکا جی. کسپر و لیزا جین مور منتشر می‌شود. کتاب حاضر با عنوان دقیق «درآمدی پیشرفته بر زیست‌سیاست» به قلم توماس لمکه، محقق آلمانی، ذیل همین مجموعه منتشر شده است. به عقیده کسپر و مورد که دبیری این مجموعه کتاب‌ها را بر عهده دارند، لمکه پژوهشگری توانا برای ارائه بحث در عرصه زیست‌سیاست است.

توماس لمکه استاد جامعه‌شناسی دانشگاه هاینبرگ است و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه گوتته در فرانکفورت آلمان روی زیست‌فناوری، طبیعت و جامعه کار می‌کند. زمینه‌های پژوهشی او عرصه نامحدودی از نظریه‌ی اجتماعی و سیاسی و زیست‌سیاست گرفته تا مطالعات اجتماعی ژنتیک و فناوری‌های تولیدمثل در برمی‌گیرد. آراء و آثار لمکه اکثراً کاربردی هستند. او خوانش‌های تازه‌ای از نظریه پردازانی چون فوکو، آگامبن، نگری، هارت و گیدنز ارائه می‌کند. در کتاب «درآمدی پیشرفته بر زیست‌سیاست»، ویژگی‌های زیستی انسان‌ها به شیوه‌هایی که بیشتر حتی تصور آن نیز وجود نداشت اندازه‌گیری، مشاهده و فهم می‌شود؛ به کمک این شیوه‌های نوین، هنجارهای زندگی تعریف می‌شود، معیارهایی برای سنجش آن برقرار می‌شود و ارزش‌های متعارف آن تعیین می‌شود. توماس لمکه اولین بررسی جامع و نظاممند از تاریخ مفهوم زیست‌سیاست را فراهم می‌آورد جایگاه آن در بحث‌های نظری معاصر را می‌کاود، و اثری مقدماتی درباره این موضوع پدید می‌آورد که وجود آن کاملاً ضروری است. لمکه توضیح می‌دهد که زندگی به عاملی مستقل، عینی، و قابل اندازه‌گیری و همچنین واقعیتی جمعی تبدیل شده است که می‌توان آن را از موجودات زنده انضمامی و تجربه‌های فردی منفرد متمایز ساخت. او نشان می‌دهد که فهم ما از فرآیندهای زندگی، سازماندهی جمعیت‌ها و نیاز به «حکومت» بر افراد و گروه‌ها چگونه به اقداماتی برای اصلاح، طرد، بهنجارسازی و انضباط‌بخشی منجر می‌شود. او با مشخص کردن خطرات و بحث‌های مربوط به زیست‌سیاست و فراهم ساختن تاریخ جامع این مفهوم، جایگاه آن را در بحث‌های نظری و جامعه‌شناختی دوران معاصر آشکار می‌کند. لمکه، یکی از بهترین فوکو پژوهان، نه تنها تحلیلی جامع از مفهوم زیست‌سیاست فراهم آورده است، بلکه به نحوی درخشان کاربردها و تقدیمات معاصر آن را نیز در اثر خود گنجانده است. به این ترتیب نشان می‌دهد که افق‌های پژوهشی جدیدی پیش روی ما قرار دارد. اما زیست‌سیاست به روایت

## کارنامه

### تاریخ اندیشه سیاسی در ایران



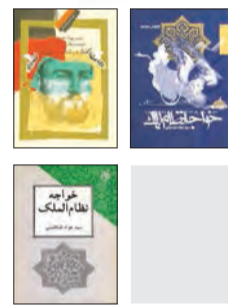
ایران؛ ملاحظاتی در مباحث نظری» از سوی مینوی خرد منتشر شد. طباطبایی در مقدمه خود بر نسخه جدید کتاب اذعان کرد: «تحصیل و تحقیق نویسنده درباره‌ی اندیشه سیاسی در اروپا و آشنایی با پژوهش‌هایی که غربیان درباره‌ی جنبه‌های سیاسی نوشته‌های ادبی اروپا کرده‌اند، افق‌های جدیدی را در برابر نویسنده گشود تا در این اثر خود با رویکردی نو به بررسی بخش‌هایی از نوشته‌های ادبی فارسی، بپردازد.» در همین راستا سه فصل با عناوین «ابن مقفع و تجدید اندیشه‌ی سیاسی ایرانی»، «اندرزنامه‌نویسی» و «خلافت‌آمد عادت سعدی» و «ملاحظاتی سیاسی در اندیشه‌ی ناسیاسی عبیدزکائی» به نسخه جدید کتاب افزوده شده است.

### خواجه نظام الملک

کتاب «خواجه نظام الملک طوسی؛ گفتار در تداوم فرهنگی ایران» رساله کوتاهی درباره برخی از وجوه تاریخ اندیشه سیاسی ایران در دوره اسلامی با تأکیدی بر اندیشه و عمل خواجه نظام الملک طوسی است. در واقع این کتاب نظریه بنیادین رساله درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران است که جریان عمده اندیشه سیاسی ایران در دوره اسلامی را دنبال می‌کند.

در صفحات اندک این رساله کوتاه، نویسنده کوشیده است، در ادامه پژوهش‌هایی که از دهه‌ها پیش آغاز کرده بود، مفهوم تداوم تاریخی و فرهنگی را به عنوان یکی از مفاهیم تاریخ ایران زمین مطرح کند و از مجرای آن سوانح احوال خواجه و مقام سیاست‌نامه او را در تاریخ اندیشه در ایران مورد

نخستین بار کتاب «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران» در پایان دهه شصت از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه منتشر شد. اما این دفتر از انجام چاپ‌های بعدی کتاب تحت تأثیر برخی توصیه‌ها صرف‌نظر کرد و به همین دلیل «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» چاپ دوم کتاب را روانه بازار نشر کشور کرد. پس از آن انتشارات کویر تا ۱۳۸۸ حداقل ده بار کتاب را با تیراژی بالایی منتشر کرد. شایان ذکر است که در چاپ‌های واپسین کتاب، واژه «فلسفی» از عنوان اصلی کتاب توسط نویسنده حذف شد. این کتاب به مدت ۶ سال در بازار نشر کتاب کشور نایاب بود تا اینکه در سال ۱۳۹۴ ضمن ویراستاری مجدد با عنوان «تاریخ اندیشه سیاسی در



### ابن خلدون و علوم اجتماعی

دوره اسلامی»، «نظریه اجتماعی ابن خلدون»، «درباره بنیاد نظری علوم اجتماعی»، «نظریه عدالت در اندیشه ابن خلدون»، «نظریه ابن خلدون درباره‌ی جمل» و «درباره نظریه اقتصادی ابن خلدون» فصول این کتاب است که در نسخه‌ای که توسط انتشارات مینوی خرد روانه بازار نشر کشور خواهد شد، مورد بازبینی قرار خواهد گرفت. در نسخه جدید کتاب «ابن خلدون و علوم اجتماعی» که به زودی منتشر می‌شود، مباحث مهمی به اثر افزوده شده است. «ملاحظاتی درباره معنای «مدنی بالطبع» بودن انسان، به عنوان موردی در فهم اغراض» مهمترین بخش افزوده شده به نسخه دوم ابن خلدون به شمار می‌رود. شایان ذکر است با انتشار نسخه جدید این کتاب از سوی مینوی خرد، سیر نشر آثار طباطبایی که از سال ۹۲ آغاز شده بود تکمیل می‌شود.

کتاب «ابن خلدون و علوم اجتماعی: وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی» کتابی است که درد کسانی که ابن خلدون را بنیان‌گذار علوم اجتماعی می‌دانند، نوشته شده است.

در این دفتر کوشش شده است تا برخی از وجوه معرفت و روش‌شناسی علوم اجتماعی جدید در مقایسه با مبانی معرفتی فرهنگ و تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد و از این حیث نخستین تحقیق مستقلی است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۷۴ از سوی انتشارات طرح نو منتشر شد و به وسیله همین ناشر به چاپ‌های متعددی رسید. سپس بدون هیچ تغییر و ویرایشی در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات ثالث روانه بازار نشر کشور شد. «گفتار در روش»، «ابن خلدون و سنت»، «مبانی کلامی اندیشه اجتماعی ابن خلدون»، «درباره جامعه‌شناسی فیلسوفان

### جدال قدیم و جدید

«جدال قدیم و جدید: از نوزایش تا انقلاب فرانسه» نخستین بخش از جلد نخست پژوهش‌های جواد طباطبایی درباره تاریخ اندیشه کتاب سیاسی جدید در اروپاست، که قرار است در سه جلد منتشر شود. عمده بحث‌های طباطبایی در این کتاب، بحث سنت و تجدید و فرایندهای دیالکتیکی بین آن‌ها و تحول آن طی دوران نوزایش تا انقلاب فرانسه است. او معتقد است: «در تمدن اسلامی، در سده‌های متأخر، سنت چنان تصلبی پیدا کرده است که تذکر سنت با تکیه بر امکانات نظری خود سنت امکان‌پذیر نیست و چنان که نتوان با منطق نقادی از سنت، به عنوان آغاز اندیشیدن نوآیین و امکان طرح پرسش دوران جدید، رخنه‌ای در سد سکتندرتصلب سنت ایجاد کرد، بیرون آمدن از چنبر سنت که دیری است تا عمل و نظر ایرانیان را غیر ممکن کرده است، امکان‌پذیر نخواهد بود... به دنبال بیش از چهار سده تعطیلی اندیشیدن، در ایران، زمان نقادی از سنت از درون برای همیشه سپری شده است و در شرایط کنونی وضع اندیشیدن، ابزارهای مفهومی این نقادی را، ناچار، باید از دستگاه مفاهیم اروپایی وام گرفت.» این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۸۰ به همت انتشارات



پس از آغاز کار دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ و آغاز فضای باز فرهنگی، انتشارات مینوی خرد انتشار مجموعه آثار دکتر جواد طباطبایی را آغاز کرد. تا کنون در سری جدید نشر آثار طباطبایی، یازده ویرایش جدید از کتاب‌های قدیمی و دو کتاب تازه تالیف از او به بازار نشر کشور عرضه شده است. ۶۶



### وقتی عیسا خدا شد

ریچارد ای. روبنستاین  
راضیه سلیم زاده  
۲۸۵۰۰ تومان  
نشر مرکز

بانی انتشار مسیحیت در اروپا پولس بود. وی که در ابتدا از مخالفین سرسخت مسیحیان و از مأمورین لایق دربار روم برای آزار مسیحیان به‌شمار می‌رفت، پس از برخورد فراطبیعی خود با مسیح (در مسیر جاده دمشق) کاملاً متحول گردید. او سپس پیرو مأموریتی که خود عیسی مسیح در همان برخورد ماورایی به او محول نمود به جمع شاگردان مسیح پیوست و سفیر مسیح برای غیر یهودیان گردید. بزرگ‌ترین حادثه‌ای که در قرن چهارم میلادی اتفاق افتاد، موضوع طرفداری کنستانتین، امپراتور روم، از مسیحیان در سال ۳۱۳ میلادی بود. اما این باز شدن پای مسیح در امپراتوری منجر به وحدت نشد. بلکه تنوع و تشتت برداشت‌ها از مسیحیت را سبب شد. محوریت اصلی این کتاب نزاع بر سر تعریف مسیحیت در واپسین روزهای روم است. در سال ۳۲۴ میلادی کنستانتین امپراتور روم شد. بدین سان مسیحیت، پس از تقریباً سیصد سال جفا کشیدن، به موفقیتی شگفت‌انگیز دست یافت. مسیحیان که دیگر نگران نابودشدن دینشان نبودند، توجهشان معطوف به این مسئله شد که چگونه مشخص کنند چه باورهایی معرف مسیحی «حقیقی» اند. در پی نزاع میان دو کشیش مقتدر یعنی آریوس، که تبلیغ می‌کرد عیسا، هر چند قداستی یگانه دارد، پایین‌مرتبه‌تر از خداست و آتاناسیوس، که مدعی بود عیسا خود خدا بوده که به صورت انسان تجسد یافته است، بحث بر سر درجه الوهیت عیسا از مشاجره‌ای تند به خشونت و کشتار انجامید. روبنستاین با پژوهشی بسیار دقیق و باریک‌بینانه در این کتاب توانسته است توطئه‌های سیاسی، شورش‌ها و جنگ قدرتی را که در یکی از سرنوشته‌های سازترین برهه‌های تاریخ روی داده است، به‌صورتی جذاب و مستند بازسازی کند. ریچارد ای. روبنستاین، استاد دانشگاه جورج میسن با استفاده از فرصت مطالعاتی یک ساله از طرف دانشگاه به پروانس جنوب فرانسه می‌رود و این کتاب داستان‌گونه و تفسیری را بر مبنای پژوهش‌های متخصصان گوناگون در رشته مطالعات کلاسیک، تاریخ دوران باستان متأخر، تاریخ کلیسا، الهیات و مطالعات فرقه‌ها و مذاهب تألیف کرده است.



## حرف‌های دیروز



### گزارش جنگ سومالی - اتیوپی

روزنامه اطلاعات ۲۳ بهمن ۱۳۵۶ (۲۵۳۶ شانشناسی) تیر یک خود را به گزارش خبرنگار اعزامی اش، علیرضا جانشناسی از جبهه جنگ سومالی - اتیوپی اختصاص داده است.

در بخشی از این گزارش آمده است: «ارتش سومالی برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود بیشتر روی جذب نیروی کارگری کشور تمرکز داشته و از افراد آن برای خدمت در ارتش کمک گرفته شده و به همین علت بسیاری از کارخانه‌ها هم‌اکنون نیروی کار کامل ندارند. به عقیده دیپلمات‌های مقیم سومالی علت تأخیر در اعلام بسیج عمومی این بوده که دولت سومالی مایل نبوده مردم دچار ترس و نگرانی شوند. با این حال تمام مردم سومالی اطمینان کامل دارند که کشورشان می‌تواند هرگونه حمله‌ای را از جانب اتیوپی به‌خوبی دفع کند.» و در بخش دیگری از آن آمده: «گزارشات رسیده از جبهه نشان می‌دهد که جنگ هم‌اکنون کاملاً جنبه زرهی دارد و نفرت پیاده اتیوپی دخالتی در آن ندارند. تاکتیک اتیوپی این است که ابتدا مواضع نیروهای جبهه آزادی‌بخش سومالی غربی را زیر بمباران شدید قرار دهد و سپس با ستون‌های زرهی و تانک به مواضع مذکور حمله‌ور شود.»



### هشدار درباره خطر بیکاری

جمشید آموزگار در کمیسیون برنامه مجلس: «بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور در زیر سنین ۱۶ سالگی است و این جمعیت تا چند سال دیگر وارد بازار کار خواهد شد و اگر برنامه‌های منظم توسعه اقتصادی تنظیم نشود و به‌درستی و به‌موقع درنیاید احیاناً در سال‌های آتید با خطر بیکاری روبه‌رو خواهیم شد. به همین جهت دولت به برنامه‌های عمرانی توجه خاص دارد و تمام صرفه‌جویی‌ها در اعتبارات جاری صرف طرح‌های عمرانی خواهد شد... در مرکز حوزه‌های عمرانی روستاها تمام هزینه برق را دولت می‌پردازد و برای روستاهای خارج از این روستاها ۵۰ درصد هزینه به‌عهده دولت خواهد بود... آن‌هایی که فکر می‌کنند دوباره راه‌های فراری پیدا خواهند کرد که مجدداً زمین‌بازی و خاک‌بازی تکرار شود و به آن روی آورند بداند که در راه درستی گام برنمی‌دارند. استعدای من از آن‌ها و همه هم‌پیمان این است که این سرمایه‌ها را در راه سازندگی به‌کار اندازند.»

## ۲۳ بهمن ۵۷ چگونه شروع شد و چه فرقی با روزهای پیش از آن داشت؟

# یک / یک / یک

### ماهرخ ابراهیم پور

روزنامه نگار

### بازتاب پیروزی انقلاب در روزنامه‌های ۲۳ بهمن

روزنامه اطلاعات در بالای صفحه اول چاپ دوم روز ۲۳ بهمن خود در کادری مشکی با حروف سفید تیتراژ: «دیروز ملت کاخ ۵۷ ساله ظلم را ویران کرد» و در پایین آن با حروفی درشت‌تر تیتراژ: «ارتش متلاشی شد» را داشت. همچنین در یک کادر مشکی کوچک با فونت سفید تیتراژ: «آخرین سنگ‌های فرو ریخته: رژیم شاهنشاهی، شورای سلطنت، نخست‌وزیری، مجلس شورا و سنا، پادگان‌های ضدخلق، ژاندارمری و شهرپانی، رادیو و تلویزیون نظامی» جلب‌توجه می‌کند. زیر آن خبری در کادری مستطیل شکل پیام امام خمینی با این عنوان: «نگذارید با آتش‌سوزی و خرابکاری فاجعه به بار بیاورند» در کنار آن خبری با فونت سیاه درشت «دستور نخست‌وزیر به کارمندان دولت» حاکی از انتصاب‌های جدید است: «صادق قطب‌زاده: مدیرعامل رادیو تلویزیون، سپهبد بدره‌ای: سرپرست شهرپانی و عبدالله امیرانظام: سرپرست کاخ نخست‌وزیری». از طرفی در وسط صفحه، تصویری از نعمت‌الله نصیری، رئیس ساواک خودنمایی می‌کند که برای مصاحبه اختصاصی، خبرنگار اطلاعات در این قسمت چاپ شده است.

اطلاعات تیتراژ یک روز ۲۴ بهمن را به دستگیری شاپور بختیار و خسرو داد اختصاص داد و درشت‌تر تیتراژ: «بختیار و خسرو داد را مردم گرفتند» در حالی که بعداً مشخص شد این خبر صحت نداشته و بختیار پس از مدتی موفق شد از کشور فرار کند.

روزنامه کیهان ۲۳ بهمن‌ماه در صفحه نخست و بالای صفحه درون کادر خاکستری مستطیل

شکلی با فونت متوسطی نوشته شده است: «سقوط نظام استبداد ۲۵۰۰ ساله» و پایین‌تر با فونت درشت مشکی خبری از «ارتش انقلاب شهرها را آزاد کرد.» جلب‌توجه می‌کند. زیر این دو خبر، عکسی از ساختمان مجلس شورا است که از سوی نیروهای انقلابی تصرف شده است. علاوه بر این در تیتراژ دیگری خبری از «در زد و خوردهای خونین تهران و شهرستان‌ها: ۱۰۰۰ جنگجو کشته و هزاران نفر مجروح شدند» است که درست در سمت چپ آن قسمتی از سخنان امام با این تیتراژ «سلاح‌ها را تحویل ستاد نخست‌وزیری بدهید» قرار دارد و در ادامه با فونت درشت مشکی خبر «سلطنت‌آباد سقوط کرد» و در زیر آن با فونت کوچک‌تر «مردم مسلح، ساواک سلطنت‌آباد را محاصره کرده‌اند» قابل مشاهده است. «تصفیه اساسی ارتش آغاز شد» تیتراژ ۲۴ بهمن کیهان بود و نوشت: «ایدئولوژی جدیدی جانشین ایدئولوژی قبلی ارتش می‌شود.» و در پایین صفحه اول آن این تیتراژ خودنمایی می‌کند: «پیرمردی به ارتش مردم فرمان داد: عشرت‌آباد را تسخیر کنید» و در بخشی از گزارش آمده: «پیرمرد دستپاش را بالا آورد، دو شیشه در دست داشت. نرمه صابون ته شیشه را پر کرده بود و روی آن بنزین چرکی لیز می‌زد که تویش شتاب نازکی شناور بود. پیرمرد بطری را زمین گذاشت، کبریت کشید، فیتله‌ها را آتش زد. بطری‌ها را برداشت، رو به جمعیت ناگهان مثل رعد بانگ زد: «استادان فایده نداره، حمله... حمله...»

روزنامه «آیندگان» هم که ۲۳ بهمن در ۸ صفحه منتشر شده بود تیتراژ: «شاهنشاهی در ایران منقرض شد» را به‌عنوان تیتراژ یک روز ۲۳ بهمن انتخاب کرد و در پایین صفحه اول به

تصرف رادیو و تلویزیون پرداخته: «از ساعت سه بعدازظهر دیروز، انبوه بی‌شمار مردم تهران در برابر در ورودی خیابان جام‌جم گرد آمده بودند تا سقوط آخرین سنگر دیکتاتوری را ببینند.» و صفحه دو خود را به گزارش تصویری حوادث و اتفاقات منتهی به پیروزی انقلاب اختصاص داد. «آیندگان» روز ۲۴ بهمن تیتراژ یک خود را به این اختصاص داد که «آمریکا آماده شناسایی حکومت بازگان شد» و در ستون سمت چپ صفحه اول خبر داد که «رهبر حزب توده به ایران بازمی‌گردد».

### خبر پیروزی انقلاب، لبنان را به پایکوبی واداشت



در میانه اخباری که سعی دارد حال ایران انقلابی را وصف کند، شنیدن مکان، موقعیت و حس و حال انقلابیون خالی از لطف نیست: علی‌چندی که یکی از مبارزان فعال برای دستیابی به انقلاب اسلامی بود، نیروی تازه‌نفسی بود که پس از چند سال به کشور بازگشته بود. وی سال ۵۴ به دلیل خطر دستگیری از ایران به سوریه رفت و مدتی را در سوریه و لبنان گذراند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کشور بازگشت و سمت‌های مختلفی را برای تلاش در جهت تحقق آرمان انقلابی‌اش پذیرفت. چندی با اشاره به اینکه شادای پیروزی انقلاب اسلامی را در خارج از کشور چشیده است، می‌گوید: «وقتی خبر پیروزی انقلاب اسلامی را از شبکه بی بی

## روایت

### محمد توسلی: سنگ بنای سپاه صبح ۲۳ بهمن گذاشته شد

باغشاه برویم. اسلحه‌هایی که مردم از پادگان‌ها آورده بودند در آن‌جا متمرکز بود. هم‌زمان آیت‌الله حسن لاهوتی هم به عنوان نماینده امام در این نهاد انتخاب شده بودند که ما به اتفاق به پادگان باغشاه رفتیم؛ چون مرحوم لاهوتی آن‌جا مستقر شده بودند، بعدها خود نظامیان نام آن‌جا را به پادگان آیت‌الله لاهوتی تغییر دادند. این روزی بود که ما مطالعه تهیه اولین پیش‌نویس گارد ملی را آغاز کردیم که تا هفتم اسفند - که من به مسئولیت شهرداری از طرف دولت موقت منصوب شدم - در آن‌جا مستقر بودم. در مطالعاتی که همان زمان انجام شد نام گارد ملی به «سپاه پاسداران» انقلاب اسلامی تغییر می‌کند و مهندس توسلی پیش‌تر هم به دفعات در خاطراتش دلیل اینکه چرا این تغییر نام اتفاق افتاد را ذکر کرده؛ واژه «گارد» سابقه گارد شاهنشاهی را تداعی می‌کرد، درحالی که سپاه از لحاظ فرهنگی، باتوجه به عملکرد «سپاه دانش» و «سپاه ترویج» زمینه اجتماعی خوبی داشت؛ بنابراین فکر نام‌گذاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از همان ۲۳ بهمن آغاز شد. مهندس توسلی در این خصوص می‌گوید: «ما این نگاه را داشتیم که این نهاد، نهادی موقتی است و در ایزن دوران انتقال، مسئولیت حفاظت از دستاوردهای انقلاب را برعهده دارد و انتظار این بود بعداً که ارتش در جایگاه طبیعی خودش قرار می‌گیرد سپاه هم به خدماتش خاتمه داده شود. اما در قانون اساسی، سپاه به عنوان نهادی مستقل از ارتش پیش‌بینی

شد که تا امروز هم این نهاد به وظایف خودش ادامه می‌دهد. آن زمان رسالت اصلی سپاه در نظر ما پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی یعنی آزادی، استقلال و جمهوریت - یعنی حاکمیت ملت - براساس ارزش‌های اسلامی بود. اکنون بعد از چهارده‌باید ارزیابی کنیم که آیا آرمان‌هایی که مردم در آن روز داشتند و آن تحولی که در خلق و خوی مردم به‌وجود آمده بود و این نهادهایی که با این نگاه تأسیس شدند در راستای همان آرمان‌ها عمل کرده‌اند یا خیر. این سوالی است که خوب است این روزها به عنوان یک نوع بازبینی و بازگشت به آرمان‌های انقلاب مطرح شود.» روزنامه اطلاعات روز بیست‌وسوم بهمن با تیتراژ «بازرگان در نخست‌وزیری مستقر شد» به جلسه مهندس بازرگان با کارکنان نخست‌وزیری می‌پردازد که در این جلسه ضمن تبریک به کارکنان، سمن از معاونان خود را معرفی می‌کند. سمن از معاونان نخست‌وزیر عبارتند از دکتر ابراهیم یزدی؛ معاون در امور انقلاب، مهندس هاشم صباغیان؛ معاون در امور انتقال قدرت و مهندس امیرانظام؛ سرپرست نخست‌وزیری و امور روابط عمومی؛ «با جزئیات خاطر نیست اما خود بنده هم از آن‌جا منتقل شدم به پادگان عشرت‌آباد که پیش‌نویس اساس نامه گارد ملی را تهیه کنیم. چندروزی طول کشید تا بقیه وزرای دولت موقت به‌تدریج در شورای انقلاب مطرح و بررسی شوند تا بعد

سی فارسی شنیدیم و این که انقلابیون ساختمان صداوسیما را تصرف کردند، در بیروت بودم و در میان مبارزان فلسطینی و لبنانی. مبارزانی که بخشی از آن‌ها لبنانی بودند. در آن موقع بیروت دچار جنگ‌های داخلی شده بود و ما همراه برخی دیگر از مبارزان و فعالان ایرانی در قسمت بیروت غربی مستقر بودیم، در کنار ما تعدادی از مبارزان فلسطینی نیز قرار داشتند. آنها وقتی خبر پیروزی انقلاب را شنیدند، شروع به تیراندازی هوایی و پرتاب منور کردند و شادای خود را از پیروزی انقلاب اسلامی با نورافشانی آسمان بیروت نشان دادند. شادای‌ای که آن‌قدر خبر مسرت‌بخشی بود که تا صبح نتوانستیم بخوابیم و من که به همراه خانواده در بیروت بودم، فکر می‌کردم که چگونه هرچه سریع‌تر به ایران برگردم. درحالی که فرودگاه مهرآباد بسته شده بود، به فکر رفتن از طریق مرز زمینی افتادم. بنابراین از دمشق به ترکیه رفتم و بعد از طریق مرز ترکیه وارد ایران شدم. تقریباً چند روز طول کشید که وارد کشور شوم و در مسیر اتفاقات رخ داده قرار بگیرم. اما نکته اصلی این بود که شرایط کشور بسیار متفاوت شده و حضور گروه‌های مختلف در کشور مشهود بود.»

### پریختن اشک حسرت پس از شنیدن خبر پیروزی



عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگر و مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران و مدیر مسئول





وقتی خبر پیروزی انقلاب اسلامی را شنیدم، در بیروت بودم و در کنار ما تعدادی از مبارزان فلسطینی نیز قرار داشتند. آنها وقتی خبر پیروزی انقلاب را شنیدند، شروع به تیراندازی هوایی و پرتاب منور کردند و شادی خود را از پیروزی انقلاب اسلامی با نورافشانی آسمان بیروت نشان دادند.



کیهان ۲۳ بهمن ۱۳۵۷



آیندگان ۲۳ بهمن ۱۳۵۷



اطلاعات ۲۴ بهمن ۱۳۵۷

## وبترین: راهنمای تاریخ



### خردگشی؛ روشنفکران و انقلاب اکتبر

خسرو ناقد

نشر نی

۲۶۲ صفحه / ۲۳۰۰۰ تومان

انقلاب اکتبر در آغاز پیدایی خود به باور بسیاری از روشنفکران حتی آنان که نسبتی با کمونیست‌ها و احزاب کمونیستی نداشتند، رویدادی دوران‌ساز بود که منجر به تشکیل اتحاد جماهیر شوروی شد و عصری جدید را رقم زد که قرار بود جامعه‌ای آرمانی را محقق کند. از آن‌جا که این گروه با اشتیاقی وصف‌ناپذیر وقایع انقلاب را دنبال می‌کردند، احزاب کمونیستی و پیش از همه حزب کمونیست روسیه بر آن شدند تا این گروه را با خود همراه کنند. به این منظور کارزارهای تبلیغاتی وسیعی به راه افتاد که هدف آن‌ها جذب نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران و شخصیت‌های نامدار برای سفر به روسیه بود. این تلاش تا حدودی قرین موفقیت بود و در میان دو جنگ جهانی، روشنفکران بسیاری از نقاط مختلف دنیا به شوروی سفر کردند تا شاهد تغییرات صورت گرفته ناشی از انقلاب باشند.

کتاب «خردگشی؛ روشنفکران و انقلاب اکتبر» تلاش کرده بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های شماری از روشنفکران شناخته شده غربی که در آن زمان به شوروی سفر کرده‌اند، نگاه و نگرش این افراد به انقلاب را مورد واکاوی قرار دهد و روشن کند که این افراد در آن زمان چه رویکردی را نسبت به انقلاب در پیش گرفتند و پیامدهای کنش و واکنش آن‌ها چه بوده است. به علاوه کتاب می‌کوشد به چرایی گرایش خیل‌کنیری از روشنفکران آن زمان در سراسر دنیا به ایدئولوژی کمونیسم بپردازد. سوال دیگری که در همین راستا طرح می‌کند آن است که آیا کمونیسم جایگزین باورهای مذهبی روشنفکران شده بود و دینی جدید را پدید آورد؟



### مرگ فیدل کاسترو؛ ارزیابی دستاوردهای نیم قرن سوسیالیسم

محمد مهدی مختاری

شرکت سهامی انتشار

۳۳۶ صفحه / ۲۷۰۰۰ تومان

فیدل کاسترو به باور طرفدارانش سمبل مبارزه با امپریالیسم آمریکا تلقی می‌شود. وی بیش از چهار دهه بر سر قدرت بر علیه سرمایه‌داری غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا با سخنرانی‌های تند

مدیرعامل خبرگزاری آریا که در دوران مبارزه برای پیروزی انقلاب اسلامی در تهران حضور داشته است، درباره حس و حالی حاکی از شادی و نگرانی توأمان در صبح روز ۲۳ بهمن می‌گوید: «صبح روز ۲۳ بهمن با این احساس توأم بود که کاری ناممکن انجام شده است و تصور زندگی بدون این که شاهی در کشور حکومت کند، گویی ناگهان انرژی زیادی از ما آزاد کرده بود، اما هنوز درگیری‌ها به پایان نرسیده بود و هر لحظه احتمال داشت که سلطنت‌طلبها دست به اقدامات متقابل بزنند. بنابراین در برابر یک فضای باز و یک دنیا موضوع و مسئله قرار گرفته بودیم که باید درباره آن‌ها تصمیم می‌گرفتیم. از طرفی احساس آزادی مطلق با این نگرانی همراه بود که ممکن است خواب و خیال باشد و با یک کودتا یا اقدام دیگری همه چیز تغییر کند.» او با اشاره به جنب و جوش خود، هیجان آن روز را این‌گونه روایت می‌کند: «از این خیابان به آن خیابان در رفت و آمد بود تا بینم همه حس و حالی شبیه من دارند یا خیر. البته در بیشتر شهرهای ایران همراه با نوعی آشوب، گونه‌ای از نظم انقلابی شکل می‌گرفت. در این میان مردم با هم مهربان‌تر شده بودند، گویی همه اعضای یک خانواده بودند. احساس می‌کردم که انگار همه با هم یک‌وزنه بزرگ را از روی سینه ملت برداشته بودیم و حالا می‌توانستیم راحت‌تر نفس بکشیم.» محبیبان

دانشجو روز ۲۲ و ۲۳ بهمن گوش‌مان به رادیو بود و همراه با آهنگ‌هایی که در آن روزها پخش می‌شد، دائم احساساتمان برانگیخته می‌شد و اشک می‌ریختم. علاوه بر دنبال کردن اخبار از طریق تلویزیون و رادیو مرتب از طریق تلفن با ایران در تماس بودیم. اما آن موقع عمده ارتباط ما با وقایع ایران از طریق رادیو بود، رادیوی روسی داشتیم که موج رادیوی ایران را خوب می‌گرفت و عمده دانشجویان نیز از آن رادیو داشتند و اوضاع ایران را از طریق رادیو رصد می‌کردیم. پس از شنیدن خبر پیروزی انقلاب اسلامی از رادیو، با توجه به شرایطی که وسایل حمل و نقل داشت، در میدلزبرو ماندیم تا بعد از پایان امتحانات که در خردادماه بود، به ایران برگردیم. بالاخره خردادماه سال بعد با اتومبیل خود به ایران برگشتم، اتومبیلی که یک فولکس‌واگن قوریاغه‌ای بود که آن را به یک کاروان وصل کردیم و شش، هفت روز طول کشید تا از مرز بازرگان وارد ایران شدیم.»

سابق کیهان هوایی نیز یکی از انقلابی‌هایی است که کنج‌کاری باعث می‌شود، پیگیر شوم که در روز ۲۳ بهمن کجا بوده و صبح این روز مهم را با چه حس و حالی آغاز کرده است؟ سلیمی‌نمین که تا چندی پیش از پیروزی انقلاب در مشهد و تهران بود، شرح حالش پس از شنیدن خبر پیروزی انقلاب را با این جمله آغاز کرد: «۲۲ بهمن ماه ۵۷ در میدلزبرو انگلستان مشغول به تحصیل بودم که خبر پیروزی انقلاب اسلامی را از طریق رادیو و تلویزیون شنیدم و بسیار خوشحال شدم. در عین حال حسرت خوردم که ای کاش در چنین زمان مبارکی در کشورم بودم. البته تا زمانی که شاه از ایران خارج شد، در کشور حضور داشتم و مبارزه با رژیم پهلوی را دنبال می‌کردم، اما همین که شاه از ایران خارج شد، تصمیم گرفتم که سری به دانشگاه بزنم که متأسفانه فرودگاه‌ها بسته شد و به ناچار در انگلستان ماندم. اگر چه خانواده‌ام در ایران بودند. در شرایطی که ایران در کوران مبارزه با رژیم بود، کسی حال و حوصله درس خواندن نداشت، آن‌قدر مسئله و نگرانی درباره اوضاع ایران زیاد بود که تمرکز بر درس‌ها خیلی دشوار بود، برای همین من و برخی از دوستان دانشجوی ایرانی مرتب با تلفن با ایران در تماس بودیم و اخبار را دنبال می‌کردیم. وقتی خبر پیروزی انقلاب از رادیو و تلویزیون پخش شد، چند روز بعد تلاش کردم که به کشور برگردم، اما مسافرت به ایران بسیار دشوار بود. بنابراین من و سایر دوستان

### شادی توأم با ترس از کودتای خودی و بیگانه



امیر محبیبان، استاد فلسفه دانشگاه و

## خاطره

### باور نمی‌کردیم انقلاب پیروز شده است

پس از فوت شریعتی و فوت پسر امام آram آرام («اعتراضات مردمی») جلودار اعتراضات شد و اعتراضات دانشجویی در اعتراضات مردمی غرق شد. یادم هست در دوره حکومت بختیار پاتوق بچه‌های انقلابی محل ما کتابخانه مسجد لرزاده در خیابان خراسان بود. در یکی از شب‌ها بحث بر سر این بود حالا که رژیم در آستانه سقوط است چگونه می‌توان وارد پادگان‌ها شد؟ چهار پنج نفر از بچه‌های انقلابی مسجد رفته بودند یک بررسی اولیه بکنند که چگونه می‌شود وارد پادگان‌ها شد؟ وقتی برای بررسی رفته بودند دیدند که خود مردم قلاب گرفتند و دارند از دیوار پادگان بالا می‌روند و وارد پادگان‌ها می‌شوند. یعنی واقعا اعتراضات دیگر در دست دانشجویان نبود و کاملاً مردمی شده بود. باز یادم هست در زمان حکومت نظامی از هاری، ما دانشجویان در همان بالاخانه و کتابخانه مسجد لرزاده نگران بودیم که نکتد به خاطر حکومت نظامی تظاهرات مردمی متوقف شود. در همان حین که این بحث‌ها در جریان بود صدای مردم را از بیرون شنیدیم. دیدیم خود مردم به‌صورت خودجوش آن هم ساعت ۹ شب دست به تظاهرات زده‌اند! از



امیر محبیبان، استاد فلسفه دانشگاه و

زمان انقلاب دانشجویان محدود و حدود ۲۱ سال داشتیم. در محیط دانشگاهی جزو دانشجویان فعال مذهبی بودم. چند ماه قبل از انقلاب به‌خاطر همین فعالیت‌ها من و پدرم و اشتباهات عمومیم را هم دستگیر کردند. علت دستگیری هم پخش اطلاعیه‌های امام خمینی (ره) بود. ما یک خانواده هشت نفری (پنج برادر و یک خواهر) بودیم و کاملاً در خدمت انقلاب. یادم هست در خانه‌مان با دانشجویان انقلابی پلاکاردهای بزرگی را که مردم در راهپیمایی‌ها در دست می‌گرفتند، می‌نوشتیم و مادر هم برای همه این دانشجویان غذا می‌پخت ولی تا آنپیش تمام می‌شد، با یک دست چادرش را می‌گرفت و با دست دیگرش داخل کلمات خالی پلاکاردها را با رنگ پری می‌کرد و به بچه‌های انقلابی کمک می‌کرد.

تا سال‌های ۵۴ و ۵۵ ساواک موفق شده بود مخالفان را سرکوب و کنترل کند و گروه‌های چریکی مسلح را هم تقریباً قلع و قمع کرده بود. در این فضا تا سال ۵۶ بیشتر اعتراضات دانشجویی بود که «جوشکن» بود. از ۵۶ به بعد و



### مرگ وزیر مختار

یوری نیکلایویچ تینیانوف

ترجمه مهدی سعابلی

۵۶۸ صفحه / ۴۷۰۰۰ تومان

جنگ‌های ایران و روس و شکست ایرانیان سبب نوعی نفرت از روس‌ها شده بود. مذاکره‌کننده روسی گریبایدوف که مدتی به عنوان سفیر روسیه در ایران مأمور شد به هنگام حضورش در تهران رفتاری کرد که خشم گذشته مردم را به اقدامات او افزود. وی دستور داده بود، زنان گرجی که در منازل برخی از رجال ایرانی به عنوان کنیز یا همسر حضور داشتند به سفارت برده شده و در صورت تمایل به سرزمین‌های خود بازگردانده شوند. این موضوع زمانی که دو زن ارمنی که ظاهراً مسلمان شده بودند از خانه الهیارخان آصف‌الدوله وزیر خارجه به گرمابه مجاور سفارت برده شدند، موجب خشم مردم شد. جمعیت خشمگین که از رفتارهای خلاف شرع و عرف گریبایدوف عصبانی بودند، با چوب و چماق به سفارت روسیه حمله کردند و این امر به قتل گریبایدوف منجر شد. «مرگ وزیر مختار» رمانی تاریخی است که به زندگی گریبایدوف می‌پردازد و طی آن به وجوه کمتر دیده شده حیات او که در روسیه پررنگ بود و در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفت مانند شاعری، نمایشنامه‌نویسی و آهنگسازی نیز پرداخته شده است. حدود یک سوم روایت این اثر در تهران می‌گذرد و طی آن چگونگی کشته شدن سفیر روسیه شرح داده می‌شود.

تینیانوف، نویسنده کتاب، یکی از معروف‌ترین نویسندگان فرمالیست است و این کتاب هم بی‌نصیب از فرمالیسم نیست.

## حرف‌های امروز



**ناصر فکوهی (جامعه‌شناس):** در آثار صادقی جنبه اسطوره‌ای آثار بسیار اهمیت دارد و باید به آن پرداخت. این آثار گویای توانایی‌های یک هنر هزاران‌ساله است که در قالب‌های گرافیک و ریتمیک، خودش را به عنوان ستون فقرات ارزش‌های نیاکانی و ضرب آهنگ‌های اسطوره‌ای منتقل می‌کند. قضاوت بیرونی باعث شده تا آن چیزی را که از هنرمندان انتظار می‌رفت، انجام شود، جسارت، توانایی و انسجام درونی در کارهای صادقی وجود دارد.



**فریدون خوشرو:** روزهای آخر پاییز و اوایل زمستان سال ۱۳۵۷ بود که حکومت نظامی توسط حاکمیت وقت شدت گرفت اما مردم روز و شب راهپیمایی می‌کردند و شعار می‌دادند. مردم به پشت‌بام‌های می‌رفتند و همه آقشار جامعه از زن و مرد و کوچک و بزرگ به طور وسیع و باشکوه الله اکبر می‌گفتند. این صدا درست مثل یک حرکت ارکستر سمفونی بود که از هر چهار جهت تهران حرکت می‌کرد و کلمه الله در آسمان موج می‌زد. من نتوانستم از این کار مردم بگذرم و همان موقع به سراغ بیانورفتم و با الهام‌گیری از کلماتی که مردم استفاده می‌کردند کلمه‌ها را کنار هم چیدم و نتش را نوشتم. در واقع سرود «الله الله» توسط مردم ساخته شد زیرا مردم بودند که احساسش را در من به وجود آوردند.



**کارن همایون‌فر:** کار با حاتمی کیا بسیار سخت و البته دلچسب است زیرا او کارگردان به شدت باهوشی است و تا چیزی باب طبعش نباشد دست از آن نمی‌کشد. در این چند سالی که در آثار ابراهیم حاتمی کیا حضور داشته‌ام متوجه شده‌ام که او در هیچ موردی، از مونتاژ و فیلمبرداری گرفته تا ساخت موسیقی، کوتاه نمی‌آید بنابراین همه عوامل همیشه مجبور هستند که بهترین کار خود را ارائه دهند. من برای موسیقی «به وقت شام» زحمت زیادی کشیدم ولی تجربه اینطور بوده که برای کارهای متوسط تشویق و برای کارهای خیلی خوب تشویق شده‌ام.



**تونی کرگ (مجسمه‌ساز انگلیسی):** مردم ایران طبیعت را می‌شناسند و می‌دانند که کار کارخانه‌ها تولید کردن است و ما به عنوان انسان‌های کره زمین طبیعت زیبا را با ابعاد کمی از بین می‌بریم، به طور مثال یک جنگل را نابود می‌کنیم چون به زمین آن نیاز داریم. مجسمه نوع جدیدی از هنر است که نشان‌دهنده این ناعادلانه طبیعتی است که انسان‌ها به وجود آورده‌اند.

## ۵۷۸ روز پس از مرگ حبیب صدای او از رسانه ملی پخش شد

# نوشتاروی پس از مرگ حبیب

سما بابایی  
روزنامه نگار

تاریخ تکرار می‌شود. در این سرزمین اما مدام به صورت تکراری. همین چند روز پیش بود که بعد از مرگ «حبیب مجیبان» خواننده‌ی شناخته‌شده‌ی موسیقی پاپ-موزیک ویدئویی او با نام «دیره» که همکاری مشترکش با «سمیر زنده» بود و پیش از این نیز به صورت تک‌آهنگ منتشر شده بود، از تلویزیون پخش شد. او اما وقتی ۲۱ خرداد ۹۵ در روستای نیاسته کتالم رامسر دچار ایست قلبی شد، هفت سال بود که در حسرت این اتفاق می‌سوخت. می‌گویند تاریخ دو بار تکرار می‌شود؛ این تاریخ اما بارها و بارها تکرار شد. «فرهاد مهراد» هم پس از مرگش، در رسانه‌ی ملی مجاز شد. صدای «مازیار» را هم وقتی مرد از رادیو پخش کردند. «فریدون فروغی» اما لابد بدایق‌ترین بود که سال‌ها بعد از مرگش، یکبار صدایش را در تلویزیون پخش کردند و بعد از آن چنان سر و صدایی شد که مسوولان صدا و سیما به این نتیجه رسیدند که نباید برای سری که درد نمی‌کند، دستمالی تدارک ببینند و عطای پخش آن را به لقایش بخشیدند. اما «حبیب» که بود؟ چه زمانی هجرت کرد؟ برای چه به ایران بازگشت و داستان مجوزش چه بود؟ چرا با وجود آنکه کتابش مجوز گرفت؛ اما نتوانست فعالیت رسمی‌ای در ایران داشته باشد. به خیلی از این سوالات البته نمی‌توان حالا هم -یک سال و نیم پس از مرگش- پاسخ دقیقی داد؛ اما می‌توان داستان حبیب را واکاوی کرد؛ خواننده‌ای که با «مرد تنهای شب» به دنیای موسیقی معرفی شد و زندگی و مرگش شبیه‌نام همان ترانه شد.

**حبیب که بود؟**  
بیست و یکم خرداد سال ۱۳۹۵ بود که حبیب

در همان روستایی که در سال‌های حضورش در ایران در آن به سر می‌برد، مرد، سخنگوی مرکز اورژانس مازندران درباری آن اتفاق می‌گوید: «صبح روز جمعه در ساعت ۹ و ۱۷ دقیقه طی تماس با مرکز پیام اورژانس غرب استان مازندران برای انجام مأموریت در روستای نیاسته در کتالم رامسر درخواست آمبولانس شد که پس از حضور در محل متوجه شدیم فردی که دچار ایست قلبی شده حبیب مجیبان خواننده موسیقی ایرانی است. پس از اعلام مأموریت بلافاصله، همکاران به محل اعزام شدند و پس از بررسی وضعیت متوجه شدند که متأسفانه وی فاقد هرگونه علامت حیاتی و سیانوز کامل است. مردمک‌ها گشاد شده بود و با توجه به سابقه‌ی بیماری قلبی او اقدامات احیا مؤثر نبود. روزی که حبیب مرد، درست ۴۰ سال از آغاز فعالیت‌های موسیقایی‌اش می‌گذشت. چهل سال فعالیت و لیستی از آثار ماندگار چون مرد تنهای شب، مرگ قو، کوبر باور، خرچنگ‌های مردابی، شلهای من و مادر و خیلی آثار دیگر. او از معدود خوانندگان پاپ بود که موسیقی را با اصول علمی‌اش می‌دانست. زیر نظر «مرتضی حنانه» آهنگسازی کار کرده بود و در کنار خواندن شعر بسیاری از ترانه‌هایش را نیز می‌گفت و خیلی‌ها ایشان را آهنگسازی هم می‌کرد و از همه مهم‌تر نوازنده‌ی قابل‌ی بود. خودش می‌گفت بدون گیتارش، فلج است. گیتارش دوازده سیمی بود و این ساز در بسیاری از آثارش، نقش مهمی ایفا می‌کرد و خیلی از قطعاتش را تنها با این ساز خواند و نواخت. اولین حضورش در بازار رسمی موسیقی «مرد تنهای شب» بود با یک داستان عجیب و غریب پشت آن. همسر اولش شادی - و مادرش در فاصله‌ی زمانی کوتاهی از دنیا رفتند و «حبیب» عاشق هر دو بود. یکی به خاطر تزریق پنی‌سیلین و حساسیت به آن و دیگری به خاطر سکنه‌ی قلبی. حبیب آلبومی را تهیه و آن را به همسر و مادرش تقدیم می‌کند: «مادر» و «خرس کوچکی» را به یاد مادرش می‌خواند و «شهلا» و «خواب سرخ پوسه‌ها» را به همسرش و «نگاه» را به هر دو. آلبوم آن زمان با استقبال عجیب و غریبی همراه شد؛ شاید به خاطر غم نهفته در آن و یحتمل‌تر به خاطر ظهور و بروز خواننده‌ای که در دنیای آن روز موسیقی، منحصر به فرد بود. «حبیب» از آن جمله خوانندگانی بود که صدایش وسعت داشت و می‌توانست نتهای بالا را بخواند. در انتخاب اشعار و سواص زیاد داشت و آشنایی‌اش با ادبیات، سبب شده بود آثاری بخواند که در آن زمان - و همچنان هم - چندان در موسیقی پاپ ایران متداول نبود. اشعاری از حافظ، خیام، سعدی، صائب و شاعران معاصر چون احمد شاملو، نادر ابراهیمی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، محمدرضا شفیعی کدکنی و عمران صلاحی و... اما یکی از مهم‌ترین و ماندگارترین ترانه‌های او - خرچنگ‌های مردابی - برای «محمدعلی بهمنی» است که درباره‌اش گفته است: «پیش از انقلاب به واسطه ارادتی که به صدا و موسیقی او داشتم، صحبت‌هایی با یکدیگر انجام می‌دادیم. من نقطه‌نظر خود را در مورد ترانه‌های او ارائه می‌دادم؛ اما به هر حال حبیب باورمند کاری بود که خودش انجام می‌داد. حبیب واقعاً به کاری که انجام می‌داد، ترانه‌ای که انتخاب می‌کرد، آهنگی که می‌ساخت و در مجموع اثری که روانه بازار می‌کرد، اعتقاد داشت. همین اعتقاد باعث می‌شد، مردم با او ارتباط برقرار کنند و اثرش را بپذیرند.» او همچنین به این مساله اشاره کرده است که: «کارهای او شناسنامه‌دار بود و می‌شد اعضای او را پای اجراهایش دید. گرچه من معتقدم او در انتخاب کلامی می‌توانست مقداری کم‌کارتر باشد اما کارهایش ارزش‌تری بخواند. هر چند حبیب اشعار و ترانه‌های بسیار خوبی را انتخاب و اجرا کرد اما در میان آثارش، اشعار و ترانه‌های ضعیف هم دیده می‌شود. به همین دلیل است که امروزه روز با وجود اینکه سکوتش در ایران چند سال طول کشید، همچنان محبوب بود. هنرمندانی بودند و هستند که گذر زمان، اگر با سکوت هم همراه باشد آنها را کم‌کم به دست فراموشی می‌سپارد اما در مورد حبیب این اتفاق رخ نداد. با وجود اینکه هفت سال کسی صدای حبیب را نشنید و تصویرش را هم ندید، او را از یاد نبرد.»

آهنگسازی روی اشعار نو آن هم در ژانر پاپ



در همان روستایی که در سال‌های حضورش در ایران در آن به سر می‌برد، مرد، سخنگوی مرکز اورژانس مازندران درباری آن اتفاق می‌گوید: «صبح روز جمعه در ساعت ۹ و ۱۷ دقیقه طی تماس با مرکز پیام اورژانس غرب استان مازندران برای انجام مأموریت در روستای نیاسته در کتالم رامسر درخواست آمبولانس شد که پس از حضور در محل متوجه شدیم فردی که دچار ایست قلبی شده حبیب مجیبان خواننده موسیقی ایرانی است. پس از اعلام مأموریت بلافاصله، همکاران به محل اعزام شدند و پس از بررسی وضعیت متوجه شدند که متأسفانه وی فاقد هرگونه علامت حیاتی و سیانوز کامل است. مردمک‌ها گشاد شده بود و با توجه به سابقه‌ی بیماری قلبی او اقدامات احیا مؤثر نبود. روزی که حبیب مرد، درست ۴۰ سال از آغاز فعالیت‌های موسیقایی‌اش می‌گذشت. چهل سال فعالیت و لیستی از آثار ماندگار چون مرد تنهای شب، مرگ قو، کوبر باور، خرچنگ‌های مردابی، شلهای من و مادر و خیلی آثار دیگر. او از معدود خوانندگان پاپ بود که موسیقی را با اصول علمی‌اش می‌دانست. زیر نظر «مرتضی حنانه» آهنگسازی کار کرده بود و در کنار خواندن شعر بسیاری از ترانه‌هایش را نیز می‌گفت و خیلی‌ها ایشان را آهنگسازی هم می‌کرد و از همه مهم‌تر نوازنده‌ی قابل‌ی بود. خودش می‌گفت بدون گیتارش، فلج است. گیتارش دوازده سیمی بود و این ساز در بسیاری از آثارش، نقش مهمی ایفا می‌کرد و خیلی از قطعاتش را تنها با این ساز خواند و نواخت. اولین حضورش در بازار رسمی موسیقی «مرد تنهای شب» بود با یک داستان عجیب و غریب پشت آن. همسر اولش شادی - و مادرش در فاصله‌ی زمانی کوتاهی از دنیا رفتند و «حبیب» عاشق هر دو بود. یکی به خاطر تزریق پنی‌سیلین و حساسیت به آن و دیگری به خاطر سکنه‌ی قلبی. حبیب آلبومی را تهیه و آن را به همسر و مادرش تقدیم می‌کند: «مادر» و «خرس کوچکی» را به یاد مادرش می‌خواند و «شهلا» و «خواب سرخ پوسه‌ها» را به همسرش و «نگاه» را به هر دو. آلبوم آن زمان با استقبال عجیب و غریبی همراه شد؛ شاید به خاطر غم نهفته در آن و یحتمل‌تر به خاطر ظهور و بروز خواننده‌ای که در دنیای آن روز موسیقی، منحصر به فرد بود. «حبیب» از آن جمله خوانندگانی بود که صدایش وسعت داشت و می‌توانست نتهای بالا را بخواند. در انتخاب اشعار و سواص زیاد داشت و آشنایی‌اش با ادبیات، سبب شده بود آثاری بخواند که در آن زمان - و همچنان هم - چندان در موسیقی پاپ ایران متداول نبود. اشعاری از حافظ، خیام، سعدی، صائب و شاعران معاصر چون احمد شاملو، نادر ابراهیمی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، محمدرضا شفیعی کدکنی و عمران صلاحی و... اما یکی از مهم‌ترین و ماندگارترین ترانه‌های او - خرچنگ‌های مردابی - برای «محمدعلی بهمنی» است که درباره‌اش گفته است: «پیش از انقلاب به واسطه ارادتی که به صدا و موسیقی او داشتم، صحبت‌هایی با یکدیگر انجام می‌دادیم. من نقطه‌نظر خود را در مورد ترانه‌های او ارائه می‌دادم؛ اما به هر حال حبیب باورمند کاری بود که خودش انجام می‌داد. حبیب واقعاً به کاری که انجام می‌داد، ترانه‌ای که انتخاب می‌کرد، آهنگی که می‌ساخت و در مجموع اثری که روانه بازار می‌کرد، اعتقاد داشت. همین اعتقاد باعث می‌شد، مردم با او ارتباط برقرار کنند و اثرش را بپذیرند.» او همچنین به این مساله اشاره کرده است که: «کارهای او شناسنامه‌دار بود و می‌شد اعضای او را پای اجراهایش دید. گرچه من معتقدم او در انتخاب کلامی می‌توانست مقداری کم‌کارتر باشد اما کارهایش ارزش‌تری بخواند. هر چند حبیب اشعار و ترانه‌های بسیار خوبی را انتخاب و اجرا کرد اما در میان آثارش، اشعار و ترانه‌های ضعیف هم دیده می‌شود. به همین دلیل است که امروزه روز با وجود اینکه سکوتش در ایران چند سال طول کشید، همچنان محبوب بود. هنرمندانی بودند و هستند که گذر زمان، اگر با سکوت هم همراه باشد آنها را کم‌کم به دست فراموشی می‌سپارد اما در مورد حبیب این اتفاق رخ نداد. با وجود اینکه هفت سال کسی صدای حبیب را نشنید و تصویرش را هم ندید، او را از یاد نبرد.»



حبیب هیج وقت دلش نمی خواست از ایران برود، درست است که موسیقی کار نمی کرد و همین آذیتش می کرد؛ اما به میل خودش نرفت. او اصلاً مال جایی زندگی کردن جز ایران نبود. همان سال ها هم که در خارج از ایران بود، همه اش کارهایی می کرد که با اصول ما سازگار بود؛ می دانید همین هم چقدر آذیتش کرد؟ در لس آنجلس هم نگذاشتند او کار کند.



که کار موسیقی نمی کردم یک مدتی مدیریت یک شرکت بزرگ بازرگانی با من بود. حدود دو سال مدیر آنجا بودم اما با خودم گفتم چقدر برای مردم کار کنم و اگر قرار است چیزی بشوم بهتر است برای خودم کار کنم و یکی از بزرگترین شرکتها را در لس آنجلس تأسیس کردم. یک روز در محل کارم رویم نشد به کارگر بگویم آن جعبه را به من بده. روی صندوقی رفته و با سینه خوردم زمین. کارم به سی سی یو کشیده شد. مدتی هم که درگیر بازگشت سلامتی ام بودم، کل سوپرمارکت ام از بین رفت و ورشکست شدم. از طرفی در آمریکا مخارج بالا بود.

مرد منسروی، خیلی با موزیسین های دیگر هم شهری اش حشر و نشری نداشته و کنسرت چندان هم برگزار نمی کند. در آن سال ها، تنها گاهگداری آلبومی منتشر می کند تا سال های بعد که به ایران بیاید و نامش دوباره سر زبان ها بیفتد.

**حبیب بعد از بازگشت به ایران**

«حبیب محیبان» در سال ۱۳۶۴ ایران را به مقصد «لس آنجلس» ترک کرد و سال ۱۳۸۸ - ۲۴ سال بعد از حضورش در آمریکا - در سفری پر سر و صدا به ایران برگشت در سودای اجرا در وطنش. او در روزهای ابتدایی حضورش در رامسر در خانه باغی در بالای تله کابین رامسر زندگی می کرد؛ اما چند ماه بعد از آن در این روستا ساکن شد. برخی ها می گفتند این بازگشت توسط «اسفندیار رحیم مشایی» انجام شده و او قول داده بود که بازگشت پسرش - محمد - دلیل دیگری برای این مساله عنوان می کند و می گوید، این بازگشت به سبب بیماری خواهر حبیب و پسرش بوده است. در این میان، نامه ای از قول او به رئیس جمهور وقت نیز منتشر شد که بعدها وجود آن از طرف پسرش تکذیب شد. خودش اما در مصاحبه ای درباره دلیل بازگشتش به ایران گفت: «حس ایران دوستی و وجود من شعله می کشید. مدت ها بود که با خودم کلنجار می رفتم؛

کار هر کسی نیست؛ اما «حبیب» خوب از پس این کار برمی آمد. او اما فرقی دیگری با خوانندگان هم مسلکش داشت و آن اعتقادات شدید مذهبی اش بود که چه در سال های خارج نشینی اش و چه آن زمان که در ایران بود، در ترانه ها و اشعارش نمود پیدا می کرد. هیچ خواننده ی پای - حتی خوانندگان مجاز وطنی - را نمی توان یافت که به اندازه ی او در وصف خدا، امام حسین، مکه و کعبه خواننده باشد؛ خودش در این باره گفته است: «ببینید من هیچگاه به دنبال ابتذال نبوده ام؛ حتی قبل از انقلاب. در طول این سسی سال هم تلاش کرده ام هیچگاه از معیارهای اصولی موسیقی کلاسیک و فاخر و فرهنگ اصیل ایرانی خارج نشوم. به نظر همیشه نحوه فعالیت من با بقیه متمایز بوده است. شما سلسله کاری من را ملاحظه کنید. من همیشه و در هر حالی با عقاید و باورهای خودم زندگی کردم. من این حرف را برای اینکه به ایران آمدم نمی زنم بلکه در طول این سسی سال گذشته کارنامه کاملاً واضح و روشن است. وقتی که طی سال های قبل آثاری در مورد رزمندگان، امام علی (ع)، عید غدیر و چندین قطعه مذهبی دیگر که خواندم در ایران نبودم که گفته شود به خاطر اینکه تأییدی بگیرم آنها را اجرا کرده ام. در واقع اجرای این کارها صرفاً به خاطر اعتقادات من بوده است.» بعد از انقلاب اسلامی اما او نیز مانند بسیاری دیگر ممنوع فعالیت می شود. دو سالی در ایران می ماند و بعد مهاجرت می کند تا سرانجام در سال ۶۴ «لس آنجلس» می شود و این مهر به پیشانی اش می خورد. «محمد» - پسرش - درباره انگیزه ی پدر از مهاجرت در نامه ای نوشت: «این ترک ديار نه به خاطر جنگ و نه به خاطر انقلاب بود بلکه تنها سبب ممنوعیت پدرم برای خواندن بود. موسیقی تنها عشق و مهارت او بوده و هست و محرومیت از آن ضربه زان باری بود که او را بسیار تحت تأثیر قرار داد. پدرم همیشه می گفت که اگر زمان به عقب برگردد تا زمانی که مجبور به رفتن نشدند ایران را ترک نخواهد کرد اما در آن زمان او انتخاب دیگری پیش رو نمی دید. پس از ترک ایران و مشکلات بسیار سرانجام در سال ۱۹۸۵ میلادی (۱۳۶۴) در شهر لس آنجلس آمریکا ساکن شدیم. در همه سال های که در آمریکا گذشت پدرم همواره به فکر بازگشت و آرزوی خواندن دوباره در وطن بود.»

از سال های حضور «حبیب» در لس آنجلس، چند آلبوم باقی مانده که خیلی هایش در ایران هم شنیده شد؛ اما جز این اطلاعات اندکی در دست است؛ جز گفته های خودش در یکی - دو مصاحبه ای که انجام داده است: «چند ماهی کار موسیقی انجام داده ام اما دیدم اوضاع آنجا با روحیات من نمی خواند. نمی توانستم و دوست نداشتم نیتان ناش بخوانم. رفته سمت کارهای دیگر. زمانی

که کار موسیقی نمی کردم یک مدتی مدیریت یک شرکت بزرگ بازرگانی با من بود. حدود دو سال مدیر آنجا بودم اما با خودم گفتم چقدر برای مردم کار کنم و اگر قرار است چیزی بشوم بهتر است برای خودم کار کنم و یکی از بزرگترین شرکتها را در لس آنجلس تأسیس کردم. یک روز در محل کارم رویم نشد به کارگر بگویم آن جعبه را به من بده. روی صندوقی رفته و با سینه خوردم زمین. کارم به سی سی یو کشیده شد. مدتی هم که درگیر بازگشت سلامتی ام بودم، کل سوپرمارکت ام از بین رفت و ورشکست شدم. از طرفی در آمریکا مخارج بالا بود.

**گفت و گو**

**دوستان حبیب**

تورج شعبانخانی از مرد تنهای شب می گوید

نرفت. او اصلاً مال جایی زندگی کردن جز ایران نبود. همان سال ها هم که در خارج از ایران بود، همه اش کارهایی می کرد که با اصول ما سازگار بود؛ می دانید همین هم چقدر آذیتش کرد؟ در لس آنجلس هم نگذاشتند او کار کند. فقط از عشق خواند و از ایران. خیلی ها که به او ایراد می گیرند چرا رفت لس آنجلس نشین شد؛ با خودش فکر کردند که اصلاً چرا او باید برود؟ مگر سیاسی بود؟ کاری کرده بود؟ هیچ چیز. فقط موسیقی کار کرده بود.



«حبیب» حالا درست ۵۰ و اندی روز است که مرده است؛ اما آن مرگ و او همه امیدیه که او با خودش به خاک برد و حالا داستان پخش قطعه اش از رسانه ملی که همیشه چارچوب های سفت و سخت تری از اجراهای زنده داشته است؛ برای خیلی ها دردناک است؛ مثلاً برای «تورج شعبانخانی» - آهنگساز پیشکسوت - که وقتی حبیب مرد، اولین واکنش را نشان داد. با او که از مرد تنهای شب حرف می زنیم؛ هنوز صدایش بغض آلود می شود. هنوز غم به چهره اش می دود و با افسوس می گوید: «نمی دانم چرا این اتفاقات برای او افتاد. حبیب خیلی با معرفت بود. خیلی آرام. به هیچ کس کاری نداشت؛ فقط سرش گرم کار خودش بود و حواسش به موسیقی اش. حبیب انسان بود. انسان.»

«شعبانخانی» می گوید که حبیب هیچ وقت دلش نمی خواست از ایران برود؛ «درست است که موسیقی کار نمی کرد و همین آذیتش می کرد؛ اما به میل خودش

**کافه: راهنمای ادب و هنر**



**نواهای ایستاده در غبار**

آلبوم موسیقی متن فیلم سینمایی «ایستاده در غبار» شامل بیست قطعه است که بخش هایی از آن ها در فیلم شنیده شدند با توجه به فضای فیلم سعی شده که این قطعات یادآور موسیقی دهه پنجاه و شصت باشد؛ همچنین استفاده از آواهای کردی در کنار بخش ارکسترال در قسمت هایی از فیلم، یکی دیگر از ویژگی های این آلبوم موسیقی است.

آلبوم موسیقی متن فیلم «ایستاده در غبار» نخستین آلبوم حبیب خزایی فر است که پس از مراحل مربوط به دریافت مجوزها و همچنین آماده سازی نهایی، به زودی منتشر و رونمایی می شود. حبیب خزایی فر پیش از این علاوه بر ساخت موسیقی مجموعه «آخرین روزهای زمستان»، موسیقی های مختلفی برای مجموعه های سینمایی و مستند ساخته است.



**سمفونی پایانی ارکستر سمفونیک**

آخرین کنسرت ارکستر سمفونیک تهران در سال ۹۶ ساعت ۲۱:۳۰ روزهای هفدهم و هجدهم اسفند به رهبری شهرداد روحانی در تالار وحدت تهران برگزار می شود.

در این کنسرت قطعات «آوای مجار شماره ۱» اثر یوهانس برامس، «سمفونی کنسرتانت» اثر آماندوس موتسارت برای ۴ ساز بادی چوبی ایوا به نوازندگی آرن قیطاسی، کلارینت به نوازندگی مینلی دانلیلیان، هورن به نوازندگی فرشاد شیخی، فاگوت به نوازندگی علیرضا متوسلی داراب، «سمفونی شماره ۸» اثر فرانس شوبرت و پوئم سمفونی «دان خوان» اثر ریشارد اشتراوس اجرا می شود.

کنسرت ارکستر سمفونیک تهران به رهبری شهرداد روحانی ساعت ۲۱:۳۰ روزهای پنجشنبه ۱۷ و جمعه ۱۸ اسفند در تالار وحدت تهران برگزار می شود. این در حالی است که ارکستر سمفونیک تهران در سال جاری برنامه های متعددی را انجام داده است و می توان امسال را یکی از منظم ترین سال های فعالیت این ارکستر صد ساله دانست. اجرا در ایتالیا و نیز شهرستان ها نیز از دیگر برنامه های این ارکستر در سال جاری بود.

**آثار ابستره و فیگوراتیو با «نرگس»**

نمایشگاه «نرگس» همزمان با ثبت جهانی این گل در نگارخانه برگ اجرا شد. در این نمایشگاه ۳۰ اثر از ۲۳ هنرمند به رویکردهای متفاوت تکنیکی به نمایش درآمده است، آثاری که با سوژه قرار دادن گل نرگس شیوه بیان بصری هنرمندان باسابقه این نمایشگاه را نیز به دنبال خود دارند. در میان این آثار می توان از آثار آبستره و فیگوراتیو تا خط نقاشی، آثار حجمی و چیدمان را مشاهده کرد.

هنرمندان این نمایشگاه با خلق آثار بدیع میراث طبیعت شکوه آمیز و سراسر احساس را در آثارشان تجلی بخشیدند. رویکرد هنرمندان به موضوع، در محل تلاقی ذهن و احساس یکی از ویژگی های قابل تامل آثار این نمایشگاه است.

در نمایشگاه «نرگس» آثاری از هنرمندان چون علیرضا آدم بکان، شامیری بهزادی، مرتضی پورحسینی، حسین تمجید، بهناز جلالی، فرناز ربیعی جاه، لیلی رشیدی، نازنین رجب دوست، مهشید رحیم تریزی، سپیده سحر، سارا سهیلی فر، کیوان عسگری، سمیرا علیخانزاده، الهام فاطمی، محمدرضا قربانی، مانیسا کازرونی، میترا کواویان، نگار کلاتری، مانلی منوچهری، عنایت الله نظری نوری، حسین نوروزی، گیزلا وارکاسینیای و بیتا وکیلی که توسط فرناز محمدی کیورتور شده است به نمایش درآمده است.

این نمایشگاه تا ۱۲ اسفندماه همواره از ساعت ۹ تا ۱۸ در نگارخانه برگ واقع در میدان هروی، خیابان وفامنش، کوچه جمالی شرقی، پلاک ۱۲، عمارت عین الدوله میزبان علاقمندان به هنر است.



**گذر انقلاب با روزنامه اطلاعات**

نمایشگاه عکس «گذر انقلاب» با موضوع «عکس های روزنامه اطلاعات از بهمن ۵۷» به مناسبت سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در گالری فکه روی دیوار رفت. این نمایشگاه ۵۰ قطعه عکس دیده نشده و کمتر دیده شده از آرشیو عکس موسسه اطلاعات و همچنین آرشیو روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۵۷ را به نمایش گذاشته است. نمایشگاه «گذر انقلاب» تا روز دوشنبه (۳۰ بهمن ماه) پذیرای علاقمندان به هنر عکاسی و پژوهشگران تاریخ معاصر است.

درخواست ایشان در حال بررسی است.» وی در پاسخ به این سوال که علاوه بر ضوابط معمول اعضای مجوز، در این بررسی چه موارد دیگری مورد توجه دفتر موسیقی برای اعطای مجوز است، عنوان کرد: «دفتر موسیقی در زمان اعطای مجوز به آلبومها مشخصاً موسیقی و شعر آثار را بررسی می کند. البته در خصوص صلاحیت افراد نیز از مراجع ذیصلاح نیز استعلام خواهد کرد. بررسی این آلبوم نیز در چارچوب های قانونی دفتر موسیقی انجام می شود و روال متفاوتی نخواهد داشت.» مدت زمان زیادی طول نکشید که او بی برود که این یک رویا پیش نبوده است. درخواست های او برای دریافت مجوز در هر دو دولتی که او در زمان حضورش در ایران در آن به سر می برد، غیرممکن شد و او هفت سال باقی مانده از عمرش را در تلاش بی ثمر برای دریافت مجوز گذراند. در این مدت اما چند تک ترانه به صورت صوتی و تصویری و البته بدون مجوز منتشر کرد که تعدادی از آنها با همراهی خوانندگان دیگر بود؛ برای مثال «شونه به شونه» را به همراه خواننده های جوان و گمنام به نام «ایوان» خواند و «محکوم» را با «سمیر زند» او «عشق های خدایی» را هم درباره ی دفاع مقدس منتشر کرد که پسرش - محمد - می گفت آن را در همان زمانی که در آمریکا بوده، خوانده است. در سال ۱۳۹۳ حبیب در جاده ی ماسوله در حال تولید ویدئو کلیپ ترانه ای «خرچنگ های مردابی» توسط ماموران بازداشت و به دلیل به همراه نداشتن مجوزهای مربوطه برای ضبط فیلم، به دادسرا معرفی شد. برایش وثیقه بریند و او توانست آزاد شود. پس از آن نامه ای را منتشر کرد و در آن نوشت: «من در سرزمین مادری ام بدون دلیل بازداشت شدم و بدون دلیل هم آزاد!» دیگر حضورهای رسمی اش، بیشتر به مجالس ختم منتهی شد: «ختم مرتضی پاشایی، ختم همسر بنیامین بهادری، ختم علی طباطبائی»، و در این میان تنها در سویم جشن موسیقی ما - ۱۸ مهر ۹۴ - حضور یافت که آخرین حضورش در مجامع رسمی بود. دو سال قبل از مرگش البته «حسین نوش آبادی» اعلام کرد که او می تواند با توجه به نگاه و رویکرد دولت یازدهم به محتوای آثار فرهنگی و هنری، مجدداً به ارائه آلبوم خود برای اخذ مجوز اقدام کند.»

حاشیه های «حبیب» وقتی مرد ادامه یافت. خانه ی موسیقی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواست تا مراسم تدفین او از مقابل تالار وحدت به سوی خانه ی هنرمندان باشد؛ اما پس از چند ساعت «داریوش قانع» رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رامسر - گفت که حبیب در امامزاده محمدرامسر تشییع خواهد شد که این اتفاق نیز نیتقاد و پیکرش را در محوطه ی مسجد قدس به خاک سپردند.

«شعبانخانی» می گوید که «حبیب» از معدود خوانندگان موسیقی پاپ بود که برای خودش سبک دارد: «او همیشه به راه های جدید فکر می کرد. نوآوری داشت و دلش می خواست کارش متفاوت باشد. صدایش هم مخصوص خودش بود. شما هیچ خواننده ای را در موسیقی پاپ پیدا نمی کنید که مثلاً او تحریر بزند. موسیقی برای او کار نبود، عشق بود. همه ی زندگی اش را برای موسیقی گذاشت. برای موسیقی از ایران رفت، برای موسیقی به ایران برگشت و برای موسیقی دق کرد و مرد. ما هم در این زمینه مقصر هستیم. می دانیم از وقتی که حبیب با آن همه غربت مرد، مدام با خود فکر می کنم که باید با او کاری می کردم. باید تلاش می کردم تا راحت تر بتواند کار کند. بالاخره او رفته بود و من مانده بودم، باید او را با شرایط آشنا می کردم. دل من خون است که چرا او را ندیدم؟ با او حرف نزدیم؟ من خیلی غمگینم. داغ حبیب بدجوری نفس من را تنگ کرده است.»



## حرف‌های امروز



**مهناز افشار:** در فیلم «دارکوب» تجربه کردم که مادر آن شخصی است که بچه را بزرگ می‌کند و نفسش را به نفس بچه می‌دهد. یکی از دلایلی که این موضوع باورش برایم عمیق‌تر شده، حضور دو ساله‌ام در پویش «بدرپرست تتهاتر است» است و الان معتقدم که پدر و مادر کسانی نیستند که خودشان بچه را به وجود آورده‌اند. فیلم «دارکوب» به شکلی بود که همه در خدمت قصه بودیم. قصه‌ای از شرافت، عشق، مادری و گذشت که در بستری به آن‌ها پرداخته می‌شود. (فیلم‌نت نیوز)



**هومن سیدی:** من سینمایی را نمی‌پذیرم که خیلی نزدیک به واقعیت باشد و شاید ما این را القا کرده‌ایم که سینما فقط اجتماعی است. من سعی کردم فیلم‌نامه تئیکالی داشته باشم که بی‌جهت چیزی در آن بزرگ نشود اما به اندازه کافی در جامعه وجود دارد. آقای عیاری یکی از فانتزی‌های ذهن من است و از کارگردانان بزرگ سینما هستند، ولی متأسفانه فیلم «خانه پدری» را ندیدم و حسرت خوردم از اینکه در آن سال نتوانستم ببینم. با این حال کاملاً می‌دانم چنین صحنه‌ای در این فیلم وجود دارد و شنیده‌ام شاهکار است. به همین دلیل خوشحال بودم فیلم را ندیده‌ام چون مطمئن هستم در ناخودآگاه ذهن من تاثیر می‌گذشت. (ایسنا)



**بهرام توکی:** من پرچمدار سینمای دفاع مقدس نیستم. پرچمداران کسان دیگری‌اند. ما تازه‌وارد هستیم و امیدوارم تجربه‌های بهتری درآینده کسب کنم. سینمای جنگ را دوست دارم. اگر باز هم شرایط مهیا شود درباره‌ی جنگ فیلم خواهم ساخت. نباید فراموش کنیم که جنگ ما با عراق یکی از فرسایشی‌ترین جنگ‌های طول تاریخ بوده است. از روز اول تمام انرژی من روی این موضوع بود که این فیلم روایتی واقعی داشته باشد. یعنی زمانی که مردم برای دیدن این فیلم می‌آیند با تمام گوشت و پوست و استخوان‌شان جنگ را درک کنند و آگاه شوند که در آن سال‌ها چه اتفاقاتی برای رزمندگان رخ داده است. علاقه به سینمای جنگ در من از سالیان دور وجود داشته است، اما فرصت مناسبی به دست نیامد تا اینکه فیلم «تنگه ابوقریب» را ساختم. هر فیلم‌سازی دوست دارد تجربه‌ای در حوزه فیلم‌سازی جنگ داشته باشد. سن من به گونه‌ای نبوده است که جنگ را از نزدیک حس کرده باشم، اما سعی کردم با هر کسی که با این واقعه در ارتباط بوده است صحبت کنم و از آن دوران مستنداتی به دست آورم. (سینماسینما)

آیا ابراهیم حاتمی‌کیا در به‌وقت شام جواب سؤالات و ابهامات ما درباره‌ی داعش و جنگ سوریه را می‌دهد؟

# مَدَمکس در تَدِمر



فیلم‌های آدمی مثل حاتمی‌کیا، این تلقی و نوع برداشت از مراتب عرفانی بود که به چالش شخصیت‌های فیلم‌های او بدل می‌شود. اما حاتمی‌کیا در بازگشت دوباره به جبهه، به‌کلی با آن دوران متفاوت است: او در میان‌سال‌های زمینی‌تر شده است و دست‌کم در فیلم تازه‌اش مادی‌تر به جهان می‌نگرد. نجات‌دهنده این‌بار از آسمان برای او پیام نمی‌فرستد؛ قهرمان تهای فیلم، منجی زندگی است و عملیات استشهادهای او نجات‌دهنده است نه کُشنده.

۲ تبلور جهان مادی در نوع مواجهه‌ی حاتمی‌کیا با داعش مشهود است: «دولت اسلامی عراق و شام» تمام وجودش نمایان است؛ از پرچم سیاهش که یادآور دوره‌ی ۵۰۰ ساله‌ی خلفای عباسی است تا تلاشش برای تصرف بغداد که پایتخت این خلفا بود، از حذف مرز عراق و شام که با انکار و نابودی قرارداد «سایکس-پیکو» شروع شد و نمادی بود برای بازگشت به ایده‌ی از بحر تا بر، تا تعیین نام «دابق» برای مجله‌شان که به جنگ نهایی مسلمانین و مسیحیان اشاره دارد، از تأسیس نیروهای بریگاد خنساء که اشاره‌ای به شاعری در قرن هفتم است و در جنگ قادسیه تمام پسرانش را در برابر ایرانی‌های شیعه از دست داد تا انتخاب لباس نارنجی برای قربانیان که بازنمایی شکنجه و کشتار در گوانتاناموست. هر حرکت داعش، معنایی نمادین دارد و این نمادها را کسانی بیشتر می‌فهمند که هم عالم غرب هم عالم سلفی را درک کرده باشند. پس سوژه در شکل خود نمادین است و اگرچه تصویرش به شکل رعب‌انگیزی واقعی و رئالیستی به نظر می‌رسد ولی ماهیت آن معمولاً با تداعی معانی سروکار دارد. از این طرف هم ما کارگردانی داریم که به نماد بی‌علاقه نیست و گاه‌وبگاه به این ساحت ورود کرده: شخصیت‌هایش اگرچه پوست و گوشت دارند اما گاهی شکل فیزیکی یک ایده‌اند تا آدم‌هایی زنده و سرپا. کافی است به «گزارش یک جشن» نگاه کنید تا بفهمید او چطور از دنیای واقعی فاصله می‌گیرد و همه‌چیز

(حتی طراحی صحنه) در خدمت نماد قرار می‌گیرد. اصلاً به همین «ج» نگاه کنید تا متوجه شوید که چمران عارف‌پیشه چطور از قالب یک چریک درمی‌آید و با صدای اذان، دعوی دو گروه را پس می‌زند تا به درون خودش بجزد. نه فقط شخصیت‌ها که در موقعیت‌ها هم نمادین است؛ مثل موقعیت مین‌ها و آثار باستانی در «بنام پدر». اما نکته اینجاست: حاتمی‌کیا در «به‌وقت شام» از نماد دوری و آن‌را تا حد ممکن کم‌رنگ می‌کند. فیلم تازه‌ی او با وجود نمادین بودن سوژه، تجسم تصویری واقعی، گاه هجو و البته هراس‌انگیز نیرویی است که در گوشه‌های از منطقه‌ی ما شکل گرفته است. ابراهیم حاتمی‌کیا در بازگشت به جنگ و جبهه از دنیای ذهنی عرفانی، از خلوت‌گرایی‌ها و کسب فیض شخصی، به جهانی واقعی، ملموس و قابل رؤیت پا گذاشته است. داعش، اینجا با معنایش حاضر نیست، که پیش از آن تصویری اغراق‌شده (یا شاید هم واقعی) از نیروهایی قابل دیدن است که با خود آگاهی فراوان فعالیت می‌کنند. آنچه حاتمی‌کیا را متفاوت کرده در همین برداشت و تلقی است. در همین گریز او به واقعیت است.

۳ این ورود به عالم واقعیت یک ویژگی مثبت است؟ چه چیز به سینمای حاتمی‌کیا اضافه می‌کند و اصلاً چه اهمیتی برای مخاطب دارد؟ «به‌وقت شام» مثل تمام آثار کلاسیک حاتمی‌کیا، هم‌اکنون برای مخاطب آشناسی است که تمام آثار کلاسیک حاتمی‌کیا را دیده‌اند. در واقع، مهم است که این حق را برای دختر قائل می‌شد که رویه‌ی پدرش پایبند است و به شکلی تراز او را مقصر بداند، همان‌طور که در «موج مرده» دل‌فیلمساز در گروهی سردار راشد بود ولی نمی‌توانست از پسر او هم دور بماند. در «ج» این سؤال مهم

### نکته

## اتهام: اجرای هالیوودی

«به‌وقت شام» از نظر اجرا، فیلمی سرباست: هم به دلیل طراحی بصری، هم به دلیل جای دوربین، شیوه‌ی تدوین و دکوپاژ که بدون افراط و به‌اندازه همه‌ی اجزا را کنار هم چیده است. به خلاف نوع تازه‌ی فیلم‌های جنگ که به تبعیت از مستندگرایی با دوربین روی دست، اغتشاش بصری و چرکی را منتقل می‌کنند، سکانس‌های «به‌وقت شام» با دقت طراحی شده‌اند و به شدت استیلازده هستند. بافت بصری فیلم غنی است و اگر ضعیفی هم هست مربوط به جلوه‌های ویژه است که بیشتر کار تونی است و نسبتی با واقعیت جاری در فیلم ندارد. ولی این جلوه‌های بصری در خدمت چه چیزی است؟ اگر «به‌وقت شام» را یک فیلم اکشن به حساب بیاوریم که مسئله‌اش، نه تحلیل سیاسی و مذهبی که انعکاس جنگ است آن‌وقت همه چیز قابل هضم‌تر است. اینکه اکشن از نظر بعضی‌ها بی‌ارزش است موضوع دیگری است: «به‌وقت شام» تلاشی است برای ساخت یک فیلم استاندارد، در اندازه‌های فیلم‌های جنگی معقول هالیوودی، فیلمی که به‌نمونه‌های درجه‌یک آن سینما نگاه می‌کند و به آنها غبطه می‌خورد و در عین حال تلاش می‌کند به آن دست پیدا کند.

طرح مباحث ایدئولوژیک و اعتقادی است؛ جایی که مفتی یا یونس حرف می‌زند یا یونس و علی جدل می‌کنند هیچ کمکی به فهم ماجرا نمی‌کند، ولی تمام صحنه‌های اکشن، میزاسن مواجهه‌ی نیروی ایرانی با داعش و حتی مواجهه‌ی داعش با بریگاد اروپایی جبهه‌ی النصره ما را به درون قصه پرتاب می‌کند.

### مسئله‌ی بازنمایی داعش

● بزرگ‌ترین مسئله‌ی «به‌وقت شام» نمایش داعش است؛ آیا این تصویری دقیق از داعش است یا تصویری پارودیک از آنها؟ حاتمی‌کیا از این جبهه‌ی رنگارنگ شر چه چیزهایی را انتخاب کرده است؟ چرا فیلم، در نیمه، درست از لحظه‌ای که ما از نزدیک با داعش روبه‌رو می‌شویم از لحن جدی‌اش فاصله می‌گیرد و به‌سمت هجو و اغراق و نمایش می‌رود؟ توضیح حاتمی‌کیا در جلسه‌ی مطبوعاتی، اگرچه قدری روشنگر بود ولی به سوءتفاهمی دامن زد: سال‌ها پیش

پارچا بود که چطور چمران به لبنان‌ها حق اعتراض می‌دهد اما برای کردهای هم‌وطنش چنین امتیازی قائل نیست. ولی اینجا دشمن وجود خارجی دارد و حق، همان سمتی است که کارگردان ایستاده است. فهم جبهه‌ی دشمن، دست‌کم در این فیلم ممکن نیست. کارگردان می‌خواهد جلوه‌ای از آنها را نشان دهد، شمه‌ای از آنچه که ارائه می‌کنند، بدون تعبیر ایدئولوژیک معمول. «به‌وقت شام» ورود کارگردان به عالم تکبیبینی است؛ او به‌جای تحلیل فقط در حال نمایش است و این، اگرچه برای دوست‌دارانش تلخ و ناگوار است اما کم‌بیش منطقی است: داعش همان‌طور که هست هراس‌انگیز است و درک پیچیدگی درونی معنای آن، کاریک فیلم اکشن نیست. این همان تراز و توازنی است که فیلم را از سقوط دور می‌کند: «به‌وقت شام» بیشتر از تحلیل، محو نمایش موقعیت است و تحلیل کارگردان، در چگونگی این نمایش پنهان است. تمام‌ضعف فیلم تازه‌ی ابراهیم حاتمی‌کیا در





حاشی‌ها کی‌ا تفسیر فیلسوفان از سازمان پست مدرن را که اشاره‌ای به سازوکار درونی و بیرونی این تئوریست‌هاست اصل می‌گیرد و در مواجهه با آنها، به سمت زبان فانتزی و هجو و ارجاع به فیلم‌ها می‌رود. حاشی‌ها کی‌ا خود آگاه یا ناخود آگاه در اینجا از واقعیت دور می‌شود و سببیت را هجو آلود و فانتزی نشان می‌دهد.

معمول سینمای اکشن، یک اثر پست‌مدرن است. حاشی‌ها کی‌ا در «به وقت شام» البته سکانسی شبیه «مدمکس» دارد. اما این شبیه‌سازی نیست که «به وقت شام» را شبیه «مدمکس» می‌کند؛ مهم نوع نگاه به مسئله‌ی هجو و فانتزی است: حاشی‌ها کی‌ا تفسیر فیلسوفان از سازمان پست‌مدرن را که اشاره‌ای به سازوکار درونی و بیرونی این تئوریست‌هاست اصل می‌گیرد و در مواجهه با آنها، به سمت زبان فانتزی و هجو و ارجاع به فیلم‌ها می‌رود. خشونت‌داعش، در اصل، فانتزی نیست اما شکل بیان آن در رسانه‌ها، کاملاً فانتزی است. حاشی‌ها کی‌ا خود آگاه یا ناخود آگاه در اینجا از واقعیت دور می‌شود و سببیت را هجو آلود و فانتزی نشان می‌دهد. «به وقت شام» به شکل متناقض، سرپریدن آدم‌ها را بشکوه‌نشان می‌دهد: این عمل را در مکانی باستانی با آخرین امکانات موجود در عالم سینما، مثل یک فیلم هالیوودی، ارائه می‌کند و درست، در همین لحظات است که علاوه بر فانتزی و هجو، با بازسازی نمایی از «دیکتاتور بزرگ»، فرماندهی عملیات را با صاحب رسانه همانند می‌کند. تلاش حاشی‌ها کی‌ا در نیمه‌ی دوم فیلم، ورود به ساحت فانتزی، از نوعی افسانه‌ی داعش است؛ نیروهای اروپایی (با به طور کلی غربی) که با تصور حضور در یک فیلم سینمایی با شکوه و ابرقهرمانی وارد معرکه شده‌اند و حاضر نیستند در عملیات استشهادی حاضر شوند. این بازنمایی از نیروهای غربی داعش را باید کنار تصویری که از مفتی سسوری می‌بینید، بگذارید و معنی کنید: داعش در مناطق تحت اشغال، قدرت را در ازای اطاعت از فرمان خلیفه به بزرگان قوما و طایفه‌ها می‌داد و مفتی «به وقت شام» از تبار این افراد است؛ شخصیتی که دست‌کم الگویی واقعی دارد.

اما بگذارید به نکته‌ی متناقض این نوشته اشاره کنم؛ حاشی‌ها کی‌ا در «به وقت شام» از معنویت و عارفان می‌بزد و به واقعیت ورود می‌کند اما در جایی از فیلم از واقعیت به فضایی فانتزی می‌پرد. این تنها تناقض متن نیست، جایی هم در این نوشته هست که از نگاه بدون تفسیر و واقعه‌نگارانه‌ی فیلم حرف زدم اما کمی بعد به پذیرش تفسیر ژوک و نصر از داعش اشاره کردم. اما این ظاهر ماجراست: پذیرش تفسیر و نظر یک فیلسوف ربطی به نگاه فیلساز ندارد؛ آنجا که او خودش را نگران حاج حیدر ذبیحی «بادیگارد» نشان می‌داد تفسیر فیلساز بود، از آگاهی اجتماعی و سیاسی‌اش می‌آمد و از آرمان خواهی‌اش، از تجربه‌ی شخصی‌اش و شناختش؛ گریم که مخاطب اصلاً به تفکیک حاشی‌ها کی‌ا توجه نمی‌کرد و بیشتر، قصه‌ی معمول را دنبال می‌کرد. ولی در «به وقت شام» فیلساز، نته‌ها تفسیری ندارد

که آگاهی‌اش محدود به اجراست. او نظریک صاحب‌نظر را پذیرفته نه تفسیر شخصی‌اش را، نگاه فیلساز اینجا (به‌ظاهر) وجود خارجی ندارد و مهتر اینکه موقعیت پارودیك داعش در فیلم، فقط تفسیر نیست، بازسازی و قیامی است که از درون این گروه گرفته. حاشی‌ها کی‌ا تلاش می‌کند این تفسیر را بازنمایی کند؛ موقعیتی که انگار آدم‌های واقعی را در جایگاه ابرقهرمان‌های کامیک‌بوک‌ها قرار می‌دهد.

#### موقعیت‌های خنده‌دار

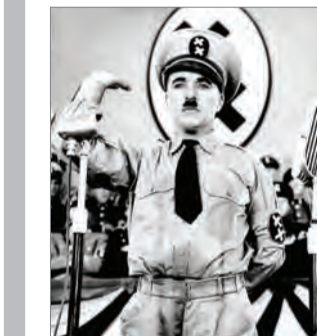
چرا به‌نظر گروهی موقعیت‌های داعش و مواجهه‌ی دو قهرمان فیلم با آنها خنده‌دار است؟ اصل ماجرا، در دراماتیک نبودن صحنه‌هاست: حاشی‌ها کی‌ا چنان به واقعیت و تفسیر این واقعیت گرایش داشته که اساساً متوجه بار دراماتیک این صحنه‌ها نبوده؛ گنجاندن یک خواننده‌ی هوی‌متال که از پوچی می‌گوید و تجلی این پوچی را در یک عملیات استشهادی می‌بیند، زمینه‌ای عمیق ندارد و تماشاگر را با تپتی کمیک مواجه می‌کند که انگار به زور در آنجا قرار گرفته. تنوع گروه‌های داعش و اصرار روی نمایش آنها و تطبیق با واقعیت، حاشی‌ها کی‌ا را اسیر کرده‌اند اگر چه تمام این موقعیت‌ها و تپ‌ها، غافلگیرکننده و منطبق با واقعیت‌اند اما به دلیل ماهیت هجو گونه‌ای که دارند کمی به کمده‌ی نزدیک شده‌اند. این مشکل از جایی شروع می‌شود که ما قهرمان فیلم، علی را بدون تجربه‌ی سخت زیست کنار داعشی‌ها، مثل یک ابرقهرمان می‌بینیم، از جایی که او تغییر می‌کند و از کاراکتری ترسو به شخصیتی مقاوم بدل می‌شود. تغییری که بلافاصله بعد از تصاویر بازمزی داعشی‌ها اتفاق می‌افتد بیشتر خود شخصیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد. او بدون مواجهه با ظلم، سختی و تنگنایی زیررو می‌شود. حاشی‌ها کی‌ا با غفلت از این تکه‌ی فیلم، قهرمانش را در معرض بدترین موقعیت قرار می‌دهد؛ اینکه عمل قهرمانانه‌ی شخصیت اصلی «به وقت شام» هم فانتزی و ابرقهرمانی شود. نیمه‌ی اول فیلم، ترس و دلهره‌ی او و پدرش یونس، جدی و قابل لمس است اما در نیمه‌ی پایانی، او از تجربه‌ی خودش جدا می‌شود و به دنیای پارودیك می‌پیوندد. از این نظر، «به وقت شام» نمی‌تواند دوباره به لحن قبلی که کم‌پویش درست و معقول است برگردد و پایانش، اگر چه ترازیک است اما چنان ابرقهرمانی و خیالی است که به فیلم آسیب می‌زند.

#### پایان «به وقت شام»

پایان «به وقت شام» یک پایان معمولی نیست؛ دو نمای آخر، بعد انفجار هواپیما، کاملاً با روحیه‌ی فیلم تطبیق دارد: نمای اول

### اشاره

## داعش وهیتلر



دیکتاتور بزرگ: ارجاع فیلم حاشی‌ها کی‌ا به «دیکتاتور بزرگ»، جذاب است: وقتی که فرماندهی داعشی دستور سرپریدن می‌دهد مخاطب فیلم‌بین بمیاد سکانسی از «دیکتاتور بزرگ» می‌افتد که چارلی چاپلین جلوی میکروفن‌ها ایستاده و در نقش آدونید هینکل برای سربازان فاشیست سخنرانی می‌کند. هم میز آنسن و هم شکل برخورد او با سربازها در «به وقت شام» بازنمایی شده است.



با تصاویر خیره‌کننده، ارجاع به نسخه‌های اول و دوم و بعد، هجو موقعیت‌ها یک جور فیلم پست‌مدرن فمینیستی افراطی است که در دل سینمای بدنه و جریان اصلی، چشم‌ها را خیره می‌کند. «به وقت شام» اگر چه به شکل مستقیم تحت تأثیر فیلم نیست اما یکی دو سکانس، مثل جمله‌ی داعشی‌ها به کاروان نیروهای سوری و البته هجو داعش کم‌پویش از «مدمکس» الهام گرفته است.

## اکران: راهنمای نمایش

### سینما



#### پیل خواب

یک جنون لحظه‌ای که مثل همه‌ی اعمال ناپسند به پشیمانی منجر می‌شود و اغلب هم کار از کار گذشته و هیچ چیز مثل گذشته نخواهد شد. داستان راسکولنیکف جوان که مرتکب قتل می‌شود و پس از آن روح و روانش تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد و فکر و خیال نمی‌گذارد به روال عادی زندگی‌اش ادامه دهد. این داستان کلی کتاب «جنایت و مکافات» نوشته‌ی فتودور داستایوفسکی را تشکیل می‌دهد که اگر نخوانده باشیم، حتماً اسمش به گوش‌مان خورده. موضوعی که اگر به تصویر کشیده شود، دیدنی خواهد بود. اکتای برهنی دو سال پیش نخستین فیلمش را با اقتباسی آزاد از این کتاب کارگردانی کرد و در سری چهارمین جشنواره‌ی فیلم فجر هم به نمایش درآمد. اما پیش از برهنی، محمدعلی سجادی در سال ۸۲ با ساخت فیلم «جنایت» اقتباسی آزاد از کتاب «جنایت و مکافات» انجام داد. ساعد سهیلی با شخصیت شهاب در فیلم «پیل خواب» نمونه‌ی راسکولنیکف در «جنایت و مکافات» است. او که در شرایط بد اقتصادی دست‌وپا می‌زند، تصمیم می‌گیرد در آژانس کار کند تا هزینه‌هایش تأمین شود و با زنی آشنا می‌شود که به مرور زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فضای «پیل خواب» و زندگی شخصیت اصلی فیلم، بی‌شبهت به وضعیت اجتماعی در حال حاضر نیست و امثال شهاب با مشکلاتی که دارند در اطراف‌مان کم نیستند. علاوه بر سهیلی، اکبر زنجانی‌پور و آناهیتا افشار هم از بازیگران اصلی این فیلم به شمار می‌روند. دیدن «پیل خواب» بعد از دو سال که در سینماها به نمایش درآمده، خالی از لطف نخواهد بود.

### تئاتر



#### آگه بمیری

کمتر کسی را در اطراف‌مان سراغ داریم که مرگ برایش اهمیت داشته باشد. اکثراً وقتی صحبت از مرگ به میان می‌آید طفره می‌روند یا می‌گویند یکی از بزرگ‌ترین ترس‌های زندگی‌شان است. حالا همین موضوع محور اصلی یک نمایش قرار گرفته و سنامه زندگی‌نژاد برای دومین بار «آگه بمیری» را این‌بار در تئاتر مستقل تهران روی صحنه می‌برد. او در یکی از مصاحبه‌هایش گفته: «مسئله‌ی مرگ برای من خیلی مهم است اما در این نمایش فانتزی که در دیگر کارها هم بوده آن شکل وجود ندارد.» نمایش «آگه بمیری»

نخستین‌بار از اول مرداد ۹۶ روی صحنه سالن استاد ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر رفت و اجرای مجدد هم از ۱۵ بهمن آغاز شده است. متن این نمایش براساس نمایشنامه‌ای از فلوریان زلر و با ترجمه‌ی سنان فلاح‌فرد روی صحنه می‌رود و زندگی‌نژاد دربارگی این نمایشنامه گفته است: «این نمایش دومین کاری است که در آن از یک متن خارجی استفاده می‌کنم و دلیلش هم این بود که علاقه‌مند بودم به سراغ یک تجربه جدید بروم.» او موضوع نمایش «آگه بمیری» را دربارگی زنی می‌داند که همسرش را در یک تصادف از دست داده است و بعد از مرگ او شروع می‌کند به کنکاش کردن در زندگی گذشته و رابطه‌اش با همسرش. «به مراسم مرگ داداش خوش آمدید»، «عروسک‌های سکوت» و «تسبیت خاص» از جمله نمایش‌هایی به حساب می‌آیند که زندگی‌نژاد کارگردانی آن‌ها را برعهده داشته است. او در رابطه با محوریت اصلی نمایش «آگه بمیری» که درمورد مرگ است، گفته است در متن مرز بین واقعیت و خیال مشخص نیست و همین می‌تواند برای تماشاگر یک نمایش جذاب باشد. الهام کرد، رضا بهبودی، کاظم سبحانی و ستاره پسیانی ترکیب بازیگران این نمایش را تشکیل می‌دهند.

### تلویزیون



#### افسانه هزار پایان

هنوز هم تصویر شهاب عباسی در مجموعه‌ی «خنده بازار» را که در شمایل یکی از مجری‌های تلویزیونی تلاش می‌کرد، مثل او صحبت کند به یاد می‌آوریم. او که کارگردانی این مجموعه‌ی آئینی را برعهده داشت، ابتدا کارگردانی را با ساخت فیلم‌های سینمایی برای تلویزیون آغاز کرد و عمده‌ی فعالیت‌هایش به حوزه‌ی طنز برمی‌گردد. او فیلم «تعطیلات پردرستر» را در سال ۸۵ کارگردانی کرد و پس از آن در فیلم‌های «ماه عسل» و «ارث شیرین» این تجربه را تکرار کرد. مجموعه‌ی «خنده بازار» تلاش می‌کرد به تقلید برنامه‌های مختلف تلویزیونی بر دازد، از برنامه‌های اجتماعی گرفته تا کودک که با واکنش مثبت از سوی مخاطبان مواجه شد. استقبال بینندگان باعث شد تا عوامل این مجموعه فصل‌های جدید آن را برای ماه رمضان و نوروز سال‌های ۹۰ تا ۹۲ هم تولید کنند. بعد از «خنده بازار» عباسی کارگردانی سریال «شکرآباد» را برعهده گرفت و این مجموعه در سال ۹۳ روانه‌ی آنتن شبکه‌ی نسیم شد. اما جدیدترین سریالی که عباسی باز هم در آن کارگردانی را تجربه کرده، «افسانه هزار پایان» است. مجموعه‌ای که تولید آن از اواخر تابستان آغاز شد و این شب‌ها از شبکه‌ی نسیم پخش می‌شود. موضوع سریال «افسانه هزار پایان» داستان زندگی خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که به دلیل تهیه‌ی جعبه‌ی عروسی راهی سفر می‌شوند اما با حمله‌ی راهزن‌ها به کاروان‌شان، مسیر زندگی‌شان تغییر می‌کند. رامین راستاد، نسرین مقانلو، علی اوسینوند، رامین ناصر نصیر، ارژنگ امیرفضلی و عزت‌الله مهرآوران از بازیگران اصلی این مجموعه محسوب می‌شوند.

عکس: اسماعیل حاشی‌ها کی‌ا

وقتی نیروهای القاعده هواپیمای روده شده را به برج‌های دوقلو زدند سیدحسین نصر بلافاصله به این ماجرا واکنش نشان داد و گفت که «اما سنت‌گرایان با بنیادگراها متفاوتیم. بنیادگراها به‌شکل نامحدودی تکنولوژی غرب را به خدمت ایدئولوژی‌شان درمی‌آورند. در حالی که در رویکرد سنتی تکنولوژی با ایدئولوژی عجین شده و یکی بدون دیگری ممکن نیست.» این سازوکاری است که اسلاوی ژوک سال‌ها بعد، از آن نتیجه می‌گیرد که داعش، به عنوان یک فرقه و نیروی ترویستی با شباهت‌هایی به القاعده، سازمانی پست‌مدرن است؛ هم به دلیل ساختار هم به خاطر عملکرد. آنچه که هر دو فیلسوف، سنت‌گرا و مارکسیست، در دو زمان مختلف گوش‌زد می‌کنند حاوی نکته‌ی مهمی است: داعش به شکل خودآگاه و هوشمندانه از ابزار (به خصوص ابزار رسانه‌ای) غرب استفاده می‌کند و دقیقاً با همان رمزگانی سراغ مخاطبش می‌رود که برای مردم آن سرزمین آشناست. بین‌المللی کردن جنگ در خاک سوریه و عراق تنها برای ترساندن نیست، که شاید بیش از آن، برای نمایش استقلال نیرو و سرزمینی است که هم غرب و هم شرق به آن حمله می‌کنند. سرپریدن آدم‌ها به دست اروپایی‌های تغییر مسلک‌داده فقط شوی برای ترساندن مسیحی‌ها نیست، که مسیحیان با پرداخت جزیه در سرزمین‌های تحت اشغال، زندگی می‌کنند. شاید این کلوزآپ‌ها کوششی برای بازنمایی معکوس سلبریتی‌ها در رسانه‌هاست، همان‌طور که لباس نارنجی قربانیان، احتمالاً اشاره‌ای به زندانیان گوانتاناموست. این نوع برخورد رسانه‌ای به مجازی است که هویت داعش را به یک سازمان پست‌مدرن نزدیک می‌کند. حاشی‌ها کی‌ا در جلسه‌ی مطبوعاتی برای نمایش این دنیای عجیب، یک کد کم‌پویش دقیق داد: او به فیلم «مدمکس: جاده‌ی خشم» اشاره کرد. سینمای پست‌مدرن روی هجو، عدم قطعیت، ارجاع به فیلم‌های دیگر، احیای ژانر، نگاه فانتزی، ایجاد فاصله بین تماشاگر و فیلم و... استوار است. «مدمکس» به‌دلیل ارجاع به خود، هجو ژانر و تغییر قواعد

## حرف‌های امروز



**مهدی زارع، مدیر گروه زلزله‌شناسی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله:** گسل ایوانکی که انتهای شمال غربی آن به منطقه ۱۵ تهران می‌رسد، توان لرزه‌زایی تا بزرگای ۷.۵ ریشتر را دارد. زلزله کوچک ۳.۷ ریشتری جمعه شب (۲۰ بهمن ۹۶) در شمال گسل ایوانکی در جنوب شرق تهران نشانه فعال بودن این گسل است که در آبان ۸۸ و اسفند ۸۹ هم دو زلزله با بزرگای ۴ ریشتر نشان داده است. برآورد احتمال رخدادهای لرزه‌ای با پیش‌علمی براساس اطلاعات علمی دست اول میسر است که متأسفانه چنین پیش‌برخطی با کیفیت بالای علمی در این محدوده هنوز انجام نمی‌شود. بر این اساس راه‌اندازی سامانه هشدار پیش‌هنگام زلزله به منظور افزایش امکانات زیرساخت پیش‌لرزه‌ای تهران می‌تواند به کاهش ریسک زلزله در تهران کمک کند.



**نیراعظم خوش خلق سیمیا، رئیس پژوهشگاه بیوتکنولوژی کشاورزی:** نخستین مرکز رشد بیوتکنولوژی کشاورزی در محل پژوهشگاه بیوتکنولوژی جانوری پژوهشگاه بیوتکنولوژی کشاورزی شمال کشور در رشت افتتاح شد. جرقه تأسیس این مرکز شهریورماه ۱۳۹۵ با افتتاح ساختمان جدید پژوهشگاه بیوتکنولوژی جانوری در رشت زده شد و با راه‌اندازی آن امیدواریم طی هفت، هشت سال آینده نخستین پارک زیست‌فناوری کشاورزی کشور را هم در کرج راه‌اندازی کنیم. رویکرد راهبردی این پژوهشگاه توسعه تحقیقات کاربردی و قابل تجاری‌سازی و کارآفرینی برای دانش‌آموختگان است و اعتقاد داریم که تحقیقات ما باید کاملاً در جهت رفع نیازهای بخش کشاورزی و افزایش تولید ناخالص ملی باشد، بنابراین سیاست‌هایی تدوین شده که طرح‌های تحقیقاتی مصوب پژوهشگاه دارای توجیه اقتصادی و امکان تجاری‌سازی باشند و دستاوردهای آنها مستقیماً در اختیار تولیدکنندگان قرار بگیرد یا از طریق همکاری‌ها در شرکت‌های دانش‌بنیان تجاری‌سازی شود.



**آنوسا کریمی، فلوشیپ نابرابری در پژوهشگاه ابن سینا:** آسپرین تأثیر چندانی در پیش‌گیری از سقط مکرر ندارد. پژوهش‌های گذشته نتایج ضدتقضی در مورد اثر آسپرین در کاهش میزان سقط نشان دادند اما طبق آخرین دستورالعمل انجمن اروپایی تولید مثل و جنین‌شناسی (ESHRE) آسپرین در کاهش میزان سقط مکرر نقشی ندارد و مصرف آن توصیه نمی‌شود. طبق دستورالعمل این انجمن، مصرف آسپرین همراه با هپارین در کاهش سقط جنین فقط در بیماران مبتلا به سندروم آنتی‌فسفولیپید (به‌ویژه با ۳ بار سابقه سقط قبلی) موثر است. آسپرین یکی از پرطرفدارترین داروها در دنیا و در ایران است. کنفرانس علمی نقش آسپرین در درمان سقط مکرر ۲۵ بهمن ماه در مرکز درمان نابرابری و سقط مکرر پژوهشگاه ابن سینا برگزار می‌شود.

## کاوه فیض‌اللهی

فرض کنید شما هنرپیشه‌ای هستید که قرار است در نقش یک شخصیت درخوردمانده یا مبتلا به اوتیسم در یک فیلم سینمایی بازی کنید. چه خواهید کرد؟ به یک نقطه خیره می‌شوید؟ مدام سرتان را تکان می‌دهید یا یک عبارت را هزار بار تکرار می‌کنید؟ مثل داستان هافمن در فیلم «مرد بارانی» (۱۹۸۸) به آسمان نگاه می‌کنید یا مثل مگان صابری مدام با روسری‌تان درگیر می‌شوید؟ این ماجرای اخیر دست‌کم نشان داد که جامعه ما از این ظرفیت برخوردار است که در نصف روز نهایت علاقه را به موضوعی علمی همچون اوتیسم نشان دهد، اما هنوز نمی‌داند نقش یک فرد اوتیست را چگونه باید بازی کرد و افراد درخوردمانده چه نشانه‌های رفتاری دارند.

برای دیدن درخوردمانگی یا Autism کافی است نگاهی به اطراف‌تان بیندازید. شخصیت‌های مبتلا به اوتیسم، به‌ویژه سندروم آسپرگر (Asperger Syndrome) یا افراد درخوردمانده‌ای که کارآیی بالایی دارند و اصطلاحاً (HFA) نامیده می‌شوند در برنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌ها و کتاب‌های داستان فراوانند. برای مثال، شلدون را در سریال «نظریه بیگ‌بنگ»، اسکار ۹ ساله را در فیلم «بی‌نهایت بلند و بی‌اندازه نزدیک» یا کریستوفر را در رمان «ماجراهای عجیب سگی در شب» (با ترجمه شیلا ساسانی‌نیا منتشر شده از سوی نشر افق) در نظر بگیرید. سال گذشته فیلمی با عنوان «افرنشاه‌ای در خانه من» براساس داستان دختر لادن طباطبایی، هنرپیشه سینما، به جشنواره سینما حقیقت راه یافت. به نظر می‌رسد مبتلایان به اوتیسم به علت تمرکز روی یک موضوع و بریدن از هر چیز دیگری که به آن موضوع ارتباطی ندارد، بسیار مورد توجه نویسندگان و کارگردانان هستند. به این ترتیب ابزار خوبی برای

دهن‌کجی به افراد درخوردمانده (neurotypical) دارند تا غیرمنطقی بودن‌شان را به سخره بگیرند. در این داستان‌ها و فیلم‌ها نوع افراد مبتلا به اوتیسم کلید حل معماهای حل‌نشده به تصویر کشیده می‌شود.

در بعضی پژوهش‌ها نیز بسیاری از نام‌های مشهور در تاریخ علم و تکنولوژی مبتلا به سندروم آسپرگر از اختلالات طیف اوتیسم شناسایی شده‌اند. از آیزاک نیوتن، آلبرت آاینشتاین، بنجامین فرانکلین و چارلز داروین گرفته تا هنری کاوندیش، پل دیراک، ریچارد فاینمن، آلفرد کینزی و باربارا مک‌کلینتاک میان دانشمندان و از الکساندر گراهام بل، هنری فورد، نیکلاسلا و توماس ادیسون گرفته تا آلن تورینگ، بیل گیتس و استیو جابز میان تکنولوژیست‌ها، میان‌ریاضی‌دانان نام‌جان‌نشن خودنمایی می‌کند و میان فیلسوفان نیز می‌توان نام‌هایی همچون ایمانوئل کانت، جرمی بنتام، فریدریش نیچه، برتراند راسل و لودویگ ویتگنشتاین‌ریافت.

و البته این فهرست محدود به دانشمندان و فیلسوفان و نویسندگانی همچون آیزاک آسیموف نیست و نام‌های دیگری همچون ولفگانگ موزارت و لودویگ بتهوون آهنگساز، ورنون اسمیت که در سال ۲۰۰۲ برنده جایزه نوبل اقتصاد شد، میکال آتز، ونسان ون‌گوک و اندی وار هول نقاش، بابی فیشر شطرنج‌باز، کارگردانی همچون آلفرد هیچکاک، تیم برتون و استنلی کوپرک، و نویسندگانی همچون هانس کریستین آندرسن، لوئیس کارول، جورج برنارد شاو، مارک تواین، ویرجینیا ولف، فرانتس کافکا، هنری تورو و جیمز جویس نیز در این فهرست قرار گرفته‌اند. حتی به‌طرز طعنه‌آمیزی نام چند روان‌شناس همچون کارل یونگ، الیور ساکس و خود هانس آسپرگر را نیز می‌توان در این فهرست یافت.

به همین دلیل اوتیسم مستعد جذب افسانه‌ها و داستان‌های باورنکردنی است. اما این داستان‌ها فقط الهام‌بخش عالم ادبیات و سینما نیستند و در رسانه‌های علمی نیز همواره اخباری درباره درمان معجزه‌آسا، یا پیدا شدن

## نبوغ فقط یک سر طیف گسترده اختلالات رفتاری و ارتباطی اوتیسم است

# درخوردماندگان

ژن اوتیسم، یا ایجاد موش‌های درخوردمانده توسط دانشمندان میان تیرها جلب توجه می‌کنند. بسا این همه واقعیت چیز دیگری است. نبوغ درخوردمانگی بخش کوچکی از انتهای یک سر طیف درخوردمانگی و نتیجه تمرکز زیاد ناشی از نوع خاصی از این اختلال (سندروم آسپرگر) در افرادی است که تصادفاً باهوش هستند.

### حقیقت درباره اوتیسم

امروزه لشکری از دانشمندان درباره این اسرارآمیزترین اختلالات روانی تحقیق می‌کنند. در ۸۰ سالگی که این بیماری با نام امروزی‌اش شناخته می‌شود، خیلی چیزها درباره آن شناخته شده، اما همچنان پرسش‌های بسیاری نیز به‌جا مانده است. کلمه Autism را نخستین بار هانس آسپرگر (H. Asperger) از بیمارستان دانشگاه وین در یک سخنرانی درباره روان‌شناسی کودکان در آلمان در سال ۱۹۳۸ در معنای امروزی‌اش به کار برد و پنج سال طول کشید تا نخستین بار به انگلیسی به کار برده شود. درخوردمانگی نوعی اختلال عصبی است که طی فرآیند رشد به‌تدریج آشکار می‌شود و مهم‌ترین ویژگی‌هایش ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی، علائق ضلَب و رفتار تکراری است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بر سر راه پژوهش دربارۀ درخوردمانگی وجود دارد آن است که این اختلال به اشکال بسیار گوناگونی نمایان می‌شود و به همین دلیل است که معمولاً در مورد آن از اصطلاح «طیف درخوردمانگی» استفاده می‌شود. پیش از این از انواع درخوردمانگی با نام‌های مختلفی یاد می‌شد اما در ویراست جدید «راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی» (DSM) که از سوی انجمن روان‌پزشکی آمریکا منتشر می‌شود، همه این اختلال‌ها اشکال گوناگون درخوردمانگی به‌شمار آمده‌اند و در یک گروه با عنوان اختلال طیف درخوردمانگی جای می‌گیرند.

ممکن است یک کودک درخوردمانده ساکت و کناره‌گیر باشد، حتی وقتی اذیتش

می‌کند باز سراغ پدر و مادرش را نگیرد و غرق بازی تکراری خود شود. ممکن است اسباب‌بازی‌هایش را هزار بار به ردیف بچیند یا سکه‌ای را ساعت‌ها روی میز بچرخاند. اما کودک درخوردمانده دیگر ممکن است بی‌وقه درباره نتایج مسورد علاقه‌اش در فوتبال حرف بزند، با همه پیش از حد دوستانه رفتار کند، و قادر به تشخیص تفاوت میان جوک و دروغ نباشد. به گفته فرانچسکا هپی (F. Happé)،

«رئیس انجمن بین‌المللی پژوهش درباره درخوردمانگی» (INSAR)، «دامنه وسیع تجلی اختلال طیف درخوردمانگی پژوهش درباره علت‌ها یا درمان‌های آن را دشوار می‌کند. برای مثال، به‌جای آنکه فقط یک ژن برای درخوردمانگی وجود داشته باشد، به احتمال زیاد صدها ژن وجود دارند که می‌توانند به شیوه‌های گوناگون با هم ترکیب شوند تا کودکی را برابر طیف درخوردمانگی آسیب‌پذیر کنند. اکنون بسیاری از پژوهشگران به همین دلیل این کلمه را جمع می‌بندند و از درخوردمانگی‌ها سخن می‌گویند.»

### نشانه‌های درخوردمانگی

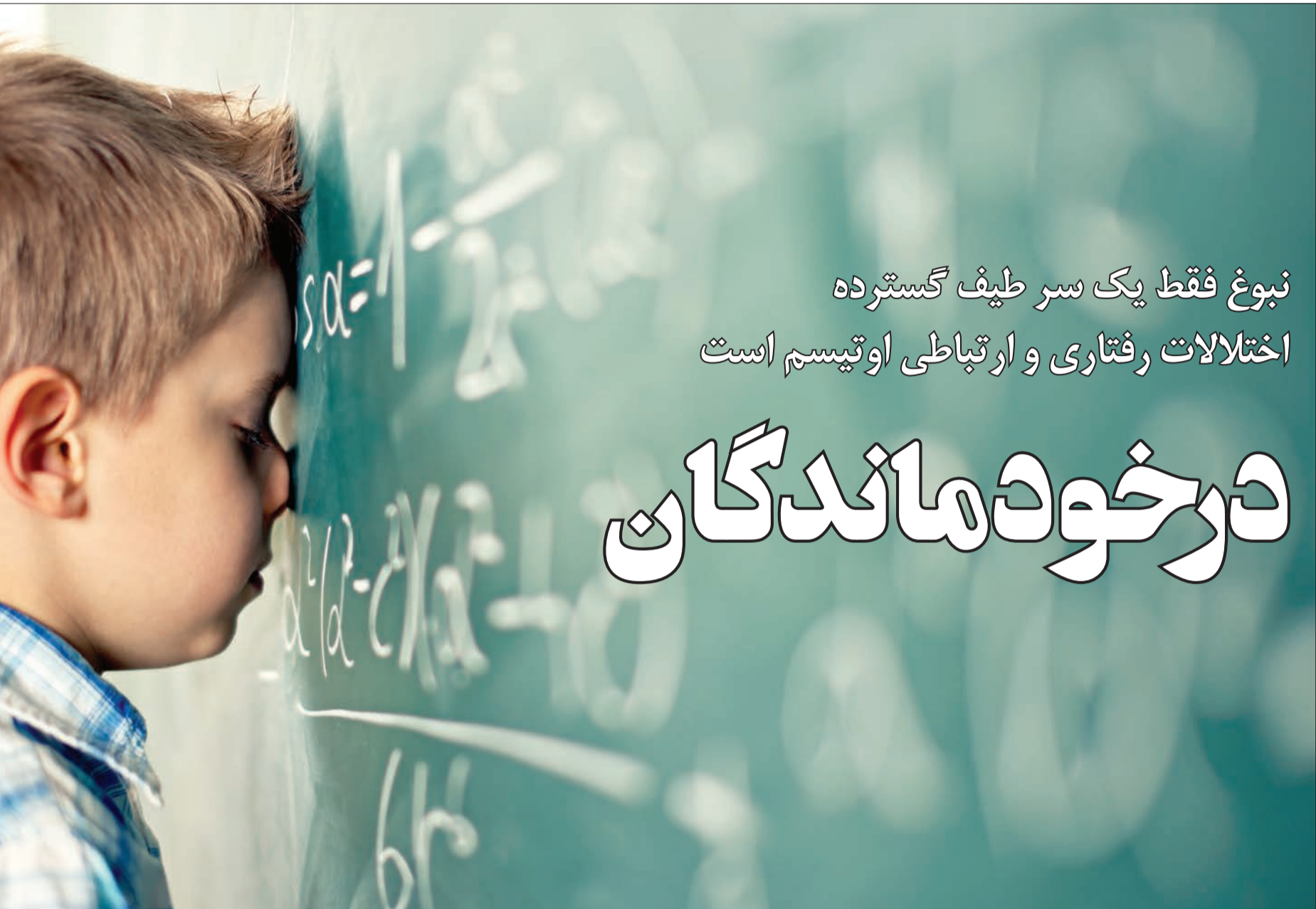
هیچ‌دو فرد درخوردمانده‌ای شبیه هم نیستند، اما بسیاری از والدین هنگامی که کودک‌شان به مراحل مهم رشد، معمولاً بین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی، می‌رسد متوجه نشانه‌های این اختلال می‌شوند. برای مثال، کودک ممکن است در برقراری تماس چشمی مشکلاتی داشته باشد، یا در پاسخ دادن به نامش یا انجام بازی‌های تخیلی، کسانی که از کودکان مراقبت می‌کنند نیز ممکن است متوجه شوند که کودک ظاهراً از تماس و بازی با کودکان دیگر لذت نمی‌برد. با این همه اشکال ملایم این اختلال ممکن است تا زمانی که کودک بزرگ‌تر می‌شود آشکار نشوند، و در مورد بعضی افراد این وضعیت تا بزرگسالی تشخیص داده نمی‌شود. به گفته دکتر مانده الصباغ، روان‌پزشک دانشگاه مک‌گیل در کانادا، بعضی از کودکان درخوردمانده «ممکن است تا پیش از رسیدن به سن مدرسه و آغاز رویارویی با انواع خاصی

از چالش‌ها که بعضی از مشکلات اجتماعی و ارتباطی آنها را آشکار می‌کند قابل تشخیص نباشند.» ویژگی کلی درخوردمانگی اختلال در مهارت‌های اجتماعی، ارتباطی و رفتار محدود و تکراری مثل کس‌فزدن و تأکید بر همانندی است. بسیاری از این کودکان واکنش‌های حسسی غیرعادی نیز دارند و ممکن است از نور شدید گریزان باشند یا متوجه نشوند که لباس‌شان را وارونه پوشیده‌اند.

### فقط پسر نیستند

اختلال طیف درخوردمانگی شرایط کمیابی نیست و شاید نزدیک به یک درصد از جمعیت جهان درخوردمانده باشند. طبق آمار «مراکز کنترل و پیشگیری بیماری» در آمریکا احتمال به دنیا آمدن کودک درخوردمانده یک به ۶۸ است. تصور عمومی از درخوردمانگی کودکی است که نگاهی خیره به دور دست داشته باشد و بخش عمده پژوهش‌هایی که تاکنون منتشر شده درباره کودکان بوده است. با این همه، باید بدانیم که بیشتر مبتلایان به درخوردمانگی بزرگسال هستند. تمرکز بر تشخیص زود هنگام و مداخله درمانی مهم بوده، اما ممکن است این تصور را به وجود آورد که پس از این مرحله مداخله غیرممکن یا بی‌تأثیر است. در واقع، درباره درخوردمانگی در افراد بالغ و تحولات آن با افزایش سن چیز زیادی نمی‌دانیم، درحالی‌که مراقبت فشرده از آنها نیز می‌تواند به بهبود چشمگیری در عملکرد و رفاه‌شان در این مرحله از زندگی بینجامد.

آطور که موارد مورد توجه در رسانه‌های عمومی القا می‌کنند، نمونه کلیشه‌ای مرد درخوردمانده است و احتمال ابتلای پسران به درخوردمانگی چهار تا پنج برابر دختران است. در سراسر این طیف که افراد عملکرد بالایی دارند نسبت پسر به دختر بالاتر و میان عده‌ای که دچار ناتوانی ذهنی اند این تفاوت کمتر است. خاستگاه این عدم تعادل معلوم نیست، اما به اختلال طیف اوتیسم نیز محدود نمی‌شود؛ به نظر می‌رسد که تکوین عصبی طی مراحل رشد عموماً در مردان آسیب‌پذیرتر است.



آکادمی: راه‌نمای علم



طیای سسخ بر پرده سینما

زعفران گران‌ترین ادویه جهان است و کشت آن به آب بسیار کمی نیاز دارد. همین ویژگی‌ها باعث شده تا تولید زعفران به عنوان یک ظرفیت مهم برای توسعه پایدار شمال شرق کشور شناخته شود. با این حال هنوز در ایران آنطور که باید به عرضه این محصول ارزشمند و منحصر به فرد در بازارهای جهانی توجه نشده و کشورهایی مثل اسپانیا، گوی سبقت را از ایرانیان ربوده‌اند. ابراهیم مختاری، که در دهه ۱۳۶۰ مشغول ساخت مستندی درباره کشت و برداشت زعفران در خراسان بود و به دلایلی فیلمش ناتمام ماند، این بار با «برگ جان»، زعفران را به سینمای هنر و تجربه آورد. این فیلم اگرچه داستانی عاشقانه را دنبال می‌کند اما حکایتی جالب از حضور پررنگ زعفران در فرهنگ و زندگی اهالی خراسان دارد. «برگ جان»، پیوند محکم زعفران با فرهنگ ایرانی را به‌صورتی می‌کشد و اخیراً در دست و چهارمین جشنواره فیلم‌های آسیایی زول فرانسه، جایزه «ایناکو» را از هیئت داوران موسسه ملی تمدن و زبان‌های شرقی دریافت کرد. شاید «برگ جان» یادآور این نکته باشد که زعفران در دوران کم‌آبی می‌تواند به عنوان یک محصول کشاورزی مهم، نقش مهمی در اقتصاد کشور داشته باشد.



اگر جری من بودی

چندسالی است که در ایران، حقوق حیوانات میان گروه‌هایی از مردم تبدیل به یک دغدغه شده که موافقان و مخالفان نیز دارد. اما درباره این مفهوم نوظهور، متون زیادی به زبان فارسی ترجمه شده است. «اقتصاد سیاسی و حقوق حیوانات» یکی از متون مهم در این حوزه است. توریس در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «هرکس که تا به حال دم‌خور حیوانات بوده خوب می‌داند که آنها مخلوقات حساس، باهوش و متفکرند. کسانی که صاحب سگ یا گربه‌ای هستند لازم نمی‌بینند وارد و راجی‌ها و بحث‌های انتزاعی فلسفی درباره ماهیت ذهن بشوند تا بفهمند سگ‌ها و گربه‌ها هم شعور دارند. آنها درکی از محیط اطرافشان دارند، خواسته‌هایی دارند، درد و لذت را حس می‌کنند و هر کدام خلق و خویی خاص خود دارند. بسیاری از ما این چیزها را درباره حیواناتی که هر روز با آنها زندگی می‌کنیم می‌دانیم، اما به ذهن‌بیشتر مان‌خطور نمی‌کند که سایر حیوانات هم قادر به حس و درک همین چیزها هستند. در سرتاسر این کتاب از شماری خواهم تعصبات خود را یک سو نهید و درباره پرسش‌های این کتاب تعمق کنید. من به این نتیجه رسیدم که اگر به اصول و ارزش‌های اخلاقی اهمیت می‌دهم باید تا آنجا که می‌توانم از مشارکت در اعمال ظلم و ستم به حیوانات کنار بکشم... وقتی دیدم چطور حیوانات به عنوان کالا مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند متوجه شباهت‌های آن با شیوهی بهره‌کشی از انسان‌ها به عنوان نیروی کار شدم.» باب توریس، دانش‌آموخته رشته‌های فلسفه و علوم کشاورزی از دانشگاه

**لحظه به لحظه با الودگی هوای تهران**  
اگرچه رسانه‌ها هر روز کیفیت هوای پایتخت را اعلام می‌کنند، اما به دو دلیل نمی‌توان به این اطلاع‌رسانی اکتفا کرد. نخست اینکه کیفیت هوا از ساعت ۱۱ صبح روز قبل تا ساعت ۱۱ صبح همان روز اعلام می‌شود و در واقع وضعیت اعلام شده، مربوط به یک روز قبل است. نکته دوم اینکه وضعیتی که اعلام می‌شود میانگین کیفیت هوای شهر است و در مناطق مختلف اعداد شاخص کیفیت هوا متفاوت هستند. وبسایت شرکت کنترل کیفیت هوا (aimow.tehran.ir) کیفیت هوای مناطق مختلف تهران را به صورت لحظه‌ای نمایش می‌دهد. هر شهروند می‌تواند در این وبسایت، کیفیت لحظه‌ای هوای منطقه محل سکونت یا منطقه‌ای که قصد سفر به آن را دارد مشاهده کند و از آن اطلاع یابد. در این وبسایت اطلاعات فنی و اصطلاحات مختلف نیز توضیح داده شده و با استفاده از عناصر گرافیکی، اطلاعات مربوط به آلودگی هر منطقه از شهر نشان داده شده که کاربری با آن را برای همگان آسان می‌کند. البته اگر علاقه‌دارید اطلاعات مربوط به آلودگی هوا را در گوشی تلفن همراه خود ببینید می‌توانید از دو اپلیکیشن این وبسایت برای سیستم عامل اندروید و گوشی‌های برند اپل نیز استفاده کنید.



اقتصاد سیاسی و حقوق حیوانات

نوشته باب توریس  
ترجمه کلنگر ملک  
نشر مرکز (۱۳۹۶) ۲۰۸ صفحه  
رقعی، ۲۳۵۰۰ تومان

**تعصبات تان را کنار بگذارید**  
چندسالی است که در ایران، حقوق حیوانات میان گروه‌هایی از مردم تبدیل به یک دغدغه شده که موافقان و مخالفان نیز دارد. اما درباره این مفهوم نوظهور، متون زیادی به زبان فارسی ترجمه شده است. «اقتصاد سیاسی و حقوق حیوانات» یکی از متون مهم در این حوزه است. توریس در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «هرکس که تا به حال دم‌خور حیوانات بوده خوب می‌داند که آنها مخلوقات حساس، باهوش و متفکرند. کسانی که صاحب سگ یا گربه‌ای هستند لازم نمی‌بینند وارد و راجی‌ها و بحث‌های انتزاعی فلسفی درباره ماهیت ذهن بشوند تا بفهمند سگ‌ها و گربه‌ها هم شعور دارند. آنها درکی از محیط اطرافشان دارند، خواسته‌هایی دارند، درد و لذت را حس می‌کنند و هر کدام خلق و خویی خاص خود دارند. بسیاری از ما این چیزها را درباره حیواناتی که هر روز با آنها زندگی می‌کنیم می‌دانیم، اما به ذهن‌بیشتر مان‌خطور نمی‌کند که سایر حیوانات هم قادر به حس و درک همین چیزها هستند. در سرتاسر این کتاب از شماری خواهم تعصبات خود را یک سو نهید و درباره پرسش‌های این کتاب تعمق کنید. من به این نتیجه رسیدم که اگر به اصول و ارزش‌های اخلاقی اهمیت می‌دهم باید تا آنجا که می‌توانم از مشارکت در اعمال ظلم و ستم به حیوانات کنار بکشم... وقتی دیدم چطور حیوانات به عنوان کالا مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند متوجه شباهت‌های آن با شیوهی بهره‌کشی از انسان‌ها به عنوان نیروی کار شدم.» باب توریس، دانش‌آموخته رشته‌های فلسفه و علوم کشاورزی از دانشگاه

عادی و ۹۱ درصد از افرادی که ناتوانی‌های دیگری غیر از اوتیسم دارند توانستند در همین مدت کار پیدا کنند. از این گذشته، نزدیک به ۸۰ درصد بزرگسالان درخودمانده به زندگی با پدر و مادرشان پس از پایان دبیرستان ادامه می‌دهند.  
یک پژوهش که در آمریکا انجام شده نشان می‌دهد که نگهداری از یک فرد درخودمانده در طول عمرش به ۴/۲ میلیون دلار هزینه نیاز دارد که از این رقم ۱۰ درصد صرف مراقبت‌های پزشکی، ۳۰ درصد صرف آموزش و مراقبت‌های دیگر و ۶۰ درصد صرف جبران بهروری اقتصادی از دست‌رفته می‌شود. تحقیق دیگری باز هم در آمریکا نشان داد خانواده‌هایی کودک درخودمانده دارند به‌طور میانگین ۱۴ درصد درآمد کمتری دارند و باز یک تحقیق دیگر نشان داد مراقبت از این کودکان به‌شدت بر وضعیت شغلی و حرفه‌ای والدین اثر می‌گذارد.

**آینده درخودماندگی**  
به گفته دکتر هپی که در عین حال مدیر «مرکز روان‌پزشکی اجتماعی، ژنتیکی و رشد» در کالج کینگ لندن است، «برای آنکه پژوهش درباره درخودماندگی جهشی رو به جلو داشته باشد، سه چیز لازم است: نخست، پژوهش ژنتیکی در افرادی که در مورد اسکیزوفرنی شاهدش بودیم. باید دهها و سرانجام صدها هزار نفر با اطلاعات کافی درباره مهارت‌ها و مشکلات هر کدام بررسی شوند. برای مقابله با ناهمگنی موجود در طیف اوتیسم پژوهش در این ابعاد لازم است تا مسیرهای ژنتیکی و سنازوکاها کشف شوند. دوم، لازم است که افراد درخودمانده و خانواده‌هایشان پس از مرگ بافت مغزی اهدا کنند. هم‌اکنون موسساتی در جهان فعال‌اند که این دو هدف تحقق یابد. اما مورد سوم که حتا از این دو مهم‌تر است: ایجاد ابزارهای تشخیص با دسترسی رایگان برای تمام افراد کم‌درآمد در سطح جهان است. بیش از ۸۰ درصد پژوهش‌ها درباره اوتیسم در کشورهای پردرآمد انجام می‌شود و بیشتر افرادی که بررسی می‌شوند سفیدپوست هستند، این درحالی است که ۸۰ درصد افراد درخودمانده در کشورهای کم‌درآمد زندگی می‌کنند. در حال حاضر ابزارهای تشخیص بسیار گران‌قیمت هستند و بیشتر افراد امکان استفاده از آنها را ندارند. این کار فقط یک وظیفه اخلاقی نیست بلکه وظیفه علمی ماست. فقط با بررسی همه‌جانبه این اختلال می‌توان به ماهیت آن پی برد. زمان آن رسیده که پژوهشگران درخودماندگی جهانی فکر کنند.»

**درخودماندگی بزرگسالان**  
تاثیر درخودماندگی بر زندگی افراد بالغ تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، اما پژوهش نشان می‌دهد که افراد درخودمانده کمتر از میانگین در آموزش عالی نام‌نویسی می‌کنند، شغل پیدا می‌کنند یا مستقل زندگی می‌کنند. یک پژوهش در آمریکا نشان داده که فقط یک سوم آنها ظرف هشت سال پس از اتمام دبیرستان به دانشگاه می‌روند. فقط نیمی از آنها در همین مدت شغلی با دستمزد پیدا می‌کنند. این درحالی است که ۹۸ درصد افراد

است. احتمال ابتلای این کودکان به مشکلات گوارشی نیز بیشتر است. از سوی دیگر، کودکان درخودمانده اغلب داروهای بسیاری برای درمان مشکلات دیگری همچون بیش‌فعالی یا افسردگی مصرف می‌کنند. تداخل دارویی این داروها می‌تواند پیچیده شود. از هر سه کودک درخودمانده دو نفر یک داروی روانی مصرف می‌کند، یعنی دارویی که می‌تواند سد خونی مغز را پشت سر بگذارد و وارد آن شود. یک سوم این کودکان نیز دو نوع دارو مصرف می‌کنند و ۱۵ درصد از سه دارو یا بیشتر استفاده می‌کنند. با این همه به گفته دکتر الصباغ «دارودرمانی به‌هیچ‌وجه جانشین رویکردهای رفتاری نیست. معمولاً آنها را به عنوان رویکرد مکمل در نظر می‌گیرند که می‌تواند جزئی از برنامه درمانی کودک باشند، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند تنها درمان باشند.» این در حالی است که بازار انباشته از درمان‌ها و رژیم‌های غذایی جایگزین است که اثرگذاری هیچ کدام به شیوه بالینی اثبات نشده است. به گفته دکتر الصباغ «گاهی والدین گمان می‌کنند که می‌توانند از این جایگزین‌ها بهره بگیرند و تصمیم می‌گیرند درمان‌های رفتاری کودک‌شان را متوقف کنند. با این کار هر شانسی که کودک می‌توانست برای استفاده از گزینه معتبر داشته باشد را از او می‌گیرند.»

می‌دانیم که درخودماندگی بنیان ژنتیکی نیرومندی دارد، با این حال ژنتیک درخودماندگی پیچیده است و معلوم نیست که آیا نتیجه جهش‌های کمیاب با اثرگذاری زیاد است یا برهم‌کنش کمیاب‌های ژن‌های معمولی. آنچه مسئله را پیچیده‌تر می‌کند تعامل میان ژن‌های بسیار با محیط و عوام وراثتی است که تغییری در توالی DNA نمی‌دهند اما با این حال به ارث می‌رسند و بر بیان ژن‌ها اثر می‌گذارد. با این همه تاکنون در نتیجه تعیین توالی ژنوم افراد مبتلا و پدر و مادرشان رابطه ژن‌های بسیاری با درخودماندگی آشکار شده است. هدف پژوهش‌های ژنتیکی یافتن سازوکارهایی است که قابل اصلاح باشند و بتوان از طریق آنها وضعیت افراد درخودمانده را بهبود بخشید.

**۵ عامل احتمالی درخودماندگی**  
دارند تاثیر بگذارند و این اختلال را از قوه به فعل درآورند.  
**۳ داروها:** معلوم شده که قرار گرفتن جنین درون رحم مادر در معرض داروهایی همچون اسید والپروئیک (با نام‌های تجاری دیاکین و والپاکین) و تالیدومید، می‌توانند خطر ابتلا به درخودماندگی نوزاد را افزایش دهند. تالیدومید که برای درمان تهوع حاملگی، اضطراب و بی‌خوابی تجویز می‌شود، به دلیل کشف رابطه‌اش با ناهنجاری‌های مادرزادی ممنوع شد. اما اکنون برای بیماری‌های پوستی شدید و سرطان تجویز می‌شود. اسید والپروئیک داروی حمله‌های عصبی، نوسانات خلقی و اختلال دوقطبی است.

**۴ سن والدین:** با افزایش سن پدر و مادر خطر داشتن کودک درخودمانده افزایش می‌یابد. این خطر

درخودماندگی ندارد. ممکن است ضمن این بررسی‌ها اختلالات دیگری، همچون اختلال کم‌توجهی - بیش‌فعالی، کم‌توانی ذهنی، صرع و افسردگی تشخیص داده شود که اغلب با درخودماندگی همراه هستند. کسانی که دچار بعضی اختلالات ژنتیکی همچون سندروم کروموزوم X شکننده، تصلب تکمه‌ای (tuberous sclerosis) و سندروم آنجلمن هستند نیز بیشتر احتمال دارد درخودماندگی داشته باشند. گاه گفته می‌شود که ابتلا به اختلال درخودماندگی رو به افزایش است، اما افزایشی که در آمار مبتلایان مشاهده می‌شود، عمدتاً نتیجه پیشرفت در تشخیص این اختلال است.

**یا درمانی وجود دارد؟**  
هیچ درمان قطعی برای اختلالات طیف درخودماندگی وجود ندارد. اما بعضی روش‌های رفتاری و آموزشی وجود دارند که می‌توانند به کاهش نشانه‌های آن کمک کنند. هر چه تشخیص زودتر صورت گیرد این شیوه‌ها تاثیر بیشتری خواهند داشت. برای مثال، یکی از رایج‌ترین روش‌ها تحلیل کاربردی رفتار است که برای تشویق افراد درخودمانده به افزایش رفتارهای سودمند و کاهش اعمال آسیب‌رسان از پاداش استفاده می‌کند. برای بهبود مهارت‌های کلامی و رفتاری این کودکان نیز برنامه‌هایی با مشارکت پدر و مادر وجود دارد که در آن از فضایی شبیه به کلاس کمک می‌گیرند. به گفته دکتر الصباغ «درواقع، رویکردهای رفتاری از همه بهترند، زیرا ما دانییم که تغییر محیط اطراف کودکان و تغییر در نحوه تعامل با کودک فرآیندهای زیستی را در مغز تغییر می‌دهد و چنان تاثیری بر شکل رشد مغز می‌گذارد که به استقلال آنها کمک می‌کند.»

هیچ دارویی برای درمان نشانه‌های اصلی درخودماندگی همچون مشکلات ارتباطی وجود ندارد، اما می‌تواند نشانه‌هایی همچون تحریک‌پذیری و بی‌قراری را کاهش دهد. آنچه زندگی را برای افراد درخودمانده دشوار می‌کند نه خود اوتیسم بلکه مشکلات همراه آن همچون صرع، ناتوانی ذهنی، مشکلات خواب، اضطراب و افسردگی است. این مشکلات ممکن است در نوجوانی یا بزرگسالی تشدید شوند و حتا زمانی که نشانه‌های اوتیسم عمدتاً برطرف شده، باقی بمانند. اداره غذا و داروی آمریکا (FDA) دو دارو را برای درخودماندگی تایید کرده که ریسپریدون (risperidone) و اریپیپرازول (aripiprazole) نام دارند و می‌توانند به درمان پرخاشجویی، تحریک‌پذیری و نوسانات خلقی کمک کنند. اما تاثیرات بلندمدت این داروها ناشناخته



**تشخیص درخودماندگی**  
فرآیند تشخیص درخودماندگی برای هر فرد متفاوت است. در بعضی موارد، پزشکان اطفال از نوعی غربالگری استفاده می‌کنند که به شکل مجموعه‌ای سوال با پاسخ بله یا نه است و به دنبال نشانه‌های درخودماندگی می‌گردد تا کودکان در خطر را شناسایی کند. اگر نتیجه مثبت باشد، خانواده برای تشخیص قطعی به یک متخصص ارجاع داده می‌شود. متخصصان برای تشخیص هم از مشاهده مستقیم و هم از گزارش والدین درباره رفتار کودک بهره می‌گیرند. آنها سعی می‌کنند با کنار هم گذاشتن تمام داده‌ها به این جمع‌بندی برسند که آیا کودک دچار درخودماندگی است یا فقط دچار تاخیر در رشد شده است که ارتباطی با

با وجود جنجالی که در سال ۱۹۹۸ با انتشار یک مقاله علمی جعلی ایجاد شد، شواهدی در دست نیست که نشان دهد میان واکسن سه‌گانه (سرخک، سرخچه و اوریون) کودکان و شکل‌گیری درخودماندگی ارتباطی وجود دارد. مشکل از اینجا پدید آمد که این واکسن تقریباً در همان زمانی تزریق می‌شود که نخستین نشانه‌های درخودماندگی کودکان ظاهر می‌شوند. پدر و مادر ممکن است این همزمانی را نوعی رابطه علت و معلولی تصور کنند. اما اگر واکسن عامل این اختلال نیست، پس چه عواملی موجب درخودماندگی می‌شوند؟ به نظر می‌رسد این اختلال نتیجه تعامل میان عوامل ژنتیکی و محیطی باشد. از سوی دیگر اختلال‌های گوناگونی که طیف درخودماندگی را تشکیل می‌دهند ممکن است علت‌های گوناگونی داشته

باشند. در ادامه نگاهی به مهم‌ترین عوامل احتمالی این اختلال اسرارآمیز می‌اندازیم:  
**۱ ژنتیک:** درخودماندگی بسیار موروثی است. خانواده‌هایی که یک کودک درخودمانده دارند به احتمال ۵ درصد ممکن است کودک دومشان نیز به این اختلال مبتلا باشد. و اگر یکی از دو قلوها درخودمانده باشد، دیگری نیز به احتمال ۹۰ درصد همین اختلال را دارد. تاکنون ارتباط نزدیک به ۲۰ ژن با این اختلال مشخص شده است. بسیاری از این ژن‌ها در تکوین و رشد مغز و ارتباط میان سلول‌های عصبی نقش دارند.  
**۲ آفت‌کش‌ها:** این مواد می‌توانند با کار بعضی ژن‌ها در دستگاه اعصاب مرکزی تداخل ایجاد کنند. به نظر می‌رسد مواد شیمیایی آفت‌کش‌ها می‌توانند بر کسانی که استعداد ژنتیکی درخودماندگی

## حرف‌های امروز



**حسین فلاح جوشقانی، معاون وزیر ارتباطات:** دفاتر خدمات ارتباطی که اقدام به فروش اطلاعات مشترکان موبایل می‌کردند، تعطیل شدند. این موضوع که گفته می‌شود دیتابیس مشترکان تلفن همراه به‌طور گسترده و ساماندهی شده از سوی اپراتورها به بیرون درز می‌شود به‌هیچ‌وجه درست نیست. به گفته‌ی وی، هم‌اکنون روش‌های مختلفی برای دریافت اطلاعات و شماره مشترکان موبایل در فضای مجازی وجود دارد، عضویت کاربران در شبکه‌های اجتماعی و راه‌اندازی پروفایل برای عضویت در اپلیکیشن‌های مختلف سبب شده که دسترسی به شماره تلفن مشترک، خیلی دور از تصور نباشد.



**مهدی میرزایی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات:** در واکنش به اظهارات اخیر رئیس سازمان پدافند غیرعامل: آمار ارائه شده به ایشان صحیح نیست. دو سوم کاهش پهنای باند معادل ۶۶ درصد است نه ۸۰ درصد، ضمن اینکه کاهش پهنای باند از ۱۱۰۰ به ۳۰۰ گیگابیت هم معادل ۷۲ درصد افت می‌شود. البته هیچ‌کدام از این آمارها صحیح نیست و پس از انسداد تلگرام و اینستاگرام مجموعاً تا حدود ۴۵ درصد از پهنای باند اینترنت کشور کاسته شد. این درحالی است که در سبد مصرف مشترک‌نهایی نسبت پهنای باند اینترنت به داخل نسبت ۶۰ به ۴۰ را داریم. ارائه این آمار آن هم از سوی مسئولان این شائبه را ایجاد می‌کند که باید در صحت سایر آمارها هم شک کرد.



**پاول دروف:** تلگرام از این پس برای مقابله با محتوای جنسی و غیراخلاقی که کودکان را نشانه گرفته‌اند در کنار استفاده از ربات‌ها و کارشناسان محتوا از الگوریتمی برای تشخیص استفاده می‌کند که این دسته از محتواها به سرعت حذف شود. به نظر می‌آید این اتفاقات در واکنش به خبر حذف تلگرام و تلگرام‌ایکس از Apple Store بود که موجب تعجب آیفون‌داران شد. این رویه برای تلگرام بسیار پرهزینه خواهد شد.



**امیر میرمیر، معاون مدیرکل کمیته بین‌المللی المپیک:** مراتب تأسف عمیق خود را در خصوص توافق تاسف‌بار مربوط به توزیع گواهی میان ورزشکاران ایرانی ابراز می‌داریم. همان‌طور که در نامه‌ی پیوست به اعضای رئیس کمیته‌ی برگزاری بازی‌های زمستانی پیونگ چانگ بیان شده، این اتفاق در نتیجه‌ی عدم ارتباط صحیح بین تیم‌های توزیع‌کننده‌ی گواهی پیش آمده است. کاملاً ناراحتی و رنجشی را که این اتفاق برای ورزشکاران و هیأت شما ایجاد کرده است، درک می‌کنیم.

رئیس‌جمهور: اگر هیبریدی واقعی باشند حتما کمک خواهیم کرد. چون این کمک به محیط‌زیست است

# هیبریدی‌ها واقعی بودند!

◀ **نگز رسولی**  
گروه تکنیک

این موضوع باعث شده تا متقاضیان خرید این خودروها بیشتر از قبل شود. این روال در حالی است که خودروهای الکتریکی در سال‌های آینده بخش گریزناپذیر صنعت خودرو هستند و به قدرت نخست این صنعت تبدیل خواهند شد تا الکتریکی‌ها بر تخت پادشاهی صنعت خودرو تکیه‌زند. آمارها نشان می‌دهند که تا سال ۲۰۲۰ کارخانه‌های خودروساز بزرگ جهان به جهت همراهی با کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط‌زیست و کاهش آلاندهای هوا تمرکز بیشتری بر تولید خودروهای الکتریکی و خودروهای هیبریدی خواهند داشت و ظرفیت بیشتری از این خودروها تولید و روانه بازار خواهند شد. تا شاید کمی از پارالاندگی خودروهای بنزینی و دیزلی کاسته شود.

خودروهای الکتریکی که بر پایه سوخت برق تنظیم شده‌اند دارای زیرساخت‌های گسترده‌تری هستند که شاید پیاده‌سازی صد در صدی زیرساخت برای تردد این خودروها زمان بیشتری را از دولت‌مدان جهان طلب کند اما خودروهای هیبریدی که بر پایه دو سوخت برق و بنزین تعریف و ساخته شده است، می‌توانند تا زمانی که زیرساخت‌های تردد خودروهای الکتریکی به‌طور کامل پیاده‌سازی شود، گزینه جایگزین مناسبی باشند. موضوعی که گویا روی صحبت رئیس‌جمهور در برنامه گفت‌وگوی‌اش با مردم بود. رئیس‌جمهور در پاسخ به سؤالی درباره علت افزایش تعرفه خودروهای هیبریدی گفت: «در این مورد آنچه که در دولت گزارش دادند، اعلام شد که خودروهایی که به نام هیبریدی می‌آید همان خودروهای معمولی است که به اسم هیبریدی می‌آید و اگر هیبریدی واقعی باشد تماماً تعرفه بسیار کمی خواهد داشت. البته اگر هیبریدی واقعی باشد یعنی ماشین‌ی که واقعاً هم بتواند با سوخت فسیلی و هم با باتری کار کند حتماً کمک خواهیم کرد. چون این کمک به محیط‌زیست است.»

### انواع خودروهای هیبرید

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان خودروهای هیبرید را از نظر طراحی قسوی محرکه که دو دسته سری و موازی تقسیم کرد. در خودروهای هیبرید سری، موتور درون‌سوز مستقیماً به چرخ‌ها متصل نیست بلکه مانند یک ژنراتور

عمل می‌کند و تنها وظیفه شارژ باتری خودرو را برعهده دارند و موتور (یا موتورهای) الکتریکی هستند که خودرو را به حرکت درمی‌آورند. اصلی‌ترین اجزای یک خودروی هیبرید عبارت است از: موتور درون‌سوز (معمولاً بنزینی)، موتور الکتریکی، باک سوخت، مجموعه‌باتری‌ها، گیربکس، سیستم‌تقسیم‌نیرو در خودروهای هیبرید موازی، موتور درون‌سوز به همراه موتور الکتریکی نیروی خودرو را تأمین می‌کند، به این معنی که هر دوی آنها به چرخ‌ها متصل هستند و هر یک به تنهایی می‌توانند نیروی حرکتی خودرو را تأمین کنند. در بعضی از مدل‌ها، موتور الکتریکی به عنوان یک مجموعه واحد با موتور درون‌سوز و کوپل شده به آن طراحی می‌شود و در بعضی دیگر از مدل‌ها این موتور الکتریکی به عنوان واحدی جدا از موتور درون‌سوز طراحی شده است هر چند در نهایت کارایی کلی هر دوی این روش‌ها یکسان است.

موتور الکتریکی در صورتی که جریان الکتریسیته به آن متصل شود می‌تواند نیرو تولید کند اما همین موتور می‌تواند کارکردی بالعکس را هم داشته باشد. به این معنی که با دریافت نیروی مکانیکی، جریان الکتریکی تولید کند. در خودروهای هیبرید نیز دقیقاً همین وضعیت رخ می‌دهد به این شکل که در زمان کارکرد موتور درون‌سوز در صورت خالی بودن شارژ باتری‌ها، با چرخش موتور الکتریکی توان الکتریکی تولید می‌شود و این توان الکتریکی در نهایت باتری‌های خودرو را شارژ می‌کند. البته در بعضی از انواع خودروها و به ویژه انواع سری-موازی، یک دینام در مسیر انتقال قدرت موتور درون‌سوز به چرخ‌ها قرار دارد که به طور پیوسته می‌تواند باتری خودرو را شارژ کند و به همین دلیل این خودروها (که تویوتا پریوس هم نمونه‌ای از آنهاست) برتر از انواع عادی هستند. علاوه بر این، در خودروهای هیبرید موتور الکتریکی در زمان توقف خودرو هم شارژ می‌شود به این معنی که در زمان ترمزگیری، جریان الکتریکی این موتور قطع شده و موتور بار دیگر مانند یک ژنراتور عمل می‌کند و در طی ترمزگیری، با دریافت نیرو از چرخ‌ها باتری‌های خودرو را شارژ می‌کند ضمن آنکه از این طریق توان ترمزهای خودرو نیز تقویت می‌شود.

البته در سال‌های اخیر شماری از شرکت‌ها نمونه‌هایی موسوم به plug in Hybrid معروف به پلاگین تولید کرده‌اند که در آنها شارژ باتری‌ها علاوه بر روش‌های گفته شده از طریق اتصال خودرو به شارژرهای مخصوص هم امکان‌پذیر است تا از این طریق در سفرهای کوتاه نیازی به روشن شدن موتور درون‌سوز نباشد و خودرو تنها با اتکا به نیروی الکتریکی حرکت کند. این خودروها گران‌تر از انواع معمولی هیبریدها هستند اما به دلیل آنکه می‌توان شارژ باتری‌ها را در منزل یا محل کار انجام داد، در مسیرهای کوتاه کاملاً همچون خودروی برقی هستند.

### یا همه شرکت‌ها خودروی هیبرید تولید می‌کنند؟

فناوری ساخت یک خودروی هیبرید بسیار پیچیده است و به همین دلیل تنها بعضی از شرکت‌های خودروساز دانش فنی ساخت خودروی هیبرید را دارند. البته برخی معتقدند که خودروهای الکتریکی یا خودروهای دیزل پاک، آینده صنعت خودروسازی را رقم خواهند زد و به همین دلیل بعضی از شرکت‌ها به جای سرمایه‌گذاری روی خودروهای هیبرید، روی سایر انواع خودرو سرمایه‌گذاری کرده‌اند که باعث شده تنوع مدل‌های هیبرید بسیار محدود باشد.

### خودروی هیبرید در عمل

۱. آغاز حرکت: در آغاز حرکت خودرو می‌تواند تنها با نیروی موتور الکتریکی حرکت کند و نیازی به روشن شدن موتور بنزین‌سوز نیست. به این ترتیب خودرو در آغاز حرکت فاقد آلاندهی و مصرف سوخت است.

۲. حرکت با سرعت پایین: در حالت حرکت با سرعت پایین به عنوان مثال در ترافیک‌های شهری، به دلیل آنکه نیاز به توان بالایی نیست، تنها موتور الکتریکی فعال است و موتور بنزین‌سوز خاموش خواهد بود. به دلیل گشتاور بالای موتور الکتریکی که در آغاز حرکت آن را در اختیار راننده قرار می‌دهد، این موتور به راحتی می‌تواند خودرو و سرنشینان را در ترافیک شهری با سرعت‌های پایین تا متوسط به پیش ببرد بدون آنکه نیاز به مصرف بنزین باشد. این شرایط می‌تواند تا زمان اتمام باتری‌های خودرو ادامه پیدا کند که در خودروهای مختلف متفاوت است اما

به طور معمولی به حدود ۴۰ کیلومتر نمی‌رسد. لازم به ذکر است در این حالت در زمان توقف خودرو هیچ نیرویی مصرف نمی‌شود و عملاً ۴۰ کیلومتر مسافت ممکن است طی چند ساعت طی شود.

۳. شتاب‌گیری: در صورتی که راننده با فشردن پدال گاز قصد شتاب‌گیری داشته باشد، موتور بنزین‌سوز به صورت خودکار روشن شده و وارد مدار می‌شود. در این حالت ترکیب توان موتور بنزین‌سوز و موتور الکتریکی باعث شتاب‌گیری سریع خودرو می‌شود و می‌تواند خودرو را به سرعت‌های بالا برساند. البته خودروهای هیبریدی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در این وضعیت نیز موتور بنزین‌سوز در بهترین شرایط کارکرد خود باشد تا کمترین میزان سوخت مصرف شود.

۴. حرکت در مسیرهای سریالی: در این مسیرها نیز با توجه به شیب مسیر و وزن خودرو و میزان فشار راننده بر پدال گاز ممکن است هر دو موتور فعال باشند. با توجه به گشتاور بالای موتور الکتریکی، طی کردن این مسیرها با خودروهای هیبرید آسان‌تر از خودروهای بنزین‌سوز است.

۵. حرکت با سرعت ثابت: در این شرایط با توجه به میزان سرعت خودرو ممکن است موتور الکتریکی یا موتور بنزین‌سوز یا هر دو وارد مدار شوند. در زمان حرکت با سرعت ثابت، در صورتی که ذخیره انرژی باتری‌ها کم باشد خودرو به صورت خودکار با بخشی از نیروی موتور بنزین‌سوز و از طریق چرخش موتور الکتریکی که اینک نقش ژنراتور را دارد اقدام به شارژ باتری‌ها می‌کند تا باتری‌های خودرو برای استفاده‌های بعدی همواره به بالاترین میزان شارژ خود قرار داشته باشند.

۶. حرکت در مسیرهای سراسیسی: در این مسیرها نیازی به نیروی موتور بنزین‌سوز نیست ضمن آنکه در این زمان به دلیل اتصال موتور الکتریکی به چرخ‌ها، با چرخش موتور الکتریکی باتری‌های خودرو نیز شارژ می‌شوند ضمن آنکه این موتور باعث می‌شود توان ترمزهای خودرو نیز تقویت شود.

۷. توقف: در زمان توقف (به عنوان مثال پشت چراغ قرمز و یا در ترافیک‌های سنگین) موتور بنزین‌سوز به طور اتوماتیک خاموش شده و خودرو به حالت الکتریکی درمی‌آید.





پریوس نسل جدید نیز به دلیل تغییراتی مانند مرکز جاذبه پایین و سیستم تعلیق دوتایی عقب پیشرفته‌تر، بهتر از مدل قبلی است. مانند سایر مدل‌های تویوتا، Prius همچنین مجموعه‌ای از ویژگی‌های ایمنی تویوتا را در اختیار شما قرار می‌دهد که از جمله کنترل کروز انطباقی و سیستم پیش‌برخورد با تشخیص عابر پیاده به عنوان تجهیزات استاندارد و همیشگی آن است. ۶۶



شبکه: راهنمای دیجیتال

پیکسل دوست‌داشتنی



محصولات سری پیکسل، طی سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ توانستند در قلاب طرفداران پروپاقرص اندروید جای بگیرند. آن‌ها به لطف پشتیبانی شدن توسط اصلی‌ترین توسعه‌دهنده اندروید (گوگل)، برخلاف دیگر دستگاه‌های دارای این سیستم عامل به طور پیاپی آپدیت دریافت کرده و بهترین دوربین‌های موبایل جهان را در اختیار دارند. بدون شک نسل آتی آن‌ها که در پاییز ۲۰۱۸ معرفی می‌شوند، موفقیت‌های قبلی را تکرار می‌کنند. توسعه قابلیت‌های یادگیری ماشینی و هوش مصنوعی دستگاه، افزایش مجدد کیفیت دوربین، رفع مشکلات عدیده نمایشگر مدل پیکسل ۲ ایکس ال و افزایش دوام باتری ویژگی‌هایی هستند که علاوه بر امکانات پایه محصولات سری Pixel، دو مدل جدید را در زمره بهترین گوشی‌های سال ۲۰۱۸ قرار می‌دهند. تنها ایرادی که به آن‌ها وارد می‌شود، داشتن قیمتی کذایی است. البته نظر می‌رسد که با بازی دوگانه از سوی فرانسه در رابطه با ایران رویه‌رو هستیم، چنین نیست؟

امنیت در سرزمین پنجره‌ها



مایکروسافت اعلام کرد که به‌زودی معیار ارزیابی برنامه‌ها را در ویندوز دیفندر تغییر می‌دهد تا این ابزار هنگام اسکن کردن سیستم کاربران قادر به حذف آن‌ها باشد. گفتنی است ردموندی‌ها برای ارزیابی بهتر اپلیکیشن‌هایی از این دست، طبقه‌بندی جدیدی با عنوان نرم‌افزارهای ناخواسته تعریف کرده‌اند. همچنین مایکروسافت در گذشته برنامه‌نویسان را ملزم به رعایت قوانین بازار داده‌ای کرده بود که از بروز چنین مواردی در نرم‌افزارهای بهینه‌ساز جلوگیری شود. طبق این قوانین، نرم‌افزارهای بهینه‌ساز هرگز نباید به شکل اغراق‌آمیزی به کاربران هشدار بدهند و از آن‌ها برای رفع مشکلات سیستم پول دریافت کنند. همچنین نرم‌افزارها نباید کاربران را به ثبت‌نام در خبرنامه‌ها، دانلود هرگونه فایل و انجام کاری در زمان محدود مجبور کنند.

خودروی زمستانی نیسان



نیسان تیزری از یک خودروی اسپرت دو سر نشین 370Z منتشر کرده است که با صدای بی‌نظیر در کوهستان برفی پیش می‌تازد. برای کسانی که تاکنون اسنو موبیل یا خودروی برف‌روی نیسان ندیده‌اند، این خودرو بسیار هیجان‌انگیز خواهد بود. نیسان برای علاقه‌مندان ورزش‌های زمستانی و حرکت در برف خودرویی عرضه کرده است که 370Zki نام دارد. سال‌های گذشته نیسان کیت‌های تبدیل خودروهای سواری به خودروی برف‌رو را عرضه می‌کرد؛ ولی اکنون قصد دارد گام تازه‌ای به سمت عرضه محصولات زمستانی بردارد.

ساعتی برای ولنتاین



نوکیا ساعت هوشمندی در دو مدل با بند چرمی و سیلیکونی ارائه کرده است؛ مدلی که با بند چرمی عرضه می‌شود، ۱۸۹ یورو قیمت دارد و مدل بند سیلیکونی رزگلد حدود ۲۲۰ یورو قیمت‌گذاری شده است. این ساعت هوشمند همراه یک بند چرمی اضافه در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد. البته این بند چرمی از قیمت کمی برخوردار نیست و حتی با وجود تخفیف، کاربران باید حدود ۴۰ یورو بیشتر از قیمت اصلی پرداخت کنند. نوکیا زمان عرضه نسخه‌ی رزگلد ساعت هوشمند Nokia Steel HR را سه تا چهار هفته آینده اعلام کرده است؛ بنابراین کاربران برای خرید این ساعت باید از هم‌اکنون اقدام به سفارش آن کنند.

Reader برای سطح ثبت لحظه‌ها



یک شرکت نوپای هلندی موسوم به Reader نوعی دوربین پوشیدنی ارائه کرده که اجازه می‌دهد از اتفاقاتی که ۱۰ ثانیه پیش روی داده‌اند فیلم تهیه کنید. این دوربین مادامی که آن‌را پوشیده‌اید و در وضعیت آماده قرار داده‌اید تصویربرداری را ادامه می‌دهد؛ هنگامی که صحنه‌ای جذاب رخ داد، کافی است دکمه‌ی روی این دوربین را فشار دهید تا ویدئویی از ۱۰ ثانیه قبل از فشار دادن دکمه و ۱۰ ثانیه پس از آن ثبت شود. این دوربین ویدئوها را در دو نسخه ثبت می‌کند، یک نسخه با رزولوشن ۶۴۰ در ۶۴۰ پیکسل و نرخ ۳۰ فریم بر ثانیه است که مستقیماً از طریق بلوتوث به گوشی همراه شما ارسال می‌شود. این دوربین از سیستم عامل اندروید و آی. او. اس پشتیبانی می‌کند.

ویلسن در سرزمین وحشی‌ها



در بازی Don't Starve: Shipwrecked، بازی بازم باید با شخصیت ویلسون همراه شوید و سعی کنید برای مدت ۱۰۰ روز، در یک محیط استوایی ولی بی‌رحم، زنده بمانید. در Don't Starve: Shipwrecked هم مانند نسخه اولیه این بازی، خطرات زیادی شخصیت ویلسون را تهدید می‌کند و با اینکه دنیای بازی زیبا و سرسبز است، اما این به معنی کاملاً امن بودن آن نیست. در این بازی باید برای پیدا کردن منابع مختلف تلاش کنید و مواظب خطرهایی مثل حیوانات وحشی هم باشید. امکان به دست آوردن منابع مختلف، وجود انواع و اقسام تجهیزاتی که می‌توانید آن‌ها را بسازید و همچنین داستانی جالب، Don't Starve: Shipwrecked را به تجربه‌ای بسارزش تبدیل کرده است.

برترین‌ها

بهترین خودرو با عملکرد هیبریدی



سهیلا تقوی‌نژاد گروه تکنیک

این روزها شاهد عبور و مرور خودروهای هیبریدی زیادی در شهرها هستیم که حاصل سرک کشیدن مهندسان خودروساز به دنیای جدیدی بنام دنیای الکترونیک است. این بدان معنی است که در مقایسه با گذشته انتخاب‌های بیشتری وجود دارد و خریداران به راحتی، کاری و یا حتی عملکرد صرفاً برای داشتن بهترین اقدام به خرید یک خودروی هیبریدی بهتر است به فهرست زیر نگاهی بیندازید. اینها بهترین تومبیل‌های هیبریدی هستند که می‌توانید بخرید.

انتخاب ما

تویوتا پریوس هیبریدی Toyota Prius Hybrid

تویوتا پریوس به معنای واقعی یک ماشین هیبریدی است که بهترین امکانات موجود برای تردد در سطح شهر را به راننده ارائه می‌کند. تویوتا پریوس میزان قابل توجهی از سوخت را ذخیره می‌کند و در تمام شرایط بدون هیچ‌گونه مشکلی عملی می‌کند. برای کسانی که از پمپ بنزین فراری هستند، این خودرو بهترین گزینه است. چرا تویوتا پریوس را انتخاب کردیم: نام "Prius" به دلایلی مترادف با «ترکیبی» است. پر فروش‌ترین خودروی هیبریدی تویوتا همچنان ترجیح می‌دهد بالاتر از همه چیز به بهینه‌سازی مصرف سوخت بپردازد و چون بازده نهایی هدف اصلی آن است، Prius به بهترین شکل ممکن با خریداران و مصرف‌کنندگان خود راه می‌آید. Prius هیبریدی کارایی بالایی دارد؛ به بیان دقیق‌تر سیستم هم‌افزایی هیبریدی آزمایش شده و معتبر

تویوتا و موتور ۱/۸ لیتری چهار سیلندر که ۴۰ درصد بهره‌وری حرارتی را به دست می‌دهد، بسیار بیشتر از موتورهای دیگر است. Prius همچنین ضریب کشش آیرودینامیکی بسیار کمی (۰/۲۴) دارد و همانطور که می‌دانیم کشش آیرودینامیکی پایین به بهبود بهره‌وری یک خودرو بسیار کمک می‌کند. طراحان تویوتا موفق شدند این کار را در حالی که شکل کابین پریوس تقریباً هاج‌یک است، به بهترین شکل ممکن انجام دهند.

پریوس نسل جدید نیز به دلیل تغییراتی مانند مرکز جاذبه پایین و سیستم تعلیق دوتایی عقب پیشرفته‌تر، بهتر از مدل قبلی است. مانند سایر مدل‌های تویوتا، Prius همچنین مجموعه‌ای از ویژگی‌های ایمنی تویوتا را در اختیار شما قرار می‌دهد که از جمله کنترل کروز انطباقی و سیستم پیش‌برخورد با تشخیص عابر پیاده به عنوان تجهیزات استاندارد و همیشگی آن است.

قیمت کارخانه: ۲۳،۴۷۵ دلار

بهترین سواری هیبریدی

هوندا آکورد هیبریدی Honda Accord Hybrid

هوندا آکورد هیبریدی قدرت بیشتر و مصرف بهینه سوخت بهتر را نسبت به سایر سواری‌های متوسط هیدرولیکی دارد. هیوندای هوندا آکورد یک موتور قدرتمند هیبریدی با قدرت بالا را به یک سواری متوسط اضافه می‌کند. انتخاب مناسب رانندگان ماشین‌های هیبریدی که دوست دارند زیر رادار حرکت کنند. چرا هوندا آکورد هیبریدی را انتخاب کردیم:

اگر بخواهید خودروی هیبریدی‌تان شبیه بقیه ماشین‌ها باشد، بسیاری از تولیدکنندگان نسخه‌های ترکیبی از سواری‌های متوسط محبوب خود را برای کسانی همچون شما ارائه می‌دهند. میان بهترین آن گروه، هوندا آکورد

هیبریدی است که پس از تعطیلات، تجدید و تقویت شده به بازار خواهد آمد. بدون داشتن مزایای آیرودینامیکی تویوتا، Accord بسیار نزدیک به سطوح بهره‌وری Prius است. موتور محرکه Accord که در اطراف موتور ۲/۰ لیتری چهار سیلندر قرار گرفته، برای تأکید بر رانندگی الکتریکی تنظیم شده است. یک موتور الکتریکی برای رانندگی چرخ‌ها بیشتر از زمان مورد استفاده تعبیه شده و به عنوان یک ژنراتور عمل می‌کند. مجموع سیستم خروجی ۲۱۲ اسب بخار نیز از نوع بهترین، میان خودروهای سواری متوسط است. آکورد هیبریدی همچنین از سایر تغییرات موجود در سری Accord تا سال ۲۰۱۶، از جمله سیستم اطلاعاتی به روز شده با Apple CarPlay و سازگاری با Android Auto، سود می‌برد. بر اساس تجربه ما با Accord غیر هیبریدی، ما اطمینان داریم که سواری هیبریدی به روز شده هم یک تجربه رانندگی دلپذیر را ارائه می‌دهد.

قیمت کارخانه: ۲۹،۳۰ دلار

بهترین خودرو با عملکرد هیبریدی

پورشه پانامرا هیبریدی Porsche Panamera 4 E-Hybrid این خودرو یک ترکیب نادر از کارایی و عملکرد همه‌جانبه است؛ در واقع بهترین ماشین با عملکرد ترکیبی و مناسب برای افرادی که می‌خواهند یک سواری اسپورت و پیشرفته بدون میزان انتشار CO2 بالا داشته باشند.

چرا Porsche Panamera 4 E-Hybrid را انتخاب کردیم:

پورشه Panamera 4 E-Hybrid چندکاره است: اول، در وسط سلسله مراتب مدل‌های Panamera قرار گرفته است. این مدل قدرتمندتر و مقرون به صرفه‌تر از هر مدل Turbo است. دوم، دارای یک هیبرید پلاگین است که مثل آب خوردن قادر به تغییر عملکرد پورشه است؛ رفتن از حالتی به حالت دیگر فقط به فشار ساده یک دکمه نیاز دارد.

موتور محرکه به کنار، این ماشین هنوز «پورشه» است. شبیه پورشه به نظر می‌رسد و مهم‌تر از همه، مانند یک پورشه اصیل رفتار می‌کند؛ با یک شتاب‌دهنده همیشگی که بخشی از گشتاور فوری ارائه شده توسط موتور الکتریکی است. اگر این خودرو را از نزدیک ببینید از کیفیت متراکم استفاده شده در ساخت بدنه و طراحی داخلی آن شگفت‌زده خواهید شد.

قیمت کارخانه: ۹۹،۶۰۰ دلار

هیبریدی است که پس از تعطیلات، تجدید و تقویت شده به بازار خواهد آمد. بدون داشتن مزایای آیرودینامیکی تویوتا، Accord بسیار نزدیک به سطوح بهره‌وری Prius است. موتور محرکه Accord که در اطراف موتور ۲/۰ لیتری چهار سیلندر قرار گرفته، برای تأکید بر رانندگی الکتریکی تنظیم شده است. یک موتور الکتریکی برای رانندگی چرخ‌ها بیشتر از زمان مورد استفاده تعبیه شده و به عنوان یک ژنراتور عمل می‌کند. مجموع سیستم خروجی ۲۱۲ اسب بخار نیز از نوع بهترین، میان خودروهای سواری متوسط است. آکورد هیبریدی همچنین از سایر تغییرات موجود در سری Accord تا سال ۲۰۱۶، از جمله سیستم اطلاعاتی به روز شده با Apple CarPlay و سازگاری با Android Auto، سود می‌برد. بر اساس تجربه ما با Accord غیر هیبریدی، ما اطمینان داریم که سواری هیبریدی به روز شده هم یک تجربه رانندگی دلپذیر را ارائه می‌دهد.

بهترین وسیله نقلیه کاربردی

تویوتا رAV4 هیبریدی Toyota Rav4 Hybrid

این خودرو از هوای بد و بارندگی ترسی ندارد و بهترین گزینه برای کسانی است که در مناطق برف و بارانی زندگی می‌کنند. RAV4 نیروی هیبریدی را به بخش جامع تقسیم شده تقسیم می‌کند. چرا تویوتا RAV4 هیبریدی را انتخاب کردیم:

بهترین سواری هیبریدی

هوندا آکورد هیبریدی Honda Accord Hybrid

هوندا آکورد هیبریدی قدرت بیشتر و مصرف بهینه سوخت بهتر را نسبت به سایر سواری‌های متوسط هیدرولیکی دارد. هیوندای هوندا آکورد یک موتور قدرتمند هیبریدی با قدرت بالا را به یک سواری متوسط اضافه می‌کند. انتخاب مناسب رانندگان ماشین‌های هیبریدی که دوست دارند زیر رادار حرکت کنند. چرا هوندا آکورد هیبریدی را انتخاب کردیم:

اگر بخواهید خودروی هیبریدی‌تان شبیه بقیه ماشین‌ها باشد، بسیاری از تولیدکنندگان نسخه‌های ترکیبی از سواری‌های متوسط محبوب خود را برای کسانی همچون شما ارائه می‌دهند. میان بهترین آن گروه، هوندا آکورد



## حرف‌های امروز



**بیل گیتس:** تجهیزات فعال با هوش مصنوعی به انسان کمک می‌کند تا کمتر کار کند و زمان بیشتری برای تفکر و استراحت داشته باشد. از نظر من این تحول بسیار مهمی در زندگی انسان است و زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی مردم خواهد شد. البته لازم است استفاده از هوش مصنوعی در دنیا همدند انجام شود.



**elon ماسک:** از نظر من توسعه هوش مصنوعی و اتوماسیون باعث می‌شود تا نیازی به کار کردن انسان‌ها وجود نداشته باشد و دولت‌ها به تدریج برای تأمین نیازهای مالی مردم به آنها مقرر می‌کند. خواهند داد. این طرح در سال‌های اخیر در کشور سوئیس به رای‌گیری گذاشته و مردم به آن رای منفی دادند ولی به نظر من دنیا به این سمت حرکت می‌کند. در واقع دولت‌ها باید نیازهای مردم را تأمین کنند و انسان‌ها هم در کارهایی مشغول شوند که بالاترین کارایی را در آن دارند فارغ از اینکه شغل مذکور چه درآمدی برای آنها دارد. در واقع باید کار کردن با هدف تأمین نیازهای مالی نباشد بلکه با هدف ایجاد سود در اقتصاد باشد.



**وارن بافت:** چرا تصور می‌کنید اگر ریاست کار کنند و انسان‌ها استراحت، ولی درآمد داشته باشند، اتفاق بدی برای انسان‌ها می‌افتد؟ ما انتظار داریم اتوماسیون فرصت‌های شغلی زیادی را برای انسان‌ها از بین ببرد و این در دنیا امری اجتناب‌ناپذیر است ولی افرادی که برای این تغییر نیاز در بازار کار آمادگی لازم را داشته باشند، کمترین آسیب را از این تحول متحمل می‌شوند.



**مارک زاکربرگ:** پیش‌بینی در مورد آینده استفاده از هوش مصنوعی کار بسیار دشواری است ولی دنیا به سمت اتوماسیون در حرکت است. از نظر من دنیای آینده دنیای افراد متفکر و ریاست‌ها است. دیگر کارهای فیزیکی به انسان‌ها واگذار نمی‌شود زیرا اشتباهات انسانی زیادی ممکن است اتفاق بیفتد و بهره‌وری با استفاده از هوش مصنوعی و ریاست‌ها بالاتر خواهد رفت.



**کریستین لاگارد:** اتوماسیون و کاهش نیاز به نیروی کار انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است و ما باید خود را برای این تغییر بزرگ آماده کنیم. انتظار می‌رود در دهه آتی ۸۰۰ میلیون فرصت شغلی در جریان اتوماسیون از بین برود ولی مشاغل تازه ایجاد خواهد شد که جایگزین مشاغل فعلی شود.

## تأثیرگذارترین افراد اقتصادی با جهان چه می‌کنند؟

# هشت مهره کلیدی اقتصاد دنیا

رتبه	نام	میزان ثروت (میلیارد دلار)	منبع ایجاد ثروت
۱	بیل گیتس	۸۶	مایکروسافت
۲	وارن بافت	۷۵.۶	برکشایر
۳	جف بزوس	۷۲.۸	آمازون
۴	آمانسیو اورتگا	۷۱.۳	ایندیکس-زارا
۵	مارک زاکربرگ	۵۶	فیس‌بوک
۶	کارلوس اسلیم	۵۴.۵	آمریکا موویل-خودروساز
۷	لاری الیسون	۵۲.۲	شرکت اوراکل
۸	چارلز کوچ	۴۸.۳	صنایع کوچ
۹	دیوید کوچ	۴۸.۳	صنایع کوچ
۱۰	مایکل بلومبرگ	۴۷.۵	بلومبرگ

این مسئله هم دید اقتصادی وی و دیدگاه‌های او در زمینه بحران‌های اقتصادی بین‌المللی و زیرساخت‌های مالی در دنیا و راهکارهایی بود که باعث شد تا شرکتش کمترین آسیب را از این بحران‌ها متحمل شود. بافت بخش زیادی از سرمایه‌های خود را برای کمک به نیازمندان دنیا اختصاص داد و بخش زیادی از این سرمایه در اختیار بنیاد بیل و ملیندا گیتس قرار داد.



### عجیب و غریب عرصه کسب و کار

**الون ماسک** او یکی از جوانان تأثیرگذار در اقتصاد دنیا است. این بازرگان، فعال اقتصادی، سرمایه‌گذار و مهندس آمریکایی در آفریقای جنوبی متولد شده است. وی بنیانگذار و طراح ارشد وبسایت SpaceX و شرکت تسلا است و هم‌اکنون در سمت مدیرعامل تسلا به کار مشغول است. او از سال ۲۰۰۶ میلادی تا کنون در فهرست قدرتمندترین و تأثیرگذارترین افراد در عرصه اقتصاد و صنعت دنیا معرفی شده است و تأثیر او بعد از طراحی و ساخت خودروهای الکتریکی بیش از قبل شده. ارزش ثروت او در انتهای سال ۲۰۱۷ میلادی برابر با ۲۰.۹ میلیارد دلار اعلام شد و در رده‌بندی افراد ثروتمند در دنیا جایگاه ۵۳ را به خود اختصاص داده است. او یکی از تأثیرگذارترین افراد در عرصه معرفی روش‌های نوین حمل‌ونقل به خصوص حمل‌ونقل با استفاده از انرژی الکتریکی، ایجاد روش‌های حمل‌ونقل الکتریکی و کاهش استفاده از انرژی‌های فسیلی در صنعت حمل‌ونقل بوده است. او در ۱۷ سالگی به تحصیل در دانشگاه کویینز در انتاریو کانادا پذیرفته شد ولی بعد از دو سال تحصیل در این دانشگاه به دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا منتقل شد و بالاخره در سال ۱۹۹۷ توانست مدرک کارشناسی خود را

اقتصادی در یک دهه اخیر توانست کمک بزرگی به حل بحران اقتصادی دنیا بکند. در زمان انتخاب لاگارد به عنوان رئیس صندوق بین‌المللی پول، وزیر خزانه‌داری وقت آمریکا او را فردی دارای هوش سرشار، تجربه زیاد و توانمندی‌های بالا توصیف کرد. فردی که می‌تواند با قدرت زیاد این ارگان اقتصادی را مدیریت کند و حضورش در صندوق بین‌المللی پول در این زمان بحرانی در اقتصاد دنیا بسیار ارزشمند است.

او در یکی از مصاحبه‌هایش با شبکه بی‌بی‌سی اس در مورد کمک مالی صندوق به کشورهای بحران‌زده اروپایی گفت: برنامه ارائه کمک مالی به کشورهای بحران‌زده اروپایی برنامه‌ای بسیار وسیع است و صندوق برای این کمک مالی عظیم آمادگی‌های لازم را ندارد. وی ضمن تأکید بر این نکته که صندوق بین‌المللی پول منابع مالی لازم برای مقابله با بحران اقتصادی در کشورهای برتغال و یونان و دیگر کشورهای اروپایی را دارد افزود: ما نمی‌توانیم تنها این برنامه را در نظر بگیریم و برنامه‌های دیگر صندوق از قبیل حمایت از اقتصادهای در حال توسعه و ضعیف را نادیده بگیریم.

کریستین لاگارد در همین مصاحبه خود را طرفدار دیدگاه‌های آدام اسمیت و حامی دیدگاه‌های لیبرالیستی معرفی کرده است.



### مردی برای تمام فصول

**وارن بافت** او یک فعال اقتصادی آمریکایی است که در سال ۱۹۳۰ متولد شده است و ریاست شرکت برکشایر را بر عهده دارد. وی یکی از موفق‌ترین سرمایه‌گذاران در دنیا است و ارزش سرمایه و دارایی او تا ابتدای سال ۲۰۱۸ میلادی برابر با ۷۵.۶ میلیارد دلار آمریکا اعلام شده است. او استعداد و علاقه‌اش به تجارت و سرمایه‌گذاری را در سن جوانی نشان داد و از همان زمان هم به تحصیل در این زمینه در دانشگاه کلمبیا پرداخت. سپس برای تکمیل اطلاعاتش در زمینه علم اقتصاد وارد مؤسسه مالی نیویورک شد و نتیجه این مطالعات را می‌توان در موفقیت وی در عرصه اقتصادی و سرمایه‌گذاری دید. او یکی از حامیان هیلاری کلینتون در انتخابات سال ۲۰۱۶ بود و کمک مالی زیادی به کمپین او کرده بود. این فعال اقتصادی برجسته و موفق آمریکایی بارها صریحاً مخالفت خود با سیاست‌های ترامپ را بیان کرده است و حتی در جریان رقابت‌های انتخاباتی هم در این زمینه اظهار نظر کرده بود. وارن بافت در فهرست اثرگذارترین افراد در عرصه اقتصاد دنیا قرار گرفته است و دلیل

ریاست بانک مرکزی ایتالیا را بر عهده داشت. وی در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ میلادی رئیس بورد ثبات مالی اروپا بود و از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ میلادی رئیس بانک مرکزی ایتالیا بود و در این دوره توانست شاخص‌های اقتصادی ایتالیا را ارتقا دهد.

این اقتصاددان برجسته در دوره‌ای ریاست بانک مرکزی اروپا را بر عهده داشت که این منطقه به بحران‌های مالی و اقتصادی روبه‌رو بود و سیاست‌های اجرا شده توسط وی، وام‌های اعطا شده به کشورهای اروپایی، کاهش نرخ بهره بانکی و اصلاح ساختار مالی بانک مرکزی اروپا کمک زیادی به اقتصادهای بحران‌زده کرد و یکی از دلایل اصلی برای بیشتر شدن نرخ رشد اقتصادی منطقه و خروج از بحران بود.

در طول سال‌های ریاست وی شماری از کشورهای اروپایی در آستانه ورشکستگی دولتی قرار گرفته بودند ولی حمایت‌های بانک مرکزی دولت این کشورها را از فروپاشی نجات داد. سیاست‌های وضع شده توسط وی کمک زیادی به اقتصاد اروپا کرد به همین دلیل نشانه فوری، ماریو دراگی را در فهرست اثرگذارترین افراد دنیا در سال‌های اخیر قرار داده است. دوره ریاست او در سال ۲۰۱۹ به پایان می‌رسد و در مورد ادامه ریاستش بر بانک مرکزی اروپا هنوز تصمیم‌گیری نشده است.



### جان سخت دوران بحران

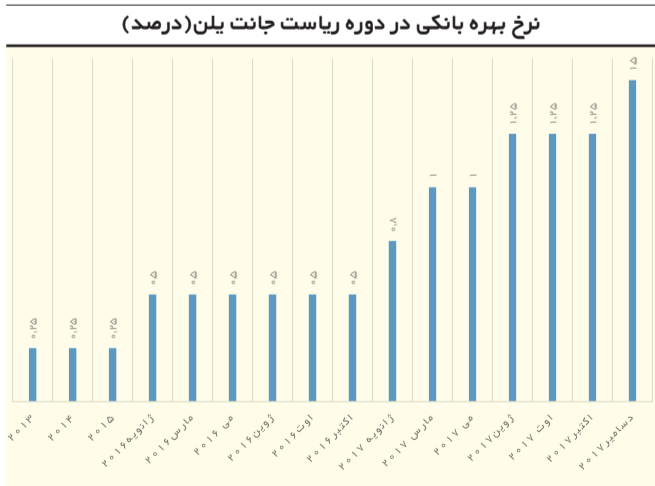
**جاننت یلن** او اقتصاددانی آمریکایی است که در سال ۱۹۴۶ متولد شد و مدرک دکتری رشته اقتصاد را از دانشگاه بیل در سال ۱۹۷۱ گرفت و از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ میلادی به عنوان استادیار در دانشگاه هاروارد مشغول

در رشته فیزیک دریافت کند. سپس او برای دریافت یک مدرک کارشناسی دیگر در رشته اقتصاد به مدرسه بازرگانی وارتون رفت و توانست این مدرک را با موفقیت دریافت کند. در ۲۴ سالگی برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری وارد دانشگاه استنفورد آمریکا شد ولی به سرعت متوجه شد که مسیر درستی برای او نیست و از ادامه تحصیل انصراف داد. او هم‌اکنون یکی از موفق‌ترین افراد در زمینه انرژی‌های احیاشدنی، دنیای اینترنت و طراحی خودروهای الکتریکی است. او بالاخره در سال ۲۰۰۲ میلادی توانست شهروند آمریکا شود.



### مردی از کشور چکمه‌ای

**ماریو دراگی** او یک اقتصاددان ایتالیایی است که در سال ۱۹۴۷ میلادی متولد شده است و از سال ۲۰۱۱ تا کنون ریاست بانک مرکزی اروپا را بر عهده دارد. وی پیش از ایفای نقش ریاست بانک مرکزی اروپا، ریاست بورد ثبات مالی اروپا و



**۱.۵ درصد**  
نرخ بهره آمریکا در انتهای سال قبل

**۸۶**  
میلیارد دلار  
ثروت بیل گیتس

**۱۰۰**  
میلیارد دلار  
کمک مالی بیل گیتس به مطالعات بیماری آلزایمر

**۵۳.۸**  
میلیارد دلار  
ثروت لاری پیچ

**۵۶**  
میلیارد دلار  
ثروت مارک زاکربرگ

کیوسک: نشریات جهان

اسپانسر این بازیها بودند و تاثیرات اقتصادی برگزاری المپیک زمستانی در کره از مهمترین مسائلی است که در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

اما در تقسیم‌بندی مقالات اکونومیست غیر از بخش جهان در این هفته که دارای سه زیربخش سیاست در این هفته و بیزینس در این هفته و کارتون هفته است، بخش‌های دیگری هم وجود دارد که تمامی تحولات دنیا در این بخش‌ها پوشش داده می‌شود. مثلا در بخش مربوط به آمریکا به آتش‌سوزی‌های کالیفرنیا، تجربه بزرگ اقتصاد آمریکا و در بخش سیاسی کشور آمریکا به مسئله تقابل با اف بی آی در دولت ترامپ پرداخته شده است. موضوع تقابل دولت با اف بی آی در این روزها محور اصلی اخبار در رسانه‌های آمریکا است زیرا سابقه چندی در دولت‌های مختلف این کشور نداشته است.

در بخش مربوط به تحولات اروپا به اوضاع سیاسی اسپانیا، وضعیت اقتصادی و سیاسی روسیه و تحولات آلمان و فرانسه پرداخته شده است و در بخش بریتانیا همچنان به تجارت بعد از برگزیت، افزایش فعالیت‌های تولیدی در بریتانیا و اوضاع سیاسی بریتانیا بعد از برگزیت پرداخته شده است. مسئله وضعیت اقتصادی و تجاری و سیاسی بریتانیا بعد از خروج این کشور مورد توجه رسانه‌های مختلف است زیرا این کشور قطب مالی اروپا است. از طرف دیگر بریتانیا اولین کشوری است که از اتحادیه اروپا خارج می‌شود و سازوکار مشخصی برای این کار هنوز طراحی نشده است. از طرف دیگر اجرای سازوکار مناسب برای خروج از اتحادیه هم موضوع بسیار با اهمیتی است.

چین و سیاست‌هایی که برای مردم این کشور وضع می‌شود و وضعیت دموکرات‌ها در کشور هنگ‌کنگ مسئله‌ای است که در این نشریه به آن پرداخته شده است. در بخش خاورمیانه و شمال آفریقا، مسئله مناقشات هسته‌ای در خاورمیانه و تلاش کشورهای مختلف به خصوص عربستان برای افزایش قدرت هسته‌ای در کنار وضعیت سیاسی اسرائیل و سیاست‌های اخیر آن را مورد بررسی قرار گرفته است. مسئله اقتصادی مصر با مقاله‌ای تحت عنوان قیمت‌گذاری کار نادرستی است تشریح شده است و اوضاع سیاسی آفریقای جنوبی، وضعیت اتیوپی و افزایش استقبال از نوشیدنی‌های انرژی‌زا در قاره آفریقا از دیگر مقالاتی است که در هفته‌نامه اکونومیست در روز ۱۰ فوریه سال جاری تالیف و منتشر شده است.

دو بخش بسیار مهم از این هفته‌نامه بخش بیزینس و بازارهای مالی است که در این دو بخش به نیروهای نسل پنجم گوشی‌های موبایل پرداخته شده است، وضعیت شرکت سامسونگ و حواشی مسائلی مطرح شده در مورد این شرکت در ماه‌های اخیر، در مورد شرکت ایرپاس، صنعت معدن و سیاست‌های آتی شرکت تاتا در گزارش‌های جداگانه‌ای تحلیل شده است. در مورد ارزش‌های مجازی، تحولات اخیر بازارهای مالی و اوراق قرضه دولتی نیز مقالاتی ارائه شده است.



اقتصاد آمریکا دنیا را به هم می‌ریزد؟

روز شنبه دهم فوریه سال ۲۰۱۸ میلادی، هفته‌نامه اکونومیست منتشر شد. مهمترین مقالاتی را که در این هفته‌نامه منتشر شده است می‌توان این‌طور بیان کرد: قمار اقتصادی آمریکا که به تحلیل اوضاع اقتصادی این کشور در زمان ریاست جمهوری ترامپ و سیاست‌های این رئیس‌جمهوری تازه در قبال تجارت با دیگر کشورها و توافق‌های بین‌المللی پرداخته است. این مقاله به عنوان تیترو اول روی جلد مجله هم انتخاب شده است زیرا عملکرد اقتصادی آمریکا دومین مقاله مهم و اصلی در این هفته‌نامه در مورد صعود الون ماسک، مدیر عامل شرکت تسلا است و در این مقاله به نوآوری‌های تازه شرکت تسلا در صنعت حمل‌ونقل برقی در دنیا پرداخته است. طبق این گزارش الون ماسک را می‌توان یکی از تاثیرگذارترین افراد در صنعت حمل‌ونقل امروزی دنیا دانست زیرا محصولاتش که او با ابداعات خود به بازار عرضه می‌کند پتانسیل ایجاد تغییرات بزرگی در بازار جهانی را دارد.

سومین مقاله مهم به وضعیت اقتصادی آلمان و ائتلافی که برای شکل‌گیری دولت باید ایجاد شود، پرداخته است. وضعیت اقتصادی آلمان بعد از اینکه هیچ یک از احزاب در انتخابات نتوانستند حداکثر آراء را به‌دست آورند و ایجاد دولت ائتلافی ضرورت پیدا کرد، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این مسئله در سال ۲۰۱۷ میلادی شمار کاربران فیس‌بوک به بیش از یک میلیارد نفر رسید و این روند رشد هیچ‌گاه متوقف نشد. تاثیر اجتماعی و اقتصادی فیس‌بوک در دنیای امروزی به اندازه‌ای زیاد بود که زاگربرگ در فهرست اثرگذارترین افراد دنیا جای گرفته است.

زاگربرگ همیشه می‌گوید: علاقه‌ای که به دنیای کامپیوتر داشتم، باعث شد تا ثروتی بیش از آنچه فکرش را می‌کردم به‌دست آورم ولی این موفقیت و ثروت، حاصل این طرز تفکر است که هیچ‌گاه نباید از تلاش باز ایستاد. باید به این درک رسید که شکست بخشی از موفقیت است و بدون آن نمی‌توان از موفقیت برخوردار شد. زاگربرگ هم اکنون به طراحان وب در دنیا کمک زیادی می‌کند و تلاش دارد تا دسترسی افراد به اینترنت را در دنیا افزایش دهد.

چهارمین مقاله مهم و اصلی در این مجله به المپیک زمستانی در کره اختصاص دارد، ایجاد اولین تیم مشترک دو کره در این المپیک و حضور خواهر رهبر کره شمالی در المپیک کره جنوبی، شرکت‌هایی که

در رشته علوم کامپیوتر و استاد دانشگاه است و مادرش تدریس در زمینه برنامه‌نویسی کامپیوتری را در یکی از کالج‌ها در آمریکا برعهده دارد. وی می‌گوید پدر و مادر نقش تعیین‌کننده در افزایش خلاقیت و ایجاد روحیه نوآوری در من داشتند. آنها عامل اصلی موفقیت من بودند و راه رسیدن به پیشرفت و موفقیت را برای من هموار کردند.



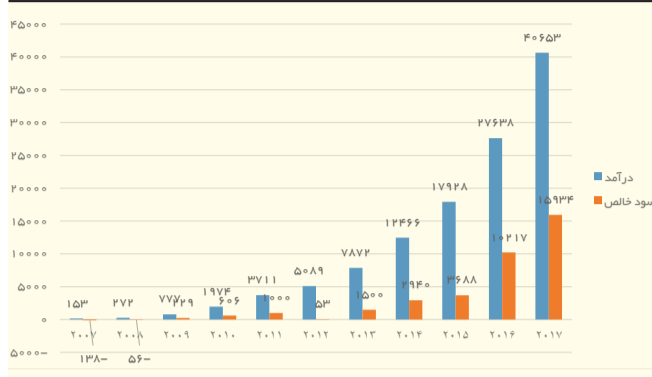
ز خالقان ارتباط مجازی مارک زاگربرگ

او که یک برنامه نویس کامپیوتر و کارآفرین در دنیای اینترنت است، در سال ۱۹۸۴ میلادی در شهر نیویورک متولد شد. وی که یکی از بنیانگذاران اصلی شرکت فیس‌بوک است هم‌اکنون در سمت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره این شرکت فعالیت می‌کند ارزش ثروت او برابر با ۵۶ میلیارد دلار اعلام شده است و این فرد، پنجمین فرد ثروتمند در دنیا است. زاگربرگ از سنین کودکی تمایل زیادی برای ساخت بازی‌های کامپیوتری و کار کردن با کامپیوتر داشت و شبکه‌های اجتماعی برای طراحی کرد که هیچ یک از آنها به اندازه فیس‌بوک محبوبیت نداشت. او همیشه بیان می‌کند که ایجاد همان پلتفرم‌های ارتباط اجتماعی باعث شد تا بتواند شبکه‌ای بی‌عیب و نقص مانند فیس‌بوک را طراحی کند. البته حتی بعد از راه‌اندازی فیس‌بوک هم، این دانشمند و کارآفرین دنیای اینترنت از تلاش باز نماند و چندین شبکه ارتباطی و اجتماعی دیگر هم طراحی کرد که از جمله آنها می‌توان به wire-nect اشاره کرد.

زاگربرگ به دلیل ایجاد شبکه فیس‌بوک عنوان یکی از اثرگذارترین افراد دنیا در عرصه اقتصادی را به خود اختصاص داده است زیرا این شبکه اجتماعی ضمن درآمدزایی و اشتغالزایی زیاد، تحولی بزرگ در عرصه ارتباطی در دنیا به‌وجود آورد. اما یک سؤال مهم این است که شبکه اجتماعی فیس‌بوک چه زمانی راه‌اندازی شد و زاگربرگ چگونه در این مسیر قدم نهاد. زاگربرگ در خاطراتش این‌طور نوشته است: زمانی که دانشجوی دانشگاه هاروارد بود شبکه ارتباطی فیس‌بوک را طراحی کردم. این ابداع در سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد و تنها با هدف برقراری رابطه بین دانشجویان فیس‌بوک بود. زمان راه‌اندازی این شبکه روز چهارم فوریه سال ۲۰۰۴ بود و به تدریج استقبال از آن افزایش یافت. در سال ۲۰۱۷ میلادی شمار کاربران فیس‌بوک به بیش از یک میلیارد نفر رسید و این روند رشد هیچ‌گاه متوقف نشد. تاثیر اجتماعی و اقتصادی فیس‌بوک در دنیای امروزی به اندازه‌ای زیاد بود که زاگربرگ در فهرست اثرگذارترین افراد دنیا جای گرفته است.

زاگربرگ همیشه می‌گوید: علاقه‌ای که به دنیای کامپیوتر داشتم، باعث شد تا ثروتی بیش از آنچه فکرش را می‌کردم به‌دست آورم ولی این موفقیت و ثروت، حاصل این طرز تفکر است که هیچ‌گاه نباید از تلاش باز ایستاد. باید به این درک رسید که شکست بخشی از موفقیت است و بدون آن نمی‌توان از موفقیت برخوردار شد. زاگربرگ هم اکنون به طراحان وب در دنیا کمک زیادی می‌کند و تلاش دارد تا دسترسی افراد به اینترنت را در دنیا افزایش دهد.

نرخ رشد اقتصادی فملی اتحادیه اروپا (درصد)



غول اینترنتی لاری پیچ

لاری پیچ مدیرعامل شرکت گوگل است که در سال ۱۹۷۳ میلادی در کالیفرنیا آمریکا متولد شد. وی یک دانشمند حوزه کامپیوتر است که مدرک کارشناسی خود را در رشته کامپیوتر از دانشگاه میشیگان دریافت کرد و برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در رشته علوم کامپیوتر به دانشگاه استنفورد رفت.

او یک کارآفرین برجسته در دنیای اینترنت محسوب می‌شود که در سال ۱۹۹۸ میلادی به همراه سرچی برین شرکت گوگل را راه‌اندازی کرد. او در سال ۲۰۰۱ میلادی از سمت مدیریت این شرکت کناره‌گیری کرد و اریک اشمیت به عنوان مدیرعامل انتخاب شد ولی در سال دوباره به سمت قبلی خود بازگشت و در سال ۲۰۱۵ بعد از انتخاب شدن به عنوان مدیرعامل شرکت alphabet که شرکت مادر گوگل است ارتقای مقام پیدا کرد.

او یکی از افرادی است که در طراحی و تولید PageRank هم نقش داشته است. PageRank یک الگوریتم رتبه‌بندی گوگل است که می‌تواند اطلاعاتی در مورد شبکه‌ها و سایت‌هایی که بالاترین میزان بازدید را دارند در اختیار شما قرار دهد. وی یکی از ثروتمندترین افراد دنیا است که تمامی ثروتش را در نتیجه تلاش‌های خود به‌دست آورده است. ارزش ثروت او در سال ۲۰۱۷ میلادی برابر با ۵۳ میلیارد دلار آمریکا بود. وی در مصاحبه‌ای با نشریه تایمز در مورد خطرات دوران کودکی اش گفته است: من به یاد می‌آورم که در تمام دوره کودکی و نوجوانی اناکم پسر از مجلات و مقالات تالیف شده در زمینه علم کامپیوتر بوده است. او پدر و مادرش را از تاثیرگذارترین افراد در موفقیت حرفه‌ای اش می‌داند زیرا به او در مسیری که قصد داشت طی کند کمک کردند. پدری دارای مدرک دکتری

وارد شده است و بسیاری از مردم بر این باور هستند که سیاست‌های او در عرصه کاری برخلاف سیاست‌های مطرح شده در عرصه رقابت آزاد است.

بیل گیتس در طول سال‌های کارش با شرکت مایکروسافت، مبالغ کلانی به خیریه‌ها کمک کرد و کمک‌های زیادی به مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی کرد. وی در مورد دلیل این کارش گفت: من می‌خواهم به دنیا نشان دهم که این فعالیت تجاری و اقتصادی می‌تواند زندگی تمامی مردم دنیا را تحت‌تأثیر قرار دهد. می‌خواهم نشان دهم که تنها من از منافع مالی این بیزینس منفعت نبرده‌ام بلکه تمامی دنیا می‌توانند از نتایج این موفقیت اقتصادی بهره‌مند شوند. او از ارائه کمک مالی به کشورهای آفریقای و فقیرترین مردم دنیا هم سر باز نمی‌زند و اخیراً اعلام کرده است که ۵ میلیارد دلار برای بهبود شرایط زندگی به مردم آفریقای جنوبی خواهد داد. به همین دلیل است که بیل گیتس یکی از تاثیرگذارترین افراد در اقتصاد دنیا است زیرا ضمن ایجاد یک شرکت سودآور، ثروت کلان، فرصت شغلی برای هزاران نفر، از طریق ارائه کمک مالی به مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی تحول بزرگی در زندگی نوع بشر ایجاد کرده است. او اخیراً ۱۰۰ میلیارد دلار برای مطالعات بیماری آلزایمر اختصاص داده است.

بیل گیتس در سال ۲۰۰۰ میلادی از مدیر عاملی شرکت مایکروسافت کناره‌گیری کرد و تنها به عنوان رئیس بخش طراحی نرم‌افزار در این شرکت به کار مشغول بود. در سال ۲۰۰۶ او تصمیم گرفت در بنیاد بیل و ملیندا گیتس به صورت تمام‌وقت کار کند. او در سال ۲۰۱۴ حتی ریاست هیئت‌مدیره مایکروسافت را هم کنار گذاشت و تنها به ارائه مشاوره در زمینه فنی به این شرکت اکتفا کرد. او بخش زیادی از سهام شرکت را به رؤسای تازه واگذار کرد.

به تدریس بود. او اولین زنی است که تاکنون به ریاست فدرال رزرو آمریکا انتخاب شده است و در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ در این سمت مشغول به کار بود. او قبل از اینکه ریاست فدرال رزرو آمریکا را بر عهده بگیرد، رئیس فدرال رزرو سانفرانسیسکو بود، رئیس کنسول مشاوران اقتصادی کاخ سفید در دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون و استاد درس بازرگانی در دانشگاه برکلی بود. دوران ریاست وی در روز سوم فوریه رسماً پایان یافت و در روز دهم از سمتش کناره‌رفت.

او یکی از حامیان طرح تزریق به اقتصاد در جریان بحران اقتصادی در آمریکا بود زیرا بر این باور بود بدون حمایت از اقتصاد، دوره رکود طولانی خواهد شد. در نتیجه همین تزریق‌ها بود که اقتصاد آمریکا توانست با کمترین آسیب از بحران خارج شود. او با افزایش سریع نرخ بهره بانکی و عادی‌سازی شرایط اقتصادی بدون مهیا بودن زیرساخت‌ها هم موافق نبود و به همین دلیل علیرغم مثبت بودن عملکرد اغلب شاخص‌های اقتصادی در سال‌های اخیر و فشارهای سیاسی و اقتصادی، از افزایش نرخ سریع بهره بانکی و رساندن آن به سطح عادی یعنی حدود ۲ درصد در اقتصاد آمریکا ظرف این چهار سال ریاستش، امتناع کرد.

او دسامبر سال ۲۰۱۶ میلادی برای اولین بار از سال ۲۰۰۶ میلادی اقدام به افزایش نرخ بهره بانکی کرد ولی در جریان رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا، دونالد ترامپ تأکید کرد که از ادامه حضورش به عنوان رئیس فدرال رزرو حمایت نمی‌کند.

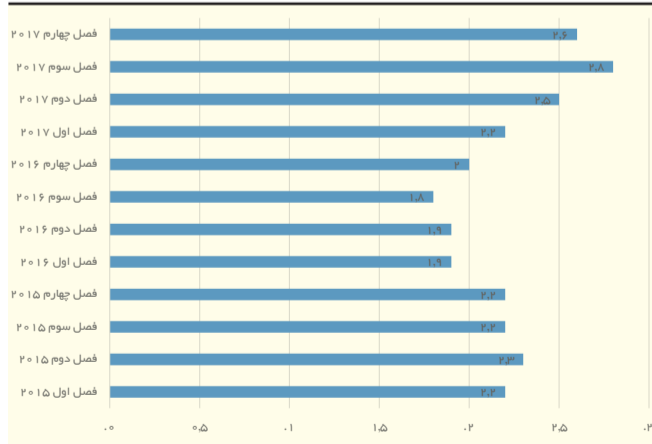
تحقیقات انجام شده توسط روزنامه واشنگتن‌پست نشان می‌دهد در دوره ریاست جان پلن، نرخ بیکاری در آمریکا با بالاترین نرخ از سال ۱۹۴۸ میلادی تاکنون تنزل یافته است و نرخ بازگشت ارزش سهام در این کشور با بالاترین سرعت طی دو دهه اخیر رشد کرده است. بسیاری از گزارش‌ها حاکی از آن است که در دوره ریاست هیچ یک از روسای قبلی در فدرال رزرو آمریکا، این کشور نتوانسته است رشدی مشابه رشد بازار سرمایه و ارزش سهام را مشاهده دوره‌ای تجربه کند و همین مسئله نشان‌دهنده تأثیرگذاری این بانوی اقتصاددان در اقتصاد آمریکا و جهان است.



بولدادر و خیر بیل گیتس

میلیارد، سرمایه‌گذار، بازرگان و کارآفرینی که در سال ۱۹۵۵ میلادی در سیاتل متولد شد. وی در سال ۱۹۷۵ میلادی همراه با پل آلن شرکت مایکروسافت را راه‌اندازی کرد. شرکتی که با گذشت چند سال به بزرگترین شرکت تولیدکننده نرم‌افزارهای کامپیوتر تبدیل شد و هنوز هم در صدر شرکت‌های فعال در این زمینه قرار دارد. وی مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت مایکروسافت است و تا سال ۲۰۱۴ میلادی او سهامدار اصلی این شرکت بود. وی از سال ۱۹۸۷ میلادی تاکنون در فهرست ثروتمندترین و تاثیرگذارترین افراد دنیا جای دارد. بیل گیتس ثروتمندترین فرد دنیا است و ارزش سرمایه و ثروت او بالغ بر ۸۶ میلیارد دلار آمریکا است. البته انتقادات زیادی به او

درآمد و سودآوری فیسبوک (میلیون دلار)



۲۰.۹  
میلیارد دلار  
ارزش سرمایه آلون ماسک

۱۵.۹  
میلیارد دلار  
سود خالص فیس‌بوک در سال ۲۰۱۷

۴۰.۶  
میلیارد دلار  
درآمد فیس‌بوک در سال ۲۰۱۷

۰.۲۵  
درصد  
نرخ بهره اروپا و آمریکا در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی

## اعداد امروز

۳۰

### میلیارد تومان

برای گذر از خاموشی پایتخت‌نشینان نیاز است. به گفته حسین صبوری، مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران، هر ساله دو اقدام برای گذر از بیک مصرف صورت می‌گیرد که یکی از آنها توسعه و اصلاح شبکه و دیگری کارهایی در راستای مدیریت مصرف است که شامل موضوعات فرهنگی و ترویجی می‌شود.

۳۶

### هزار سکه

در طرح پیش فروش سکه بانک مرکزی فروش رفت. این یعنی اینکه حدود ۳۶ میلیارد تومان از تقبیل‌نگی جامعه جذب شبکه بانکی شده است. طرح پیش فروش سکه که با هدف پوشش تقاضای مصرفی خانوارها و تقاضای سرمایه‌گذاری از سوی بانک مرکزی کلید خورده است، تا اطلاع ثانوی در ۱۱۳ شعبه بانک ملی ایران ادامه دارد و همه افراد بالای ۱۸ سال می‌توانند به هر تعداد، سکه پیش خرید کنند.

۱۰

### درصد

رشد بدهی بخش دولت در پایان آذرماه امسال نسبت به آذرماه سال گذشته است. نگاهی به آخرین آمارهای بانک مرکزی از ترکیب بدهی دولت و بانک‌ها نشان می‌دهد که در پایان آذرماه امسال بدهی بخش دولتی به ۶۳ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان رسیده است.

۶۰۰۰

### واحد صنعتی

با پیشرفت فیزیکی بالاتر از ۶۰ درصد با نظارت معاونت طرح و برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت تا پایان سال تکمیل می‌شود.

۱۵۷

### بنگاه

از مجموعه شرکت‌های شستا با احتساب شرکت‌هایی که زیرمجموعه تأمین اجتماعی هستند و آگزار خواهد شد. مرتضی لطفی، مدیرعامل شستا، گفت: طبقه واگذاری به این صورت است که آنها را به مزایده می‌گذاریم و کشف قیمت می‌کنیم اگر قیمت مطابق کارشناسی ما بود آن را به خریدار واگذار و در غیر این صورت آن را در فرابورس عرضه می‌کنیم.

۳۶/۷

### درصد

از کل نفت صادراتی ایالات متحده به آسیا فرستاده می‌شود. از این میان، ۷/۶ درصد به آمریکای جنوبی و ۲۵/۷ درصد به اروپا و ۲۹/۵ درصد به آمریکای شمالی صادر می‌شود. به این ترتیب آسیا یک سوم از میزان کل صادرات نفت آمریکا را می‌خرد.



گزارش میدانی روزنامه‌ی سازندگی از وضعیت بافت فرسوده در پایتخت و زندگی مردم در این محله‌ها

## زندگی نرزان

### یزدان مرادی

خبرنگار

درصد از جمعیت کل پایتخت، این مناطق را اشغال کرده است. به همین دلیل هم سهم بیشتری از نوسازی نصیب تهران خواهد شد. کوچه، یک متر بیشتر عرض ندارد و مثل یک دالان تا ده متر کشیده شده است. هشت خانه دو طبقه از ده سال پیش در این بن بست جا خوش کرده‌اند و صدای سوت علمک‌های گاز هرکدامشان در گوش دیوارهای سیمانی و کاه‌گلی پیچیده است. رخت‌ها روی پنجره خانه‌ها پهن است و نم روی دیوارها را پوشانده است. کابل‌های سیاه از تیر چراغ برق سر کوچه به سمت پنجره‌ها کشیده شده است. دیوار تعدادی از خانه‌ها تاب برداشته و سیمان و گچ‌شان روی زمین ریخته است. زن و مردی جوان دست همدیگر را رها می‌کنند تا بتوانند از عرض یک متری کوچه رد شوند. مرد جوان می‌گوید: «اینجا محله باغ آذری در جنوب تهران است. اگر یک زلزله کوچک بیاید، همه‌مان دفن می‌شویم، راه فرار نداریم. تا از خانه بیرون بیایم، همه دیوارها روی سرمان خراب می‌شود.»

هراس از مرگ بر اثر زلزله، موضوعی است که رئیس‌جمهور نیز هنگام تشریح طرح ملی بازآفرینی شهری به آن اشاره کرد و گفت: «بخشی از کشور ما روی گسل قرار دارد و خانه‌های این مناطق باید در اولویت احیا و مقاوم‌سازی قرار گیرند. باید طرحی اجرا کنیم که مردم ساکن در بافت‌های فرسوده با شرایط آسان‌تری به خانه امن برسند. راه‌حل این است

نوزده میلیون نفر، جمعیت از کل کشور در بافت‌های فرسوده زندگی می‌کنند، عددی که معادل جمعیت کشور اروپایی رومانی است. بافت فرسوده‌ای که حالا قرار است با «طرح ملی بازآفرینی شهری» حسن روحانی، «نونوار» شود. نونوار شود تا شهرها دیگر شاهد بافت خسته و بهم‌ریخته که با خود ماجرای‌های زیاد و مشکلات فراوان می‌آورد نباشد و شاید از ظرفیت آنها استفاده شود تا بخش مسکن و ساخت‌وساز هم‌تکانه بخورد و این رکود چله گذاشته بر این بخش اقتصاد جایش را به رونق و سازندگی بدهد.

بازسازی بافت فرسوده البته به همین سادگی‌ها نیست. برای اجرای این طرح در پنج سال پیش رو، مجموعاً به ۱۲۳ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است که قرار است ۳۸ هزار میلیارد تومان آن از طرف دولت، ۴۸ هزار میلیارد تومان از سوی بخش خصوصی و ۳۷ هزار میلیارد تومان دیگر هم توسط شهرداری‌ها تأمین شود.

### محله باغ آذری؛ کوچه‌هایی با عرض یک متر

بیش از دو میلیون نفر از تهرانی‌ها از ساکنان بافت‌های فرسوده هستند، یعنی ۱۵

که کل محله بازسازی شود چون خانه‌های فرسوده در کوچه‌های باریکی قرار گرفته‌اند و در مواقع ضروری، آمبولانس، آتش‌نشانی و پلیس نمی‌توانند وارد کوچه‌ها شوند. این محله‌ها مشکلات اجتماعی هم دارند بنابراین باید هنگام ساخت‌وساز به مسائل اجتماعی و فرهنگی هم توجه شود.»

محله باغ آذری در ابتدای خیابان شهید بخارایی است. این خیابان حدود ۳۰۰ متر از ایستگاه متروی شوش فاصله دارد. ده‌ها انبار کالا در مسیر است که کارگران‌شان، پُر سر و صدا، جعبه‌های بزرگ و کوچک را به مقصد استان‌های مختلف بار کامیون‌ها می‌کنند. کرکره مغازها آهنی و زنگ‌زده است. بیشتر دیوارها نه‌پس‌داده و گچ‌کاری شده‌اند. بالای پشت‌بام تعدادی از آنها حلب گذاشته‌اند و کابل برق از هر روزنه‌ای به داخل مغازه‌ها وارد شده است. تعدادی از کوچه‌ها در سراسیمگی شکل گرفته و عابران هنگام پیاده‌روی، شلنگ می‌اندازند. یک دستگاه موتور برای رسیدن به سربالایی به فیس افتاده و دود غلیظ سفید از آگزوز آن به هوا بلند شده است. از ابتدای کوچه، سقف خانه‌ها معلوم است. چند آهنگ تکه پاره و تعدادی پلاستیک روی دیو دستشویی‌ها پیداست. هر سه چهار متر یک خانه ساخته شده و دیوارها به دو متر هم نمی‌رسند. مردم برای حفاظت از حریم خانه‌شان، دیوارها را با پلاستیک‌های فایبرگلاس زردرنگ، مرتفع کرده‌اند. هر خانه

۳۰-۴۰ متر است. یک ماشین بیشتر نمی‌تواند از عرض کوچه عبور کند. داود در بنگاهی سر کوچه نشسته است. می‌گوید: «بیشتر خانه‌های اینجا برای چهار سال پیش است. با پنج میلیون تومان ماهی ۲۰۰ هزار تومان می‌شود یک اتاق ۱۵ متری اجاره کرد. اما اگر زن و بچه داشته باشی باید ۱۰ میلیون تومان پیش، ماهیانه ۴۰۰-۵۰۰ هزار تومان اجاره بدهی. لوله‌های آب و گاز خانه‌های اینجا خیلی قدیمی و پوسیده است. هر از گاهی می‌ترکد و ساکنان باید کلی هزینه تعمیرات بدهند.»

### منطقه ۱۷؛ فرسوده‌ترین بافت تهران

حدود ۳۰ درصد بافت فرسوده کلانشهر تهران در منطقه ۱۷ در جنوب پایتخت متمرکز شده است. جایی که محله‌هایی مثل قلعه مرغی و فلاح در آن ساخته شده و خطوط راه آهن هم از آن عبور می‌کند. بسیاری از خانه‌های محله فلاح بافت فرسوده دارد و قدمت تعدادی از آنها به ۵۰ سال پیش برمی‌گردد. در این منطقه هم کوچه‌هایی با عرض یک متر وجود دارد اما نوسازی آبارتمان‌ها نیز در حال انجام است. در انتهای بن بست ۹ متری با عرض یک متر، خانه‌ای با در آبی‌رنگ جا خوش کرده. دو طبقه است و چهار متر حیاط دارد. دیواره داخلی سیمانی است و کمی تاب برداشته است. یک پله آهنی زنگ زده به طبقه دوم کشیده شده است. آجر

دیوارها معلوم است و ترک روی قسمتی از آن به چشم می‌خورد. کریم، صاحبخانه، برای نوسازی اقدام کرده اما گفته‌اند باید حدود ۲۵ میلیون تومان بدهد. می‌گوید: «این خانه ۵۰ سال عمر دارد و فرسوده است. در زمستان‌ها لوله‌های سیخ می‌زند و باید با آب جوش یخش را آب کنیم. چندبار برای نوسازی به شهرداری رفتم. گفتند شرایط خانه شما در طرح ما نیست و باید ۲۵ میلیون تومان بابت خرید کوچه ۹ متری‌تان بدهید تا بتوانید از مزایای طرح ما استفاده کنید. من کارمند هستم و ماهی یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان درآمد دارم. چطور این پول را تهیه کنم؟»

البته دغدغه پرداخت پول در طرح بازآفرینی شهری دیده شده است. رئیس‌جمهور گفت: «مردمی که منازل فرسوده دارند، نباید چیز دیگری جز منزل فرسوده خود را واگذار کنند. آنها اگر ۸۰ متر ساختمان فرسوده دارند جای آن ۱۰۰ متر ساختمان جدید می‌گیرند. دولت هم برای ساخت این واحدهای مسکونی از پیش به بودجه‌ای نیاز ندارد. چون زمین مجانی در اختیار توسعه‌گرها قرار می‌گیرد. توسعه‌گر دو برابر منازل فرسوده یک محل خانه می‌سازد که ۵۰ درصد آن را در اختیار مردم همان محل قرار می‌دهد و ۵۰ درصد باقیمانده هم به خود توسعه‌گر تعلق دارد و دولت فروش سریع آن را با قیمت عاقلانه تضمین می‌کند. شهرداری از توسعه‌گر پول پروانه نگرفته و در نقشه هم

## نگاه کارشناس

### نیازی به مداخله دولت نیست

لزم زمینه‌سازی برای ورود انبوه‌سازان

رخ دهد. این تفکر که می‌توان مشکل مسکن را با پول و اعتبار حل کرد، اشتباه است و از چهار سال پیش توسط دولتمردان مختلف اجرا شده و هر بار ناکام مانده است. نباید فراموش کرد، بافت فرسوده فقط با سیاست‌گذاری درست به معنای ورود مردم و انبوه‌سازان به عرصه ساخت‌وساز سامان پیدا می‌کند. برخلاف آمار اعلام شده از

از سوی دولتمردان و ایجاد محدودیت در روند ساخت‌وسازها برای انبوه‌سازان، دچار رکود شده است. رویکرد دولت نسبت به بافت‌های فرسوده نیز نشان می‌دهد که مسئولان، مفهوم بافت فرسوده را درک نکرده‌اند. در واقع ورود دولت به هرگونه ساخت‌وساز اشتباه است و نباید این اتفاق



### علی عبدالعلی زاده

وزیر اسبق مسکن

بافت فرسوده نیازمند مداخله پولی دولت نیست بلکه به سیاست‌های روشن برای ساخت‌وساز نیاز دارد. بازار مسکن در ۱۰ سال اخیر به دلیل اتخاذ تصمیم‌های نادرست

سوی برخی مسئولان، کشور ما نه تنها دارای مسکن اضافه نیست بلکه در این خصوص کمبود هم دارد و نیازمند سالانه ۵۰۰ هزار واحد مسکونی است. همین کمبود، باعث افزایش اجاره‌ها تحت شرایط مختلف و بالا رفتن قیمت‌ها در بازار مسکن شده است. دولت باید برای بروزرفت از این شرایط، زمینه ورود انبوه‌سازانی که قصد فعالیت در

حوزه بافت‌های فرسوده را دارند هموار کند، ساخت‌وساز در این مناطق را در اختیار خود مردم بگذارد و با اعمال سیاست‌های تشویقی مانند تسهیل در ارائه پروانه ساخت‌وساز، ارائه تسهیلات بانکی به انبوه‌سازان و مواردی از این دست، مشکلات پیش روی مسکن را حل کند و در راستای احیای بافت‌های فرسوده و رونق ساخت‌وساز قدم بردارد.

۳۷۰۰۰

### میلیارد تومان

سهم شهرداری‌ها برای تأمین بودجه بافت‌های فرسوده

۳۸۰۰۰

### میلیارد تومان

سهم دولت برای تأمین بودجه بافت‌های فرسوده

۴۸۰۰۰

### میلیارد تومان

سهم بخش خصوصی برای تأمین بودجه بافت‌های فرسوده

۱۲۳۰۰۰

### میلیارد تومان

بودجه لازم برای احیای بافت‌های فرسوده کشور

۱۹

### میلیون نفر

ساکنان بافت‌های فرسوده کشور





مردمی که منازل فرسوده دارند، نباید چیز دیگری جز منزل فرسوده خود را واگذار کنند. آنها اگر ۸۰ متر ساختمان فرسوده دارند جای آن ۱۰۰ متر ساختمان جدید می‌گیرند. دولت هم برای ساخت این واحدهای مسکونی از پیش به بودجه‌ای نیاز ندارد. چون زمین مجانی در اختیار توسعه‌گرها قرار می‌گیرد.



بازارچه: پول و سرمایه

## دوگانه فلز زرد

### مروری بر وضعیت بازار سهام ایران و جهان

گذاشت. یعنی دلار دیگر تقویت نخواهد شد و در نتیجه تکلیف طلا هم تا حدودی مشخص خواهد شد. در کنار بازار متناقض و متفاوت طلا، بازار سهام تهران نیز با اندکی نوسان در مسیری با افت و خیز حرکت می‌کند. شاخص کل بورس تهران نخستین ساعت‌های کاری ۲۱ بهمن ماه را که نخستین روز هفته نیز بود با ۹۸ هزار و ۲۹۹ واحد شروع کرد اما به مرور در طول روز روندی نزولی را در پیش گرفت و در ظهر همین روز به ۹۷ هزار و ۷۸۲ واحد رسید. این شاخص در یک ماه گذشته رکورد ۹۹ هزار و ۵۲۲ واحد را ثبت کرده که در تاریخ چند ساله آن کم‌نظیر بوده است. آنچه در بازار سهام بسیار مورد توجه قرار گرفت، نابسامانی وضعیت ارز بود که باعث شد محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز نسبت به آن موضع بگیرد و بابت آن از ضعف نظارتی بانک مرکزی انتقاد کند. بازارهای سهام جهانی نیز در این مدت بدون نوسان معامله اکثر و نیک سهام در آمریکا افزایش ۱۱ درصدی را نسبت به روز کاری گذشته‌اش تجربه کرده است. بازارهای سهام آسیایی وضعیت دیگری داشته و برخی از آن‌ها با کاهش ارزش همراه شدند. بورس شانگهای به عنوان یکی از دو بورس برتر چین و پنجمین بازار سهام جهان بر اساس پایه ارزش، در آخرین روز کاری بازار، کاهش ۰.۳ درصدی را تجربه کرد.

دلار هر روز قدرت بیشتری می‌گیرد و هم‌زمان با آن فلز زرد از چشم سرمایه‌گذاران می‌افتد. البته افزایش نگرانی‌ها درباره افزایش نرخ بهره از سوی فدرال رزرو آمریکا نیز باعث کاهش ارزش طلا می‌شود. قیمت هر اونس طلا در روز شنبه ۲۱ بهمن به ۱۳۱۶٫۶۵ دلار در هر اونس رسید که کاهش ۰٫۳ درصدی را نسبت به هفته گذشته تجربه می‌کند. البته ترسی که بر بازار سرمایه در ایالات متحده آمریکا حاکم است مانع کاهش بیشتر ارزش این فلز گرانبها می‌شود. در واقع همین ترس باعث می‌شود طلا هنوز به چشم کالایی امن برای سرمایه‌گذاری در دوران بحرانی دیده شود. هر چند طلا در مسیر نزولی قدم برمی‌دارد، دلار قوی‌ترین روزهای خود را به ثبت می‌رساند. به گزارش رویترز، دلار در هفته گذشته به بیشترین ارزش خود در ۱۵ ماه گذشته رسید. به این ترتیب بازار طلا در وضعیتی دوگانه و متعارض قرار گرفته است. از یک سو سرمایه‌گذاران به خاطر ترس خود از وضعیت بازار، طلا را کالایی امن برای سرمایه‌گذاری می‌دانند و تمرکز خود را روی آن قرار می‌دهند و از سوی دیگر دل‌های وجود دارند که معتقدند نرخ بهره افزایش پیدا می‌کند و همراه با خود دلار را بالا می‌کشند و به همین خاطر کمتر معامله می‌کنند. برخی تحلیل‌گران معتقدند اگر برنامه کاهش مالیات از سوی دولت آمریکا عملی شود، اقتصاد این کشور تقویت خواهد شد اما اگر این کار انجام نشود، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی آمریکا و در نهایت بر ارزش دلار خواهد

رحمان، مشاور املاک این محله می‌گوید: «خانه‌های ۲۰-۳۰ متری در زیرزمین را می‌توان با ۱۰ میلیون تومان ماهی ۳۰۰ هزار تومان اجاره کرد. البته قبلا پارکینگ‌ها را حمام و دستشویی می‌زدند و اجاره می‌دادند اما این اتفاق دیگر نمی‌افتد. حالا مجردها مغازه‌ها را برای سکونت اجاره می‌کنند؛ ۱۲ متر با سه میلیون تومان پیش، ماهی ۵۰۰ هزار تومان.» به گفته رحمان، سه چهارم ماهی است بازار مسکن رونق گرفته و ساخت‌وساز افزایش داشته است.

#### ۱۰۰ میلیارد تومان برای هر محله

بر اساس قانون باید سالی ۲۷۰ محله مورد بازسازی قرار گیرد. عشایری، سرپرست شرکت عمران و بهسازی شهری با بیان اینکه نوسازی بافت‌های فرسوده در لایحه ۹۷ دیده شده است، گفت: «باید برای هر محله حدود ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه کنیم تا به میانگین آن شهر برسند. در طول ۵ سال برای ۱۳۴۴ محله، ۱۲۳ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است. اگر لایحه به تصویب برسد و بخواهیم با رویکرد محله‌محور شروع کنیم، این امر از شهریور ۹۷ عملیاتی خواهد شد.»

این در حالی است که رییس کمیسیون عمران مجلس با بیان اینکه به دلیل بودجه اندک سال آینده، عملاً امکان آغاز نوسازی در سال ۹۷ وجود ندارد، گفت: «بر اساس هدف‌گذاری‌های صورت گرفته سالی ۲۷۰ محله باید بازسازی شود، اما ما در بودجه ۹۷، قرار بود از افزایش حامل‌های انرژی و صندوق توسعه ملی اعتبارات لازم را تأمین کنیم که کمیسیون تلفیق آن را رد کرد.» بنابراین عملاً در سال آینده دیگر نمی‌توان کاری کرد زیرا بودجه موجود بسیار کم است. البته محمدرضا رضایی تأکید کرد هنوز فرصت باقی است و می‌توان در صحن علنی مجلس این موضوع را پیگیری کرد؛ نوسازی بافت فرسوده که به دلیل زندگی حدود ۱۹ میلیون نفر در آن، نیاز مبرم به توجه و رسیدگی سریع دارد.

دیوارها تا ۱۰ متر بالا رفته است. دیوارها تاب و نم دارد و سیمانی است. تعدادی از اهالی پنجره‌های خانه‌شان را با نایلون پوشانده‌اند. سعید می‌گوید: «هزینه این تعمیر فاضلاب، ۵۰۰ هزار تومان می‌شود. یک زلزله بیاید چه کار کنیم؟ ۳۷ سال است همینطوری است و تغییری نکرده. خانه‌های اینجا بیشترشان سند ندارد. مردم کارگرند و درآمد ماهیانه‌شان یک میلیون تومان است.» بر اساس طرح دولت قرار است در مرحله اول، ۱۲ نقطه در تهران بازآفرینی شود و بعد این رقم به ۳۰ نقطه برسد. رئیس جمهور گفت: «اینکه روزانه هزار نفر در صندوق پس‌انداز مسکن سپرده‌گذاری می‌کنند رقم خوبی است این یعنی این تعداد تا دو سال آینده خانه‌دار می‌شوند. من این طرح را هدیه دولت دوازدهم به مردم و نسل جوان خانه اولی می‌دانم.»

خاک سفید در شرق تهران در دهه ۶۰ محل تجمع افرادی مشهور به «غربتی‌ها» بود که با توزیع مواد مخدر و ارتکاب انواع جرایم باعث ناامنی و رشد بزه در این منطقه شده بودند. بعضی‌ها درباره آن زمان خاک سفید تعریف می‌کنند که دستگیر کردن خلافکارهای این محله خیلی سخت بود. چراکه زیرزمین بیشتر خانه‌ها به هم راه داشته و خلافکارها از هر خانه‌ای وارد می‌شدند، از ۱۰ خانه آن طرف‌تر سر در می‌آوردند. اما سال ۷۹، نیروی انتظامی در طرحی ضربتی خلافکارهای این منطقه را دستگیر کرد و از همان موقع هم خاک سفید، تبدیل به محله‌ای دیگر شد. ساخت‌وساز شروع شد و زیرزمین‌های و دالان‌های عبوری خلافکارها هم از بین رفت. حالا به جای محله غربتی‌های سابق، یک پارک، بازار میوه و تره‌بار و زمین ورزشی گلشن ساخته شده است. با این وجود نیاز به نوسازی خانه‌ها و معابر، جوی آب‌ها و سایر زیرساخت‌های شهری همچنان وجود دارد. بیشتر مغازه‌ها سمساری، میوه‌فروشی و تعمیرگاه ماشین و موتور است. شغل مردم نیز بیشتر کارگری است و از قومیت‌های مختلف ایرانی و افغان در این منطقه ساکن هستند.

دیوارهایشان با فایبرگلاس زردنگ پوشیده شده است. عباس، مشاور املاک سر خیابان به نوسازی تعدادی از خانه‌ها و ساخت آپارتمان‌های جدید اشاره می‌کند و می‌گوید: «اجاره خانه‌های فرسوده از پنج میلیون تومان، ماهی ۲۵۰ هزار تومان شروع می‌شود. این خانه‌ها معمولاً دو اتاق ۱۲ و ۱۴ متری دارند و سرویس بهداشتی و حمام‌شان با بقیه ساکنان مشترک است. بعضی خانه‌ها هم ۲۰ میلیون تومان پیش با ماهی ۱۰۰ هزار تومان معامله می‌شود اما خرابه و کنگلی است. البته در یک سال اخیر، ساخت‌وساز رونق گرفته و بیشتر شده است. برای اجاره خانه‌های نوسازی شده ۶۰ متری باید ده میلیون تومان، ماهی ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کنید. با ۷۰ میلیون تومان هم می‌شود آنها را رهن کامل کرد. اینجا زوج‌های جوان برای اجاره خانه می‌آیند اما در هرجایی نمی‌شود زندگی کرد.» رئیس جمهور با تأکید بر اینکه نرخ تسهیلات برای زوج‌های جوان متقاضی خرید خانه در مناطق بازآفرینی شده شش درصد است، تأکید کرد: «زوجی که می‌خواهد صاحب خانه شود هر مقداری که در صندوق پس‌انداز مسکن سرمایه‌گذاری کنند ۶ برابر یا بیشتر از آن را وام می‌دهیم تا خانه‌های ساخته شده سریع فروش بروند. نرخ تسهیلاتی که به زوج‌ها تعلق می‌گیرد باید ۸ درصد باشد و اگر زوجی خواست در منطقه بازآفرینی شده خانه بخرد این نرخ باید ۶ درصد شود. من از همه زوج‌های جوان می‌خواهم ساختمان‌های بازآفرینی شده را در تهران و سایر شهرها مدنظر قرار دهند. این وظیفه ماست که همه جوان‌ها را خانه‌دار کنیم و اینکار باید هر چه زودتر انجام شود تا جوان‌ها احساس آرامش بیشتری داشته و راحت‌تر زندگی کنند و نگران تشکیل خانواده نباشند.»

#### خاک سفید: نیاز به نوسازی

مرد افغان کلنگ‌راه جان کوچه انداخته؛ لوله فاضلاب نشست کرده و نیاز به تعمیر دارد. مرد سالخورده، صندلی آورده و جلوی در خانه‌اش نشست. مردی جوان بالای سر مرد افغان است. سه زن چادری نیز از فاصله سه متری نگاه می‌کنند. گل در کوچه نشست. عرض کوچه یک متر بیشتر نیست و

به او کمک می‌کند. دولت تمام امور زیربنایی محله را بر عهده گرفته و رونماها مثل مدرسه، آتش نشانی، کلاتری و مسجد را شهرداری و دولت بر عهده می‌گیرد. بانک‌ها هم به توسعه‌گر سریع وام می‌دهند.»

اجاره املاک فرسوده در فلاح بین دو تا ده میلیون تومان متغیر است. امیر بنگاهی می‌گوید: «یک اتاق ۲۰ متری فرسوده با دستشویی مشترک را می‌توان دو میلیون تومان، ماهی ۲۰۰-۳۰۰ هزار تومان اجاره کرد. با ۵ میلیون تومان ماهی ۳۵۰ هزار تومان هم می‌توان خانه گرفت. البته خانه‌های جدید قیمت‌شان بیشتر است و بالای ده میلیون تومان، ماهی ۵۰۰ هزار تومان معامله می‌شوند. اگر اینجا نوسازی شود، کسب‌وکار هم رونق می‌گیرد.»

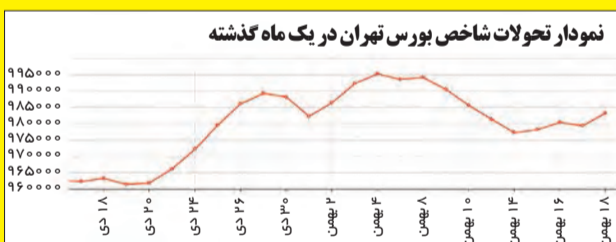
رونق کسب‌وکار و رشد بازار مسکن موضوعی است که در طرح دولت برای بازسازی بافت فرسوده مورد تأکید قرار گرفته است. حسن روحانی در این باره گفت: «زمین‌های دولتی که به درد طرح بازآفرینی شهری می‌خورد باید به صورت مجانی در اختیار وزارت مسکن قرار بگیرد. البته باید این راه در نظر داشته باشیم تا زمین دیگری در اختیار این دستگاه‌ها قرار دهیم. نیروهای مسلح باید کمک کند زمین‌ها و یادگان‌های خود را در اختیار بگذارد. این طرح موجب افزایش سرمایه مردم و نو شدن محلات می‌شود. اگر بخش مسکن فعال شود، سایر بخش‌های اقتصادی هم فعال شده و اشتغال ایجاد می‌شود. اگر در محله‌ای هم دولت یا شهرداری نیامد و خود مردم یا توسعه‌گرها به توافق رسیدند ما همین تسهیلات را می‌دهیم چون این طرح، دولتی نبوده و ما فقط آن را برنامه‌ریزی کرده‌ایم؛ حتی اگر بنیاد مستضعفان هم بیاید ما کمک می‌کنیم.»

#### محله خزانة رونق در ساخت‌وساز

پایین‌تر از محله باغ آذری، بعد از ترنیمال اتوبوس پایانه جنوب، محله خزانة قرار دارد. بافت خانه‌های این منطقه نیز فرسوده است اما تعدادی از خانه‌ها نوسازی شده‌اند. خزانة، چهار فلکه دارد و تعدادی از مغازه‌های آن نوسازی شده‌اند. عرض کوچه‌ها حدود ۵ متر است و تعدادی از خانه‌ها کلنگی است و

۳۰ درصد

جمعیت شهری کشور در بافت فرسوده هستند یعنی از هر سه نفر یک نفر در شهرها در بافت فرسوده زندگی می‌کنند



### سایه شوم ترس

عددی نزدیک به ۱۰۰ را نشان بدهد به این معناست که سرمایه‌گذاران بدون ترس، ریسک می‌کنند. هرگاه شاخص عددی در میانه صفر و صد و نزدیک به ۵۰ را نشان بدهد به این معناست که بازار وضعیت خنثی دارد. در حال حاضر شاخص عدد ۱۰ را نشان می‌دهد و در موقعیت ترس شدید قرار گرفته است. در این وضعیت سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند پول خود را روانه بازار سرمایه نکنند.

پایگاه خبری-تحلیلی سی‌ان‌ان‌مانی هر روز شاخصی را بررسی می‌کند که شاخص ترس و ریسک‌پذیری نام دارد. این شاخص نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه‌گذاران در بازار به چه صورت است. هرگاه شاخص عددی نزدیک به صفر را نشان بدهد به این معناست که بازار در وضعیت ترس قرار دارد و در نتیجه سرمایه‌گذاران از جاری کردن سرمایه خود در بازار واهمه دارند. هرگاه شاخص



اعداد مهم طرح بازآفرینی شهری	
در ایران دارای بافت فرسوده هستند	۵۴۳ شهر
بافت ناکارآمد شهری در ایران شناسایی شده است	۱۴۱ هزار هکتار
در بافت‌های فرسوده زندگی می‌کنند	۱۹ میلیون نفر
در کشور مشمول بافت فرسوده می‌شود	۲۷۰۰ محله
در ۴۶۵ شهر دارای ۵۵۱۰۴ هکتار بافت ناکارآمد شهری است	۱۰۰۰ محله
در ۱۷۵ شهر دارای ۲۴۱۴۱ هکتار بافت تاریخی است	۶۰۰ محله
در ۱۱۰ شهر دارای ۶۱۶۵۷ هکتار سکونت‌گاه غیررسمی است	۱۱۰۰ محله
تا پایان برنامه ششم توسعه بازآفرینی خواهد شد	۶۶ هزار هکتار
تا پایان برنامه ششم توسعه بازآفرینی خواهد شد	۱۳۳۴ محله

۲,۵  
میلیون واحد  
تعداد مسکن‌های خالی در کل کشور

۵۰۰۰۰۰  
واحد  
نیاز سالانه کشور به واحد مسکونی

۱۰۰  
میلیارد تومان  
هزینه سالانه هر محله در طرح نوسازی بافت‌های فرسوده

۲۷۰  
محله  
تعداد محله‌هایی که هر سال باید نوسازی شود



## شهر اصلاح طلبان

مشاوران، مدیران و معاونان محمدعلی نجفی

**ریاضی، معاون امور مناطق:** آقازاده به کسی گفته می‌شود که راست راست در خیابان راه برود و با استفاده از رانت خانوادگی پول در بیاورد نه اینکه در شهرداری دو شیفت کار کند و نزدیک به ۱۲ ساعت در سطح شهر فعالیت کند.

**شیخ، معاون منابع انسانی:** ۴۰ درصد مدیران اصلاح طلب، ۷ درصد اصولگرا و ۵۳ درصد نیز از نظر گرایش سیاسی مستقل هستند.

### اعتراضی چهره‌های شورا

انتصاب مصطفی موسوی لاری به سمت مدیر کل هماهنگی امور مناطق شهرداری تهران هم کم چالش نبود. او فرزند حجت‌الاسلام موسوی لاری، وزیر کشور دولت سیدمحمد خاتمی است. این انتصاب چند روزی به یکی از همه‌های فضای مجازی علیه نجفی بدل شد. علاوه بر اینها در چند مورد اعضای شورای شهر به صورت علنی اعتراضات خود به انتصاب‌های شهرداری را نشان داده‌اند. واکنش‌ها ادامه داشت تا اینکه احمد مسجدجامعی هم در توییتر نوشت: «هیچ دخالتی در شهرداری تهران ندارم و دلیل برخی انتصابات شهرداری برایم روشن نیست.» همچنین محمدعلیخانی، دیگر عضو شورای شهر در اعتراض به انتصاب شهرداران مناطق سه، هفت و ۱۰ در کانال خود نوشت: «جناب آقای نجفی لطفاً منت این انتصابات را سر اصلاح طلبان نگذارید. بقیه حرف‌ها بماند برای بعد...»

این اشاره علیخانی به انتصاب تعدادی از بانوان است که پیش از این در زمان قالیباف از مدیران رده بالای شهری محسوب می‌شدند. یکی دیگر از اعضای شورا در این باره گفته «فردی که در شهرداری مسئولیت گرفته علاوه بر حمله به اصلاح طلبان و آیت‌الله هاشمی به خود نجفی هم رحم نکرده است.» اشاره این عضو شورای به توییت‌های «حامد احسان بخش» است که مدتی به سردبیری سایت شهرنوشت وابسته شهرداری تهران منصوب شد و در نتیجه اعتراض‌ها، شهرداری او را برکنار کرد و «پوریا سوری» روزنامه‌نگار اصلاح طلب را به جای او منصوب کرد.

### مشاوران

۱. غلامعلی ربیعی، مشاور امور رسانه‌ای
۲. امین عارف‌نیا، مشاور شهردار و رئیس مرکز ارتباطات
۳. رضاصالحی امیری، مشاور شهردار در امور اجتماعی و فرهنگی
۴. علی مرادخانی، مشاور هنری
۵. داریوش قنبری، مشاور پارلمانی شهردار
۶. رسول رسولی پور، مشاور و رئیس گروه اخلاق شهروندی
۷. فاطمه راکعی، مشاور شهردار در امور بانوان
۸. حسین غریبی، مشاور شهردار در امور برنامه‌ریزی راهبردی

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

۱. حسن ریاضی، معاون هماهنگی امور مناطق شهرداری
۲. محمد مهدی حجت، معاون شهرسازی و معماری
۳. سمیع‌الله حسینی مکارم، معاون مالی و اقتصاد شهری
۴. حجت‌الله میرزایی، معاون برنامه‌ریزی توسعه شهری و امور شورا
۵. حسن پورسیدآقایی، معاون حمل و نقل و ترافیک
۶. ولی‌الله شجاع‌پوریان، معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

۱. غلامعلی ربیعی، مشاور امور رسانه‌ای
۲. امین عارف‌نیا، مشاور شهردار و رئیس مرکز ارتباطات
۳. رضاصالحی امیری، مشاور شهردار در امور اجتماعی و فرهنگی
۴. علی مرادخانی، مشاور هنری
۵. داریوش قنبری، مشاور پارلمانی شهردار
۶. رسول رسولی پور، مشاور و رئیس گروه اخلاق شهروندی
۷. فاطمه راکعی، مشاور شهردار در امور بانوان
۸. حسین غریبی، مشاور شهردار در امور برنامه‌ریزی راهبردی

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

۱. هادی زبیده شیرکوهی، شهردار منطقه ۱۶
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

**محمدعلی نجفی** تاکنون به ۱۵ نفر برای شهرداری مناطق حکم داده است و بقیه مناطق با شهرداران دوره قالیباف کار خود را پیش می‌برند.

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

**رضا صالحی امیری**، قائم مقام نجفی و معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری به دلیل دوشغله بودن استعفا داد و به جای او ولی‌الله شجاع‌پوریان منصوب شد.

۱. سیدمهرداد قاسمی زاویه سادات، مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری
۲. مصطفی موسوی لاری، مدیرکل هماهنگی امور مناطق شهرداری
۳. مرتضی حاجی، مدیرعامل مؤسسه همشهری
۴. سیدمحمد جواد شیرازی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران
۵. امیرحسین صدیقی، مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافربری
۶. حمیدچوپینه، مدیرعامل شرکت شهر سالم

### شهرداران

۱. حبیب‌الله تاجیک، شهردار منطقه یک
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

۱. حبیب‌الله تاجیک، شهردار منطقه یک
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

۱. حبیب‌الله تاجیک، شهردار منطقه یک
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

۱. حبیب‌الله تاجیک، شهردار منطقه یک
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

۱. حبیب‌الله تاجیک، شهردار منطقه یک
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

۱. حبیب‌الله تاجیک، شهردار منطقه یک
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

۱. حبیب‌الله تاجیک، شهردار منطقه یک
۲. رسول کشت پور، شهردار منطقه ۲
۳. مصطفی سلیمی، شهردار منطقه ۳
۴. سیدعلیر ضاحسینی نوکنندی، شهردار منطقه ۴
۵. سمیه حاجی، شهردار منطقه ۷
۶. سیدعلی مفاخریان، شهردار منطقه ۹
۷. سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰
۸. پیمان حسین محسنی، شهردار منطقه ۱۲
۹. مرتضی رحمان‌زاده، شهردار منطقه ۱۳
۱۰. وحیدرضا انارکی محمدی، شهردار منطقه ۱۵
۱۱. امیرمحسنی، شهردار منطقه ۱۷
۱۲. حسن رحمانی، شهردار منطقه ۲۱
۱۳. علی نوذری پور، شهردار منطقه ۲۲

## «سازندگی» از انتصاب‌های جنجالی شهردار تهران گزارش می‌دهد

آسو محمدی  
خبرنگار سرویس اجتماعی

یکم شهریورماه گذشته پس از جنجال‌ها و حرف‌وحديث‌های زیاد، در نهایت محمدعلی نجفی بعد از ۱۲ شهردار و سه سرپرست، شانزدهمین شهردار پایتخت در دوران پس از انقلاب شد و بر کرسی شهرداری تهران تکیه زد. حالا حدود ۶ ماه از تغییر مدیریت شهری می‌گذرد و در این مدت شهردار تهران از شروع کار خود تاکنون، اقداماتی را در جهت شفاف‌سازی و کاهش فساد در شهرداری تهران کلید زده است. در این میان تغییر مدیران شهرداری هم یکی از چالش‌های پیش روی شهردار تهران در ماه‌های گذشته بوده است و شورای شهر اصلاح طلب از انتصاب‌هایش راضی نیست: «به کارگیری نیروهای اصلاح طلب؛ چه در قامت مدیران رسانه‌ای و چه مدیر و کارشناس در حوزه مدیریت شهری، یک ضرورت غیرقابل انکار است و اگر جز این بود مردم به دیگران رأی می‌دادند، اما امروز میراث پیشینیان چون غل و زنجیر بر دست و پای شهرداری کنونی زده شده است و حرکت بسیار سخت و کند پیش می‌رود.» دوگانه سیاسی شهرداری و شورا تا جایی پیش رفت که حسن ریاضی، معاون امور مناطق شهرداری هم در پاسخ به این مطالبه و در مورد شاخص‌های انتخاب شهرداران و مدیران می‌گوید: «نگاه شهرداری تهران این است، افرادی که به عنوان شهردار فعالیت می‌کنند باید به امور شهری و مأموریت‌های شهرداری تهران آشنا باشند؛ چرا که در این دوره فرصت آموزش یا ورود افراد ناآشنا به این حوزه را نداریم. بنابراین، شهرداران از بدنه شهرداری مدیریت مناطق را بر عهده گرفته‌اند.»

**آقازادگی و ماجرای ژن خوب**

اما این همه ماجرا نیست. روی دیگر سکه، که در ماه‌های اخیر جنجال مجازی به پا کرد، مسئله آقازادگی و ماجرای ژن خوب است؛ ملغمه‌ای که از حرف‌های پسر عارف، نماینده مجلس و سرلیست امید شروع شد. حرف‌های حمیدرضا عارف به سرعت توجه افکار عمومی و به‌ویژه فعالان فضای مجازی را جلب کرد. پس از حساس شدن جامعه به بحث طنزآلود ژن خوب، پای آن به مدیریت شهری باز شد. چندی پیش «ایسکانیوز» عنوان کرد که سهیلا صادق‌زاده، شهردار منطقه ۱۰ در حکمی، پسرش را به عنوان مشاور شهردار و رئیس امور سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی منصوب کرد. از سوی دیگر در یکی از جلسه‌های شورای شهر تهران در آبان‌ماه، پسریکی از اعضا به عنوان کاندیدا برای مشارکت در یکی از بخش‌های شورای شهر تهران معرفی شد که از سوی اعضای شورای شهر رأی نیابد. پس از این ماجرا خبرنگاران در نشست خبری از علی اعطا، سخنگوی شورای شهر سوال کردند. او گفته بود: «فردی که به شورا معرفی شده، دارای تخصص‌های لازم بوده، اما از سوی شورای شهر رأی نیاورده است.»

### حرف‌های امروز



**محمود صادقی، نماینده مردم تهران:** افراد بازداشت شده از نخبگان محیط‌زیست ایران هستند و روی پروژه حفظ یوزپلنگ ایرانی کاری کردند. اگر باشند اما باز هم مسئولیت حفظ جان متهمان بر عهده دستگاه قضایی است. حتی در قانون اساسی متهمی که به حکم قانون محکوم می‌شود در پناه قانون است و در حدود قانون با او برخورد می‌شود. با معاون پارلمانی وزیر اطلاعات صحبت کردم. معاون پارلمانی وزارت اطلاعات پیگیر این موضوع بود، به گفته معاون پارلمانی وزیر اطلاعات بازداشت این افراد به وزارت اطلاعات مربوط نمی‌شود و احتمال می‌داد دستگیری این افراد از طریق مراجع اطلاعاتی دیگر باشد. / ایلنا



**جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران:** فعال محیط‌زیست یکی از متهمان پرونده جاسوسی بود، اعتراف‌هایی علیه خود داشت و خودکشی کرد. این فرد یکی از متهمان بوده است و با توجه به اینکه می‌دانسته اعترافات زیادی هم علیه وی شده و هم خود اعترافاتی داشته متأسفانه در زندان دست به خودکشی زده است. / ایلنا



**حسام‌الدین آشنا، مشاور روحانی:** نه جامعه‌شناسان دین خودکشی می‌کنند نه حامیان حیات وحش. / توییتر

**روابط عمومی سازمان حفاظت محیط‌زیست:** بازداشت کاوه مدنی، معاون آموزش و پژوهش سازمان حفاظت محیط‌زیست را که از سوی برخی افراد در فضای مجازی مطرح شده تکذیب می‌کنیم. این خبر صحت ندارد. / خبرآنلاین



**علی شمخانی، دبیر شورای امنیت ملی:** هنوز اطلاع دقیقی از بازداشت فعالان محیط‌زیست ندارم. در پشت فعالیت‌های مأموران تخصصی برخی از آن‌جی‌اوها در حوزه‌هایی مانند بهزیستی، زنان، محیط‌زیست و آب، هاله‌ای از ابهام در ارتباطات وجود دارد که در حال بررسی است. / ایلنا



**ابتکار، معاون رئیس‌جمهور در واکنش به بازداشت فعالان زیست محیطی:** ترجیح می‌دهم در حال حاضر اظهارنظری در این باره نداشته باشم اما به شدت نگران هستم. / ایلنا



«محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران: هیات رئیسه شورا و سایر اعضا در عزل و نصب ها دخالت نمی کنند، اما می توانند نظرات خود را اعلام کنند. این حرکت کاملاً طبیعی است که اعضا نسبت به برخی از موضوعات و انتصابات نظری داشته باشند»



### راه‌نما

آب و هوا - اوقات شرعی (دوشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۹۶)

اذان صبح: ۵:۲۹:۵۰ طلوع آفتاب: ۶:۵۴:۲۳ اذان ظهر: ۱۲:۱۸:۳۷ غروب آفتاب: ۱۷:۴۲:۵۰ اذان مغرب: ۱۸:۰۱:۳۱ نیمه شب: ۲۳:۳۶:۲۰	<b>تهران</b> ۱۲ ↑ ↓ ۷ °C	ارومیه ۱۱ ↑ ↓ ۱ °C اردبیل ۱۲ ↑ ↓ ۰ °C اصفهان ۱۸ ↑ ↓ ۵ °C ایلام ۱۷ ↑ ↓ ۵ °C اراک ۱۵ ↑ ↓ ۵ °C بوشهر ۲۲ ↑ ↓ ۱۶ °C تبریز ۱۳ ↑ ↓ ۱ °C شهرکرد ۱۷ ↑ ↓ ۲ °C رشت ۱۵ ↑ ↓ ۷ °C بندرعباس ۲۵ ↑ ↓ ۱۷ °C	قزوین ۱۰ ↑ ↓ ۳ °C قم ۱۵ ↑ ↓ ۵ °C سندج ۱۲ ↑ ↓ ۳ °C کرمان ۱۴ ↑ ↓ ۲ °C کرج ۱۵ ↑ ↓ ۷ °C کرمانشاه ۱۵ ↑ ↓ ۵ °C یاسوج ۱۸ ↑ ↓ ۵ °C گرگان ۱۸ ↑ ↓ ۹ °C ساری ۱۹ ↑ ↓ ۷ °C یزد ۲۳ ↑ ↓ ۱۳ °C	بیرجند ۱۷ ↑ ↓ ۷ °C مشهد ۱۷ ↑ ↓ ۴ °C بجنورد ۱۴ ↑ ↓ ۳ °C اهواز ۲۸ ↑ ↓ ۱۰ °C زنجان ۱۲ ↑ ↓ ۰ °C سمنان ۱۳ ↑ ↓ ۶ °C زاهدان ۲۱ ↑ ↓ ۸ °C شیراز ۱۹ ↑ ↓ ۵ °C خرم‌آباد ۲۰ ↑ ↓ ۸ °C همدان ۱۰ ↑ ↓ ۱ °C
--	-----------------------------	--	---	--

### گردش

**تهران گردی؛ منبیره**  
ساحل بماتید و امواج خروشان اقیانوس که صخره‌ها را در می‌نورده، مشاهده کنید و البته روی شن‌های طلایی قدم بزنید. اما از همان دریای بزرگ به سمت شرق که بروید، جاده رمین شروع می‌شود به سمت بريس و گواتر. حدود ۶۰ کیلومتر در دنیای رنگ و نقش و زیبایی رانندگی می‌کنید؛ لا جوردی اقیانوس، طلایی ساحل‌شنی، سبزی درختان تاغ و درخت انجیر معابد و خاکستری کوه‌های مریخی یا مینیاتوری. کنار جاده پارک کنید و خیره به کوه‌های مینیاتوری شوید. اگر توانستید با احتیاط وارد کوه‌ها شوید، سکوت، شما را هم محو می‌کند. به سمت شرق بروید، اسکله ماهیگیری بريس خودنمایی می‌کند. لنج‌های ماهیگیری آنجا به وفور یافت می‌شوند، با کارگرانی ساده و بی‌آلایش با آفتاب سوختگی دریا. سراسر بريس را بگیرید؛ دهی که شهر شده و روی یکی از زیباترین سواحل دنیا ساخته شده است. پشت خانه‌های مردم، ۵-۶ دقیقه رانندگی به سمت دریا، به صخره‌های می‌رسید که ۵۰ متر ارتفاع دارد؛ منظره‌ای خیره‌کننده از هنرنمایی فرسایش باد و باران و رطوبت در طول هزاران سال. بر بالای صخره بایستید و از آبی بی‌نهایت لذت ببرید. در اسکله ماهیگیری بريس، انواع ماهی و شاه‌میگو را می‌توانید ببینید و احیاناً بخرید. اینجا تمام میگو و شاه‌میگوی رستوران‌های دریایی درجه یک تهران را تامین می‌کند. از بريس به شرق بروید، گواتر در منتهی‌الیه ایران پیش روی شماست؛ جنگل‌های حرا. یک روز به منطقه آزاد بروید، روستای تیس با قدمت چند هزار ساله‌اش، آنجاست. از آنجا می‌توانید به سمت کهن و کنارک بروید، گل‌فشان منتظر شماست. در چابهار سراغ رستوران‌های شیک را بگیرید، اما گزینه‌های خوشمزه فراوانی برای تان وجود دارد؛ در بلوار امام به رستوران بلوچ بروید و خوش‌کراهی بخورید؛ خوش‌ویژه آن منطقه که هم با ماهی سرو می‌شود، هم میگو، هم مرغ و هم گوشت. انواع کباب ماهی هم دارد. در همان بلوار امام می‌توانید به رستوران تهران که آشپز هندی دارد، بروید، کراهی هایش به مراتب تندتر از رستوران بلوچ است. رستوران براسان بروید و انواع کباب بخورید؛ کباب بنگال، تندترین غذایی است که در عمرتان خورده‌اید. در بازار سنتی هم پکوره و سمبوسه به وفور پیدا می‌کنید. اما اگر به سمت سرباز رفتید، در سه راهی پلان، سراسر رستوران ابوطالب را بگیرید. مرغ‌های تندوری که بسا ادویه مخصوص کباب می‌شوند، می‌تواند ظهردل‌انگیزی را برای تان رقم بزند.



**ایران گردی؛ چابهار**  
۲ هزار کیلومتر که از تهران دور شوید، از مرز خارج نخواهید شد. در ایران نقطه‌ای وجود دارد که از راه زمینی، ۲ هزار کیلومتر با تهران فاصله داشته باشد؛ چابهار در جنوب شرقی ایران، در دم‌گریه، بهشتی دست نخورده که هنوز سال‌های زیادی مانده که کشف شود. اما اکنون فصل سفر به چابهار است. بیش از دو دهه پیش چابهار منطقه آزاد شد اما جذابیت خاص چابهار به مراکز خریدش نیست؛ چابهار که می‌روید باید سراغ سواحل عجیب و غریبش، جنگل‌های حرا، درختان انجیر معابد و کوه‌های مینیاتوری‌اش بروید و البته از غذاهای لذیذی که دارد هم به وفور تساول کنید. به دریای بزرگ بروید؛ ابتدای اقیانوس هند. ساحل صخره‌ای و شنی در کنار هم شما را مجذوب می‌کند. آفتقر که می‌توانید ساعت‌ها در

# شهر اصولگرایان



مشاوران، مدیران و معاونان محمدباقر قالیباف

## شهرداران

**۱** **فخرالدین سلیمانی**  
شهردار منطقه ۱

**۲** **عزیزالله نظری**  
شهردار منطقه ۲

**۳** **رضادباغی**  
شهردار منطقه ۳

**۴** **امیرعباس بهاری**  
شهردار منطقه ۴

**۵** **سعیدطلوعی**  
شهردار منطقه ۷

**۶** **حمیدحسینی**  
شهردار منطقه ۹

**۷** **عباس بابازاده**  
شهردار منطقه ۱۰

**۸** **عابدملکی**  
شهردار منطقه ۱۲

**۹** **ترگس معدنی‌پور**  
شهردار منطقه ۱۳

**۱۰** **علی اکبرانجمنی**  
شهردار منطقه ۱۵

**۱۱** **مهدي عباسی**  
شهردار منطقه ۱۷

**۱۲** **جمال باقرانی**  
شهردار منطقه ۲۱

**۱۳** **قاسم مولایی**  
شهردار منطقه ۲۲

**۱۴** **سید محسن اسدی**  
شهردار منطقه ۵

**۱۵** **عظیم‌بابایی**  
شهردار منطقه ۶

**۱۶** **بهمن نوروزی**  
شهردار منطقه ۸

**۱۷** **ناصرالله آبدیان**  
شهردار منطقه ۱۱

**۱۸** **فرهود حمیدی**  
شهردار منطقه ۱۴

**۱۹** **جوادمیرزاقلی**  
شهردار منطقه ۱۶

**۲۰** **بهروز محمدزاده**  
شهردار منطقه ۱۸

**۲۱** **پیمان قربانی**  
شهردار منطقه ۱۹

**۲۲** **احمد صفوی**  
شهردار منطقه ۲۰

**۲۳** **علی اکبرانجمنی**  
شهردار منطقه ۱۵

**۲۴** **مهدي عباسی**  
شهردار منطقه ۱۷

**۲۵** **جمال باقرانی**  
شهردار منطقه ۲۱

**۲۶** **قاسم مولایی**  
شهردار منطقه ۲۲

**۴** **ناصرامانی**  
معاون برنامهریزی توسعه شهری

**۵** **مازیار حسینی**  
معاون حمل و نقل و ترافیک

**۶** **سید جعفر تشکری هاشمی**  
معاون منابع توسعه انسانی

**۷** **مجتبی عبداللهی**  
معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری

**۸** **علیرضا جاوید**  
معاون فنی و عمرانی

**۹** **مصطفی منتظرالمهدی**  
مدیرعامل سازمان بازنشستگی شهرداری

**۱۰** **مهدي ذاکری**  
مدیرعامل مؤسسه همشهری

**۱۱** **منصور کتانیاف**  
رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران

**۱۲** **علیرضا صادقی**  
مدیرعامل سازمان پایانه‌های مسافری

**۱۳** **حسنعلی غفاری**  
مدیرعامل شرکت شهر

**۱۴** **سعید شریف‌زاده**  
مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی

**۱۵** **حامد احسان‌بخش**  
سرمدیر سایت شهرنوشت

**۸** **احمد صادقی**  
رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران

**۹** **عیسی علیزاده**  
مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری

**۱۰** **حجت‌الله ناطقی**  
رئیس حراست کل شهرداری

## شهرداری تهران یا خانه سالمندان

انتقاد دیگری که به انتصاب‌های نجفی می‌شود و به گفته شورای شهر ایراد «حقوقی و قانونی» دارد، موضوع سن و سال مدیران بازنشسته است. شهریانو آمانی و حجت نظری ۲ عضو مخالف این انتصاب‌ها هستند. محمد علیخانی، در تذکری شفاهی به شهردار به این موضوع پرداخت. براساس قانون، به کارگیری بازنشستگان در شهرداری تهران ممنوع است، اما سه نفر از معاونان شهردار که به‌تازگی منصوب شده‌اند، بازنشسته هستند. شهرو ماه‌نحفی در حکم‌هایی سمیع‌الله حسینی مکارم را به معاونت مالی و اقتصاد شهری، محسن پورسیدآقای را به معاونت حمل و نقل و ترافیک و مهدی حجت را به معاونت شهرسازی و معماری شهرداری منصوب کرد. مهدی حجت متولد ۱۳۲۸، پورسیدآقای متولد ۱۳۴۰ و حسینی مکارم متولد ۱۳۳۹ است.

## مدیران

## مشاوران

**۱** **سید محمدحسینی**  
مشاور امور رسانه‌ای

**۲** **شهرام گیل‌آبادی**  
مشاور شهردار و رئیس مرکز ارتباطات

**۳** **مجید سرسنگی**  
مشاور هنری

**۴** **سردار غلامرضا کریمی**  
مشاور پارلمانی

**۵** **زهرامشیر**  
مشاور شهردار در امور بانوان

**۶** **فروردین ماه ۹۲**  
انتخاب با انتصاب محسن نائی، فرماندار سابق تهران به عنوان مشاور اجتماعی محمدباقر قالیباف نوشت؛ تعداد مشاوران رسمی قالیباف به بیش از ۱۰۰ نفر رسیده است.

## معاونان

**۱** **عیسی شریفی**  
قائم مقام شهردار

**۲** **پژمان پشمچی زاده**  
معاون شهرسازی و معماری

**۳** **قدرت‌الله گودرزی**  
معاون مالی و اقتصاد شهری

## گفته‌های روز



**پرویز پرستویی:** «ایدمون نره زندیادی فردین هم کشتی گیر بود». بازیگر پیشکسوت سینما در واکنش به اعلام نام پیمان جمشیدی به عنوان کاندیدای دریافت جایزه نقش مکمل مرد در سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر در صفحه اینستاگرامش نوشت: «پیمان عزیز، به قول خودت، چهار سال فحش، چهار سال تهمت، چهار سال فشار، چهار سال صبر، چهار سال تلاش و حالا کاندیدا با تمام وجود بهت تریک می‌گم. نگران نباش تا بوده همین بوده و خواهد بود.»



**ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر جشنواره فیلم فجر:** «امسال سالم‌ترین دوره انتخاب بهترین فیلم مردمی را داشتیم.» دبیر ۳۶ امین دوره جشنواره فیلم فجر هم مثل دوره‌های قبل با هجوم منتقدان مواجه بود. یکی از انتقادات به او بر سر آکران‌های مردمی و آرای این دوره بود. برای مثال سینماگران معتقد بودند حضور نداشتن فیلمی مثل مصادره در میان انتخاب‌های مردمی طبیعی نیست و مهران احمدی از پول‌های خرج شده در این بخش گفت. اما داروغه‌زاده می‌گوید بلیت‌های صاحبان آثار، گیشه سینماها و ارگان‌ها و نهادهای آرای مردمی تاثیرگذار نبود و از برگزاری جشنواره امسال دفاع می‌کند.



**محمدتقی فهیم (منتقد سینما):** «هومن سیدی سیمرخ‌اش را به روحانی اهدا کرد و برای همین حالا فیلمش در ۱۱ رشته نامزد سیمرخ جشنواره شده است.» صحبت‌های منتقدان همچنان برنامه هفت در شب ۲۱ بهمن ماه به موجی در فضای مجازی و میان سینمایی‌ها بدل شد. حمله فهیم و فاضلی به بخشی از فیلم‌ها و دفاعشان از ممیزی عجیب و شنیذنی بود. فهیم نامزدی‌های فیلم مغزهای کوچک زنگ‌زده را به سیمرخ قبلی هومن سیدی مربوط دانست و البته دیگر هم‌مانان برنامه از توهم توطنه گفتند.



**قاضی زاده هاشمی (وزیر بهداشت، درسمان و آموزش پزشکی):** «اگر همه خدمات برای نگهداری دندان آماده باشد، دیگر کسی در مسواک‌زدن رعایت نمی‌کند.» وزیر بهداشت که به شبکه خبر آمده بود تا درباره پیشرفت‌های کشور در حوزه سلامت و پزشکی پس از انقلاب صحبت کند، از دلایل گران بودن خدمات دندان‌پزشکی گفت. دکتر هاشمی می‌گوید دندان‌پزشکی جزو اولویت‌های ما نبوده و در حوزه سلامت، آب سالم و بیماری‌های واگیردار و کشنده اولویت داشته‌اند. قاضی زاده‌هاشمی اضافه کرد در دیگر نقاط دنیا هم خدمات دندان‌پزشکی ارزان نیستند.



پرسه در حوالی جشنواره ۳۶ فجر با فردوسی، بهروز وثوقی و فاشیسم

# رأی من کجاست؟

**فاطمه پاقلعه‌نژاد**  
خبرنگار پرسه

همان روز اول و دومین نشست خبری برای راه افتادن دعوا بر سر آرای مردمی کفایت می‌کرد. منیژه حکمت همان روز نخست از خرید بلیت‌های ارگانی انتقاد کرد و گفت گروهی با اهداف خاص کاری کرده‌اند که آرای بهترین فیلم مردمی را جابه‌جا کنند و نهادهایی بلیت‌ها را به نفع فیلم‌هایی خاص خریده‌اند.

آن روز هنوز فیلم‌های برتر آرای مردمی معرفی نشده بودند اما پس از اعلام اسامی ده فیلم برتر چیزی که بیش از همه به چشم آمد نبودن نام «مصادره» در این لیست بود. فیلم طنز خوش‌ساخت مهران احمدی که یکی از بیشترین تعداد سانس‌های فوق‌العاده را داشته است. مهران احمدی در کنفرانس مطبوعاتی

فیلمش «بگم»، «بگم» راه انداخت و اتفاقاً گفت! گفت درباره اینکه ۵۰۰ سوری بلیت خریداری شده توسط یک ارگان، بعد از استفاده از کدهایش در رأی‌گیری به مردم داده شده است. از این گفت که اپراتورها برای رأی‌گیری اینترنتی با جشنواره همراهی نکرده‌اند و در نهایت اپلیکیشن تدارک دیده شده که خیلی هم موفق نبوده و نتوانسته به خوبی پاسخگو باشد. گفت از تهیه‌کننده‌ای که ده میلیون داده و سانس فوق‌العاده برای فیلمش خریده است. او بعد از این حرف‌ها در پاسخ به سؤال خبرنگار صفحه پرسه روزنامه «سازندگی» گفت: «شبیبه این بود که دارم می‌گم؟ نه خداییش این نیست حرفم. به قرآن این‌هایی را که گفتم به چشمم دیدم که دربارشان حرف زدم. وگرنه اصلاً امکان نداشت چیزی بگویم. ببینید من اعتقاد دارم که اتفاقات خوبی نیفتاده. ما از آرای منفی لطمه خوردیم. فقط سر در نمی‌آورم، این همه

سانس فوق‌العاده داشتیم. ملت تا ساعت سه شب می‌ماند فیلم ببینند که بگویند ما را دوست ندارند؟ باورش سخت است. من می‌گویم آرای مردمی را دستکاری کردند و شک ندارم اما می‌گویم کار آن بالا بالایی‌ها نیست. این مدیران میانی کارهایی کردند که زبینه نیست.»

### دعوی‌امنیته ملی بین ارگانی سازها؟

امسال سازمان هنری رسانه‌ای اوج در جشنواره سه فیلم داشت. از سوی دیگر «لاتاری» بود، ساخته محمدحسین مهدویان و محمود رضوی. فیلمی که از ابتدا بر سرش جنجال‌های زیادی شد و خیلی سخت مجوز ساخت گرفت. غیر از این باشه آهنگر هم فیلم «سرو زیر آب» را داشت و سازندگان «ماهورا» هم اگر چه خصوصی‌ساز لقب دارند اما همه می‌دانند حمایت‌های ارگانی را به همراه دارند. اوج که با فیلم «به وقت شام» گرانترین فیلم جشنواره را در اختیار دارد، با «تنگه

ابوقریب» خیرساز شد. بهرام توکلی کارگردان این فیلم با گفتن اینکه سینمای خصوصی اصلاً در سینمای ایران معنایی ندارد، جنجالی به پا کرد و گفت همه فیلم‌های سینمای ایران ارگانی هستند و پول‌هایشان از جای دیگری می‌رسد. این جمله در حالی بیان شد که خود سازمان اوج برای ساخته جدید حاتمی‌کیا زیر فشار انتقادات بچه حزب‌اللهی‌هاست و متهم است که چهره‌های کاریکاتوری از داعش نشان می‌دهد.

البته در مقابل این انتقادها اوجی‌ها هم ننشستند و رفتند محمدجواد ظریف را به تماشای فیلم‌شان نشانند. اشک‌های ظریف در حمایت از «به وقت شام» و حماسی خواندن قصه مقاومتش و تأییدی که از سوی سردار سلیمانی برای فیلم گرفته شد، پانکی بود از سوی بچه‌های تیم اوج وابسته به پایگاه فرهنگی خاتم‌الاولیا که این روزها مهترین بودجه‌سالانه فرهنگی را در اختیار دارد و به سادگی می‌تواند فیلم بسازد.

### خط قرمز!

سال قبل از همین دوره جشنواره بود که فراسی و بهروز افخمی بلوایی به پا کردند درباره فیلم‌های سیاه‌نما. امسال البته دیگر خبری از آن فیلم‌های سیاه و تاریک و خشونت علیه کودکان و استفاده بزرگی از کودکان در فیلم‌ها دیده نمی‌شود. حتی استفاده مواد مخدر هم به طرز چشمگیری در فیلم‌ها کاهش یافته و افلا ایندی نیست اما همین حالا هم برای فیلم‌های آکران‌شده، شایعاتی درباره ممیزی‌های شدید به گوش می‌رسد. غیر از ماجرای «لاتاری» که خیلی سخت مجوز گرفت و به گفته عوام‌لش، در ۱۴ روز، کل فیلم، فیلمبرداری شده و به خاطر حساسیت‌های بین ایران و امارات، اکثر صحنه‌هایش در کشور قطر فیلمبرداری شده است، فیلم‌های دیگری هم بودند که به ممیزی به جشنواره رسیدند و باز هم حتما ممیزی خواهند داشت. همین حالا «لاتاری» متهم شده به ضدیت با منافع ملی و شایعه شده

## گبرلو از نشست‌های پر حاشیه امسال می‌گوید

### فیلم‌های سیاسی، شعارهای سیاسی، پرسش‌های سیاسی

محمود گبرلو امسال هم مرد شماره یک نشست‌های خبری بود. کسی که انتقادهای زیادی به او شد و حتی یکی از خبرنگاران در نشست خبری فیلم «بمب یک عاشقانه» او را به سیامک انصاری تشبیه کرد که نقش مدیر مدرسه‌ای در دهه ۶۰ را بازی می‌کرد. نشست‌های خبری جشنواره سی‌وششم اما پر بود از تحلیل‌های سیاسی و دعوای ماندگار و البته احتمالاً ادامه‌دار. با محمود گبرلو، مجری نشست‌های خبری کاخ رسانه جشنواره فیلم فجر به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

**در هیچ‌کدام از نشست‌های امسال درگیری جدی اتفاق نیفتاد؟**  
یک بار، آن هم به نظر من یک سوء تفاهم

بود که بین آقای هومن سیدی و آقای جوادی تشیی ایجاد شد که لحن‌هایشان خوب نبود. من آقای سیدی را شخصیت متینی می‌دانم و در جلسه هم از لحن ایشان لذت بردم، هم متانت دارد و هم سواد؛ آن لحظه با اطلاعات غلط به او داند یا دوست خبرنگار به گونه‌ای سوال پرسید که این لحن تبدیل به لحن خصمانه شد.

**این را در کارگردان‌ها نمی‌بینید که اعتقاد دارند خبرنگارها چیز زیادی از سینما نمی‌دانند؟**  
واقعیت این است که در ذهن خیلی‌ها نسبت به خبرنگار نگرش منفی وجود دارد و آن هم نشأت گرفته از یک دوره تاریخی است که فضای رسانه‌های ما زرد و مبتذل شده بود ولی واقعیت این است که در چند سالی که خودم در این حوزه هستم، تلاش می‌کنم جایگاه

خبرنگار را بالا ببرم برای همین تاکید دارم نقد و بررسی نیست و خبرنگار می‌تواند با شهامت دیدگاهش را بگوید.  
**خودتان می‌گویید ششی یک اشتباه حقتان است و فکر می‌کنم بامزه‌ترینش هم همان «بفرمایید شام» بود که به جای اسم فیلم آقای حاتمی‌کیا گفتید.**  
به نظرم طبیعی است. من فکر می‌کنم برخی

از طرفداران آقای حاتمی‌کیا ناراحت شدند و به من پیام دادند که نقشه و توطنه‌ات چه بوده! من از شیفتگان آقای حاتمی‌کیا هستم ولی اینکه یک خطای کلامی را به توطنه ربط بدهیم، درست نیست.  
**امسال به نظر می‌رسید فضای نشست‌های خبری خیلی سیاسی شده بود.**  
به این دلیل بود که جریان فیلم‌های انتخاب شده به شدت سیاسی بود. فیلم‌هایی مثل «لاتاری» یا «به وقت شام» یا حتی «مصادره» که کم‌دی است و حرف‌های سیاسی تندی دارد باعث می‌شود این اتفاق بیفتد و نشست‌ها هم تند شود.

**در سؤالات خبرنگاران این را زیاد می‌دیدیم.**  
خبرنگار یعنی همین و من

این را اشکال نمی‌دانم. خبرنگار قرار نیست درباره تکنیک فیلم حرف بزند، تکنیک برای منتقدان است. خبرنگار ابهاماتی را که بر اساس فضای اجتماعی به وجود می‌آید سوال می‌کند نه فضای سینمایی تخصصی را. یک نکته‌ای که من مدت‌ها دنبالش بودم دارم در این جلسات به دست می‌آورم. متأسفانه ما نقد فیلم را بیشتر در فرم دیدیم، در صورتی که در دنیا، منتقدان اول درباره مضمون حرف می‌زنند بعد تکنیک و فن.  
**به نظر می‌رسد به این دلیل باشد که با صحبت درباره فرم خودشان را روشن‌فکرتر نشان می‌دهند.**  
بله. اما از نظر من درباره فرم حرف زدن فرار از تحلیل اجتماعی است. چیزی که مردم به آن واقف هستند و به همان دلیل می‌روند فیلم می‌بینند ولی منتقدانه.





حاشیه: اخبار ستاره‌ها

خبرنگاران نشریه میرز مشخص شد که ملانی در سال گذشته دقیقاً در مکان‌هایی از خود در اینستاگرام عکس منتشر کرده که مارتین کایمر، گلف‌باز ۳۳ آلمانی در آن مکان‌ها حضور داشته است. سایک فعالاً به افشای نام کایمر واکنشی نشان نداده و این سکوت بر واقعی بودن کشف نشریه میرز صحنه می‌گذارد.



حمله به افشار به خاطر بزرگ‌مرد کوچک

بعد از اکران فیلم سینمایی «دارکوب»، مهناز افشار در حضور ده‌ها خبرنگار، مقابل اسدالله یکتا زانو زد و با او عکس گرفت. افشار با انتشار عکس در صفحه اینستاگرامش نوشت: «بزرگ هستند و چه بی‌نهایت شایسته احترام گذاشتن.» این اقدام مهناز افشار مطابق انتظارات به مذاق برخی خوش نیامد و باعث شد صفحه این بازیگر سرشناس کشورمان مورد حمله و هجوم قرار گیرد.



تماس همسر لاندن با فوریت‌های پلیس

جرمی لاندن، بازیگر ۴۵ ساله آمریکایی، طی ۱۰ روز گذشته برای دومین بار توسط پلیس آمریکا دستگیر شد. دلیل این دستگیری جدید، تماس تلفنی جولیت ریوس، همسر کنونی لاندن با فوریت‌های پلیس گزارش شده. جولیت که سومین همسر آقای بازیگر است، روز گذشته در تماسی با مرکز فوریت‌های پلیس آمریکا مدعی شد که لاندن در حالی که او قصد سوار شدن بر اتومبیلش را داشته، او را روی زمین کشیده و همین امر باعث آسیب جدی پا و دستش شده. در این تماس تلفنی که به صورت خودکار ضبط شده، صدای جیغ‌های دردناک جولیت و البته فریادهای بلند جرمی لاندن شنیده می‌شود. وکیل لاندن با تأیید این خبر اعلام کرد که دلایل خانوادگی و شخصی در این پرونده وجود دارد.



سادت گل کرد

چندی پیش بود که خبر حضور نورگول یشیلچای، بازیگر صاحب‌نام ترکیه‌ای در اصفهان برای ایفای نقش در فیلم «جن زیبا» به کارگردانی پایرام فضلی و تهیه‌کنندگی مهرداد فرید حسایی خبر ساز شد. در آخرین واکنش به حضور یشیلچای در ایران، آزاده نامداری در برنامه «کافه تماشا» در اقدامی بسیار عجیب ضمن نشان دادن عکس‌های بی‌حجاب این بازیگر گفت: «چرا احساس نیاز کردید که یک بازیگر خارجی در یک فیلم ایرانی ایفای نقش کند؟». این در حالی است که نامداری به این اصل که «جن زیبا» محصول مشترک ایران و ترکیه است توجهی ندارد. ضمن اینکه از کی تا حالا کارگردان و تهیه‌کننده یک فیلم برای انتخاب بازیگر مورد علاقه‌شان، بازخواست می‌شوند؟



افشای رابطه عاشقانه بعد از ۳ سال

جملات ملانی سایک، مجری ۲۷ ساله انگلیسی در یک برنامه رادیویی، کار دستش داد. این مجری مشهور انگلیسی در یک برنامه رادیویی اعلام کرد که به مدت ۳ سال است که وارد یک رابطه عاشقانه با یک گلف‌باز شده. البته ملانی نام این ورزشکار را افشا نکرد اما خبرنگاران رسانه‌های انگلیسی با جست‌وجو در صفحه شخصی سایک در اینستاگرام، پرده از او برداشتند. با تحقیقات



محسن کیایی جشنواره سنی‌وششم پر از فیلم‌هایی با شعرهای گل‌درشت بود؛ یکی از نجیب‌ترین این شعرها هم دیالوگ بهرام رادان در «چهارراه استانبول» بود که گفت: «پلاسکو زمانی فرو ریخت که تولید ایرانی از بین رفت و جنس چینی و ترک وارد شد!» از محسن کیایی پرسیدیم چرا این‌قدر شعر داشتید؟ گفت: «ما نسل شعرایم. تو نماز جمعه تو خیابون، به مقدارش مونده بود آوردیمش توی فیلممون!»

یادداشت

هجوم هالیوودی‌ها به جشنواره ۳۶

هنرمندان چه فیلم‌هایی دیده‌اند و چه فیلم‌هایی ساخته‌اند؟



با فیلم خجالت نکش به نظر می‌رسد که فقط تلوزیون می‌بیند آن هم سریال‌های طنز شبکه‌های وطنی! اما هومن سیدی در ادامه سینمای چهل تکه و رنگ و وارنگش مغزهای زنگ‌زده کوچک را ساخته که ملغمه‌ای است از فیلم‌های قاپ‌زنی گای ریچی و زندگی سسگی ایناتو و کمی هم خون و خشونت‌زده سینمای تارتاتیوو.

سهیل بیرقی احتمالاً بدون اینکه حتی یک زنگ به مهدی توتونچی بزند هر چه همسرش گفته را عرق سرد کرده و احتمالاً امیر جدیدی را مجبور کرده ساعت‌ها اجرای توتونچی را ببیند تا بازی‌اش حتی در ریزترین جزئیات شبیه او شود!

سرو زیر آب هم نشان می‌دهد باشه آهنگر باید بار دیگر فیلم ملکه خودش را ببیند و مقایسه کند که چقدر سیرت داشته و در دام ساتی مان‌تالیزم افتاده است تا خودش را نجات دهد! جشن دلنگی پوریا آذربایجانی هم معلوم می‌کند که او فیلم تصادف پل هگیس و بیست و یک گرم ایناتو را دوست دارد و البته پایان خوش را! اصغر آقاعیمی هم احتمالاً با دیدن فیلم در حال و هوای عشق وونگ کاروای به سرش زده فیلمی در حال و هوای خیانت بسازد که خب نشد که بشود آنچه باید بشود و نتیجه‌اش شد هایلایت! گویا مهران احمدی هم تارتاتیوو دوست دارد و البته موسیقی کاونتری و سینمای وسترن و این ترکیب بدیع به اضافه تاریخ معاصر و عطاران شد فیلم مصادره! سوء تفاهم جشنواره هم برای ما روشن کرد که احمدرضا معتمدی در طی مطالعات فلسفی‌اش به فلسفه پست مدرنیسم و بودیاری رسیده و ماتریکس را دیده و البته می‌تواند از موسسه اوچ بودجه برای ساختن فیلم بگیرد!

بهر روز شعبی بحتمل فیلم هندی زیاد می‌بیند؛ چراکه قصه از این تکراری‌تر پیدا نکرده و خب باز هم آن را تعریف کرده است؛ مادر معتاد که بعد از سالیان غریزه مادری‌اش گل می‌کند و باقی قضایا!

به نظر می‌رسد حاتمی‌کیا این اواخر به وقت شام فیلم‌های جنگی آمریکایی زیاد دیده و از جلوهای ویژه آنها خوشش آمده است! اما بهرام توکلی در تگه ابوقریب نشان داد فیلم‌های بهتری مثل نجات سرساز رابان دیده و چقدر خوب می‌شد که حاتمی‌کیا به جای دعوا با خبرنگاران فیلم توکلی را ببیند. اتاق تاریک روح‌الله حجازی هم مثل همیشه طبقه متوسط روشنفکر و به خصوص زن این قشر را هدف گرفته بود و همه کاسه کوزه‌ها را بر سرش خرد کرد! کاش حجازی فیلمی مثل شکار زوینتر برگ را ببیند.

پیمان معادی در بمب یک عاشقانه معلوم بود دوره کامل فیلم‌های امیر کوستارینا را دیده و از فیلم زیرزمین این فیلمساز خوشش آمده است! اما شاید جنجالی‌ترین فیلم و کارگردانش لاتاری و محمدحسین مهدویان باشند. فیلمی که در آن داش فرمون جدید و البته بچه هینتی و جنگ رفته سینمای ایران دست در دست قبصر جوان پرکار به دبسی می‌روند که انتقام ناموس پرستانه‌ای بگیرند و در عین حال بنیانه سیاسی اجتماعی فرهنگی صادر کنند. به نظر می‌رسد مهدویان فیلم‌های فرزاد دلجو و کیمیایی و حاتمی‌کیا را توأمان دوست دارد، ولی توصیه می‌شود کمی مطالعه تاریخ ادبیات و شعر را به برنامه روزمره‌اش اضافه کند.

نیما اقلیم‌ها هم فیلم امیر را که می‌ساخت پیش خودش فکر می‌کرد یا سوجیرو ازو یا روبر برسون سینمای ایران لقب می‌گیرد و منتقدین برایش سوت و کف و هورا می‌کشند که داستان توکیو یا جیب‌بردیگری ساخته که نشد. از آن طرف رضا مقصدی



نوید محمدزاده با مدل موهای خاص و لباس‌هایش باز هم خبر ساز شد. او کلی حرکات عجیب انجام داد. او درباره شکل ریش و موهایش هم به خبرنگاران گفت: «خودم دوست داشتم مدل موهایم این‌طور باشد و خیلی دوست ندارم شکل نرمال و مثل همه باشد، حالا ببینیم اینستاگرام چه اتفاقی می‌افتد؟! از اینکه می‌آیند و در اینستاگرام فحش می‌دهند خوشم می‌آید، من نماد همان‌هایی هستم که در اینستاگرام حمله می‌کنند.»

اتفاق برای هومن سیدی رخ داد که از همه بیشتر داشت مؤدبانه پاسخ می‌داد. او در این باره به سازندگی می‌گوید: «راستش من به احترام مقابل اعتقاد دارم و واقعا کاراکتر همین شکلی است. اما این که یکی بیاید و فیلمم را منتم به کپی‌کاری کند، از قبل برنامه‌ریزی شده بود و دیدید که من انتظارش را داشتم. باز هم سعی کردم در کمال آرامش پاسخ بدهم و گفتم جواب آن آقای محترم را نمی‌دهم. اصلا این برخوردها را دوست ندارم. به نظرم من فیلمی ساختم، رفته به کنفرانس و هر سؤالی را هم در کمال آرامش جواب می‌دادم.» در جلسه‌های مطبوعاتی سوزه کم نبود. از خانم مؤان صابری که با افه‌هایش مورد توجه قرار گرفت و گفته شد او تبسم دارد تا حمله به لاتاری و پاسخ‌های فرخ‌زاد و حرف‌های لیلی رشیدی در دفاع از عرق سرد که بازتاب‌های فراوانی داشت.

حالا فردوسی فاشیست است؟

برنامه هفت امسال با اجرای رشیدیور البته نیمی از جنجال‌های سال قبل تیم افخمی را هم نداشت. بزرگترین چالش هم بین مسئولان فیلم لاتاری بود با رشیدیور. جایی که محمدحسین مهدویان در حالی کپ‌کرده رویه‌روی رضا رشیدیور گفت حتی شاهنامه فردوسی هم نگاهی فاشیستی دارد. البته از آن طرف هم هادی حجازی‌فر و محمود رضوی، رشیدیور را متهم کردند به لو دادن جریان فیلم. شایعه شد تیم سازنده فیلم که رابطه خوبی با تهیه‌کنندگان هفت دارند، به دنبال تغییر رشیدیور و حذف او هستند و مهدویان باشند. فیلمی که در آن داش فرمون جدید و البته بچه هینتی و جنگ رفته سینمای ایران دست در دست قبصر جوان پرکار به دبسی می‌روند که انتقام ناموس پرستانه‌ای بگیرند و در عین حال بنیانه سیاسی اجتماعی فرهنگی صادر کنند. به نظر می‌رسد مهدویان فیلم‌های فرزاد دلجو و کیمیایی و حاتمی‌کیا را توأمان دوست دارد، ولی توصیه می‌شود کمی مطالعه تاریخ ادبیات و شعر را به برنامه روزمره‌اش اضافه کند.

نیما اقلیم‌ها هم فیلم امیر را که می‌ساخت پیش خودش فکر می‌کرد یا سوجیرو ازو یا روبر برسون سینمای ایران لقب می‌گیرد و منتقدین برایش سوت و کف و هورا می‌کشند که داستان توکیو یا جیب‌بردیگری ساخته که نشد. از آن طرف رضا مقصدی

نامه‌ای در این باره حتی به شورای عالی امنیت ملی رفته که اتفاقاً از سوی یک نهاد سینمایی بوده است. این فیلم که احتمالاً ایده اولیه‌اش باید برگرفته از مهاجرت یک «مدل-بازیرگر» ایرانی به ترکیه باشد که برای همین مجوز نمی‌گرفته است، چطور اجازه ساخت گرفت؟ یکی از عوامل فیلم می‌گوید: «روند و تم اصلی فیلمنامه همین بود و فقط کمی مسیر تعریف کردنش تغییر کرده است.» به روایت ساده و با کمی شوخی مثلا شاید بشود گفت به جای ساختن داستان مهاجرت خانم (ص-ط) احتمالاً داستان قصه بازگشت رابعه اسکویی را ساخته‌اند!

این فیلم البته مشکلاش برای اکران خیلی کمتر از «عرق سرد» فیلم جدید سهیل بیرقی است که قصه معروف خانم فوتبالیست و ممنوع‌الخروج شدن توسط همسرش را بازسازی کرده، غیر از معارض شخصی، کلی مدعی‌العموم دلویس دارد. بعضی از نزدیکان به شورای نمایش می‌گویند نسخه‌پخش شده ممیزی‌های زیادی داشته است و باز هم برای اکران، قطعاً مشکلات بسیاری در پیش خواهد داشت.

اصلاً توجی می‌فهمی، خاصی تو نکاهت داری!

ماجرای کنفرانس‌های مطبوعاتی در دو سه سال اخیر همیشه خبرساز بوده است. راستش دیگر فقط علی دایی و علی کریمی و قلعه‌نویی در بین فوتبالیست‌ها نیستند که بی برده‌اند وقتی جلوی عادل فردوسی‌پور می‌ایستند، بهترین نوع دفاع، حمله است. سال قبل اگر مسعود کیمیایی با لحنی از بالا به پایین و با یک «تو اصلاً چی حالته؟!»، خاصی به جمع خبرنگاران آمد، امسال همین تاکتیک را نوید محمدزاده برای بازی در «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و از او مهمتر، ابراهیم حاتمی‌کیا برای فیلم «به وقت شام» داشتند. هر پریشانی پاسخی تند رویه‌رو می‌شد. حاتمی‌کیا تقریباً هیچ‌تکی را با پانکی‌تدی جواب نگذاشت و با عباراتی مثل اینکه اگر تو بردی من اسمم را عوض می‌کنم، اصلاً تو عمرت داعشی دیدی‌های و خیلی از این حرف‌های تند، گارد هجومی در دستور کار این کارگردان نامی بود. نوید محمدزاده هم با گفتن واژه‌هایی چون عشق می‌کنم این شکلی باشم، دوست دارم و نمونه‌هایی از این دست، به مصاف خبرنگاران رفته بود و جالب اینکه تهداد دعوی سالن کنفرانس



عادل فردوسی‌پور هرسال به جشنواره می‌آید و چند فیلمی را تماشا می‌کند. امسال هم دو فیلم «بمب، یک عاشقانه» و «مغزهای کوچک زنگ زده» را دید و از «مغزهای کوچک زنگ زده» بیشتر خوشش آمد.



مژگان صابری حرکات خاص او در روز اکران «شعله‌ور» حواشی زیادی داشت. برخی سایت‌ها ادعا کردند که او به بیماری اوتیسم مبتلا است که این موضوع تکذیب حمید نصعت‌الله را به همراه داشت. اما عکس‌ها و ژست‌های عجیبش کماکان سورپرایز بزرگ جشنواره است.

## گفته‌های روز



**حامد کاویانپور:** مدد حمایت حامد کاویانپور از علی کریمی از نوع خاص است؛ او در صفحه اینستاگرامش نوشته: «خیلی از دوستان منتظر حمایت من از علی هستند، در پست‌های قبلی توضیح دادم که علی و تیمش در حال حاضر نیاز به آرامش دارند. بحث در مورد فساد در فوتبال آنقدر گسترده است که نمی‌توان به این شکل به آن پرداخت. برنامه (فته) محتوای اصلی‌اش سوء استفاده از مسائل حاشیه‌ای فوتبال است. چه کسی بهتر از علی کریمی که وارد این حاشیه بشود؟! بی‌شک در این موارد همه فوتبالی‌ها پشت هم هستند. بزودی در مورد مجری محترم و رابطه بین بنده با ایشان حرف‌های شنیدنی‌ای براتون دارم.»



**جواد خیابانی:** دیگر باید به اصطلاحات و تعابیر عجیبی که جواد خیابانی در گزارش‌هایش استفاده می‌کند عادت کرده باشید. اما او این توانایی را دارد که هر بار سورپرایزتان کند. روز گذشته او بازی فینال فوتسال جام ملت‌های آسیا بین تیم‌های ایران و ژاپن را گزارش می‌کرد. در مقطعی از نیمه اول بازی، ایران در حال حمله بود و ژاپنی‌ها به شدت مشغول دفاع بودند. خیابانی در توصیف این وضعیت گفت: «در فوتسال به این نوع دفاع کردن می‌گویند دفاع آتوبوسی. حالا در فوتسال باید بگوییم دفاع مینی‌بوسی»



**رسول خادم:** حسن بزندی که بعد از المپیک یک وزن بالاتر رفت، برای مسابقات آسیایی هم قرار است یک وزن بالاتر برود. بعضی از کسانی که خودشان را لایق‌تر از رسول خادم برای سرمربیگری تیم ملی کشتی آزاد می‌بینند از این تغییر وزن ایراد گرفته‌اند. خادم خطاب به آنها گفته است: «برنامه‌های تدارکاتی در حوزه حرفه‌ای و فنی پیچیده است و نمی‌شود با تحلیل‌های دبستانی، برنامه‌ریزی‌های پیچیده فوق تخصصی را در بالاترین سطح حرفه‌ای ارزیابی کرد. اگر برنامه‌ریزی فنی رو باشد که هر کسی بتواند آن را تجزیه و تحلیل کند، دیگر برنامه‌ریزی فنی نیست.»



**دعوت رامین طباطبایی:** تا همین هفته پیش تماشای مسابقات بسکتبال مردان برای زنان ممنوع بود ولی در دو بازی فینال خانواده بازیکنان و مربیان وارد سالن شدند و حالا رامین طباطبایی، رئیس فدراسیون بسکتبال از همه زنان علاقه‌مند دعوت کرده در بازی پنجم فینال که در تبریز و بین تیم‌های شهرداری تبریز و مه‌رام برگزار می‌شود، به سالن بیایند: «امیدوارم هم در بازی فینال لیگ برتر در تبریز و هم در بازی ایران و عراق که ۶ اسفند ماه برگزار می‌شود بتوانیم شاهد حضور پرشور خانواده‌ها و تماشاگران باشیم.»

## ناصر نامدار

خبرنگار گروه ورزش

از فتح تاب‌بارن مونیخ و شالکه رفتن کار هر کسی نیست، با چنگ زدن به قلب میلیون‌ها عشق فوتبال که به همین راحتی‌ها عاشق کسی نمی‌شوند. حالا بازی در پرسپولیس و تیم ملی و «سرتوب» زدن‌های محشرش بماند. مگر کسی می‌تواند بازی با «ارم» را فراموش کند، یا روزی را که سه بار دروازه‌لی وون جان، دروازه‌بان مغرور کره جنوبی را باز کرد. همه اینها به کنار مگر می‌شود شبی را که توپ طلای آسیا را گرفت، فراموش کنیم؟ چقدر از او خاطره داریم، آنقدر که حتی عصیانگری‌اش در تورنمنت بی‌اهمیت ویتنام، آنجا که با دست توی سینه داور ژاپنی کوبید، را به جان خریدیم. خلق و خوی‌اش همین است. نمی‌شود آن را تغییر داد چه اگر غیر این بود او دوباره شورش نمی‌کرد، دوباره عصبانی نمی‌شد و از کلماتی استفاده نمی‌کرد که این بار به خود او هم خرده بگیرند. خیلی از حرف‌ها و نقدهایش حقیقت دارد و خیلی‌ها این را می‌دانند اما حسرت می‌خورند که چرا کریمی این بار در استفاده از کلمات بی‌دقتی کرده، ادبیات و نوع بیان کریمی این بار متفاوت است، در حدی که بعضی گمان می‌کنند جادوگر، جادو شده است! این بار کریمی به رکن اصلی فوتبال کشور بند کرده است. به مهدی تاج و به قول کریمی دارودسته‌اش در فدراسیون، پای عادل فردوسی‌پور و نودش را وسط کشیده. به بهانه اینکه در نود صحنه‌های مربوط به داوری بازی‌های اسپیدرود را پخش نکرده. اتهامش به عادل اما بزرگ‌تر از این حرف‌هاست. کریمی در لفافه عادل را به شرط‌بندی متهم می‌کند و می‌گوید او با کی‌روش و فدراسیون لابی کرده و به همین دلیل آنها را به چالش نمی‌کشد.

## هشک جنجال

افتتاح جنجال با کتک زدن داور؛ علی کریمی با تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی بانکوک به قهرمانی رسیده بود. ایگون کوردس، مربی آلمانی وقت تیم آیسید، برای حضور در تورنمنت دان‌هیل علی کریمی را دعوت کرد. در بازی با ویتنام کریمی در نیمه دوم به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین شد و اولین فاجعه را به بار آورد. داور ژاپنی علی انصاریان را از زمین اخراج کرد و کریمی در اعتراض به این تصمیم به داور نزدیک شد و او را هل داد و کمی بعد با دست ضربه‌ای محکم به صورت او زد! چند روز بعد AFC حکم محرومیت یک سساله او را صادر کرد.

«این» علی و «آن» علی؛ رابطه علی کریمی با علی دایی هیچ وقت خوب نبوده است. می‌گویند یک بار کریمی در یک مسابقه فوتسال دایی را دریل کرد و باعث عصبانیت او شد. دست آخر هم یک لایه به دایی زد و به جایش یک سیلی از او نوش جان کرد. کریمی در اولین مصاحبه پلندی که با هفته‌نامه تماشاگران انجام داد گفت دایی را خدا بغل کرده است! دایی هم در جواب گفت اگر خدا مرا بغل کرده کریمی را یک ماچ هم کرده! رابطه این دو نفر تا همین الان هم تغییری نکرده.

لگندی مهم‌تر از گل‌های جام جهانی؛ جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان. ایران بسا مکزیک، پرتغال و آنگولا هم گروه بود. در این مسابقات ایران یک گل به مکزیک زد و یک گل به آنگولا. اما ماندگارترین تصویر ایران در این تورنمنت را علی کریمی خلق کرد. با لگدی که بعد از تعویض در بازی با پرتغال به ساک پزشکی تیم زد! قبل از شروع جام، چند بازیکن اصلی تیم مثل مهدوی کیا، کریمی و هاشمیان به شکل عجیبی مصدوم شدند و آمادگی کاملی برای این تورنمنت نداشتند. به همین دلیل برانکو کریمی را تعویض کرد.

اخراج به جسم روزه‌خواری؛ علی کریمی با پیراهن استیل آذین و یک روز قبل از بازی با استقلال با صادق درودگر، سرپرست تیم، درگیر شد و بلافاصله در مصاحبه با سایت شخصی خودش با همان صراحت همیشگی گفت که با مدیریت فعلی آمیدی به قهرمانی استیل آذین وجود ندارد! این جمله نشان از اختلافات شدید او با مصطفی آجورلو، مدیر عامل وقت باشگاه، داشت. چند روز بعد کریمی به اتهام روزه‌خواری در تمرین از تیم اخراج شد.

استیل آذین یا پرسپولیس؟! در بازی استیل آذین - پرسپولیس بود که کریمی زیر پیراهنش یک پیراهن پرسپولیس پوشیده بود تا به وقتش از آن رونمایی کند. او توانست به پرسپولیس گل بزند اما وقتی مسعود مرادی دقیقه ۹۵ اخراجش کرد، پیراهن استیل آذین را از تنش درآورد و آن را به هوا پرتاب کرد. او با این کارش بیشتر از پرسپولیس‌ها دلبری کرد.

انتقال جنجال به نیمکت تیم ملی؛ خبر اضافه شدن علی کریمی به کادر فنی تیم ملی خبر خوبی بود اما عمر حضورش در کادر فنی تیم ملی هم کوتاه بود. گفته می‌شد هدایتی پولی را به عنوان پاداش برای بازیکنان و کادر فنی تیم ملی به کفایشان داده بود. اما این پول جای دیگری (مرتبط با تیم ملی) خرج شد. بعد هم ماجرای نگرش بلیت فرست کلاس هواپیما برای کریمی و برخی دیگر از اعضای تیم ملی پیش آمد. نهایتاً قبل از جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۵ استرالیا از تیم ملی کنار رفت. تاج گوشه رینگ جادوگر؛ علی کریمی در کانال‌ش از صحبت‌هایش با مهدی تاج در جلسه خصوصی‌شان هم چیزهایی گفته است. مثلاً اینکه تاج به او گفته قصد داشته کی‌روش را اخراج کند. این خبر برای اولین بار بود که پخش می‌شد. کریمی از تاج خواست در این باره حرف بزند. لحنش اما چندان خوب نبود. ناگهان خبر رسید ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان از کریمی به خاطر نوشته‌هایش در اینستاگرام شکایت کرده است! خبری که باعث شد کریمی آن را انتقام‌گیری مدیران اصفهانی فدراسیون از خودش عنوان کند؛ هر چند ستاد مذکور یک روز بعد از تباط این شکایت را با فدراسیون فوتبال تکذیب کرد اما همچنان افرادی این دو ماجرا را به هم مرتبط می‌دانند.

اتهام عجیب به عادل؛ آخرین کسی که کریمی با او وارد چالش شده عادل فردوسی‌پور است. کریمی در بجه‌افشاگری‌هایش از فدراسیون لوگوی برنامه ۹۰ را از روی میکروفون این برنامه کند و پرتاب کرد! حرکتی که باعث انتقادات زیادی از کریمی شد. کریمی البته روند انتقاداتش از ۹۰ را تغییر نداد و در ادامه فردوسی‌پور را متهم به فعالیت در شرط‌بندی‌های فوتبالی کرد! کریمی معتقد است عادل در زمینه تخلفات فدراسیون دست به افشاگری نمی‌زند و ترجیح می‌دهد در این باره سکوت کند. البته شروع درگیری کریمی با عادل به خاطر این بود که کریمی می‌گفت عادل در برنامه‌اش صحنه‌های مربوط به داوری بازی‌های اسپیدرود را پخش نکرده!

به هر حال استغفای او در اسپیدرود قبول نشد تا همچنان منتظر غرغش‌هایش باشیم.

## ما همه علی کریمی هستیم

از روزی که کریمی فیتله را بالا کشیده و آتش انتقاداتش را تندتر کرده، بوده‌اند دوستان و رفقای که در مصاحبه‌ها یا در صفحات شخصی‌شان در شبکه‌های مجازی با هشکت «ما علی کریمی هستیم» از او حمایت کرده‌اند.

رضا صادقی: «چقدر باحاله وقتی می‌بینی به عده میخوان یکجو بیارن پایین و اون‌هی بالاتر میره تو نگاه خدا و مردم... باعث افتخاری رفیق، مرد باغیرت.»

مهناز افشار: پیرونده‌سازی برای علی کریمی آن هم به خاطر گفتن از کوروش کبیر که بخش خاصی از تاریخ افتخارآمیز این سرزمین به حمایت از مسعود شجاعی که جزو سرمایه‌های ارزشمند ورزش ایران است از طنزهای تلخ این روزهاست.

علی دایی: من نمی‌توانم در مورد مسائل مختلف حرف بزنم. نمی‌توانم بگویم چه می‌گوید، چون برای من چیز جالبی نیست. من دنبال آرامش هستم و می‌خواهم با آرامش تیمم موفق شود.

علی پروین: علی باید یک مقدار آرام‌تر باشد. او مربیگری را تازه شروع کرده و کار مربیگری هم سخت‌ترین کار دنیاست. علی هم اول کارش است و یک مقدار باید آرام‌تر و صبور باشد. اگر او بخواهد این طور ادامه بدهد اعصاب خودش را خرد می‌کند، تنها می‌ماند و حرص و جوش می‌خورد. این کار هم کاری است که بدن آدم ۹۰ دقیقه با ایستادن و نشستن کنار زمین می‌لرزد. علی باید آرام و صبور باشد. داور هم اشتباه می‌کند و غرض‌ورزی ندارد.



جلالی: با اخلاقی که کریمی دارد و نمی تواند سازش را تحمل کند و مصلحت اندیشی را نمی داند، به صلاحش نیست که مربیگری کند. در ایران باید از خیلی چیزها بگذری و دست به خیلی از کارها بزنی که ایشان نه استعداد این کار را دارد و نه اینکه می تواند از خیلی چیزها گذشت کند



## تماشاچی: راهنمای ورزش

### اخبار



#### دوازدهمین قهرمانی ایران در آسیا

تیم ملی فوتبال کشورمان روز گذشته، در دیدار فینال مسابقات فوتبال قهرمانی آسیا، به مصاف ژاپن رفت که در پایان این دیدار، شاگردان ناظم الشریعه موفق شدند با نتیجه ۴ بر صفر حریف خود را شکست داده و دوازدهمین قهرمانی ایران در آسیا را رقم بزنند. پیش از این بازی، در دیدار رده بندی ازبکستان و عراق به مصاف هم رفتند که این دیدار در پایان دو زمان ۲۰ دقیقه‌ای به نتیجه تساوی ۴-۴ انجامید تا کار به ضربات پنالتی کشیده شود. جایی که تیم ازبکستان موفق شد با نتیجه ۶ بر ۵ حریف خود را شکست داده و برای چهارمین بار به مقام سوم این مسابقات دست یابد.



#### استیپه فاحش AFC در قبال علیپور

سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) در گزارشی به معرفی ستاره‌های احتمالی فصل جدید لیگ قهرمانان آسیا پرداخته و از علی علیپور مهاجم گلزن پرسپولیس به عنوان یکی از بازیکنانی که مستعد درخشش در بالاترین سطح از فوتبال باشگاه‌های آسیا هستند، نام برده. نکته عجیب اینکه سایت AFC در معرفی علیپور به اشتباه عکس محسن مسلمان را استفاده کرده است.



#### لو بر سر دوراهی

بر اساس اعلام برخی از رسانه‌ها، یواخیم لوه، سرمربی کنونی تیم ملی آلمان، یکی از گزینه‌های هدایت بایرن مونیخ در فصل آینده رقابت‌هاست.

این در حالی است که رسانه‌های اسپانیایی معتقدند فلورنتینو پرس، مدیرعامل باشگاه رئال مادرید نیز، در صدد به خدمت گرفتن این سرمربی آلمانی به عنوان جانشین زین الدین زیدان است. لو که تا سال ۲۰۲۰ با فدراسیون فوتبال آلمان قرارداد دارد در خصوص این شایعات اعلام کرد که تا پایان جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه به هیچ پیشنهادی فکر نخواهد کرد.



#### رکوردهای NBA

به نقل از مجله فوربس، برای نخستین بار تاریخ لیگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا، ارزش هر کدام از تیم‌های حاضر در NBA به بیش از یک میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۱۸، میانگین ارزش هر تیم در لیگ به یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار رسید که نسبت به سال قبل ۲۲ درصد افزایش داشته است. گرانترین تیم NBA در حال حاضر، نیویورک نیکس، به ارزش ۳٫۶ میلیارد دلار است. نیکس، ششمین تیم باشگاهی جهان پس از دالاس کاپوز، نیویورک یانکیز، منچستر یونایتد، بارسلونا، رئال مادرید و نیوانگلند پتریوتس از نظر ارزش به حساب می‌آید.

### تماشاچی

نوید صراف | موزه لوور، برج ایفل، دیوار چین، سی‌وسه پل، بیگ بنگ، نقش رستم و مسجد وکیل، همگی مکان‌هایی هستند که هر روز توجه هزاران گردشگر از سراسر جهان را به خود جلب می‌کنند اما برای ورزش‌دوستان، گردشگری یعنی دیدن بازی تیم مورد علاقه و مسابقات ورزشی؛ از تماشای فوتبال نماینده‌های کشورمان در لیگ قهرمانان آسیا گرفته تا هیجان دیدن مسابقات المپیک زمستانی. برای ورزش‌دوستان گردشگر، نقشه یعنی آدرس استادیوم، یعنی مشخص شدن ساعت پخش و شبکه پخش کننده یک مسابقه. از این رو تصمیم گرفتیم کمی کار را آسان کرده و مهم‌ترین مسابقات امروز را معرفی کنیم تا آنها را روی نقشه خود علامت‌گذاری کنید:



#### الدحیل قطر - ذوب آهن ایران

در چارچوب رقابت‌های این فصل لیگ قهرمانان آسیا، ذوب آهن اصفهان، یکی از چهار نماینده کشورمان در گروه B این دوره از رقابت‌ها، از ساعت ۱۶:۴۵ امروز در قطر به مصاف تیم الدحیل این کشور خواهد رفت. این جدال حساس را شبکه ورزش به صورت زنده پوشش خواهد داد.



#### تراکتورسازی ایران - الاهلی عربستان

از گروه A رقابت‌های این فصل لیگ قهرمانان آسیا، تراکتورسازی، دیگر نماینده فوتبال کشورمان در ورزشگاه السیب کشور عمان، میزبان تیم قدرتمند الاهلی عربستان خواهد بود. دیداری که از ساعت ۱۹ به صورت زنده از شبکه سوم سیما پخش می‌شود.



#### چلسی - وست‌هم وویچ

معمار اصلی قهرمانی چلسی در فصل گذشته لیگ برتر انگلیس، اکسون در حال تجربه روی تلخ فوتبال است و شاید امشب، آنتونیو کونتو در صورت عدم کسب پیروزی مقابل وست‌هم، بعد از مواجهه با حکم اخراج از سوی آبراموویچ، یکی از تلخ‌ترین دوران حرفه‌ای خود را تجربه کند. این دیدار از ساعت ۲۳:۳۰ به صورت زنده از شبکه ورزش سیما پخش خواهد شد.



#### المپیک زمستانی ۲۰۱۸ - کره جنوبی

بازی‌های المپیک زمستانی، از روز جمعه آغاز شده و شبکه ورزش نیز به صورت زنده بسیاری از رقابت‌های جذاب این بازی‌ها را پوشش می‌دهد. از جمله رقابت‌های جذاب کرلینگ که می‌توانید از امروز به تماشای آن بنشینید. رقابت‌های هاکی روی یخ زنان نیز امروز پیگیری می‌شود که در گروه B، ابتدا سوئیس به مصاف ژاپن می‌رود و سپس سوئد مقابل کره جنوبی صف‌آرایی خواهد کرد. اسکی پرش و اسکی آلپاین (زنان)، دیگر مسابقات جذاب المپیک زمستانی است که امروز گزارشی از آن پخش می‌شود.

## گفت‌وگو

### منفجر شود دیگر به چیزی فکر نمی‌کند

علی کریمی از نگاه مدیر برنامه سابقش: ابو الفضل جلالی

از چیزی بگذرد و چشم‌پوشی کند ندارد. در قاموسش نیست. بزرگترین ضربات و هولناک‌ترین آنها به خودش می‌خورد. او دارد خودش را قربانی افرادی می‌کند که سکوت کرده‌اند و گوشه خانه افتاده‌اند. با قربانیان بی‌صدایی که قدرت تکلم ندارند. به نظر شما کریمی وجهه‌ای داشته که تند برود. شاید زمانی مشاورانی بوده‌اند که به او کمک می‌کردند. ادبیات او باعث می‌شود حرف‌های خوبی که می‌زند لایه‌لای ساین حرف‌هایش گم شود. ایشان هر چند ادبیات مناسبی ندارد



و نمی‌تواند جملات را کنار هم بچیند اما حرفی که می‌زند از مشکلاتی است که از درون فدراسیون و دارو دسته‌شان بیرون می‌آید. اما می‌دانیم که فدراسیون کلاً انتصاب‌اتش و روی کار آمدنش به چه شکلی بوده است. الان هم اداره فدراسیون به شکل گلخانه‌ای است و این علی کریمی را رنج می‌دهد. ایشان می‌آید از حقوق دیگران دفاع کند اگر نه خودش دنبال چیزی نیست. تا الان هم کریمی در تمام مسائلی که شرکت داشته صرفاً در جهت ایفای منافع دیگران بوده است نه سود و منفعت خودش نیست. اصلاً این چیزها را در نظر ندارد. ایشان چیزهایی را می‌بیند که درست است اما یک جلیقه انتخاری می‌پوشد و وارد میدان می‌شود. در این انتحار اول خودش را از بین می‌برد. من هم به عنوان یک تماشاگر مضطرب هستم. کارهای او بهترین خوراک لذیذ برای رسانه‌ها و برای کباب کردن است. آن هم با سوالات تحریک‌آمیز. ایشان حرف‌هایی می‌زند که به ضرر خودش است و این راهی که کریمی می‌رود هرگز به سرانجام نخواهد رسید. اما مسئله بعدی

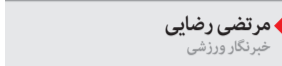
## یادداشت

### سلب‌بیتی‌ها و اقتصاد شهرت

پیرامون خشم، فریاد و مشت گره کرده یک ورزشکار

ناگزیر است که به ریشه‌های تدریجاً ناز بزرگان جامعه‌شناسی برگردد. ماکس وبر وقتی از فرآیند و مکانیسم ظهور کاریزما در جوامع سخن می‌گفت، نیاز انسانها به احساس کرنش برابر یک اتوریته‌ی محبوب دست‌نایافتنی را می‌دید. جذبه‌ی کاریزما یک صورتی شناخته شده و اصیل از مسئله‌ی شهرت و محبوبیت است که در خیلی از جوامع کاربرد داشته و دارد و ریشه‌های سنتبری در معادلات افراد و روابط انسانی برایش تصویر می‌شود. اما آیا می‌شود بلوای یک سلبریتی با لشکر طرفدارانش را ذیل نظریه‌ی وبری محبوبیت بررسی کرد؟ آیا هنرپیشه یا ورزشکار یا خواننده‌ی جنجالی به اندازه و قوا‌های جامعه‌شناختی یک کاریزما نزدیک می‌شود؟ در نگاه ویر برای معادلات اطراف یک کاریزما می‌شود اقتصاد و سیاست و فرهنگ را دخیل دانست و از همین مسیر است که امکان فروکاست یک جامعه‌ی کاریزماپور را به موقعیت شهرت‌زده و سلبریتی محور تحلیل کرد.

میل و هوس بنیادین ما برای ذوب شدن و مبهوت ماندن در سیمای کاریزما و اسطوره در گذر زمان و با تغییر زیربنای فرهنگ



ابو الفضل جلالی؛ او یکی از نزدیکترین چهره‌ها به علی کریمی بوده، حداقل تا ۲-۳ سال پیش که این‌طور بوده است. اما به قول خودش مدتی است که نه به کریمی مشاوره می‌دهد و نه زیاد با او در ارتباط است. سال‌های قبل زمانی که حرفی از کریمی به میان می‌آمد خیلی‌ها از جلالی به عنوان مدیر برنامه جادوگر حرف می‌زدند. ادعایی که بارها خودش آن را رد کرده و درباره‌اش گفته است: «هیچ کدام اینهایی که می‌گویند نبوده‌ام. من فقط عشق به فوتبال داشتم و دارم.» هر چه هست او یکی از نفراتی است که به خوبی خلق و خوی علی کریمی را می‌شناسد. می‌داند در این لحظات که اسپند روی آتش شده چه چیزی می‌خواهد و مطالبه‌هایش را چطور فریاد می‌زند. با ابو الفضل جلالی تماس گرفتیم تا از او درباره جادوگر بیرسیم، از او که با همه سردی‌های کریمی توانسته بود ارتباطی عاطفی با علی برقرار کند و نقش پررنگی را در زندگی فوتبالی این بازیکن داشته باشد.

می‌خواهم از شما به عنوان آدمی که سال‌های سال به علی کریمی نزدیک بودید سوال کنم که چه چیزی باعث می‌شود تا او این روش را انتخاب کند و با این ادبیات مطالبات‌اش را پیش ببرد؟ من مدت هاست، تقریباً دو یا سه سال است که هیچ مشاوره‌ای به علی کریمی نمی‌دهم و در امور او دخالت نمی‌کنم. اما از آن جایی که خصوصیات او را می‌دانم باید بگویم که او آدمی است که هیچ سعصدر و صبوری و مصلحت در اینکه



چند هفته‌ای می‌شود که یک ورزشکار معروف به مثابه یک سلبریتی مشغول جنجال‌آفرینی و سر و صدا و خبرسازی است و تا اینجا کار به نظر می‌رسد که علی کریمی، قهرمان داستان ما قصدی برای کوتاه آمدن و آتش‌بس ندارد. چه چیزی رفتار هیجانی یک سلبریتی را تقویت می‌کند؟ چه پاداش‌ها و دستاوردی سبب می‌شود فردی با تکیه بر محبوبیت و شهرت و پول چنین میدان‌دار عرصه‌ی خطرناک درگیری با مراجع حقیقی و حقوقی دیگر باشد؟ آیا یک سلبریتی خودش به وجود می‌آید یا دنیای شلوغ و بی‌اعتبار معاصر نیاز دارد که یک شبه اسطوره برای افکار عمومی تعیین تکلیف و آن را مهندسی و هدایت کند؟

محبوبیت بیمار جامعه‌شناسی وقتی قصد تحلیل ماجرای «شهرت و محبوبیت» شخصیت‌ها را دارد



تعمقاله

روزنامه‌ای برای همه  
اصلاح‌طلبان



انتشار مجله صبحگاهی سازندگی را که دل در گروه آبادانی این سرزمین دارند، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. امیدوارم در این مسیر مجله صبحگاهی سازندگی با وجود تعلق به حزب کارگزاران سازندگی ایران ضمن حفظ هویت حزبی روزنامه‌ای در خدمت وحدت اصلاح‌طلبان و تحقق شعار اصلی حزب یعنی تأکید بر منافع ملی باشد. موضوع توسعه ایران در کنار تحقق شعارهای بلند انقلاب اسلامی موضوع مهمی است که باید همگان را به همت در این مسیر تشویق کرد. ما در حزب کارگزاران سازندگی ایران به عنوان اولین حزب غیر ایدئولوژیک بر این باور هستیم که تنها راه تحقق آرمان‌های بلند انقلاب بازسازی فضای همکاری، تفاهم، همفکری و همراهی ملی است. نمی‌توان به آینده ایران امید بست بدون اینکه همه نیروهای ارزشمند کشور را در صحنه فعالیت‌های مختلف به کار گرفت. در شرایط امروز ایران ائتلاف اصلاح‌طلبان، جریان اعتدال و شخص رئیس‌جمهوری را مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده برای هدایت کشور در مسیر رشد و تکامل همه‌جانبه می‌دانم. امروز باید این واقعیت را بپذیریم که دولت برآمده از آرای مردم در اردیبهشت ۹۶ رسالتی بزرگ برای حل و فصل مسائل و مشکلات ایران بر عهده دارد. ائتلاف اصلاح‌طلبان با دکتر روحانی حداقل نیاز همکاری نیروها برای پیشبرد امور کشور و حل مشکلات مردم است. ای کاش دکتر روحانی بتواند در کنار این ائتلاف مهم و سرنوشت‌ساز بخشی از نیروهای جریان رقیب را هم به صحنه مدیریت و توسعه کشور آورده و با خود همراه کند. دوستان اصلاح‌طلب ما با ائتلاف خود در اردیبهشت ۹۶ کشور را از ورود به ورطه سیاست‌های نامناسب نجات دادند و باید همچنان به ائتلاف خود پایبند باشند و لوازم این ائتلاف هم‌پایندی به تشکیل دولتی با حضور اصلاح‌طلبان است. ائتلاف ما با دکتر روحانی، ائتلافی برای اعتدالی ایران است و همچنان باید به این ائتلاف ادامه دهیم تا در ادامه این مسیر شاهد پیشرفت کشور باشیم. در مقابل به دکتر روحانی با خضوع و خشوع و به صراحت اعلام می‌کنیم هر گونه فاصله گرفتن و زاویه بین ایشان، رأی‌دهندگان و جبهه اصلاحات رئیس‌جمهور و دولت را در معرض فشارهای داخلی و خارجی قرار می‌دهد. دکتر روحانی به خوبی می‌داند که تا پایان دوره ریاست‌جمهوری به اندازه روز انتخابات به حمایت‌های رأی‌دهندگان نیازمندند.

تشدید فشار به مسجد جامع

احمد مسجد جامع که سابقه سه دوره عضویت در شورای شهر، ریاست شورا و وزارت را دارد از این جهت شخصیتی مستقل و معتدل و اصلاح‌طلب است که می‌تواند این مسئولیت را بدون گرایش حزبی بر عهده بگیرد. او پیش از این به علت رای اول محسن هاشمی از نامزدی برای ریاست شورای پنجم شهر تهران انصراف داده بود.

محلات و مناطق شهری می‌برد و در واقع بخش مهمی از مسئولیت‌های محله‌ای شورای شهر را بر عهده می‌گیرد. حضور در این نهادها ممکن است به حیاط خلوت نهادهای عمومی و احزاب سیاسی بدل شود و به همین علت عقلای شورای شهر تهران معتقدند چهره‌های حزبی نباید عهده‌دار مسئولیت برگزاری انتخابات شورایاری‌ها باشند.

تازه و جوان شورای شهر که نزدیک به حزب اتحاد ملت ایران اسلامی است و آگذا کند و مسجد جامع که تاکنون سعی کرده است بر خلاف اجماع اعضای شورا عمل نکند نیز در برابر این فشارها از موضع همراهی و همدلی عمل کرده است. شورایاری یکی از نهادهای مهم شورا و شهرداری تهران است که مشارکت عمومی و اجتماعی شهروندان را به سطح

فشار بر احمد مسجد جامع عضو ارشد شورای شهر تهران برای انصراف از مسئولیت اداری شورایاری‌ها افزایش یافته است. به گزارش خبرنگار سازندگی یک جناح سیاسی خاص که تعداد کرسی‌های قابل توجهی از فهرست اصلاحات را در شورای شهر تهران از آن خود کرده است تلاش دارد مسجد جامع این مسئولیت را به آرش میلانی عضو

خبر آخر

مرد بحران ۱

کارنامه و خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۴ اولین جلد از کارنامه و خاطرات روزنوشت ایشان است که در فقدان آن مرحوم و بدون حضور و نظر ایشان منتشر می‌شود. روزنامه سازندگی از امروز به لطف مهندس محسن هاشمی بخش‌هایی از این کارنامه را به صورت پاورقی در صفحه آخر خود منتشر می‌کند.



روزنوشت سال ۱۳۷۴  
آیت‌الله هاشمی رفسنجانی  
شکایت بیت امام از تلویزیون

اسمشنبه ۱ فروردین ۱۳۷۴  
بعد از نماز صبح با تلویزیون مشغول شدیم؛ برای قبل از لحظه تحویل سال، مراسمی از مرقد امام پخش می‌کرد. سپس پیام آیت‌الله خامنه‌ای و به دنبال آن، پیام من پخش شد. بعد از صبحانه به مطالعه بولتن‌ها پرداختیم. به کسانی که می‌خواستند به عید دیدنی بیایند، گفته شد، برنامه دیدار نداریم. عفت هم برای تسلیت اولین عیدشان، به منزل امام رفت. گفت از برنامه‌های شاد دیشب تلویزیون شکایت داشته‌اند. عصر به مرقد امام رفتیم. حسن آقا [خمینی] و [محمدعلی] و انصاری و [محمود] پروجودی... منتظرمان بودند. فاتحه‌ای در داخل ضریح خواندم و مقداری بر مزار احمد آقا و امام نشستم. مردم جمع شدند، با ابراز احساسات. از آنجا به گلزار شهدا و سپس به منطقه شهدای هفت‌تیر رفتیم. آنجا هم با موج احساسات مردم مواجه شدیم. با بعضی از پدران شهدا صحبت کردم. به فرودگاه مهرآباد رفتیم و بلافاصله به سوی کیش پرواز کردیم. عفت و یاسر و بعضی از بستگان و محافظان همراه بودند. غروب رسیدیم. باران خوبی در کیش باریده و هوا بسیار مطبوع است. در تهران و بیشتر نقاط ایران هم، در این دو سه روز باران داشتیم. بعد از نماز، مقداری در ساحل دریا قدم زدیم. بچه‌ها جمع شدند و دسته‌جمعی برای شام رفتیم. آشنی‌خانه را خوب ساخته‌اند و برای اداره رستوران، یک آدم وارد از گچسر آورده‌اند؛ سابقاً مدیر هتل گچسر بوده و ماست و مرغ بومی آورده بود. با آقای [محمود] واعظی، [معاون وزیر امور خارجه]، محسن و مهدی... درباره وضع دریای خزر و مخازن نفت و قرارداد کنسر سیوم و وضع داخلی افغانستان مذاکره کردیم. بعد از شام به بچه‌ها عیدی دادم و خاطراتم را نوشتم.

عکس آخر



خانم کارشناس یزدی به همراه خانواده در راهپیمایی دیروز؛ این کارشناس صدا و سیما به علت توصیه‌هایش به زنان درباره نحوه رفتار با شوهرانشان مشهور شده است. / ایرنا

نظر آخر

فرانکشتاین در تهران: چرا جشنواره‌ی فیلم فجر هیچ کس را قانع نمی‌کند

پناه می‌آوردند تا فساد و تبعیض را نشان دهند. اگر جبهه‌ی (فرضی) انقلاب به جای آدم‌ها به فیلم‌ها و آثار نگاه کند آن وقت برای همین تصاویر بی‌غول‌ها رنگ‌گردنی می‌شود. این جشنواره و رسانه‌های رسمی و منتقدان موجش، متعلق به عصر حذف و هدایتند؛ به دورانی که مردم برای خرید روزنامه‌های سیاه‌سفید صف می‌بستند و تلویزیون دو شبکه قد دراز کرده، سی‌وشش ساله نیست، خیلی سن داشته باشد سه چهار ساله است، خردسال است و دست‌به‌دامن والدین محافظه‌کار و نگران. برنده‌ها و بازنده‌ها مهم نیستند، مهم این است که به زودی دیگر هیچ کس رغبتی به شرکت در این جشنواره ندارد. سی‌وششمین دوره‌ی جشنواره‌ی فجر، مثال روشنی است از اینکه همه‌ی امیدوارها را می‌شود ناکام کرد، با محافظه‌کاری، سیاست‌های غلط و با توجه به فیلم‌های بی‌بخار آموزشی بهداشتی.

و سترگ‌اوی‌لنگی ارائه داده که حتی خودش هم ازش سردر نمی‌آورد. جشنواره‌ای که نداند شرط «سینماگر خوب بودن» به «داور خوب بودن» منتهی نمی‌شود نتیجه‌ای جز این فهرست عجیب نامزدها و برندگان به بار نمی‌آورد. اما مشکل فقط این نظرات نیست، این سینمایی است که در آن منتقدان در تلویزیون به شکل رسمی از دولت می‌خواهند وظیفه‌شان را انجام دهند و این وظیفه را سانسور فیلم‌ها می‌دانند. با واژه‌هایی مثل «نیاز جامعه به امید و نشاط» مخاطبان‌شان را منکوب و سرکوب و به اسم بچه‌های «جبهه‌ی انقلاب» دو قطبی ایجاد می‌کنند. از فیلم‌های فاسد حرف می‌زنند و به نمایش بی‌غول‌ها اعتراض می‌کنند. اینها یادشان می‌رود که همین چند پیش می‌باشند انتخاب‌های نامزدی‌های ریاست‌جمهوری تصاویری به مراتب بدتر عرضه می‌کردند و به دوست‌سنگی اکثریت - اقلیت ۴/۹۶

رقم می‌زند؛ با پخش جوایز بین فیلم‌ها به‌ظاهر دل همه را به دست می‌آورد اما در عالم واقع، همه را از خودش ناراضی می‌کند. غلط مصطلح «سلیقه‌ی هیأت داوران» را مدام و مدام می‌گوید تا همه باور کنند واقعاً هیچ مترومعیاری برای قضاوت وجود ندارد. البته که جشنواره‌ی فجر به سلیقه‌ی فردی آدم‌هاش وابسته است، به کسانی که هنوز فیلم‌ها را روی تلویزیون شایب لورنس سیاه‌وسفید به یاد می‌آورند و با دیدن آرم تکی کالر ذوق می‌کنند. سلیقه‌ای که هنوز هدایت و حمایت می‌خواهد و به سینما مثل مرئی پرورشی نگاه می‌کند. محصول چنین نگاهی حمایت از فیلم‌هایی است که «حرف» دارند و این حرف را به بدترین شکل ممکن می‌زنند. فکر نکنید مشکل در معرفی خنده‌دار نامزدی‌هاست یا در اشتباهات داور است که با استدلال‌های عجیب هم همراه شده؛ این هیأت انتخاب و داوران بین هزاران درخواست و ایده و نظر گرفتار بوده

فرانکشتاین؛ این موجود عجیب‌الخلقه بیشترین شباهت را به جشنواره‌ی فیلم فجر دارد: جشنواره‌ای که هر تکه‌اش را از دوره‌ای برداشته و دلش نیامده تکه‌های به‌دردنخور و تاریخ‌مصرف‌گذاشته را دور بیندازد. این جشنواره هنوز نمی‌داند طرفدار چه جور سینمایی است: می‌خواهد مثل سه دهه پیش الگو معرفی کند و به سینماگران راه نشان دهد یا به فیلم‌ها حرفه‌ای نگاه کند و بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی‌شان آنها را قضاوت کند. متر و معیار که هیچ، حتی خبری از سلیقه هم نیست. چنین جشنواره‌ی در نهایت محافظه‌کاری با استدلال‌های عجیب تصمیم‌های غلط می‌گیرد و نتایجی به‌مراتب فجیع‌تر

دارای رتبه  
توانگری ما سر در صنعت بیمه کشور  
خط ویژه: ۲۳۰۴۷  
www.novininsurance.com  
novin\_insure